

LINGUAPHONE



لینگافن

یا

دوره جامع آموزش زبان

انگلیسی

English  
Course

(از مبتدی تا عالی)



انتشارات

سازمان آموزش زبانهای بین المللی

## ۱۴ امتیاز برجسته این دوره

۱ - ما تضمین میکنیم که شما پس از ۱۷۰ ساعت مطالعه این دوره ( تقریباً " سه ماه روزی ۲ ساعت ) چنانچه دستورات کتاب را یک بیک انجام دهید قادر به صحبت کردن و فهمیدن زبان انگلیسی خواهید بود .

۲ - این دوره آموزش زبان از مبتدی تا عالی بوده و تقریباً " از الفباء شروع وبه مختصری از آثار ادبی مانند شعر ختم میگردد بنابراین دوره ایست یک جلدی و کامل و لذا برای هر فردی با هر نوع معلوماتی در زبان قابل استفاده است .

۳ - قیمت آن بسیار کمتر از قیمت قبلی وبمراتب کمتر از قیمت آن در لندن توسط شرکت اصلی میباشد ( قیمت آن در لندن ۶۰ پاند یعنی بین ۱۰۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰۰ ریال است ) .

۴ - ۱۰ نفر از گویندگان که در نوارهای دروس و تمرینات صحبت کرده اند هر کدام از استادان برجسته فن تلفظ زبان انگلیسی بوده و تعدادی از آنها در برنامه های رادیو دولتی انگلستان ( B. B. C. ) صحبت میکنند . نام و میزان تحصیلات این گویندگان در مقدمه کتاب ذکر گردیده است .

۵ - در ابتدای کتاب طرز استفاده از کتاب و نوارهای آن برای بزرگسالان و کودکان بطور جداگانه و کامل شرح داده شده است لذا قادر خواهید بود پس از یادگیری این دوره مطالب آنرا با توجه به دستورات کتاب بفرزند دلبنند خود نیز یاد دهید .

۶ - در این دوره نحوه تلفظ صحیح حروف الفباء و کلمات با توضیحات کامل وبا استفاده از علامات فونتیک بین المللی در کتاب و نوار پس از خاتمه درس ۵۰ کتاب آمده است که بسیار جالب توجه و مهم میباشد .

۷ - در ابتدای کتاب طرز نوشتن حروف و کلمات و شماره های انگلیسی ذکر گردیده که با تقلید از آنها میتوانید بسیار خوش خط و صحیح حروف و کلمات و شماره های انگلیسی را بنویسید .

۸ - بلافاصله بعد از هر درس لغات واصطلاحات مشکل کتاب ترجمه گردیده و ریشه اصلی بسیاری از افعال نیز همراه ترجمه لغت ذکر گردیده است .

این کتاب بشماره ۳۴۴ مودخ ۵۸/۱۱/۱۴

در کتابخانه ملی به ثبت رسیده است .

ENGLISH COURSE

دوره جدید :

لینگافن

L I N G U A P H O N E

یا

دوره جامع آموزش زبان انگلیسی

( از مبتدی تا عالی )



انتشارات سازمان کتاب و نوار آموزش زبانهای بین المللی

این کتاب و نوارهای مربوط به آن از سری انتشارات سازمان کتاب و نوارآموزش  
زبانهای بین‌المللی بوده و هرگونه تقلید و اقتباس از این کتاب و نوارهای آن  
ممنوع بوده و متخلفین برطبق مواد ۲۳ و ۲۴ قانون حمایت از مؤلفان و همچنین  
برطبق ماده ۴۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران "هرکس مالک حاصل کسب  
و کار مشروع خویش است و هیچکس نمیتواند بعنوان مالکیت نسبت به کسب و کار  
خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند" که بتصویب ملت ایران رسیده  
است مورد تعقیب قانونی قرار خواهند گرفت .

\* \* \*

## ای ایرانی عزیز

کتابی که در دست داری قبل از انقلاب باشکوه اسلامی و قبل از شروع نهضت رهایی از سلطه استثمار و استعمار خارجی ( که بیشتر بصورت ورود انواع اجناس و کالاهای خارجی میباشد ) با لغت نامه پر از اغلاط فاحش بدون توضیحات و دستورات آموزشی کافی بقیمت ۶۰۰۰ ریال توسط شرکت های خارجی ( انگلیسی و هندی ) در تهران بفروش میرسید که این قیمت از حدود بیست سال پیش تاکنون در همین حدود و گاهی تا ۷۵۰۰ ریال در نوسان بوده است .

اینک سازمان نوار و کتاب آموزش زبانهای بین المللی افتخار دارد که پس از صرف حدود یکسال وقت و صرف بودجه زیادی با همکاری استادان زبان از دانشگاه و طراحان ایرانی این دوره جدید را با چاپ نفیس تر و ترجمه صحیح لغات و اصطلاحات و آموزش تلفظ صحیح کلمات و همچنین تمرینات مناسب برای باز نمودن زبان و شروع بانگلیسی صحبت کردن ( مانند کودکی که آهسته شروع به زبان باز نمودن میکند ) با قیمتی کمتر از  $\frac{1}{4}$  قیمت فروش قبلی در دسترس علاقمندان قرار دارد .

ضمناً " متذکر میشود که قیمت دوره لینکافن ( با لغتنامه غلط و چاپ ضعیف تر ) توسط شرکت اصلی آن در لندن ۱۰۰۰۰۰ ریال میباشد که بیش از پنج مرتبه گران تر از قیمت آن در ایران است لذا پیشنهاد میکنیم کسانی که قصد مسافرت دارند این دوره را از ایران تهیه نمایند .

## مقدمه

کاملترین دستور برای آموختن هر زبان خارجی آن است که شرایط اساسی زیر را دارا باشد :

اول - باید از یکطرف با تعلیم انفرادی و خودآموزی و از طرف دیگر برای آموزش دسته جمعی در کلاس مناسب باشد .

دوم - باید محاوره معمولی را در زندگی روزانه یاد بدهد و در عین حال قواعد دستور زبان را نیز بطور روشن و به اختصار بیاموزند .

سوم - باید به آموزنده قدرت دهد تا به همان زبانی که مشغول آموختن آنست فکر نکند نه اینکه کلام را از زبان خودش ترجمه نماید و راه این کار آنستکه از همان ابتدای تعلیم زبان خارجی آموزنده را عادت دهند تا لغت هائی را که یاد میگیرد با اشیاء یا اعمالی که همان لغت ها نماینده آنها هستند مربوط ساخته به ذهن خود بسپارد ( تداعی معانی ) . از همین راه است که آموزنده خواهد توانست بطور طبیعی و بدون زحمت فکر کردن بزبان خارجی حرف بزند یعنی درست همانطور که زبان مادری خود را در طفولیت آموخته است .

چهارم - و بالاخره دستور مورد بحث باید آموزنده را عادت دهد که زبان خارجی را با لهجه ولحن اصلی همان زبان حرف بزند .

طریقه این دوره ( دوره جامع آموزش زبان انگلیسی ) در تعلیم زبانهای مختلف بوسیله نوار و بکمک کتابهای درسی تمام این شرایط را به نحو شایسته انجام می دهد .

دوره جامع آموزش زبان انگلیسی فعلاً " در مورد زبانهای فرانسه و آلمانی و روسی تهیه گردیده است . تقریباً " همه کشورهای متمدن این طریقه تعلیم زبان را اختیار نموده اند حتی دانشگاهها و دانشکده ها و دبیرستانها در سرتا سر جهان آنرا قبول و در برنامه خود گنجانده اند .

## دوره درس زبان انگلیسی

طریقه تعلیم این دوره در زبان انگلیسی هم برای اطفال مناسب است و هم برای بزرگسالان از طرف دیگر طریقه مزبور نه تنها برای نوآموزان بلکه بهمان اندازه برای کسانی که اصول علمی زبان را خوانده اند مفید است منتها برای حرف زدن احتیاج به تمرین و عمل خواهند داشت .

دوره درس مزبور عبارتست از گفتگو درباره چیزها و کارهای زندگی روزانه و شناساندن آنها از راه گفت و شنید . دروس این دوره در سه نوار یکساعته ضبط شده اند . ضمناً " صدای دکتر مکاری ( دکتر در ادبیات ) رئیس قسمت اداری ، در دانشگاه لیدز و مولف کتاب " تلفظ صحیح انگلیسی " چاپ کمبریج نیز در نوار ضبط شده است .

متن درسها بزبان ساده و فصیح انگلیسی و توأم با کنایه های طبیعی است که معمول اشخاص با سواد میزنند . قاعده های صرف و نحو عملاً " در متن درسها درج شده است و بتدریجی که آموزنده جلو میرود این قواعد در ذهن او نقش میبندد . تمام این قاعده ها و کنایه ها در کتابهاییکه برای دوره درس تهیه گردیده بتفصیل بیان شده - تصویرهاییکه بقلم پنج نفر از استادان هنرمند و معروف در کتابها نقاشی شده است جزء عمده درسها محسوب میشوند تاثیر مهمی در تعلیم زبان دارند .

( اسامی استادان نقاش از اینقرار است مستر کالت - مستر کالمن - مستر همفریز - مستر داوست و مستر ویلیمز )

پس از این مقدمه شرحی تحت عنوان " دستور برای آموزندگان " در کتاب ذکر گردیده . در این شرح چگونگی طرز استفاده از کتاب و نوارها به بهترین صورت بقدر کفایت توضیح داده شده است .

گویندگان در صفحه ها :

ده نفر گوینده که نام آنها بعداً " ذکر خواهد شد در پر کردن نوارهای دوره



## مقدمه

کاملترین دستور برای آموختن هر زبان خارجی آن است که شرایط اساسی زیر را دارا باشد:

اول - باید از یکطرف یا تعلیم انفرادی و خودآموزی و از طرف دیگر برای آموزش دسته جمعی در کلاس مناسب باشد.

دوم - باید محاوره معمولی را در زندگی روزانه یاد بدهد و در عین حال قواعد دستور زبان را نیز بطور روشن و به اختصار بیاموزند.

سوم - باید به آموزنده قدرت دهد تا به همان زبانی که مشغول آموختن آنست فکر نکند نه اینکه کلام را از زبان خودش ترجمه نماید و راه این کار آنستکه از همان ابتدای تعلیم زبان خارجی آموزنده را عادت دهند تا لغت هائی را که یاد میگیرد با اشیاء یا اعمالی که همان لغت ها نماینده آنها هستند مربوط ساخته به ذهن خود بسپارد ( تداعی معانی ) ، از همین راه است که آموزنده خواهد توانست بطور طبیعی و بدون زحمت فکر کردن بزبان خارجی حرف بزند یعنی درست همانطور که زبان مادری خود را در طفولیت آموخته است .

چهارم - و بالاخره دستور مورد بحث باید آموزنده را عادت دهد که زبان خارجی را با لهجه ولحن اصلی همان زبان حرف بزند .

طریقه این دوره ( دوره جامع آموزش زبان انگلیسی ) در تعلیم زبانهای مختلف بوسیله نوار و بکمک کتابهای درسی تمام این شرایط را به نحو شایسته انجام می دهد .

دوره جامع آموزش زبان انگلیسی فعلا " در مورد زبانهای فرانسه و آلمانی و روسی تهیه گردیده است ، تقریبا " همه کشورهای متمدن این طریقه تعلیم زبان را اختیار نموده اند حتی دانشگاهها و دانشکده ها و دبیرستانها در سرتا سر جهان آنرا قبول و در برنامه خود گنجانده اند .

## دوره درس زبان انگلیسی

طریقه تعلیم این دوره در زبان انگلیسی هم برای اطفال مناسب است و هم برای بزرگسالان از طرف دیگر طریقه مزبور نه تنها برای نوآموزان بلکه بهمان اندازه برای کسانی که اصول علمی زبان را خوانده اند مفید است منتها برای حرف زدن احتیاج به تمرین و عمل خواهند داشت .

دوره درس مزبور عبارتست از گفتگو درباره چیزها و کارهای زندگی روزانه و شناساندن آنها از راه گفت و شنید . دروس این دوره در سه نوار یکساعته ضبط شده اند . ضمناً " صدای دکتر مکاری ( دکتر در ادبیات ) رئیس قسمت اداری ، در دانشگاه لیدز و مولف کتاب " تلفظ صحیح انگلیسی " چاپ کمبریج نیز در نوار ضبط شده است .

متن درسها بزبان ساده و فصیح انگلیسی و توأم با کنایه های طبیعی است که معمول اشخاص با سواد میزنند . قاعده های صرف و نحو عملاً " در متن درسها درج شده است و بتدریجی که آموزنده جلو میرود این قواعد در ذهن او نقش میبندد . تمام این قاعده ها و کنایه ها در کتابهاییکه برای دوره درس تهیه گردیده بتفصیل بیان شده و تصویرهاییکه بقلم پنج نفر از استادان هنرمند و معروف در کتابها نقاشی شده است جزء عمده درسها محسوب میشوند تاثیر مهمی در تعلیم زبان دارند .

( اسامی استادان نقاش از اینقرار است **مستر کالت** - **مستر کالمن** - **مستر همفریز** - **مستر داوست** و **مستر ویلیمز** )

پس از این مقدمه شرحی تحت عنوان " دستور برای آموزندگان " در کتاب ذکر گردیده . در این شرح چگونگی طرز استفاده از کتاب و نوارها به بهترین صورت بقدر کفایت توضیح داده شسده است .

گویندگان در صفحه ها :

ده نفر گوینده که نام آنها بعداً " ذکر خواهد شد در پر کردن نوارهای دوره

درس انگلیسی شرکت نموده اند و برای اینکه آموزنده به آسانی کلماتی را که در نوار ضبط شده است درک کند درسها در ابتدا خیلی شمرده و مشخص گفته شده و بتدریجی که دوره درس جلو میرود گفتارها هم سریعتر میشوند تا آنکه در درسهای آخر بحد طبیعی تکلم انگلیسی میرسد . ( آنطور که انگلیسی ها معمولا "حرف میزنند) اسامی گویندگان و کسانی که در تهیه و تنظیم این کتاب نفیس سهم عمدهای داشته اند بقرار زیر است :

۱- مستر آیفور اونز دکتر در ادبیات و رئیس سابق دانشکده ادبیات در دانشکده لندن و استاد دانشگاه پاریس .

۲- مستر گیبن لیسانسیه در ادبیات و دانشیار املاء و تلفظ در دانشگاه لندن .

۳- مستر دیوید لوید جیمز لیسانسیه در ادبیات و گوینده رادیو لندن (B.B.C)

۴- مستر دانیل جونز دکتر در ادبیات و فلسفه و پروفیسور املاء و تلفظ در ،

دانشگاه لندن .

۵- مستر پینتر مکاریتی دکتر در ادبیات و رئیس قسمت املاء و تلفظ در دانشگاه

لیدز .

۶- مستر هارولد اورتون لیسانسیه در ادبیات و پروفیسور زبان انگلیسی در

دانشگاه لیدز .

۷- مستر جان ترسیدر شپارد دکتر افتخاری در ادبیات و رئیس کینگز کالج

دانشگاه کمبریج .

۸- مستر جان اسنج گوینده رادیو لندن (B.B.C.)

۹- میسز اودری . ام . بولارد دانشیار املاء و تلفظ در دانشگاه لندن ،

۱۰- میس تولی دانشیار املاء و تلفظ در دانشگاه لندن ،

فقط دو نفر از گویندگان در چند درس اول حرف زده اند و ایمن احتیاط برای این بوده است که آموزنده به صدای کلمات در زبان انگلیسی عادت کند و صدای چند شخص او را گیج نکند . بعد از آنکه گوشش با صداها آشنا شد از شنیدن صداها ی تازه اشخاص متعدد محظوظ میشود و حتی همین موضوع سبب تشویق

او میگردد . بهمان دلیل که در هر زبان هیچ دو نفری یکجور نمیتوانند حرف بزنند تلفظ گویندگان نیز با هم یکجور نمیتواند باشد اما گویندگانی که در صفحه هـ حرف زده اند همگی شخصا " برای آموزندگان استاد تلفظ انگلیسی محسوب میشوند و همین اختلاف در تلفظ اشخاص است که برای محصلین وسیله درک سریعتر و فهم بیشتر می گردد . ضمناً " تصاویر زیبای کتاب کار هنرمند معروف ویلیام استوب و حسین گرازیانی میباشد .

### SUPPLEMENTARY READING : خواندن اضافی از درسها برای تمرین :

خواندنی های متمم در آخر کتاب درسی مصور چاپ شده است از خواندن این قطعه ها آموزنده درک میکند که چگونه بدون اینکه از حدود لغات درسها خارج شود میتواند با جمله هائی که آموخته است عبارات مختلف ترکیب کند و وقایع و گزارشهای متعدد را بطور حکایت شرح دهد و نیز با خواندن این قسمتها آموزنده آنچه را که در درسها خوانده بصورت دیگر تکرار میکند .

بنابراین اگر درسها را خوب یاد گرفته باشد عبارات و جمله های تازه را بدون اشکال درک خواهد کرد و احتیاج به مراجعه به معانی لغات نخواهد داشت . هر کس در این دوره درس و متمم آن مسلط گردید میتواند گفت که احاطه کاملی بنحو عملی به زبان انگلیسی از حیث خواندن و نوشتن و حرف زدن پیدا کرده و نه تنها بخوبی با قواعد گرامری آشنا شده ، بلکه صاحب مخزنی از لغات لازم و عبارات گفتگوئی و جمله های اصطلاحی گردیده است و بهمین وسیله میتواند از معاشرت و محاوره با مردم انگلیسی زبان محظوظ شود و باز از همین راه موفوق میگردد که طرز فکر انگلیسی ها را از راه خواندن و فهمیدن ادبیات انگلیسی درک نماید .

### حرف زدن

زبان همان حرف زدن است اما حرف زدن فقط و فقط از راه حس شنوائی است از این جهت گوش انسان وسیله فرا گرفتن زبان است ، جای تعجب است که در کتاب

هائیکه درباره حرف زدن و راه های طبیعی آن نوشته اند کمتر اسمی از گوش برده میشود و حال آنکه گوش مهمترین وسیله نطق انسان است و بدون آن حرف زدن را باید محال دانست. آری حرف زدن که همان زبان باشد از راه گوش تحصیل میشود چه مغز انسان از دریچه گوش به عالم صوت و صدا توجه میکند، صدا چیزی نیست جز یک جلوه از عالمی که ما را احاطه نموده است و ما از راه گوش یعنی حس شنیدن به آن واقف میشویم. البته چشم نیز در فرا گرفتن زبان دخالت دارد اما دخالت آن جنبه همانا نوشتن خط یا چاپ کردن حروف است. پس حقیقتی که در پایه کلیه روشهای تحصیل زبان جا گرفته این است که گوش در فرا گرفتن تکلم حکمفرمایی مطلق دارد و نتیجه ای که از این حقیقت گرفته میشود این است که برای آموختن هر زبان خارجی واجب است که تاحد امکان بحرف زدن گوش بدهیم و در عین حال بمعنی آنچه که گفته میشود توجه کنیم و بفهمیم که هر حرفی در چه موقع یا در چه مورد زده میشود این طریقه بوسیله آنهائیکه دوره درس را بوسیله نوار آموزشی ترتیب داده اند با نهایت مهارت تهیه شده و اگر آنرا تعقیب نموده ادامه دهیم حتی از گوش دادن بمعلم نیز موثرتر خواهد بود. نتیجه دیگری را که بعد از چندین سال تجربه در دانشگاه لندن از تعلیم تلفظ انگلیسی به شاگردان غیر انگلیسی بدست آورده و به عموم محصلین زبان توصیه میکنم این است که همواره سه وزن و لحن کلمات انگلیسی دقت و توجه نمایند این دو کیفیت در حرف زدن این زبان، منتها اهمیت را دارد و اغلب انگلیسها که زبان خودشان را به خارجی تعلیم می دهند متوجه آن نیستند در حقیقت وسیله فهمیدن و فهماندن هر زبان همان وزن و لحن کلمات است که اگر از جاده درستی منحرف شود نمیتوان با اطمینان به این دو هدف " فهمیدن و فهماندن " نائل شد.

در خاتمه سفارش مهمی را که شایسته توجه آموزندگان است ناگفته نمیگذارم که در زبان امروزی انگلیسی تکیه های مدی کلمات را بجای خود باید رعایت نمایند و این نکته با اهمیت خاصی در نوارهای درسی رعایت شده و مکرر به آن برمیخورند.

نوشته ۱. لوید جیمز

## مقدمه ۲

### چگونه میتوان حد اکثر استفاده را از این دوره نمود

شما اکنون یکی از بهترین طرقي را که تا کنون برای آموزش زبانهای زنده بوجود آمده است در اختیار دارید . در تهیه این دوره از نتیجه سالها تجربه در مورد کلیه متدهای شناخته شده جهت آموزش زبان استفاده شده است .

اکنون میتوانید از خدمات عدهای از بهترین استادان تدریس زبان در دنیا بهره‌مند گردید یعنی مردان و زنانیکه کلیه شرایط اصلی يك معلم کامل را درخود جمع دارند ، اولاً زبانیکه میخواهند بشما بیاموزند زبان خودشان میباشد و برای آنها بهمان اندازه مانوس است که زبان شما در نظر خودتان طبیعی جلوه میکند . ثانياً آنها در شناسائی زبان خود از متخصصین بنام بوده بهر يك از جنبه‌های مختلف آن کاملاً وارد هستند و در فرهنگ ملیت خود مطالعات و معلومات وسیعی دارند .

شما اکنون در انتظار یادگرفتن هستید و آنها آماده آموختن میباشند منظور این راهنما تنها معرفی شما بیکدیگر و کمک در مراحل اولیه این آشنائی است تا وقتیکه همدیگر را آنقدر خوب بشناسید که بتوانید بتنهائی پیشرفت خود ادامه دهید شاید فکر کنید لزومی ندارد که در مورد طرز گوش دادن بشما دستوراتی داده شود . ولی این دستورات دراینکه چه وقت گوش دهید و کئی حرف بزیند یا هنگام گوش دادن درچه چیزهائی بیشتر دقت کنید و یا چگونه هرچه را که شنیده اید بخوبی جذب نمائید شما را راهنمائی خواهند کرد . این دستورات در هر مرحله از مراحل آموزش

بشما نشان خواهند داد که گوش و چشم و لبها و حافظه شما چگونه میتوانند بهترین و موثرترین وجه و عینا مانند موقمی که در دوران طفولیت صحبت کردن بزبان مادری خودتان را میاموختید با هم همکاری کرده بشما امکان آنرا بدهند که بکلیه اصوات و اصطلاحات زبان خارجی مورد انتخاب خود تسلط کامل حاصل کنید .

اگر شما با دقت تمام کلیه این دستورات را پیروی کنید و لوا اینکه ابتدا ارزش و اهمیت آنها برایتان کاملا مشهود نباشد - و اگر حاضر هستید کار را از ابتدا شروع کرده آنقدر پیشرفت خود ادامه دهید تا با انتهای آن برسید - در هر قدم از پیشرفت خود مانند کسیکه راهی را از قمر دره تا بالای تپه ببیناید مشاهده خواهید کرد که دورنمای وسیعتر و زیباتری در برابر شما قرار دارد ولی بر خلاف راه پیمای مذکور احساس خواهید نمود که هرچه بقله نزدیکتر میشوید عمل صعود برای شما آسانتر و جالبتر میگردد . . همینکه بقله رسیدید دنیای تازه ای را در برابر خود خواهید یافت .

\* \* \*

# آموزش بزرگسالان

## توصیه اولیه

دستوراتی که بنظر میرسد هم برای آموزندگان است که کمی بزبان خارجی آشنائی دارند و هم برای آنانی که فاقد هرگونه معلومات قبلی بوده و ما آنها را (مبتدی) مینامیم . هدف این دستورات اینست که شما را نه تنها در آموختن تکلم بزبان خارجی راهنمایی کند بلکه در نوشتن و فهمیدن آن نیز شما را یاری نماید .

چنانچه شما از ابتدا بازبان خارجی مورد نظر کمی آشنائی داشته یا مختصری بآن تکلم میکنید احتمال می رود که تلفظ شما خالی از نقص نباشد . لذا بشما توصیه میکنیم که حتی الامکان آنچه را قبلا آموخته اید فراموش کرده دستورات استفاده را حتی دقیقه تر از يك فرد مبتدی مراعات نمائید .

در صورتیکه هیچگونه معلومات قبلی نداشته باشید با بکار بستن صادقانه این دستورات بلاشك تکلم بزبان خارجی مورد نظر را عینا با همان طرز تلفظ و آهنگ صدای گویندگانی که صدایشان را از **نوار** شنیده اید خواهید آموخت .

چند درس اولیه آهسته و با لحنی شمرده گفته میشود تا شخص مبتدی بتواند کلیه لغات را خوب تشخیص داده و درك نماید . هرچه بیشتر گوش شما بازبان خارجی مورد نظر آشنا شود لغات آن زبان برایتان واضح تر و مشخص تر خواهد شد بطوریکه کلمات و عباراتی که در ابتدا بنظر شما مجموعه در همی از اصوات غریب و غیر قابل فهم جلوه میکردند تدریجا صورت مکالمات واضح و مفهومی را بخود میگیرند .



## طرز استفاده از کتاب برای بزرگسالان

سرعت ادای مطالب با هر درس بیشتر میشود بطوریکه در دروس آخر این سرعت به حد معمولی خود میرسد . در این هنگام دیگر شما در دنبال کردن متن اشکالی نخواهید داشت . چون گوش شما نیز همراه با مطالعه دروس کاملاً تربیت شده و به اصوات زبان خارجی مورد نظر آشنا شده است . در ابتدا ممکن است به اصطلاحات مختلفی بر خورد نمائید که بنظر شما عجیب جلوه کنند ولی این اصطلاحات را که جزو خصوصیات هرزبانی محسوب میشوند ( و نظایر آنها در هر زبان دیگری از جمله فارسی نیز موجود است ) بایستی همانطور که هستند پذیرفت و یاد گرفت . بعداً هنگامیکه شما زبان مورد نظر را تا مراحل یاد گرفتید کلیه این اصطلاحات برای شما کاملاً آسان و واضح شده و خواهید توانست افکار خود را با این وسیله تازه بهمان نحوی که فارسی را بطور طبیعی تکلم میکنید بیان نمائید .

سعی کنید حتی يك روز را هم بدون مطالعه نگذرانید .

---

بهر است دروس را بطور مرتب و لوهر بار بمقدار کم بخوانید تا آنکه بمقادیر زیاد و بفواصل طولانی و غیر مرتب مطالعه کنید .

بمحض آنکه حس کردید خسته شده اید و نمیتوانید توجه کامل به درس مبذول دارید از مطالعه خود داری کنید .

### توضیح مهم

سعی نکنید قبل از آنکه از شما خواسته شود جملات را با صدای بلند تلفظ نمائید

## طرز استفاده از کتاب برای بزرگسالان

### روش استفاده

ذیلاً خلاصه ای از دستورات استفاده که طی صفحات ۵ تا ۱۴ مشروحاً بیان شده‌اند ذکر میگردد .

### گوش دادن

- ( الف ) بدرس گوش بدهید و در همان حال متن را در کتاب دنبال کنید .
- ( ب ) بدرس گوش بدهید بدون آنکه به کتاب نگاه کنید .
- ( ج ) بدرس گوش بدهید و متن را نیز در کتاب دنبال کنید .

### فهم دروس

با استفاده از تصاویر و ترجمه لغات معنی جملات را دریافته و درک کنید .

### آشنا ساختن گوش

ابتدا بدرس گوش دهید و در همان حال متن را در کتاب نیز دنبال کنید . سپس بدرس گوش دهید و به تصویر درس نگاه کنید .

### صحبت کردن و خواندن

متن درس را همراه با گوینده با صدای بلند بخوانید . سپس همان متن را با صدای بلند تنها بخوانید .

### مکالمه

به سؤال گوش دهید . به متن نگاه کنید و همزمان با گوینده جواب دهید .

## دستورات استفاده

همیشه دقت کنید که نوار مورد استفاده تمیز بوده و روی آن گرد و غبار جمع نشده باشد .

خواه در هر بار يك درس كامل و يا فقط قسمتی از يك درس را مطالعه میکنید بایستی در هر مورد کلیه دستورات ذیل را که تحت شماره ۱ تا ۱۱ بیان شده است مراعات نموده و بر طبق آنها عمل نمائید .  
توجه ، قبل از آنکه به دستور شماره ۷ برسید سعی نکنید جملات را با صدای بلند تلفظ نمائید .

### ۱ - آشنا ساختن گوش با اصوات

( در این مرحله سعی نکنید که معنی جملات را بفهمید بلکه هدف شما بایستی این باشد که هر سیلاب و یا هر لغتی را بتوانید بوضوح تشخیص دهید و آنچه را میشنوید با مطالب چاپ شده در کتاب مطابقت نمائید . )

( الف ) به نوار گوش بدهید و در همان حال لغات را در کتاب درسی مصور خود دنبال نمائید .

( ب ) برای بار دوم به نوار گوش بدهید بدون آنکه به کتاب درسی خود نگاه کنید .

( ج ) یکبار دیگر به نوار گوش بدهید و اینبار مجدداً همزمان با گوش دادن کلمات را نیز در کتاب درسی خود دنبال نمائید .

## ۴- فهم درس

( بدون آنکه به نوار گوش دهید ) درسی را که مطالعه میکنید از روی کتاب ( در سکوت ) بخوانید و به تصاویر مربوطه مراجعه کنید . این تصاویر در فهم جملات شما کمک کرده و لغات را در ذهن شما تثبیت مینماید . وقتی به لغتی برخورد میکنید که در کنار آن عددی بنظر میرسد به تصویر بزرگ درس مربوطه مراجعه کنید . در این تصویر همان عدد در کنار شیئی که نماینده مفهوم آن لغت میباشد ملاحظه مینمائید . اگر درس دارای تصاویر کوچکی نیز باشد لغات مربوطه آنها با یکی از حروف الفباء که بحروف مورب چاپ شده است مشخص میگردد . پس از اینکار اطمینان حاصل کنید که معنی درس را با مراجعه به معنی لغت کاملاً میفهمید .

## ۳- آشنا ساختن گوش بهمراهی متن چاپی و تصاویر

آن قسمت از درس را که مطالعه میکنید چندین بار گوش دهید . ابتدا متن درس را همزمان با شنیدن آن از نوار دنبال کنید . سپس به تصاویر دقیق شوید و به اشیاء مختلفی که ذکر میشوند نگاه کنید . در این مرحله شما باید قاعده هنگام شنیدن هر جمله معنی آنرا بفهمید .

## ۴- آشنا ساختن گوش همراه با هجی کردن

یکبار دیگر به نوار گوش دهید، در عین حال متن را در کتاب دنبال نمائید . این بار بایستی توجه مخصوص به املاء لغات داشته باشید.

متن درس را در کاغذ جداگانه ای رونویس کنید . ( اگر زبانی که میاموزید دارای الفباء مخصوصی میباشد ابتدا نوشتن حروف الفباء و هر يك از لغات را بطور جداگانه تمرین کنید )

### ۶ - آشنا ساختن گوش بطور دقیق

در حالی که متن درس را در کتاب دنبال میکنید به نوار گوش دهید آیا معنی کلیه لغات را میفهمید؟ در صورتیکه اینطور نیست زیر لغاتی که معانی آنها را نمیفهمید خط بکشید . معنی این لغات را در ترجمه لغت خود پیدا کنید و سپس بدون آنکه بکتاب نگاه کنید چندین بار به نوار گوش دهید تا درس را خوب بفهمید و هیچ نکته ابهامی برای شما باقی نماند.

### ۷ - صحبت کردن

اکنون دیگر شما میتوانید شروع باء نمودن لغات و جملاتی که شنیده اید بکنید . اگر میخواهید آنچه شما میگوئید کاملا مفهوم باشد باید بهمان طریقی که گوینده در نوار صحبت میکند مطالب را بیان کنید .

برای این منظور باید همان زیر و بم صدا و تاغظ گوینده را دقیقا تقلید کرد در صحبت کردن سمی کنید صدای شما بلند و واضح باشد .

برای تمرین در صحبت کردن بشرح ذیل عمل کنید .

به نوار گوش دهید و همراه گوینده از روی کتاب با صدای بلند بخوانید .

( اگر تشخیص میدهید که نمیتوانید یا بیای گوینده مطالب را ادا کنید نشانه آنست که احتیاج به تمرین بیشتری در گوش دادن به متن درس دارید )

دو یا سه بار درس را تکرار کنید تا جائیکه از تلفظ خود اطمینان حاصل

کرده و تشخیص بدهید که قادرید مطالب را همراه گوینده و با همان سرعت ادا نمائید .

به درس گوش دهید و در همان حال متن چایی درس را دنبال کنید سپس بدون نگاه کردن به کتاب به درس گوش دهید بالاخره متن درس را چندین بار با صدای بلند بخوانید. ابتدا آهسته بخوانید روانی در خواندن درس خود بخود حاصل میشود خواندن با صدای بلند تمرین بسیار خوبی برای صحبت کردن بطور روان و فصیح میباشد. ولی شخص تنها هنگامی باید درس را با صدای بلند بخواند که از تلفظ صحیح خود اطمینان داشته باشد

۹ - آزمایش گوش

بدون آنکه به کتاب نگاه کنید به متن درس گوش دهید تا اطمینان حاصل نمائید که کلیه لغات گفته شده را میفهمید

۱۰ - تبدیل تصاویر به لغات

به عکس بزرگ درس نگاه کنید. علاوه بر آنکه اسم هر شیئی و شخصی که در کنار آن شماره ای در عکس ذکر شده است میگوئید شرحی نیز از هر یک بیان کرده و منظور تصویر را اظهار میدارید. هنگامی که مذکر یا مؤنث بودن اسمی بوسیله حرف تعریف مشخص میگردد بهتر است اسم را همراه با حرف تعریف آن با هم یاد گرفت. بدینوسیله حفظ کردن جنسیت اسمی آسانتر خواهد شد. همیشه لغات را با صدای بلند بخوانید این تمرین در مورد دروسی که دارای تصاویر کوچک میباشد نیز میتواند مورد استفاده قرار گیرد

## ۱۱ - فهم دقیق متن دروس

---

از روی کتاب معانی لغات و عبارات را بزبان خودتان رونویس نمائید سپس دفترچه لغت را ببندید و معانی آنها را بآن زبان خارجی که میاموزید اضافه نمائید. سپس از روی کتاب دقت کنید که آیا معانی نوشته شده صحیح میباشد یا خیر؛

## ۱۲ - آزمایش نهائی

---

پس از آنکه کلیه دستورات فوق را در مورد درس مراعات نمودید آزمایش نهائی ذیل را بعمل آورید.

بدون نگاه کردن بکتاب بتامی درس گوش دهید. آیا تمام قسمتها را بخوبی میفهمید؟ آیا بدون آنکه احتیاج باشد به معنی فارسی آن فکر کنید مطالب را خوب درك میکنید؟ اگر جواب مثبت باشد باید گفت که شما رفته رفته قادرید بزبان خارجی فکر کنید و درس را بخوبی یاد گرفته اید.

یکبار دیگر بدرس گوش دهید ولی این بار برای اطمینان از اینکه زیر وبم صدا و تلفظ شما صحیح میباشد همزمان با گوینده درس را با صدای بلند بخوانید. در مواردیکه درس عبارت از مکالمه بصورت سؤال و جواب میباشد دستورات دیگری نیز که ذیلا شرح داده میشود بایستی مورد استفاده قرار گیرد.

## ۱۳ - جواب دادن به سئوالاتی که شنیده میشود

---

نوار را بگذارید به متن نگاه کنید وبه اولین سؤال گوش دهید. سپس همزمان با گوینده جواب سؤال را با صدای بلند بخوانید. این عمل را چندین بار تکرار کنید تا جائیکه اطمینان حاصل نمائید که میتوانید از حفظ و بدون آنکه بکتاب نگاه کنید بسئالات جواب دهید.

۱۴ - سؤال کردن و شنیدن جواب آنها

---

نوار را بگذارید به متن نگاه کنید و به اولین سؤال راهمراه با گوینده  
ببرسید . سپس به جواب آن گوش دهید . این عمل را چندین بار تکرار کنید  
تا جائیکه بتوانید سؤالات را از حفظ و بدون نگاه کردن به کتاب ببرسید .

بیان مستقل مطالب

پس از آنکه شما دو یا سه درس اول را بخوبی یاد گرفتید تعداد نسبتاً زیادی  
لغت آموخته‌اید . با مطالعه و یاد گرفتن دروس نه تنها میتوانید عین جملات  
کتاب را مورد استفاده قرار دهید بلکه قادرید با استفاده از این لغات و عبارات  
بهنگام لزوم جملات تازه و مستقلی را نیز بیان کنید . هرچه درس را بهتر و  
کاملتر بخوانید آسانتر خواهید توانست مطالبی را بطور مستقل در زبان خارجی  
بیان کنید .

لغات و عبارات لازم و نحوه ساختمان جملات را در اختیار دارید این دیگر  
وظیفه شماست که با کمی پشتکار و فعالیت جملات و مطالبی را از زبان خودتان  
بطور مستقلی ابراز دارید .

قسمت صداها ( طرف دوم کاست ۲ )

اینک که شما دارای قسمت صدا نیز میباشد متن آنرا میتوانید در کتاب درس  
پیدا کنید . این قسمت تنها برای مراجعات ضمنی بسایستی مورد استفاده  
قرار گیرد . بکمک این قسمت خواهید توانست هر صوتی را که مایلید در باره  
آن مطالعه کنید تشخیص داده و طبقه بندی نمائید .



هرچه در باره اهمیت تلفظ صحیح تاکید شود باز کافی نخواهد بود چه این موضوع حائز اهمیت بسیار میباشد . شما ممکن است احساس کنید که میتوانید درس اول را بطرز صحیحی تکرار کنید ولی اگر پس از آنکه درس دوم و سوم را خواندید بار دیگر بدرس اول مراجعه کنید گوش شما در تشخیص تغییرات کوچک در زیرو به اصوات دقیقتر شده و خواهید دید که نکات کوچک بسیاری را بایستی در تلفظ خود اصلاح کنید .

از این رو هرچند وقت یکبار بتوان آزمایش تلفظ بدرس اول مراجعه کنید . درس اول همیشه از این نظر مطالبی را بشما میآموزد .

### تذکر نهائی

هنگامیکه شما این دوره را بپایان میرسانید اگر کلیه دستورات مندرج در این کتاب را بدقت مراعات کرده باشید معلومات دائمی و ثابتی را از زبان خارجی انتخابی خود بدست آورده اید .

اکنون دیگر شما قادرید باآسانی مطالب خود را بیان کنید .

لهجه شما بدون عیب است و معلومات لغویتان برای رفع احتیاجات زندگی روزمره کاملاً کافی میباشد .

از این گذشته شما بهیچوجه در فهمیدن زبان اشکالی ندارید

میتوانید بروانی با بومیان آن زبان صحبت کرده و از برنامه‌های رادیویی آن زبان استفاده کنید .

مهمتر و جالبتر از همه اینکه میتوانید در ادبیات زبانی که انتخاب نموده اید مطالعه کنید .

( اگرچنین تصمیمی گرفته اید سعی نمائید عادت کنید که قطعه انتخابی کوتاهی را برای مدتی در حدود نیم ساعت با صدای بلند بخوانید .

اگر در قسمتی که میخوانید به لغات تازه‌ای که معنی آنها را نمیدانید برخورد کردید فوراً معانی آنها را در قسمت لغت نگاه نکنید .

## طرز استفاده از کتاب بوای بزرگسالان

بلکه آن قسمت را چندین بار بخوانید و سپس معانی لغات تازه را در لغت پیدا کنید .

بالاخره تمامی آن قسمت چهار یا پنج بار دیگر بخوانید .  
حتی بعد از اتمام دوره زبان نیز بهتر است هرچند یکبار به بعضی از **نوارها** گوش دهید چه بدینترتیب گوش شما همواره با زبان خارجی آشنا باقی مانده و صحت لهجه شما حفظ میگردد .

این دوره زبان مخصوصاً برای دانش آموزانی که مایلند سطح معلومات خود را خصوصاً از نظر آهنگ و زیر و بم صدادر مکالمات روزمره همواره در مدارج بالا نگاهدارید حائز اهمیت بسیار میباشد .

با آموختن کامل يك زبان شما راهی را بسوی يك لذت واقعی و همیشگی هموار ساخته اید که از این پس پیمودن و استفاده از مزایای آن بسیار آسان است .  
از این گذشته شما طوری تعلیم دیده و آماده شده اید که اگر در آئیه تصمیم بگیریید در رشته های تازه ای از زبان مطالعه کنید دیگر زحمت شما بمراتب کمتر و نتایج حاصله بسیار رضایتبخش خواهد بود .  
بر طبق احتیاجات شخصی خود میتوانید دومین زبان خارجی مورد علاقه تان را بیاموزید .

هر زبانی مزایای مخصوص بنخود را دارد .  
در مورد کارهای بازرگانی انگلیس - فرانسه - اسپانیایی و آلمانی مفیدتر از دیگر زبانها میباشد .  
زبان ایتالیائی ادبیاتی عالی و فهم عمیق تری از ایراهای زیبا و متعدد در اختیار شما میگذارد .

آموختن زبان روسی آن اندازه که بعضی افراد تصور میکنند مشکل نیست و شما این امکان را میدهد که از مطالعه عالیترین داستانهای ادبی جهان لذت ببرید .  
زبانی که شما آموخته اید کلید آموختن زبانهای دیگر را در اختیار شما گذارده است .

## طرز استفاده از کتاب برای آموزش کودکان

چنانچه یکی از زبانهای لاتینی فرانسه - اسپانیایی - پرتغالی یا ایتالیایی را یاد گرفته اید آموختن هر يك از دیگران برای شما بسیار آسان خواهد بود. زبانهای ژرمنی مانند انگلیسی - آلمانی - هلندی و گروه زبانهای اسکاندیناوی همگی بهم بستگی دارند و آموختن یکی از آنها راه را برای یاد گرفتن هر کدام از زبانهای دیگر این گروه هموار مینماید .

حال که يك زبان خسارچی را یاد گرفته اید میتوانید دو زبان یا بیشتر را همزمان با یکدیگر بیاموزید .

با استفاده از متد لینکافن میتوانید این عمل را با صرف وقت و انرژی کمتر از آنچه معمولاً جهت آموختن يك زبان لازم است بموقع اجرا بگذارید .  
ضمناً مقایسه عباراتی که در زبانهای مختلف بيك معنی واحدی بیان میشوند بسیار جالب و لذت بخش است و خود باعث پیشرفت سریع شما بدون تحمل زحمت و صرف انرژی محسوسی میگردد چه کاری که برای شخص جالب باشد انجامش سهل تر است .

در حقیقت شما زبانی را فقط بعنوان يك سر گرمی میاموزید .

## دستورات برای آموزش کودکان

بچه های دوازده ساله یا بزرگتر در اغلب موارد بایستی همان دستوراتی که برای اشخاص بالغ ذکر شده است اجرا کنند .

کودکان کمتر از دوازده سال که از عهده خواندن بر می آیند بایستی دستورات ذیل را مورد استفاده قرار دهند .

باید همواره در نظر داشت که هر چه سن کودک کمتر میباشد مقدار درسی که در هر جلسه خوانده میشود نیز بایستی کمتر باشد .

شخص بالغی که آموختن کودک را سرپرستی میکند بایستی قبل از آنکه

## طرز استفاده از کتاب برای آموزش کودکان

کودک با کمک وی شروع بخواندن هر قسمت از درس کند خود قبلا آن قسمت را مطالعه کرده و کاملا با آن آشنا باشد .

برای افرادی که قبلا زبان را خوانده اند این عمل ابدآخته کننده نخواهد بود و در مقابل آنهائیکه هیچگونه معلومات قبلی از آن زبان ندارند قبل از آنکه به کودک درس بدهند اگر برطبق دستورات مخصوص افراد بالغ هر درس را يك يا دوبار بخوانند از پیشرفت خود در آن زبان تعجب خواهند کرد.

### ۱ - آشنا ساختن مقدماتی گوش

پس از آنکه تصمیم گرفته شد در هر جلسه چند جمله میتوان بکودک آموخت بگذارید چندین بار با آن قسمت از درس گوش دهد .  
( ا ل ف ) بدون آنکه بکتاب نگاه کند .  
( ب ) در حال گوش دادن لغات را در کتاب نیز دنبال کند .  
( ج ) بدون آنکه بکتاب نگاه کند .

### ۲ - فهم مطالب

معنی عبارت را برای کودک شرح دهید یا بگذارید تا خودش با کمک شما لغت معنی آنرا پیدا کند .  
بگذارید به تصاویر نگاه کند لغات را در مغز خود مجسم و تثبیت نماید .

### ۳ - آشنا ساختن گوش با کمک متن چاپی و تصاویر

بگذارید کودک چندین بار به نوار گوش دهد .  
ابتدا همراه با شنیدن درس متن آنرا در کتاب دنبال کند و سپس فکر خود را روی تصاویر متمرکز نماید و با شنیدن نام هر شیئی آن شیئی را در کتاب نشان دهد.

## طرز استفاده از کتاب برای آموزش کودکان

### ۴ - آشنا ساختن گوش و صحبت کردن

در این مرحله کودک بایستی بتواند شروع بتکرار شفاهای قسمتی که شنیده است بکند .

مجدداً **نوار را** بگذارید کودک همراه با گوینده از روی کتاب درس را با صدای بلند بخواند .

( در صورتیکه کودک قادر نباشد پاپای گوینده درس را بخواند از نظر گوش دادن احتیاج بتمرین بیشتری دارد ) :

دو یا سه بار هر قسمت را تکرار کنید تا از صحت تلفظ او اطمینان حاصل نمائید .

دقت نمائید که همیشه با صدای بلند و واضحی صحبت کند .

### ۵ - نوشتن و آشنا ساختن گوش

بگذارید کودک در یک دفترچه تمرین درس را رونویس نماید و در ضمن دقت نمائید که اشتباه نکند .

بعد کودک بایستی در ح-الی که به آنچه نوشته است نگاه میکند به **نوار** گوش دهد .

### ۶ - خواندن

بگذارید کودک بتمامی درس يك یا دو بار گوش بدهد و سپس آنرا از روی کتاب با صدای بلند چهار یا پنج بار بخواند .

پس از آنکه کودک تمامی درس را بر طبق دستورات فوق خواند بایستی تمرین های زیر را انجام دهد .

### - ۷

بگذارید ابتدا بدون کتاب و بعد همراه با کتاب بتمامی درس گوش دهد :

## ۸ - آزمایش گوش

---

بگذارید کودک بدون نگاه کردن بکتاب به تمامی درس گوش بدهد و این بار اطمینان حاصل نمایید که او کلیه لغات و عباراتی را که میشوند میفهمد .  
اگر او در فهمیدن قسمتی دچار اشکال میشود آن قسمت را برایش شرح دهید و بگذارید دوباره آن قسمت را بشنود .

## ۹ - تبدیل ذهنی تصاویر به لغات

---

بگذارید کودک به عکس بزرگ درس نگاه کند و بعد بزبان خارجی اسامی کلیه اشیاء و اشخاص را با صدای بلند بگوید و در صورت امکان شرحی از هر یک نیز بیان کند ،

بعنوان مثال او نیابستی به عکس ( مادر ) در تصویر اشاره کرده و فقط بگوید ( مادر ) بلکه « باید بگوید » « مادر در حال خواندن است » یا هر کار دیگری که مادر انجام میدهد .

کودک همچنین بایستی اسامی تصاویر کوچک را نیز بگوید .  
هنگامیکه مذکر یا مؤنث بودن اسمی بوسیله حرف تعریفی مشخص میگردد کودک بایستی اسم را با حرف تعریف آن توأما بیاموزد .  
بدینوسیله آسانتر خواهد توانست مذکر و مؤنث بودن هر اسمی را از حفظ کند در مواردی که درس عبارت از یکرشته سؤال و جواب میباشد دستورات ذیل بایستی مراعات گردد .

## ۱۰ - جواب دادن به سئوالاتی که از نوار شنیده میشود

---

نوار را بگذارید و نگذارید کودک بدرس نگاه کرده و به اولین سؤال گوش دهد سپس همزمان با گوینده جواب سؤال را با صدای بلند بگوید .

## طرز استفاده از کتاب برای آموزش کودکان

این عمل را چندین بار تکرار کنید تا مطمئن شوید که کودک میتواند جواب سؤالاتی را بدون مراجعه بکتاب و از حفظ بدهد .

### ۱۱ - سؤال کردن و شنیدن جواب آن از نوار

نوار را بگذارید کودک بکتاب نگاه کند و همراه گوینده اولین سؤال را بیسرد و بعد بجواب آن گوش دهد .  
این عمل را چندین بار تکرار کنید تا اینکه کودک بتواند بدون نگاه کردن بکتاب و از حفظ سؤال را مطرح کند .

### تمرین مکالمه

پس از آنکه چند درس اولیه پایان رسید بایستی بنحو ذیل جهت مکالمه تمرین کرد

هنگامیکه کودک به عکس بزرگ درس نگاه میکند پنج سؤال اساسی ذیل را بزبان خارجی از او بپرسید .

- ۱ - چه کسی در طرف چپ قرار دارد ؟
- ۲ - چه کسی در طرف راست قرار دارد ؟
- ۳ - چه چیزی در طرف چپ قرار دارد ؟
- ۴ - چه چیزی در طرف راست قرار دارد ؟
- ۵ - آیا . . . چه کاری انجام میدهد ؟

این سؤالات در مورد کلیه تصاویر لینکافن میتواند مورد استفاده قرار گیرد .  
در ابتدا جواب کودک کوتاه و ساده خواهد بود ولی با تمرین جوابهای او کم کم طولانی تر و جالبتر خواهد شد .

### قسمت صداها ( طرف دوم کاست ۲ )

حالا که شما دارای قسمت صداها نیز میباشید متن آنرا میتوانید در کتاب درس اصلی پیدا کنید .

این قسمت بایستی برای مراجعات و هنگامیکه مایلید در مورد هر صوت بخصوصی تمرین بیشتری بکودک بدهید مورد استفاده قرار گیرد .

## دستورات برای کودکانی که نمیتوانند بخوانند

- ۱ - بگذارید کودک دو یا سه جمله را هر روز پنج یا شش بار گوش دهد و اینکار را تا سه یا چهار روز تکرار کنید .
- ۲ - در این هنگام کودک محتملامعنی بعضی لغات را که روی او اثر گذاشته اند سؤال خواهد کرد .  
شخصی بالفی که آموختن زبان او را سر پرستی میکند معنی این لغات را برایش شرح میدهد .
- ۳ - هر وقت جملات درس شامل اشیاء و یا حالت‌هایی باشد که در تصویر نشان داده شده اند بایستی بآنها اشاره کرد تا بدینوسیله کودک بتواند رابطه ای بین جملات گفته شده و آنچه در تصویر میبیند در ذهن خود مجسم کند .
- ۴ - نوار را بگذارید کودک عبارت را با صدای بلند همراه با نوار بگوید .  
( اگر تشخیص میدهید که او قادر نیست مانند گوینده با همان سرعت جملات را ادا کند در اینصورت او از نظر گوش دادن احتیاج بتمرین بیشتری دارد ) .  
اگر تلفظ و آهنگ زیر و بم صدای او صحیح نمیشد بگذارید چندین بار به نوار گوش بدهد تا وقتی که اطمینان حاصل نمائید که تلفظ او صحیح است .
- ۵ - اطمینان حاصل کنید که کودک معنی کامل آنچه را که میشنود میفهمد .  
معنی فارسی هر جمله را با او بگوئید و بگذارید او ترجمه آنرا در زبان خارجی بگوید .
- ۶ - پس از آنکه تمامی درس را بطریق فوق بیابان رساندید بگذارید کودک اشیاء مختلف را در تصویر انتخاب کرده و معانی آنها را به زبان خارجی بگوید در خاتمه بگذارید کودک یکبار دیگر تمامی متن درس گوش دهد .  
در موردی که درس شامل یکرشته سؤال و جواب میباشد بطرز ذیل عمل کنید .
- ۷ - بگذارید کودک چندین بار بسؤال و جوابها گوش بدهد تا کاملاً با آنها آشنا شود .
- ۸ - معنی سؤال و جوابها را برای او تشریح کنید .
- ۹ - بگذارید کودک چند بار دیگر بسؤال و جوابها گوش دهد .
- ۱۰ - بگذارید کودک بسؤال گوش دهد و همزمان با گوینده جواب دهد .
- ۱۱ - سئوالات را ابتدا بترتیب و بعد بطور درهم از کودک پرسید تا او جواب آنها را بدهد .



## The English Alphabet

### *The English Alphabet*

A a      *A a*

B b      *B b*

C c      *C c*

D d      *D d*

E e      *E e*

F f      *F f*

G g      *G g*

H h      *H h*

I i      *I i*

J j      *J j*

K k      *K k*

L l      *L l*

طرز نوشتن حروف و الفبای زبان انگلیسی

M	m	M	m
N	n	N	n
O	o	O	o
P	p	P	p
Q	q	Q	q
R	r	R	r
S	s	S	s
T	t	T	t
U	u	U	u
V	v	V	v
W	w	W	w
X	x	X	x
Y	y	Y	y
Z	z	Z	z

# Introduction

Let's speak English

## Part I

Good morning!

Listen, please.

I am the teacher.

You are the student.

I am English.

An Englishman speaks

English.

Englishmen speak English.

I am speaking English now.

## Introduction

Let's speak English

### Part 1

Good morning!

Listen, please.

I am the teacher.

You are the student.

I am English.

An Englishman speaks  
English.

Englishmen speak English.

I am speaking English now.

This is a table.

This is a gramophone.

This is a record.

The record is on the

gramophone.

The gramophone is on the

table.

You are sitting at the table.

You are holding a book in

your hand. The book is open.

You are looking at the book.

You are listening to the record.

You are hearing my voice.

This is a table.

This is a gramophone.

This is a record.

The record is on the  
gramophone.

The gramophone is on the  
table.

You are sitting at the table.

You are holding a book in  
your hand. The book is open.

You are looking at the book.

You are listening to the record.

You are hearing my voice.

Numerals

*Numerals*

1	<i>1</i>	11	<i>11</i>
2	<i>2</i>	12	<i>12</i>
3	<i>3</i>	13	<i>13</i>
4	<i>4</i>	14	<i>14</i>
5	<i>5</i>	15	<i>15</i>
6	<i>6</i>	16	<i>16</i>
7	<i>7</i>	17	<i>17</i>
8	<i>8</i>	18	<i>18</i>
9	<i>9</i>	19	<i>19</i>
10	<i>10</i>	20	<i>20</i>
		30	<i>30</i>
		40	<i>40</i>
		50	<i>50</i>
		60	<i>60</i>
		70	<i>70</i>
		80	<i>80</i>
		90	<i>90</i>
		100	<i>100</i>
		1,000	<i>1,000</i>
		1,000,000	<i>1,000,000</i>

## توضیحاتی درباره‌ی مجموعه لغات

منظور از نشان دادن معانی لغات که از متن درسها استخراج و دسته بندی شده این است که آموزنده کلمات را بدون معطلی و زحمت مراجعه به فرهنگ به ذهن بسپارد و در فهمیدن متن درسها دچار اشکال نگردد. بهمین ملاحظه لغت ها و جمله های اصطلاحی بهمان ردیف که در درس آمده اند در فهرست نیز ظاهر میشوند. پس اگر نوار درس و لغات همان درس را پهلوی هم گذاشتیم میتوانیم کم کم آن درس را از انگلیسی به فارسی ترجمه کنیم.

قاعده ای که اتخاذ شده این است: کلمات بهمان صورتیکه در متن درس دیده میشوند در فهرست قلمداد شده اند و هر کلمه ای که در متن درس نباشد یا بصورت دیگر گذاشته شده باشد در فهرست توی پرانتز نشان داده شده است. در چند درس اول کلمات مختصر شده را توی پرانتز به صورت اصلی آنها تکرار نموده اند که واضح باشد اما در درسهای بعدی فقط همان صورت اختصاری کلمات دیده میشود ولی برای مراجعه آموزنده در صورت احتیاج اختصارات خیلی متداول را در فهرستی درج کرده اند که قبل از فهرست لغات دیده میشود.

در مورد فعل بی قاعده دقت شده است که مصدر آن فعل با علامت مصدر انگلیسی که کلمه to باشد ذکر شود ولی در مورد فعل با قاعده این ترتیب فقط وقتی رعایت شده است که تغییری در املاء روی داده باشد.

در هر مورد که لازم تشخیص داده شده است که کلمه بصورت جمع نوشته شود علامت جمع یا خود صیغه جمع توی پرانتز اضافه شده است.

صفت انگلیسی مانند صفت فارسی در مفرد و جمع و از حیث جنس یکسان است و از این جهت توضیحی درباره آن لازم نبوده است.

در مقابل اصطلاحات یا ضرب المثل های انگلیسی تا آنجا که ممکن بوده است معادل فارسی آنها را گذارده و در غیر اینصورت لفظ به لفظ ترجمه کرده اند.

بطور کلی هر کلمه را یک دفعه در فهرست آورده و ترجمه کرده اند مگر آنکه معنی آن کلمه بر حسب موقع تغییری یافته و ترجمه دوباره آن لازم شده باشد.



## USUAL SHORT FORMS

### اختصارهای معمول در زبان انگلیسی

این قسمت بسیار مهم بوده لذا خواهشمند است آنرا بدقت زیاد فراگیرید زیرا کلید فهم صحیح کلمات و جملات انگلیسی میباشد . برای اینکه اهمیت موضوع روشن شود کافیهست گفته شود که اگر قرار باشد تنها یک موضوع این کتاب را یاد بگیرد ما ترجیح میدهیم که شما این قسمت اختصارات زبان را فراگیرید .

#### بجای

aren't	"	are not
can't	"	can not
couldn't	"	could not
didn't	"	did not
doesn't	"	does not
don't	"	do not
hadn't	"	had not
hasn't	"	has not
haven't	"	have not
he'd	"	he had (* he would)
he'll	"	he will
he's	"	he is (* he has)
here's	"	here is

بجای

I'd	"	I had (* I would + I should)
I'll	"	I will (* I shall)
I'm	"	I am
isn't	"	is not
it'd	"	it had (* it would)
it'll	"	it will
it's	"	it is (* it has)
I've	"	I have
let's	"	let us
mustn't	"	must not
needn't	"	need not
oughtn't	"	ought not
shan't	"	shall not
she'd	"	she had (* she would)
she'll	"	she will
she's	"	she is (* she has)
shouldn't	"	should not
that'll	"	that will
that's	"	that is (* that has)
there's	"	there is (* there has)

اختصارهای معمول در زبان انگلیسی

they'd	"	they had (* they would)
they'll	"	they will
they're	"	they are
they've	"	they have
wasn't	"	was not
we'd	"	we had (* we would)
we'll	"	we will
we're	"	we are
weren't	"	were not
we've	"	we have
what's	"	what is (* what has)
where's	"	where is (* where has)
who's	"	who is (* who has)
who've	"	who have
won't	"	will not
wouldn't	"	would not
you'd	"	you had (* you would)
you'll	"	you will
you're	"	you are
you've	"	you have

\* =

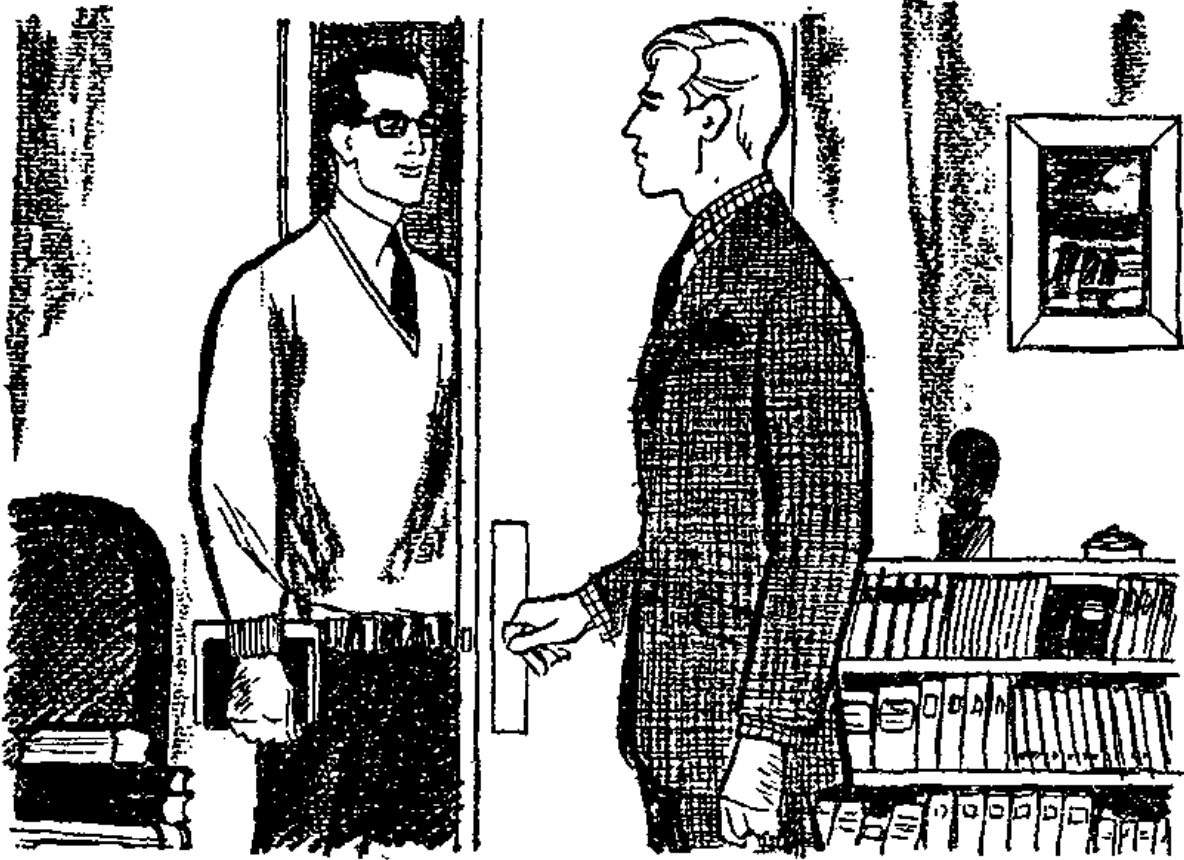
همچنین بجای

+ =

و

# TEXT OF LESSONS

متن لاروس



Introduction  
*Let's Speak English*

PART ONE

Good morning!  
Listen, please.  
I am the teacher.  
You are the student.  
I am English.  
You are not English.  
An Englishman speaks English.  
Englishmen speak English.  
I am speaking English now.



*a: A table*

This is a table<sup>a</sup>.

## Introduction (1)



*b: A gramophone*

This is a gramophone<sup>b</sup>.



*c: A record*

This is a record<sup>c</sup>.

The record is on the gramophone.

The gramophone is on the table.

You are sitting at the table.



*d: A book*

You are holding a book<sup>d</sup> in your hand<sup>e</sup>.

The book is open.

You are looking at the book.

You are listening to the record.

You are hearing my voice.

You are learning to speak, to understand,  
to read and to write English.

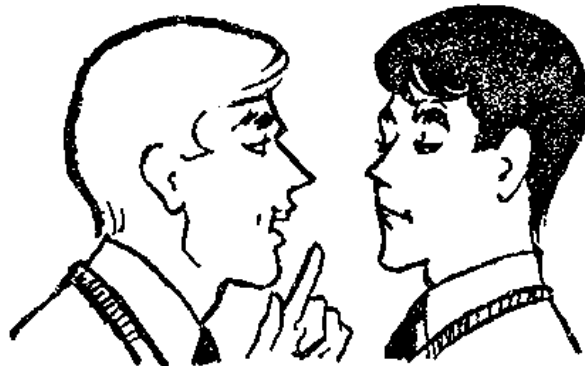
I am speaking slowly.

When I speak slowly, you understand me.

When I speak quickly, you don't  
understand me<sup>f</sup>.



*e: A hand*



*f. When I speak quickly, you don't understand me*

INTRODUCTION مقدمه

Let's Speak English بیایید انگلیسی حرف بزنیم

Part 1 قسمت اول

introduction,	معرفی - مقدمه
let (to),	گذاشتن - بگذار (اجازه بدهید)
's=us,	س بجای آس
speak (to),	حرف زدن
English,	انگلیسی
let's (=let us) speak English,	بیایید انگلیسی حرف بزنیم (لتس بجای لت آس)
part,	قسمت
one,	یک - اول
part one,	قسمت اول
good,	خوب
morning,	صبح
good morning,	صبح بخیر
listen,	گوش دادن - گوش بده
please,	لطفا - خواهش دارم - بیزحمت
I,	من
am,	هستم
(to be,	فعل اصلی (بودن)

the,	حرف تعریف ( نِ یا نِی )
teacher,	معلم - آموزگار
you,	شما
are,	هستید
student,	شاگرد - آموزنده
I am English,	من انگلیسی هستم
not,	نه
you are not,	شما نیستید
an,	یک ( در جلو حروف صدادار میآید )
Englishman,	مرد انگلیسی
speaks,	حرف میزند
(to speak	فعل اصلی ( حرف زدن )
Englishmen,	مردان انگلیسی - انگلیسی ها
speak,	حرف میزنند
speaking,	در حال حرف زدن
I am speaking,	من دارم حرف میزنم
now,	حالا - اکنون

\* \* \*

this,	این
is,	هست - است
this is	اینست
a,	یک ( در جلو حروف بی صدا میآید )
table,	میز
gramophone,	گرامافون
record,	صفحه گرامافون - صفحه گرام



on, روی

\* \* \*

sitting, نشسته

(to sit, فعل اصلی (نشستن

you are sitting, شما نشسته اید

(to be sitting, (نشسته بودن

at, به - بسوی

holding, نگاه دارنده

(to hold, (نگاه داشتن

you are holding, شما نگاه داشته اید

book, کتاب

in, در

your, تان - خودتان (مال شما)

hand, دست

in your hand, در دستتان

open, باز

looking, در حال نگاه کردن

you are looking at the book,

شما دارید به کتاب نگاه میکنید

listening, مشغول شنیدن یا گوش دادن

to, به

you are listening to the record,

شما مشغول گوش دادن به صفحه گرامافون هستید

hearing, ( شما ) در حال شنیدن (هستید)

(to hear, فعل اصلی (شنیدن

my, ام (مال من - متعلق به من)

voice,	صدا - آواز
learning,	یاد گیرنده - آموزش
you are learning,	شما مشغول آموختن هستید
to understand,	فهمیدن
to read,	خواندن
and,	و
to write,	نوشتن
English,	انگلیسی

\* \* \*

slowly,	آهسته - یواش - شمرده
when,	وقتی که - چه وقت - کی
me,	مرا
you understand me,	شما ( حرفهای ) من را میفهمید
quickly,	تند - زود
you don't (do not) understand me,	شما ملتفت حرف من نمیشوید

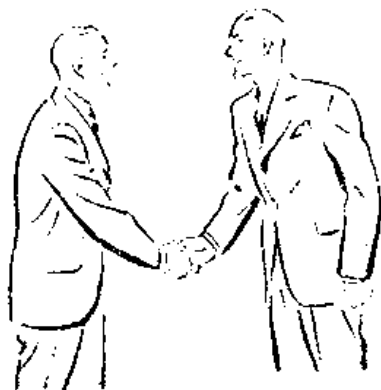
فعل اصلی ( کردن - بجا آوردن ) (to do,

\* \* \*



PART TWO

Good afternoon<sup>a</sup>. How are you?  
Quite well, thank you.  
Now please, answer my questions. Am I the  
teacher?  
Yes, you are.  
Are you the student?  
Yes, I am.  
Am I English?  
Yes, you are.  
Are you English?  
No, I'm not.  
Who is the teacher, you or I?  
You are.  
And who is the student?



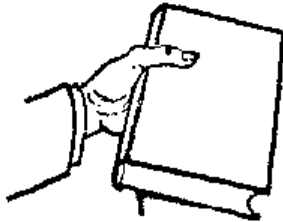
*a: Good afternoon*



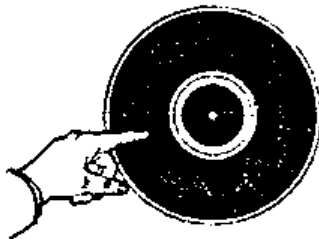
*b: What is this?*



*c: It's on the gramophone*



*d: Is this a book?*



*e: Is this a book?*

I am.

Do I speak English?

Yes, you do.

Am I speaking English now?

Yes, you are.

Do *you* speak English?

Yes, I do, but only a little.

What is this<sup>b</sup>?

It's a record.

Where is it?

It's on the gramophone<sup>c</sup>.

Is this a book?<sup>d</sup>

Yes, it is.

Is *this* a book?<sup>e</sup>

No, it isn't, it's a record.

Where are you sitting?

I'm sitting at the table.

What are you listening to?

I'm listening to the record.

Whose voice are you hearing?

I'm hearing your voice.

What are you looking at?

I'm looking at my book.

Is the book open or closed?

Open, of course.

What are you learning?

I'm learning English.

Do you understand me when I speak slowly?

Yes, I do.

And when I speak quickly?

No, I don't.

لغات قسمت دوم

Part 2

two,	دو
part two,	قسمت دوم
afternoon,	بعد از ظهر
how,	چطور - چگونه
how are you?	( احوال شما چطور است ) چطورید ؟
quite,	کاملا
well,	خوب
thank (to),	تشکر کردن
quite well, thank you,	بسیار خوب ( حال خوب است )، متشکرم
now,	حالا - اکنون
answer (to),	جواب دادن
question(s),	سؤال ( سئوالات )
please answer my questions,	خواهشمندم به سئوالات من جواب بدهید
am I ?	آیا من هستم ؟
yes,	بله
you are,	شما هستید

I am,	من هستم
no,	نه - خیر
I'm (= I am) not,	من نیستم (آیم بجای آی ام)
who?,	کی ؟
or,	یا
do I speak English?,	آیا من انگلیسی حرف میزنم
yes, you do,	بله شما انگلیسی حرف میزنید
am I speaking?	
	آیا من دارم حرف میزنم؟
do you speak?,	آیا شما حرف میزنید؟
yes, I do,	بله من حرف میزنم
but,	اما
only,	فقط
a little,	يك قدری - يك کمی
what?,	چی ؟ چه ؟ چه چیز ؟
what is this?,	این چیست
it,	آن - این
it's (=it is),	این ... است (ایتز بجای ایت ایز)
where is it?,	کجا است ؟
is this a book?,	آیا این کتاب است ؟
isn't (=is not),	نیست (ایزنت بجای ایزنات)

where are you sitting?,

شما کجا نشسته اید ؟

I'm sitting,

من نشسته ام

what are you listening to?,

شما بچه چیز دارید گوش مید هید

I'm listening to the record,

من دارم به صفحه گرامافون گوش مید هم

whose?,

مال کسی ؟

whose voice are you hearing?

شما صدای که را میشنوید ؟

(to hear, شنیدن)

I'm hearing,

من دارم میشنوم

what are you looking at?,

شما به چه چیز دارید نگاه میکنید ؟

I'm looking at my book,

من دارم به کتابم نگاه میکنم

open,

باز

closed,

بسته

of,

از

course,

دوره - خط سیر - راه

of course,

البته

what are you learning?,

شما دارید چه چیز میآموزید ( یاد میگیرید )

I'm learning English,

من دارم انگلیسی میآموزم ( یاد میگیرم )

do you understand me when I speak  
slowly?,

آیا وقتیکه من آهسته صحبت میکنم شما میفهمید ؟

and when I speak quickly?,

وقتیکه من تند حرف میزنم چگونه ؟

\* \* \*



## LESSON ONE (1)



1: My wife, Mrs. Black  
2: My son, John

3: My daughter, Mary  
4: I—Mr. Black

5: An armchair  
6: The window

Lesson one (1)  
First (1st) lesson

### MY FAMILY



a  
b  
a: A man  
b: A woman

This is my family: my wife<sup>1</sup>, my son<sup>2</sup>, my daughter<sup>3</sup> and I<sup>4</sup>. I am Mr. Black<sup>4</sup>. My wife is Mrs. Black<sup>1</sup>. I am Mrs. Black's husband. I am a man<sup>a</sup>. My wife is a woman<sup>b</sup>.

We have two children, a boy<sup>c</sup> and a girl<sup>d</sup>. The boy's name is John. He's twelve years old. The girl's name is Mary. She's still quite young. She's only eight. She's four years younger than John, and John

# LESSON ONE (1)



*c*      *d*  
*c*: A boy  
*d*: A girl



*e*: Standing  
*f*: Sitting



*g*: Reading a book



*h*: A pipe



*i*: A letter



*j*: Kneeling



*k*: A dog



*l*: A cat



*m*: A train

is four years older than she is. Mary is the youngest in the family and I am the oldest.

John is Mary's brother. Mary is John's sister. John is my son. I am his father. My wife is his mother. Mary is my daughter. I am her father. My wife is her mother. John and Mary are our children. I am their father; my wife is their mother; we are their parents. We love our children.

My wife is sitting<sup>f</sup> in an armchair<sup>5</sup>, reading a book<sup>g</sup>. I am standing<sup>e</sup> by the window<sup>6</sup>, smoking a pipe<sup>h</sup>. Mary is writing a letter<sup>i</sup>. John is kneeling<sup>j</sup> on the floor and playing with his train<sup>m</sup>. The dog<sup>k</sup> and the cat<sup>l</sup> are lying under the table.

# لغات

## LESSON 1 درس اول

### My Family خانواده من

lesson,	درس
lesson one,	درس اول
first,	اول
family,	خانواده - فامیل
wife,	زن - همسر
son,	پسر
daughter,	دختر
Mr. Black,	افای بلاك ( اسم است )
Mrs. Black,	خانم بلك
husband,	شوهر
Mrs. Black's husband,	شوهر خانم بلاك
man,	مرد
woman,	زن
we,	ما

we have,	ما داریم
to have,	داشتن
children,	اطفال - اولاد
child,	طفل - بچه
boy,	پسر بچه
girl,	دختر بچه
name,	اسم - نام
John,	جان ( اسم است )
the boy's name is John,	
	اسم پسر جان است
he,	او ( مذکر )
twelve,	دوازده
year(s),	سال ( ها )
old,	پیر - ( فلانقدر ) ساله
he's twelve years old,	
	آن پسر دوازده ساله است
the girl's name is Mary,	
	اسم دختر مری است
she,	او ( مؤنث )

لغات درس اول

still, هنوز

young, جوان

she's still quite young,

او (مونت) هنوز خیلی جوان است

eight, هشت

she's only eight, او فقط هشت سال دارد

four, چهار

younger, جوانتر - کوچکتر

than, از - تا - نسبت به

older, مسن تر - بزرگتر

than she is,

از آن زن یا آن دختر - تا آن زن یا آن دختر

the youngest, از همه کوچکتر

the oldest, از همه بزرگتر

\* \* \*

brother, برادر

Mary's brother, برادر مری

sister, خواهر

John's sister, خواهر جان

his,	مال او ( مذکر )
father,	پدر
mother,	مادر
her,	مال او ( مؤنث )
our	مال ما ( ضمیر ملکی )
their,	مال آنها ( ضمیر ملکی )
parents,	پدر و مادر - والدین
we love,	ما دوست داریم

\* \* \*

armchair,	صندلی دسته دار - صندلی راحت
reading,	خواندن - در حال خواندن
(to read,	(خواندن)
standing,	ایستاده
(to stand,	(ایستادن)
by,	کنار - پهلو
window,	پنجره
smoking,	در حال کشیدن سیگار
pipe,	پیپ

is writing,

مشغول نوشتن است - دارد مینویسد

(to write, نوشتن)

letter,

کاغذ - نامه

is kneeling,

سجده زانو زدن است

(to kneel, زانو زدن)

floor,

کف اطاق - طبقه - اشکوب

(is) playing,

در حال بازی کردن یا مشغول بازی کردن است

with,

با

train,

قطار

dog,

سگ

cat,

گربه

are lying ,

خوابیده اند (در مورد انسان) دراز کشیده اند

(to lie, دراز کشیدن)

under,

زیر

\* \* \*



1: Mr. Black  
2: Mrs. Black

3: John, the son  
4: Mary, the daughter  
5: The train

6: The armchair  
7: The window

Lesson two (2)  
Second (2nd) lesson

## QUESTIONS AND ANSWERS

Who am I?

You are Mr. Black<sup>1</sup>.

Whose husband am I?

Mrs. Black's<sup>2</sup> husband.

What's my son's name?

His name is John<sup>3</sup>.

What is your name?

My name is Peter Jones.

Have I got one child<sup>a</sup> or two?

You have two children<sup>b</sup>.



a: One child





*b: Two children*



*c: Writing a letter*



*d: Standing*



*e: Sitting*

Is Mary<sup>4</sup> my daughter?

Yes, she is.

How old is she?

She's eight.

What is she doing?

She's writing a letter<sup>c</sup>.

Is she standing<sup>d</sup> or sitting<sup>e</sup>?

She's sitting.

What is John playing with?

He's playing with his train<sup>5</sup>.

Has John any brothers?

No, he hasn't.

Have you any brothers?

Yes, I have.

How many?

One.

Who is smoking a pipe<sup>f</sup>?

You are.

Do you smoke?

No, I don't.

Does your father smoke?

Yes, he does.

Does your mother smoke?

No, she doesn't.

Do women smoke?

Some do and some don't.



*f: Smoking a pipe*

لغات

LESSON 2 درس دوم

Questions and Answers

سئوال و جواب

second,

دوم

answer(s),

جواب (ها)

what's my son's name?,

اسم پسر من چیست؟

what is your name,?

اسم شما چیست؟

Peter,

پیتر (اسم است)

got,

گرفت

to get,

گرفتن - بدست آوردن

to have got,

داشتن

have I got one child or two?,

آیا من يك بچه دارم يا دو تا؟

how old is she?,

آن (دختر يا زن) چند ساله است؟

she's (=she is) eight,

آن (دختر) هشت ساله است (شيز بجای شی ایز)

what is she doing?,

او (آن دختر) مشغول چه کار است؟

is she standing or sitting?,

آیا او ایستاده است یا نشسته؟

she's sitting,

او نشسته است

what,

چه

with,

با

what is John playing with?,

جان با چه چیز بازی میکند؟

has,

دارد ( سوم شخص فعل اصلی )

(to have, فعل اصلی (داشتن

any,

هیچ - هر - هر یک

has John any brothers?

آیا جان هیچ برادر دارد؟

no, he hasn't (=has not),

نه ندارد (هزنت بجای هزئات)

have you any brothers?,

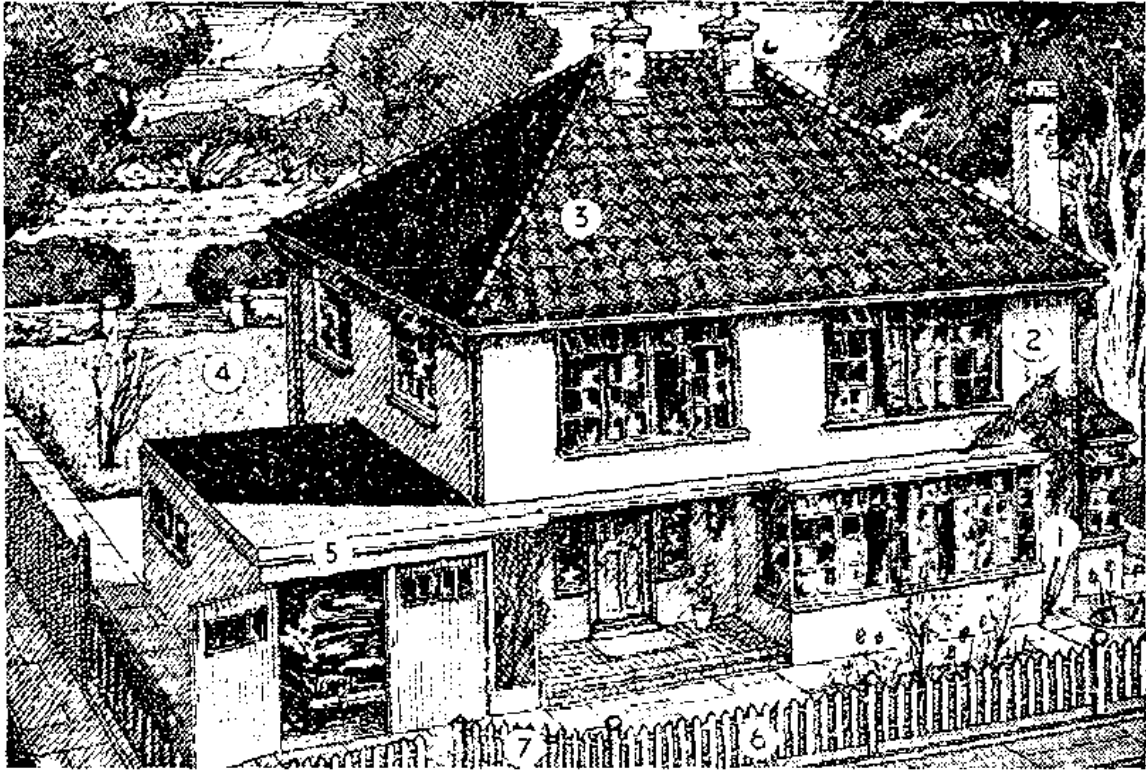
آیا شما هیچ برادر دارید؟

yes, I have,

بله دارم

many, چندین - خیلی - بسیار  
how many?, چند تا ؟  
do you smoke?,  
شما دخانیات استعمال میکنید ؟ شما سیگار میکشید  
no, I don't (=do not),  
نه نمیکشم ( دُنْت بجای دونات )  
does, میکند ( سوم شخص فعل اصلی )  
(to do, فعل اصلی ( کردن )  
does your father smoke?,  
آیا پدر شما سیگار یا پیپ میکشد ؟  
yes, he does, بله او میکشد  
does your mother smoke?,  
آیا مادر شما سیگار میکشد ؟  
no, she doesn't (=does not),  
نه نمیکشد ( دزنت بجای دزنات )  
women, زنها  
some, بعضی  
some do and some don't,  
بعضی میکشند و بعضی نمی کشند

## LESSON THREE (3)



1: The ground-floor  
2: The first floor

3: The roof  
4: The lawn  
5: The garage

6: The fence  
7: The gate

Lesson three (3)  
Third (3rd) lesson

## OUR HOUSE



a: The ground-floor  
b: The first floor



c: A hat

Many families in London live in flats, but most people live in their own houses in the suburbs. We too have a house in a London suburb. I bought it about fifteen years ago, when I got married. Like most of London's suburban houses, it consists of only two floors, the ground-floor<sup>1, a</sup> and the first floor<sup>2, b</sup>.

On the ground-floor there's the dining-room, the lounge or sitting-room,

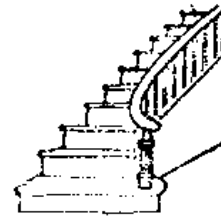
## LESSON THREE (3)



*d: A coat*



*e: An umbrella*



*f: A staircase*



*g: Three chimneys*



*h: A rose*



*i: A tulip*



*j: A fruit-tree*



*k: A car*



*l: Vegetables: potatoes, a cabbage, a cauliflower, onions, tomatoes*

the kitchen, and the hall. In the hall we see a stand for hats<sup>c</sup>, coats<sup>d</sup> and umbrellas<sup>e</sup>. A staircase<sup>f</sup> leads from the hall to the landing on the first floor. On this floor there are four bedrooms, a bathroom and a lavatory. On top of the roof<sup>3</sup> there are three chimneys<sup>g</sup>.

In front of the house we have a small garden, in which we grow flowers: roses<sup>h</sup>, tulips<sup>i</sup>, and so on. At the back of the house there's a much larger garden with a lawn<sup>4</sup> and some fruit-trees<sup>j</sup>. There's also a vegetable garden where we grow all kinds of vegetables<sup>l</sup>, such as potatoes, cabbages, cauliflowers, onions and tomatoes.

At the side of the house is a garage<sup>5</sup>, where I keep my car<sup>k</sup>. The garden is enclosed by a fence<sup>6</sup>, with a gate<sup>7</sup> in it.

لغات

LESSON 3 درس سوم

Our House خانه ما

three,	سه
third,	سوم - سومین
house,	خانه
families,	خانواده ها
(family, فامیل - خانواده)	
in London,	در لندن
live (to),	زندگی کردن
flat(s),	آپارتمان (ها)
but,	اما
most,	بیشتر - اکثر - قسمت اعظم
people,	مردم
most people,	بیشتر مردم
own,	مالک بودن - دارا بودن
their own houses,	خانه های خودشان

لغات درس سوم

suburb(s),	حومه (شهر)
too,	نیز
London suburb,	حومه لندن
I bought it,	من آنرا خریدم
(to buy, خریدن)	
about,	تقریباً - در حدود
fifteen,	پانزده
ago,	قبل - پیش
fifteen years ago,	پانزده سال قبل
I got,	گرفتم
(to get, گرفتن)	
married,	زن گرفت - ازدواج کرد
I got married,	من متاهل شدم - ازدواج کردم - زن گرفتم
like,	مانند - مثل
suburban,	متعلق به حومه
most of London's suburban houses,	بیشتر خانه های حومه لندن
it consists of,	عبارت است از - تشکیل میشود از



floor(s),	طبقه ( طبقات )
ground,	زمین
ground floor,	طبقه هم کف
first floor,	طبقه اول

\* \* \*

on the ground floor,

در طبقه محاذی زمین در طبقه هم کف

there, آنجا

there's (=there is),

هست - وجود دارد

dining-room, اتاق ناهار خوری

lounge, اتاق پذیرائی - سالن

sitting-room, اتاق نشیمن

kitchen, مطبخ - آشپزخانه

hall, سرسرا - ورودی

we see, ما می بینیم

(to see, دیدن)

a. stand, چنگک یا قلاب مخصوص نگهداری لباس و غیره

for, برای

hat(s),	کلاه (ها)
coat(s),	پالتو (ها)
umbrella(s),	چتر (ها)
staircase,	پلکان
leads,	میبرد - میبرد - ختم میشود به
(to lead,	(هدایت کردن - راهنمایی کردن
from,	از
landing,	قسمت سطح روی پلکان
on the first floor,	در طبقه اول
there are,	هستند
bedroom(s),	اتاق خواب (اتاقهای خواب)
bathroom,	حمام
lavatory,	مستراح - توالت
top,	بالا
roof,	پشت بام - سقف
on top of the roof,	در بالای پشت بام
chimney(s),	لوله (های) بخاری

\* \* \*

front,	جلو
--------	-----

in front of,	در جلو
small,	کوچک
garden,	باغ - باغچه
which,	که (ضمیر موصول)
in which,	که در آن
grow (to),	روئیدن - رویانیدن - عمل آوردن
flower(s),	گل (گلها)
rose(s),	گل سرخ (ها)
tulip(s),	لاله (ها)
and so on,	و امثال آنها
back,	پشت - عقب
at the back,	در عقب
much,	زیاد - خیلی
larger,	وسیعتر - بزرگتر
lawn,	چمن
some,	بعضی - چند
fruit-tree(s),	درخت (های) میوه

also,	ونيز - همچنين
vegetable garden,	سبزکاري
where,	کجا - که در آن - جائي که
all,	همه - تمامي
kind(s),	نوع - (انواع)
all kinds of,	همه نوع
vegetable(s),	سبزي (سبزجات)
such,	چنين - ايمن قبيل
as,	مانند - آنقدر
such as,	از قبيل
potato(es),	سيب زميني (ها)
cabbage(s),	کلم (ها)
cauliflower(s),	گل کلم (ها)
onion(s),	پياز (ها)
tomato(es),	گوجه فرنگي (ها)
side,	پهلوي - کنار
at the side of,	در پهلوي - در جنب
garage,	گاراژ
I keep,	من نگاه ميدارم
(to keep,	(نگاه داشتن)
car,	اتومبيل
enclosed,	محصور - احاطه شده
by,	در کنار - بوسيله

fence,

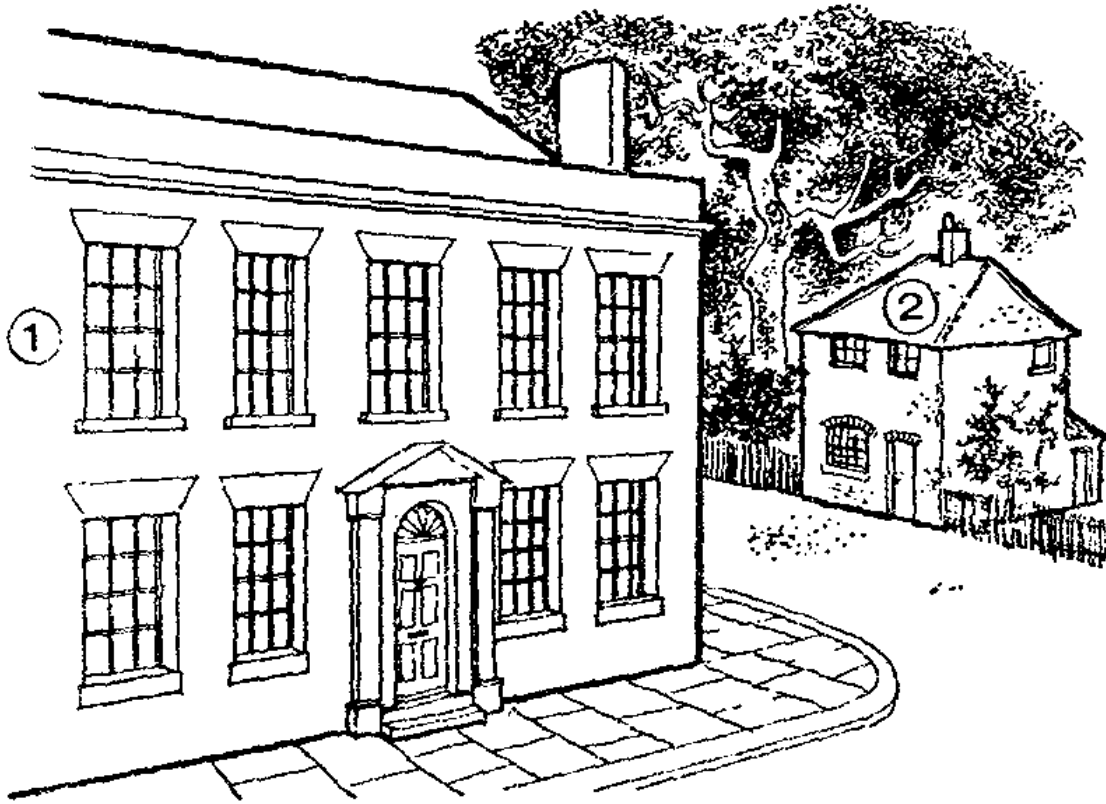
نرده

gate,

در حیاط - در خانه - دروازه

\* \* \*

## LESSON FOUR (4)



1: A large house

2: A small house

Lesson four (4)  
Fourth (4th) lesson

### CONVERSATION



a. The garage



b. The kitchen

Now, let's have a talk about our house  
... Can you tell me where we live?

Yes, I can; you live in a house in the  
suburbs of London.

Quite right. Now tell me, is it a large house<sup>1</sup>  
or a small<sup>2</sup> one?

Well, it's neither very large nor very small.

When did I buy it?

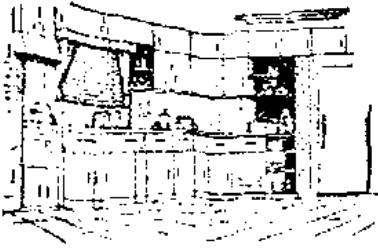
You bought it about fifteen years ago.

Is there a garage<sup>a</sup>?

Yes, there is.

How many rooms are there in the house?

## LESSON FOUR (4)



*b: The kitchen*



*c: A bedroom*



*d: The dining-room*



*e: The lounge; sitting-room*

Let me see . . . one, two, three, four, five, six, seven. Yes, seven, including the kitchen<sup>b</sup>.

Are the bedrooms<sup>c</sup> upstairs or downstairs?  
Upstairs, on the first floor.

Which rooms are on the ground-floor?  
The dining-room<sup>d</sup>, the lounge<sup>e</sup> and the kitchen.

Have we got a garden<sup>h</sup>?

Yes, you have.

Where do the flowers grow?

In the front garden.

Are there any fruit-trees there?

No, there aren't, they're in the back garden.

Have we got many fruit-trees?

No, not many, just a few.

Do you like fruit?

Yes, I do, very much, especially pears<sup>f</sup> and apples<sup>g</sup>.



*f: A pear*



*g: An apple*



*h: A garden.*

LESSON FOUR  
Conversation

درس چهارم  
گفتگو - محاوره

four,	چهار
fourth,	چهارم - چهارمین
conversation,	صحبت - گفتگو - محاوره - مکالمه
now,	حالا - اکنون
talk,	صحبت - مذاکره
let's have a talk,	بیائید صحبت کنیم
about,	در باره - در باب
can you,	آیا شما میتوانید
tell (to),	گفتن - بگو
can you tell me,	آیا شما میتوانید بمن بگوئید
I can,	من میتوانم
right,	درست - راست - حق
quite right,	کاملاً درست
tell me,	به من بگوئید
large,	وسیع - بزرگ
a large house or a small one,	یک خانه بزرگ یا یک خانه کوچک
well,	خوب



لغات درس چهارم

neither..nor, ( نه این و نه آن )	نه . نه . نه .
very,	خیلی - بسیار
did,	کرد
( to do, کردن )	
buy (to),	خریدن
when did I buy it?,	
is there?,	کی من آنرا خریدم ؟ آیا در آنجا هست ؟
yes, there is,	بله آنجا هست
room(s),	اطاق (ها)
how many rooms?,	چند اطاق ؟
are there?,	آیا هست یا هستند ؟
let me see,	ببینم
five,	پنج
six,	شش
seven,	هفت
including,	با - بضمیمه - بانضمام
upstairs,	( در ) طبقه بالا
downstairs,	( در ) طبقه پائین
are the bedrooms upstairs or down- stairs?	آیا اتاقهای خواب در طبقه بالا هستند یا در طبقه پائین
(stair(s), (پله ها	
which rooms,	کدام اتاقها
have we got?,	آیا ما داریم
(to have got=to have,	( داشتن )

where do the flowers grow?,

گلها در کجا میروند (عمل میآیند) ؟

(to grow, کاشتن - عمل آوردن - روئیدن

the front garden, باغچه جلو عمارت

no, there aren't (=are not),

نه نیستند یا نیست (آرنت بجای آرناات)

they, ایشان - آنها

the back garden, باغچه عقب عمارت

just, تازه - الساء - همین حالا - درست - فقط

a few, بك كمى - چند تائی

just a few, فقط

like (to), مایل بودن - دوست داشتن

fruit, میوه

do you like fruit?

آیا شما میوه دوست دارید ؟

very much, خیلی زیاد (خیلی دوست دارم)

especially, بخصوص

pear(s), گلابی (ها)

apple(s), سیب (ها)

\* \* \*

## LESSON FIVE (5)



- 1: *The piano*
- 2: *The bookcase*
- 3: *The settee*
- 4: *The fireplace*

- 5: *An armchair*
- 6: *The mantelpiece*
- 7: *The standard lamp*
- 8: *A small table*

- 9: *A small chair*
- 10: *The radiogram*
- 11: *The electric light*
- 12: *The curtain*

Lesson five (5)  
Fifth (5th) lesson

### OUR SITTING-ROOM



*a: A music-stool*

Let's have a look at this picture of our sitting-room. As you come into the room, you notice a piano<sup>1</sup>, with a low music-stool<sup>a</sup> in front of it. Next to the piano is a tall bookcase<sup>2</sup>, standing against the wall. On the left is a large window. Under the window there's a radiator<sup>b</sup>, but you can't see it, because it's behind the settee<sup>3</sup>. On the settee there are two cushions<sup>c</sup>.

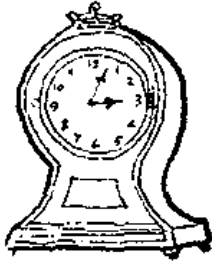
LESSON FIVE (5)



*b: A radiator*



*c: A cushion*



*d: A clock*

The fireplace<sup>4</sup> is at the other end of the room. On each side of the fireplace there's an armchair<sup>5</sup>. An old lady is sitting in one of the chairs, but nobody's sitting in the other one; it's empty. In the centre of the mantelpiece<sup>6</sup> there's a clock<sup>d</sup>, and above it an oval mirror<sup>e</sup>. On the right you can see a standard lamp<sup>7</sup>.



*e: An oval mirror*

Opposite the fireplace you can see a small table<sup>8</sup> with an ash-tray<sup>f</sup> and some newspapers<sup>g</sup> on it. By the table there's a small chair<sup>9</sup>. On the extreme right, there's a radiogram<sup>10</sup>. The floor is covered with a beautiful thick carpet<sup>h</sup>. An electric light<sup>11</sup> is hanging from the middle of the ceiling. At night, when it gets dark, we switch on the light and draw the curtains<sup>12</sup>. During the day, the light comes in through the window.



*f: An ash-tray*



*g: A newspaper*



*h: A carpet*

لغات

LESSON FIVE

درس پنجم

Our Sitting-room

اطاق نشیمن

fifth,	پنجم - پنجمین
look	نگاه - نظر
let's have a look at,	بیائید نگاهی به . . . . . بکنیم
picture,	عکس - شکل - نقاشی
as,	همینطور که
you come into,	شما وارد می‌شوید - شما می‌آید تو
(to come into,	(وارد شدن - تو آمدن
(to come,	(آمدن
notice(to),	متوجه شدن - ملتفت شدن
piano,	پیانو
you notice a piano,	چشم‌تان بیک پیانو می‌افتد - یک پیانو مشاهده میکنید
low,	کوتاه - پست - پائین
music,	موسیقی - موزیک - ساز
stool,	چهارپایه - عسلی
music-stool,	چهارپایه موزیک ( که نوازنده روی آن میشیند )
in front of it,	در جلو آن
next to,	پهلوی - بعد از

tall,	بلند
bookcase,	قفسه کتاب
standing,	ایستاده
against,	به - در مقابل - در برابر
wall,	دیوار
against the wall,	بدیوار
left,	چپ
on the left,	در سمت چپ
radiator,	رادیاتور
you can't (=cannot) see it,	شما نمیتوانید (کانت بجای کن نات) آنرا ببینید
because,	زیرا که - بدلیل آنکه
behind,	عقب - پشت
settee,	نیمکت مبل بزرگ راحتی
cushion(s),	پشتی (ها) - کوسن

\* \* \*

fireplace,	بخاری
other,	دیگر
end,	انتها - آخر - سر
at the other end,	در آن سر - در آن طرف
each,	هر - هر يك - هر کدام
on each side,	در هر طرف
lady,	خانم - بانو
an old lady,	يك بانوی سالخورده ( مسن )
chair(s),	صندلی (ها)
nobody,	هیچکس

لغات درس پنجم

in the other one	در آن دیگری
empty,	خالی
centre,	وسط
in the centre,	در وسط
mantelpiece,	نمای بخاری - روبخاری - طاقچه
clock,	ساعت طاقچه ای یا دیواری
above,	بالای
oval,	بیضی
mirror,	آئینه
right,	راست - درست
on the right,	در طرف راست
you can see,	شما میتوانید ببینید
lamp,	چراغ
standard lamp,	چراغ پایه دار - آباژور

\* \* \*

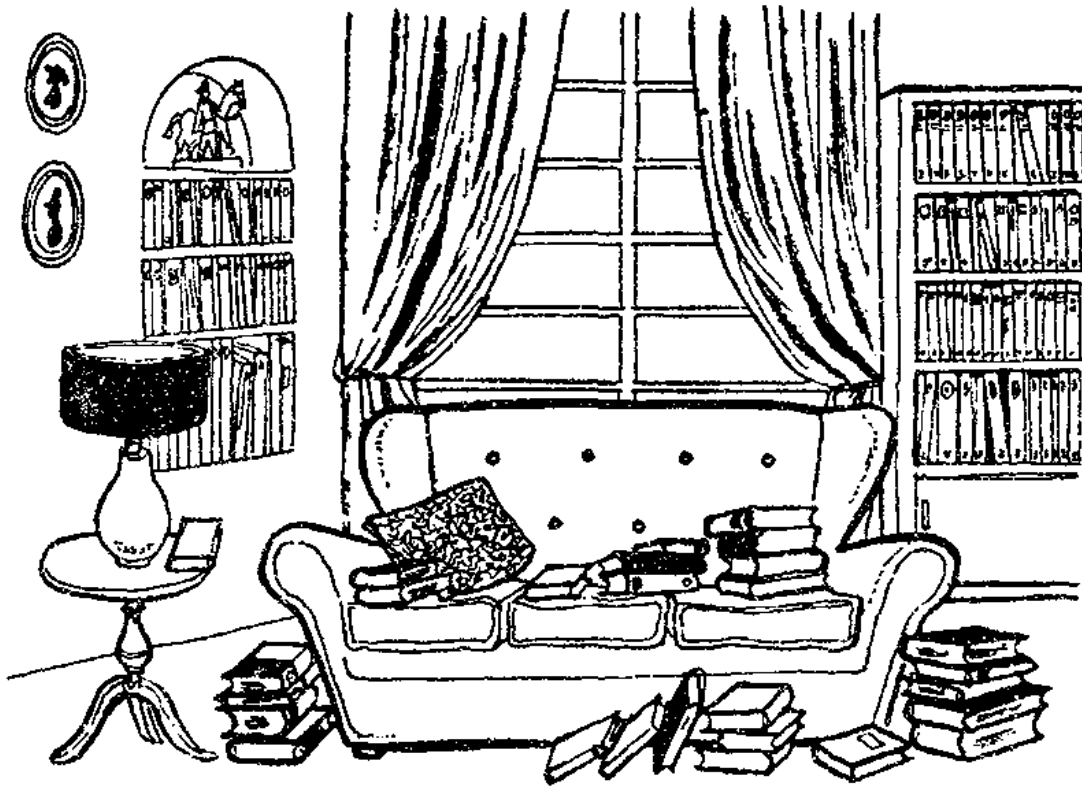
opposite,	مقابل - روبروی
ash-tray,	زیر سیگاری
newspaper(s),	روزنامه (ها)
on it,	روی آن
extreme,	واقع در انتها - دورترین
on the extreme right,	در انتهای طرف راست
radiogram,	رادیوگرافامافون
is covered,	پوشانیده شده است

(to cover, پوشانیدن)

beautiful,	قشنگ - زیبا - خوشگل
thick,	کلفت - ضخیم
carpet,	قالی - فرش
electric,	الکتریکی - برقی
light,	چراغ - نور - روشنائی - سبک
is hanging,	آویزان است
(to hang,	(آویختن - آویزان کردن
middle,	میان - وسط
ceiling,	سقف
night,	شب
at night,	در موقع شب
dark,	تاریک
it gets dark,	تاریک میشود
(to get dark,	(تاریک شدن
switch on (to),	روشن کردن - کلید را زدن -
.....	چراغ برق یا تلفن را متصل کردن به
draw (to),	کشیدن
curtain(s),	پرده (ها)
during,	در مدت
day,	روز
comes in,	میآید تو - داخل میشود
(to come in,	(داخل شدن - وارد شدن
through,	از - از توی - از میان - بوسیله



LESSON SIX (6)



A lot of books!

Lesson six (6)  
Sixth (6th) lesson

CONVERSATION BETWEEN TEACHER  
AND STUDENT

Is there a bookcase in our sitting-room?

Yes, there is.

Are there any books in it?

Yes, quite a lot.

How many are there?

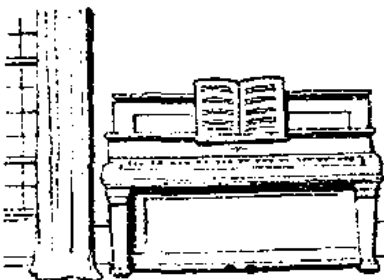
I don't know. I haven't counted them.

Where's the window?

On the left of the piano<sup>a</sup>.

What is there under the window?

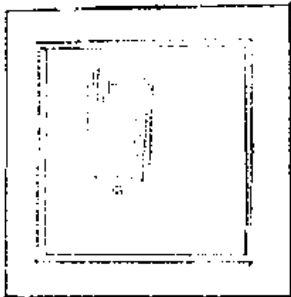
A radiator.



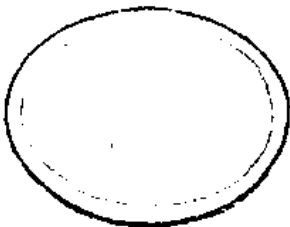
*a: On the left of the piano*



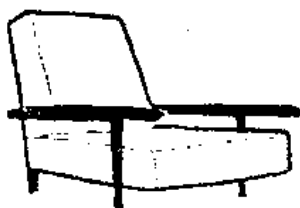
*b: A round mirror*



*c: A square mirror*



*d: An oval mirror*



*e: An armchair*



*f: A settee*

Can you see it?

No, I can't.

Why not?

Because it's behind the settee.

Is the mirror round<sup>b</sup> or square<sup>c</sup>?

Neither, it's oval<sup>d</sup>.

Is there anything on top of the radiogram?

No, nothing at all.

There's something on the small table, isn't there?

Yes, there's an ash-tray.

Isn't there anything else on it?

Yes, there are some newspapers.

Are there any armchairs<sup>e</sup> in the room?

Yes, there are two.

You can see somebody sitting in one of them, can't you?

Yes, an old lady.

Is anybody sitting in the other chair?

No, nobody. There isn't anybody sitting on the settee<sup>f</sup>, either.

Do you like our sitting-room?

Yes, I do, very much.

I'm so glad. Everybody does.

درس ششم LESSON SIX

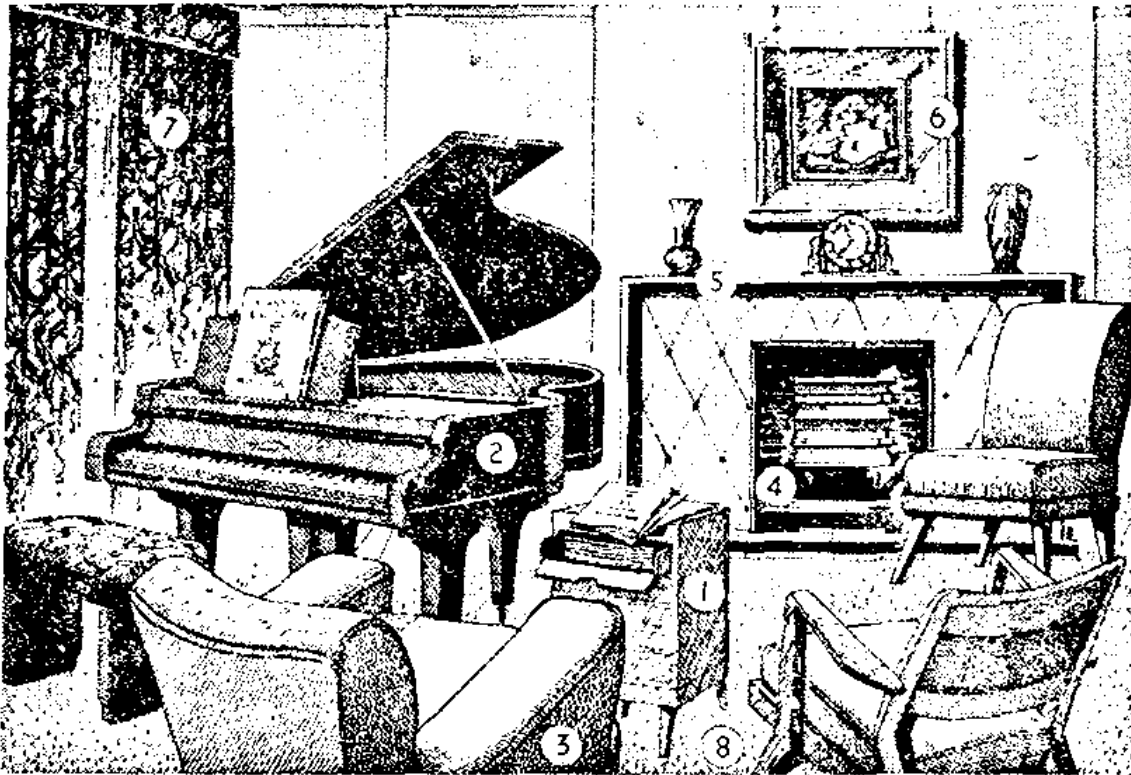
Conversation between Teacher and Student  
گفتگو بین معلم و شاگرد

sixth,	ششم - ششمین
between,	بین - میان
a lot,	مقداری
quite a lot,	مقدار زیادی
know (to),	دانستن
I don't know,	من نمیدانم
counted,	شمرده
(to count, شمردن)	
them,	آنها را
I haven't counted them,	
	من آنها را نشمرده ام (هونت بجای هونات)
no, I can't,	نه من نمیتوانم
why,	چرا
why not?,	چرا نه؟
round,	گرد - مدور
square,	مربع - چهار گوش
neither,	هیچکدام - نه . . نه
anything,	چیزی - هر چیز
nothing,	هیچ چیز
nothing at all,	ابداً - بهیچوجه

something,	چیزی
there's something...isn't there?	
	چیزی هست ... نیست؟
isn't there anything?	
	آیا هیچ چیز نیست ؟
anything else,	چیز دیگری
there are two,	دو تا هست
somebody,	يك کسی - يك شخص مجبولى
in one of them,	در یکی از آنها
can't you?,	آیا شما نمیتوانید
anybody,	کسی - هر کسی
either,	هم - هر يك از دو - هر کدام
there isn't anybody sitting on the settee either,	
	روی نیمکت هم کسی ننشسته است
glad,	خوشحال - مسرور
I'm so glad,	من چقدر خوشحال هستم
everybody,	همه کس
everybody does,	همه کس خوشش میآید
(to do.	(کردن)

\* \* \*

## LESSON SEVEN (7)



1: *The music-cabinet*  
2: *The grand piano*

3: *An easy chair*  
4: *The electric fire*  
5: *The mantelpiece*

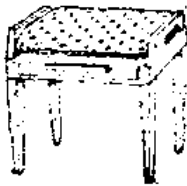
6: *A picture*  
7: *A curtain*  
8: *The carpet*

Lesson seven (7)  
Seventh (7th) lesson

### COMPARISONS



*a: Music*



*b: A music-stool*

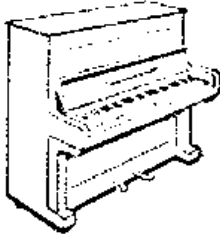
Now let's compare our sitting-room with the Bakers'. The Bakers are friends of ours. They live next door to us. Our room is a little larger than theirs and it has more furniture in it. As you see, there's no wireless set in Mr. Baker's room. There isn't a bookcase either. Mine is in my sitting-room, but his is in his study.

My wife keeps her music<sup>a</sup> in the music-stool<sup>b</sup>, but Mrs. Baker keeps hers

## LESSON SEVEN (7)



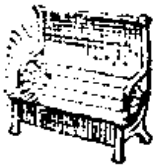
*c: A grand piano*



*d: An upright piano*



*e: A violin*



*f: An electric fire*



*g: A coal fire*



*h: Logs*



*i: Coal*



*j: A vase*

in a separate cabinet<sup>1</sup> near the piano<sup>2</sup>. You can also see that theirs is a grand piano<sup>2,c</sup>, whereas ours is an upright<sup>d</sup>. Both my wife<sup>e</sup> and Mrs. Baker are very fond of music and both play the piano very well. But my wife doesn't play as well as Mrs. Baker. Mrs. Baker not only plays much better than my wife does, but she's the best pianist in the district. I don't play the piano, but I play the violin<sup>e</sup>.

There's no settee in the Bakers' sitting-room, and there are no small chairs. However, they have three easy chairs<sup>3</sup> whereas we have only two. In their room they have an electric fire<sup>4,f</sup>, but we, like most English people, have a coal fire<sup>g</sup>. Sometimes we burn logs<sup>h</sup> of wood instead of coal<sup>i</sup>. The Bakers have two vases<sup>j</sup> on their mantelpiece<sup>5</sup>, as well as a clock, and over the mantelpiece they've got a beautiful picture<sup>6</sup>, painted by a famous artist.

لفات

LESSON SEVEN درس هفتم  
Comparisons مقایسه ها

seventh, هفتم - هفتمین  
comparison(s), مقایسه (ها)  
compare (to), مقایسه کردن  
(to compare with, مقایسه کردن با)  
the Bakers', خانواده "بیکر" (بیکر در اینجا اسم است)

friend(s), دوست (دوستان)  
ours, مال ما - متعلق بما  
friends of ours, دوستان ما  
us, بما - ما را  
next, بعدی - آینده - پهلوئی - دیگر  
door, در  
next door to us, همسایه ما  
theirs, مال آنها  
more, بیشتر  
furniture, اثاثیه  
in it, در آن  
no, نه  
wireless, رادیو  
set, دستگاه

wireless set,	دستگاه رادیو
there's no wireless set,	دستگاه رادیو نیست
mine,	مال من
his,	مال او ( مذکر )
study,	اطراف مطالعه

\* \* \*

keeps,	نگاه میدارد
(to keep,	( نگاه داشتن )
hers,	مال آن زن یا دختر - مال خودش را
separate,	جداگانه
cabinet,	گنجه - کمد
near,	نزدیک - نزدیک به
that,	آن
grand,	بزرگ - عالی
grand piano,	پیانوی بزرگ
whereas,	در صورتیکه
upright,	راست مستقیم
upright (piano),	پیانوی معمولی
both,	هر دو
both...and,	هم ... هم
fond,	مایل - طالب

are very fond of,  
خیلی مایل به ... هستند - خیلی ... را دوست دارند  
( to be fond of, مایل و طالب بودن )



play (to),	بازی کردن - زدن ساز
well,	خوب
doesn't play,	ساز نمیزند
as well as,	بخوبی
not only...but,	نه فقط ... بلکه
better,	بهتر
plays much better than my wife does,	( او ) خیلی بهتر از زن من می نوازد
best,	بهترین
pianist,	پیانیست - نوازنده پیانو
in the district,	در محله - در منطقه
violin,	ویولون

\* \* \*

however,	لیکن
they have,	آنها دارند
easy,	راحت - آسان
easy chairs,	صندلیهای راحت
whereas,	در صورتیکه - و حال آنکه
fire,	آتش
electric fire,	بخاری برقی
coal,	زغال سنگ
coal-fire,	آتش زغال سنگ - بخاری زغال سنگی
sometimes,	بعضی اوقات
burn (to),	سوختن - سوزانیدن
log(s),	کنده (ها)
wood,	چوب - هیزم

لغات درس هفتم

instead of,	بجای
vase(s),	گلدان (ها)
as well as,	همچنین
over,	روی - بالای
painted,	نقاشی شده - کشیده ( با قلم )
painted by,	بقلم - نقاشی
famous,	مشهور
artist,	نقاش - هنرمند

\* \* \*

## LESSON EIGHT (8)



Lesson eight (8)  
Eighth (8th) lesson

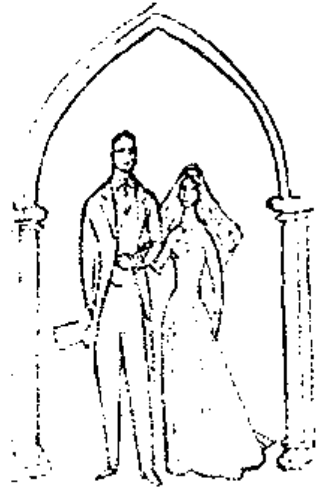
### ANOTHER TALK



*a: Married*

Well, you've learnt quite a lot about our sitting-room and the Bakers', and now I'm going to ask you a few questions about them. Tell me, whose sitting-room do you like better, the Bakers' or ours? I don't think there's much to choose between the two, but on the whole I prefer yours.

I'm glad to hear that. Of course, their furniture<sup>b</sup> is more modern than ours. You see, they haven't been married<sup>a</sup> as long as we have, so they bought their furniture



*a: Married*

more recently than we did. . . . Don't you think that's a very fine picture the Bakers have over their mantelpiece?

Yes, I can't help admiring it whenever I look at it. I should think it must be very valuable.

And what do you think of the piano?

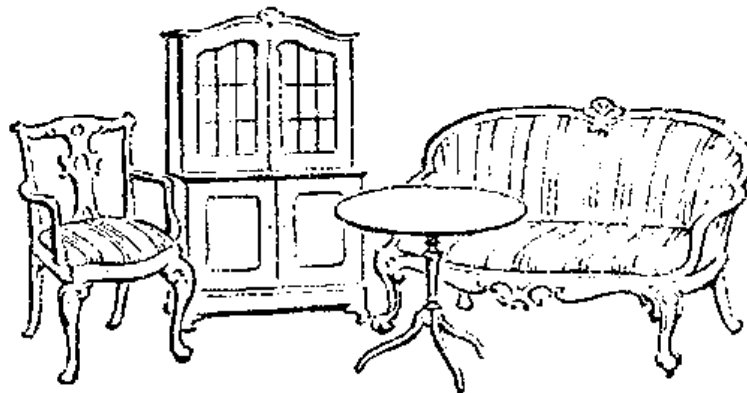
I think it's a very fine instrument indeed.

By the way, do you play the piano?

I'm sorry to say I don't.

Does your wife?

Oh yes, she does, and very well too.



*b: Furniture*

LESSON EIGHT    درس هشتم  
Another Talk    يك صحبت ديگر

eight,	هشت
eighth,	هشتم - هشتمين
another,	يکي ديگر
another talk,	يك صحبت ديگر
learnt,	آموخته
I'm going,	دارم ميروم - قصد رفتن دارم - خيال دارم
(to go,	(رفتن)
to ask,	پرسيدن - سؤال کردن - خواهش کردن
to ask you a few questions,	(که) چند سؤال از شما بکنم
better,	بهتر
do you like better,	آيا ترجيح ميدهيد ؟
ours,	مال ما
think (to),	گمان کردن - فکر کردن - خيال کردن
to choose,	اختيار کردن - انتخاب کردن
I don't think there's much to choose	
between the two,	
	من خيال نميکنم تفاوت زيادي بين آنها باشد

لغات در سر هشتم

whole,	تمامی - همه - کلی
on the whole,	بطور کلی - روی همرفته
prefer (to),	ترجیح دادن
yours,	مال شما ( را )
glad,	خوشحال - مسرور
that,	که - آن
I'm glad to hear that,	خوشوقتسم که اینرا میشنوم
more,	بیشتر
modern,	جدید - باب روز
they haven't (= have not),	آنها ندارند ( هونت بجای هونات )
been,	بوده ( اسم مفعول فعل اصلی )
(to be, بودن)	فعل اصلی ( بودن )
they haven't been married,	آنها ازدواج نکرده اند
as ... as	هر قدر - به آن ... که
long,	دراز - طولانی - مدتتها - مدت زیادی
they haven't been married as long as	
we have,	آنها دیرتر از ما ازدواج کرده اند
so,	از اینجهت - پس - چنین
recently,	جدیدا - بتازگی
more recently than we did,	بعد از ما
fine,	عالی - ظریف - ممتاز
I can't,	من نمیتوانم
help (to),	کمک نمودن - خود داری کردن

لغات درس هشتم

admiring,	تعریف - حظ - لذت
(to admire),	تعریف کردن - حظ کردن
I can't help admiring it,	من نمیتوانم از تعریف آن خودداری کنم
whenever,	هر وقت
I look at it,	بآن نگاه میکنم
should,	باید
I should think,	خیال میکنم - گمان میکنم
must,	باید
valuable,	قیمتی
what do you think of the piano?,	در باره پیانو چه عقیده دارید ؟
instrument,	اسباب - آلت موسیقی
indeed,	واقعا" - براستی
a very fine instrument indeed,	واقعا" يك آلت موسیقی (یا يك پیانوی) خیلی خوبی است
way,	راه - طریق
by the way,	راستی ؟
do you play the piano?,	پیانو میزنی ؟ شما پیانو میزنید ؟
sorry,	متاسفم
to say,	گفتن
I'm sorry to say I don't,	متاسفم بگویم که نمیزنم
does your wife?,	آیا خانم شما میزند ؟
oh yes,	بله







Lesson nine (9)  
Ninth (9th) lesson

## VISITORS

It's Saturday afternoon. There's a knock at the door. Our neighbours, Mr. and Mrs. White have arrived. The maid opens the door<sup>a</sup> and lets them in. She shuts the door, and shows them into the lounge. We greet them, shake hands with them, and ask them to sit down.



*a: The maid opens the door*

A few minutes later we hear a ring at the door. It's Betty Smith, my wife's niece. She's just arrived from the country, and

## LESSON NINE (9)



**b: A trolley**



**c: A pot of tea**



**d: A cup and saucer**



**e: A jug**



**f: Sandwiches**



**g: Bread and butter**



**h: Cakes**

she's going to stay with us over the week-end. She kisses her aunt, who introduces her to the Whites, and we all sit down.

The ladies talk about the weather and the latest fashions. We men discuss politics, business and the latest news. Presently the maid brings in the tea on a trolley<sup>b</sup>: a pot of tea<sup>c</sup>, cups and saucers<sup>d</sup>, hot water, a jug<sup>e</sup> of milk, and sugar; also sandwiches<sup>f</sup>, bread and butter<sup>g</sup>, jam, and cakes<sup>h</sup>. My wife pours out the tea. I hand it round. My niece passes round the sandwiches and cakes. We all enjoy the tea very much.



LESSON NINE      درس نهم  
Visitors:      مهمانان

nine,	نه
ninth,	نهم - نهمین
visitor(s),	مهمان (مهمانان)
it's,	
	اینست (غالباً ترجمه نمیشود)
Saturday,	شنبه
afternoon,	بعد از ظهر
it's Saturday afternoon,	
	شنبه بعد از ظهر است
knock,	صدای در
there's a knock at the door,	
	صدای در میآید - در میزنند
neighbour(s),	همسایه (همسایگان)
white,	با حرف بزرگ اسم شخص است
arrived,	رسید
have arrived,	رسیده اند
maid,	خدمتکار
opens,	باز میکند
lets them in,	آنها را وارد خانه میکند
shuts,	می بندد
(to shut, بستن)	

shows, نشان میدهد - راه نغائی میکند  
(to show, نشان دادن)

into, بداخل - توی

shows them into the lounge,  
آنها را میبرد توی سالن (مهمانخانه)

greet (to), سلام و تعارف کردن

shake (to), تکان دادن یا فشردن (دست)

we shake hands with them,

ما با آنها دست میدهیم

down, پائین

to sit down, نشستن

(we) ask them to sit down,

از آنها خواهش میکنیم بنشینند

\* \* \*

minute(s), دقیقه (ها)

later, دیرتر - بعداً

a few minutes later,  
چند دقیقه بعد

ring, صدای زنگ - حلقه

we hear a ring at the door,

صدای زنگ در خانه را میشنوم

Betty (dim, Elizabeth), بتی مخفف الیزابت

niece, دختر برادر - دختر خواهر

(خواهرزاده یا برادرزاده که دختر باشند)

my wife's niece, برادرزاده یا خواهرزاده خانم من

لغات درس نهم

she's just arrived,	اوالساعه رسیده است
country,	بیلاق - خارج از شهر - روستا
she's going,	خیال دارد - دارد میرود
to stay,	ماندن
with us,	پیشما
she's going to stay with us,	خیال دارد پیشما بماند
week-end,	آخر هفته (از شنبه بعد از ظهر تا صبح دوشنبه)
over the week-end,	در مدت آخر هفته
kisses,	'میبوسد - بوسه ها
(to kiss, بوسیدن)	
aunt,	عمه یا خاله
introduce (to),	معرفی کردن - آشنا کردن
who introduces her to the Whites,	کسی که او را باقا و خانم وایت معرفی میکند
all,	همه
and we all sit down,	و همه مینشینیم
* * *	
ladies (sing. lady,	خانم ها (مفرد آن lady)
talk (to),	حرف زدن - صحبت کردن
weather,	هوا
latest,	آخرین - تازه ترین
fashion(s),	مد (های) لباس
men,	مرد ها

لغات درس نهم

we men,	ما مردها
discuss (to),	گفتگو کردن - بحث کردن - بحث میکنیم
politics (pl.),	سیاست
discuss politics,	از سیاست گفتگو کردن یا بحث کردن
business,	کار و کسب
news,	اخبار - خبر
presently,	بسنودی
brings in,	میاورد تو
(to bring in,	(تو آوردن)
tea,	چای
trolley,	میز میز چرخ دار و متحرک - چرخ دستی
pot,	قوری
a pot of tea,	یک قوری چای
cup(s),	فنجان (ها)
saucer(s),	نعلبکی (ها)
hot,	داغ
water,	آب
jug,	ظرف (آبجوش)
milk,	شیر
a jug of milk,	یک ظرف شیر (شیردان)

لغات درس نهم

sugar,	قند یا شکر
sandwich(es),	ساندویچ (ها)
bread,	نان
butter,	کسره
bread and butter,	نان و کره
jam,	مرسما
cake(s),	کیک (ها) - شیرینی
pour (to),	ریختن - بریسز
pours out the tea,	چای میریزد
hand (to),	بدست کسی دادن
round,	دور
I hand it round.	

	آنرا دور میگردانم - آنرا بهمه میدهم
pass (to),	رساندن - رد کردن و دادن
passes round,	دور گرداندن و دادن
enjoy (to),	لذت بردن از
we all enjoy the tea very much,	

ما همه از چای خیلی لذت میبریم (خوشمان میآید)

\* \* \*

## LESSON TEN (10)



Lesson ten (10)  
Tenth (10th) lesson

### AFTERNOON TEA

Good afternoon, Mrs. White , how are you?

Very well indeed, thank you, and how are you?

Quite well, thank you. Won't you sit down.  
... Excuse me, please. I think that's my niece at the door<sup>a</sup>. ... Hallo, Betty dear! I'm so glad to see you. You do look well. I don't think you've met each other before. Let me introduce you. This is my



<sup>a</sup>: At the door



niece, Miss Smith. Mrs. White, Mr. White.

How do you do. . . . How do you do.  
And now let's have some tea. How do you like your tea, Mrs. White, strong or weak?

Not too strong, please, and one lump of sugar. I like my tea rather sweet, but my husband prefers his without sugar.

Well, what's the news, Mr. White? How's business?

Pretty good, thank you. And how are things with you?

Well, not too good, I'm afraid, and going from bad to worse. In fact, it's the worst year we've had for a long time.

I'm sorry to hear that. I hope things will soon improve.

Yes, let's hope for the best. And how's your nephew Richard getting on?

Oh, he's getting on quite well, thank you.

He's staying in the country<sup>b</sup> just now with his Uncle William and his cousins.

How long is he going to stay there?

I don't know exactly, but he's having a very pleasant time and it's doing him a lot of good, so the longer he stays the better.



*b: In the country*

لغات

LESSON TEN درس دهم  
Afternoon Tea جای عصر

ten, ده

tenth, دهم - دهمین

very well indeed,

حقیقتاً "خیلی خوب است"

won't (=will not) you sit down?,

نمیفرمائید؟ نمینشینید؟ (ونت بجای ویل نات)

excuse (to), معاف داشتن - معذور داشتن

excuse me, معذرت میخواهم - ببخشید

I think that's my niece at the door,

گمان میکنم برادرزاده من در است

hallo, هلو - سلام

dear, عزیز

look well (to), سالم و خوب بنظر آمدن

you do look well,

ظاهراً حالتان خوب است

met, ملاقات کرد

(to meet, ملاقات کردن)

each other, همدیگر

you've met each other,

شما همدیگر را ملاقات کرده اید

before, سابقاً - قبلاً

let me introduce you,

اجازه بدهید شما را بهمدیگر معرفی کنم

this is my niece, این برادرزاده من است

Miss, میس - دوشیزه

how do you do,

از شناسائی شما خوشوقتم (جمله تعارفی انگلیسی

است وقتی دو نفر تازه بهم میرسند)

let's have some tea,

بفرمائید با ما چای میل کنید

like (to), دوست داشتن - میل داشتن

how do you like?, چه جور میل دارید

strong, قوی - (در مورد چای) پررنگ

weak, ضعیف - (در مورد چای) کم رنگ

lump, تکه - قطعه

rather, نسبتاً - بیشتر

sweet, شیرین

without, بدون - بی

what's (=what is) the news,

خبر تازه چیست (واتر بجای وات اینز)

how's (=how is) business?,

کار و بار چطور است (هوز بجای هو اینز)

pretty good, خیلی خوب است - بد نیست

thing(s), چیز (ها) - امور - اوضاع

how are things with you?,

کارهای شما چطور است

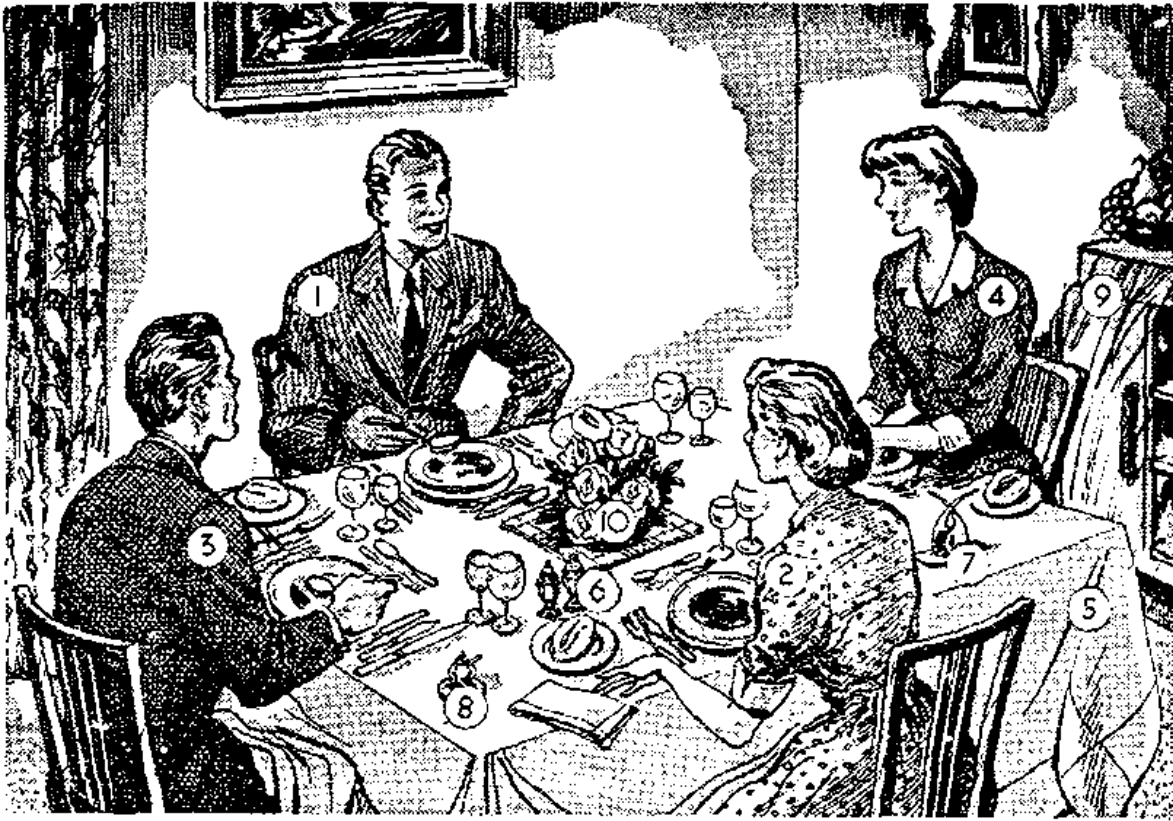
not too good,	چندان خوب نیست - تعریفی ندارد
afraid,	ترسان - ترسیده
I'm afraid,	متأسفانه باید بگویم که
going,	در حال رفتن - رونده
bad,	بد
worse,	بدتر
(they are) going from bad to worse,	(کارها) روز بروز بدتر میشود
in fact,	در واقع
the worst,	بدترین
year,	سال
we've had,	که ما داشته ایم (و بجای وی هو)
time,	وقت - مدت
for a long time,	بعد از مدتها
hope (to),	امید داشتن
soon,	عنفرب - بزودی
will...improve,	بهبتر شود
let's hope for the best,	باید امید بهبود داشت
nephew,	برادرزاده یا خواهرزاده (پسر) برادر یا پسر خواهر
Richard,	ریچارد ( اسم است )
how is...getting on?,	او چطور است و چه کار میکند

لغات درس دهم

he's staying, او منزل دارد  
in the country, در خارج شهر  
uncle, دایی یا عمو  
cousin(s), (ها) - دایی زاده (ها) - عموزاده  
how long?, چند وقت؟ برای چه مدت؟  
exactly, درست  
pleasant, خوش - مطلوب - لذیذ  
he's having a very pleasant time,  
خیلی خوش است  
him, او را - به او - برای او  
it's doing him a lot of good,  
برای او خیلی مفید است  
the longer... the better,  
هر چه بیشتر (بماند) بهتر است

\* \* \*

## LESSON ELEVEN (11)



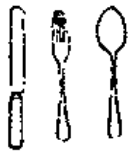
- |                        |                            |                       |
|------------------------|----------------------------|-----------------------|
| 1: Mr. Thompson        | 4: The hostess, Mrs. Brown | 8: Mustard            |
| 2: Mrs. Thompson       | 5: A white cloth           | 9: The sideboard      |
| 3: The host, Mr. Brown | 6: Pepper and salt         | 10: A bowl of flowers |
|                        | 7: Oil and vinegar         |                       |

Lesson eleven (11)

Eleventh (11th) lesson

### THE BROWNS' DINING-ROOM

In the dining-room we have our meals: breakfast in the morning, lunch in the middle of the day, tea in the afternoon, and supper or dinner in the evening. Here you see Mr.<sup>1</sup> and Mrs. Thompson<sup>2</sup>, who've just arrived from abroad and are having dinner with the Browns. The host, Mr. Brown<sup>3</sup>, is sitting at the head of the table, and the hostess, Mrs. Brown<sup>4</sup>, is at the other end. Mr. and Mrs. Thompson



- a b c  
a: A knife  
b: A fork  
c: A spoon

## LESSON ELEVEN (11)

are sitting on either side, facing each other.



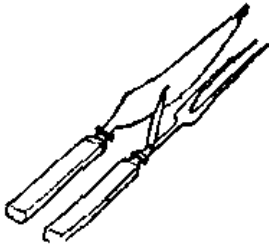
*d: Glasses*



*e: A table-napkin*



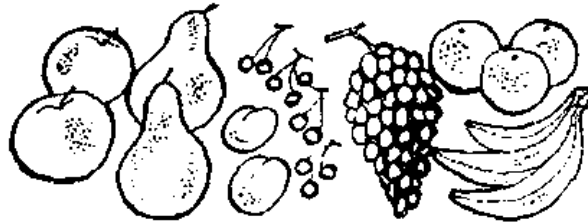
*f: A roll*



*g: A carving-knife and fork*

The dining-room table is covered with a white cloth<sup>5</sup>. The maid has laid the table in the usual way, and has put the right number of knives<sup>a</sup>, forks<sup>b</sup>, spoons<sup>c</sup> and glasses<sup>d</sup> for each person. There's also pepper and salt<sup>6</sup>, oil and vinegar<sup>7</sup>, and mustard<sup>8</sup>. On the left of each person is a table-napkin<sup>e</sup> and a plate with a roll<sup>f</sup> on it. In front of the host there's a carving-knife and forks<sup>g</sup>.

On the sideboard<sup>9</sup> the Browns usually have a bowl of fruit<sup>h</sup>: apples, pears, plums, cherries, grapes, oranges or bananas according to the season. The mistress of the house has just served the soup. After this there'll be fish, meat or poultry with vegetables<sup>i</sup>, then a sweet, and perhaps cheese and biscuits to finish with.



*h: Fruit: apples, pears, plums, cherries, grapes, oranges, bananas*



*i: Vegetables*

لغات

LESSON ELEVEN      درس یازدهم  
 The Browns' Dining-room      اطاق ناهار خوری مستر براون

eleven,	یازده
eleventh,	یازدهم - یازدهمین
the Browns' dining-room,	طاق ناهار خوری مستر براون
(brown, قهوه‌ای)	
meal(s),	شام - ناهار - غذا (ها)
we have our meals,	ما غذا میخوریم
breakfast,	صبحانه
in the morning,	صبح
lunch,	ناهار
in the afternoon,	بعد از ظهر
supper,	شام سبک
dinner,	شام مفصل
evening,	شب
in the evening,	در شب
here,	اینجا
who,	که
from abroad,	از خارج (خارج از کشور)
are having dinner,	شام میخورند



لغات درس یازدهم

with the Browns,	با آقا و خانم براون یا خانواده براون
host,	میزبان
head,	سر - طرف بالا
at the head of the table,	در بالای میز
hostess,	خانم میزبان
either,	هریک از آنها - هر کدام
on either side,	در دو طرف
facing,	روبروی - مقابل
facing each other,	روبروی هم
* * *	
the dining-room table,	میز ناهار خوری
cloth,	رومیزی - پارچه
laid,	( میز را ) چید ( زمان گذشته فعل )
to lay,	چیدن ( میز )
has laid the table,	میز را چیده است
(to lay the table,	( میز چیدن )
usual,	معمولی
in the usual way,	بطور معمول
put,	گذاشت
(to put, گذاشتن)	
right,	درست - صحیح - راست
number,	عدد - شماره
the right number,	تعداد لازم

knives,		کارد ها
(knife,	(کارد)	
fork(s),		چنگال (ها)
spoon(s),		قاشق (ها)
glass(es),		گیلاس (ها) - لیوان (ها)
each,		هر - هر يك
person,		شخص
pepper,		فلفل
salt,		نمک
oil,		روغن (زیتون)
vinegar,		سرکه
mustard,		خردل
table-napkin,		دستمال سفره
plate,		پشقاب
roll,		(یک عدد) نان
carving-knife,		کارد گوشت بری
(to carve		بریدن و قسمت کردن گوشت در سفره سفره
* * *		
sideboard,		قفسه ظروف و لوازم ناهار خوری
usually,		معمولا
bowl,		جام بلور - ظرف میوه
plum(s),		آلو (ها)
cherries,		گیلاس (ها)
(cherry,	(گیلاس)	
grape(s),		انگور (ها)
orange(s),		پرتقال یا نارنگی

لغات درس یازدهم

banana(s),	موز (ها)
according to,	به اقتضای - بر حسب - بر طبق
season,	فصل
mistress,	خانم صاحب خانه
has just served,	الساعه تقسیم کرده و بهمه داده است
soup,	سوپ
after,	بعد از - بعد
there'll be,	خواهد بود
fish,	ماهی
meat,	گوشت
poultry,	گوشت ماکیان مانند مرغ و خروس و بوقلمون و غیره
sweet,	شیرینی بعد از غذا
perhaps,	شاید
cheese,	پنیر
biscuit(s),	بیسکویت (ها)
to finish with,	برای آخرین قسمت - در خاتمه

\* \* \*

## LESSON TWELVE (12)



1: Mrs. Thompson

2: Mr. Thompson

3: Mrs. Brown

4: Mr. Brown

5: A chair

6: A picture

7: The wall

8: A table-cloth

Lesson twelve (12)

Twelfth (12th) lesson

### DINNER-TABLE TALK

Good evening. I'm so glad you were able to come. . . . Dinner's ready. Let's go into the dining-room. Mrs. Thompson<sup>1</sup>, will you sit here on my left, and you, Mr. Thompson<sup>2</sup>, there. . . .

How long have you been in London?

Oh, only a few days; since last Monday, to be exact, and I'm sorry to say we have to return tomorrow week.

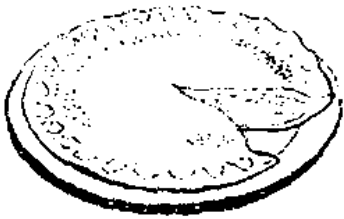
Is this your first visit?

It's my wife's first visit, but I've been here

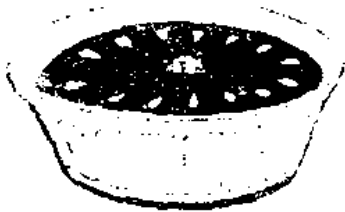
LESSON TWELVE (12)



a: *Chicken*



b: *Apple tart*



c: *Chocolate trifle*

several times before. I have to come over at least once a year on business, and I feel quite at home in London.

And what do *you* think of London<sup>d</sup>, Mrs. Thompson?

Er—I beg your pardon, I didn't quite catch what you said.

I was asking what you thought of London. Oh, I think it's a wonderful place. There always seems to be something interesting to do.

And how do you like our weather?

Well, it's rather changeable, isn't it?

Yes, it is, but on the whole it's not so bad, once you get used to it. . . . Will you have some more chicken<sup>a</sup>?

No, thank you.

What about you, Mr. Thompson?

Yes, please, just a little. It's delicious.

I'm so glad you like it. . . .

And now what sweet will you have, Mrs. Thompson? There's apple tart<sup>b</sup> and cream, or chocolate trifle<sup>c</sup>.

Er—trifle for me, please.

And you, Mr. Thompson?

Trifle for me, too, please.



d: *London: Buckingham Palace*

LESSON TWELVE      درس دوازدهم  
 Dinner-Table Talk      صحبت در سر میز غذا ( شام )

twelve,	دوازده
twelfth,	دوازدهم - دوازدهمین
dinner-table talk,	صحبت در سر میز شام
good evening,	
	سلام - ( موقع رفتن ) شب بخیر
you were,	شما بودید
able,	قادر - توانا
to come,	آمدن
you were able to come,	شما توانستید بیایید
ready,	حاضر
go into (to),	
	برویم توی - توی ( اطاقی ) رفتن
will you sit?,	بفرمائید بنشینید
on my left,	در طرف چپ من
there,	آنجا
how long have you been in London?	
	چند وقت است در لندن هستید ؟
since,	
last,	

لغات درس دوازدهم

Monday,	دوشنبه
exact,	درست
to be exact,	بطور دقیق - دقیقاً
have to (to),	لازم است
return (to),	مراجعت کردن
tomorrow,	فردا
week,	هفته
tomorrow week	۸ روز دیگر - یک هفته از فردا
visit,	سفر - دیدن
several,	چندین
time(s),	وقت (اوقات یا وقت ها) - بار
several times,	چندین بار - چندین دفعه
come over (to),	سرزدن - آمدن از جای بجایی
least,	کمترین
at least,	"اقلاً"
once,	یکدفعه
once a year,	سالی یکدفعه
on business,	برای امور کسبی یا بازرگانی
feel (to),	احساس کردن
at home	مثل خانه خود - راحت
I feel quite at home,	کاملاً مثل شهر
	خودم است - هیچ احساس غریبی نمیکنم
er....,	بله
beg (to),	خواهش کردن - تقاضا کردن

pardon,	بخشش - معذرت
I beg your pardon	ببخشید . معذرت میخواهم
catch (to),	گرفتن - متوجه شدن
what,	چه - آنچه
you said,	شما گفتید
I didn't quite catch what you said,	من درست ملتفت نشدم شما چه فرمودید
I was,	من بودم
(to be, بودن)	
asking,	در حال پرسیدن
I was asking,	داشتم من پرسیدم
what you thought,	نظر شما چیست ؟ چه عقیده دارند ؟
(to think,	( فکر کردن )
wonderful,	عالی
place,	جا
always,	همیشه
seems,	بنظر میآید - بنظر رسیدن
there always seems to be,	همیشه مثل اینکه هست
interesting,	مفید - جالب توجه
something interesting,	یک چیز جالب توجهی
how do you like?,	چطور است ؟ میپسندید ؟
changeable,	متغیر
it's not so bad,	چندان بد نیست



once you get used to it,

همینکه به آن عادت کنید

(to get used to...., عادت کردن به

chicken, جوجه - (در مورد غذا) گوشت مرغ

will you have some more chicken?

باز گوشت مرغ میل دارید ؟

no, thank you,

خیر متشکرم

what about you?,

شما چطور ؟

yes, please,

بله لطفاً ( بیاورید )

delicious,

لذیذ - خوشمزه

sweet,

شیرین - شیرینی بعد از غذا - دسر

what sweet will you have?,

شما چه جور شیرینی میل دارید

tart,

لوزانک یا ژله مخصوص دسر

apple tart,

ژله سیب

cream,

خامه

chocolate,

شوکلات

trifle,

نوعی کیک مربائی با خامه مخصوص دسر

chocolate trifle,

کیک مربائی شکلاتی

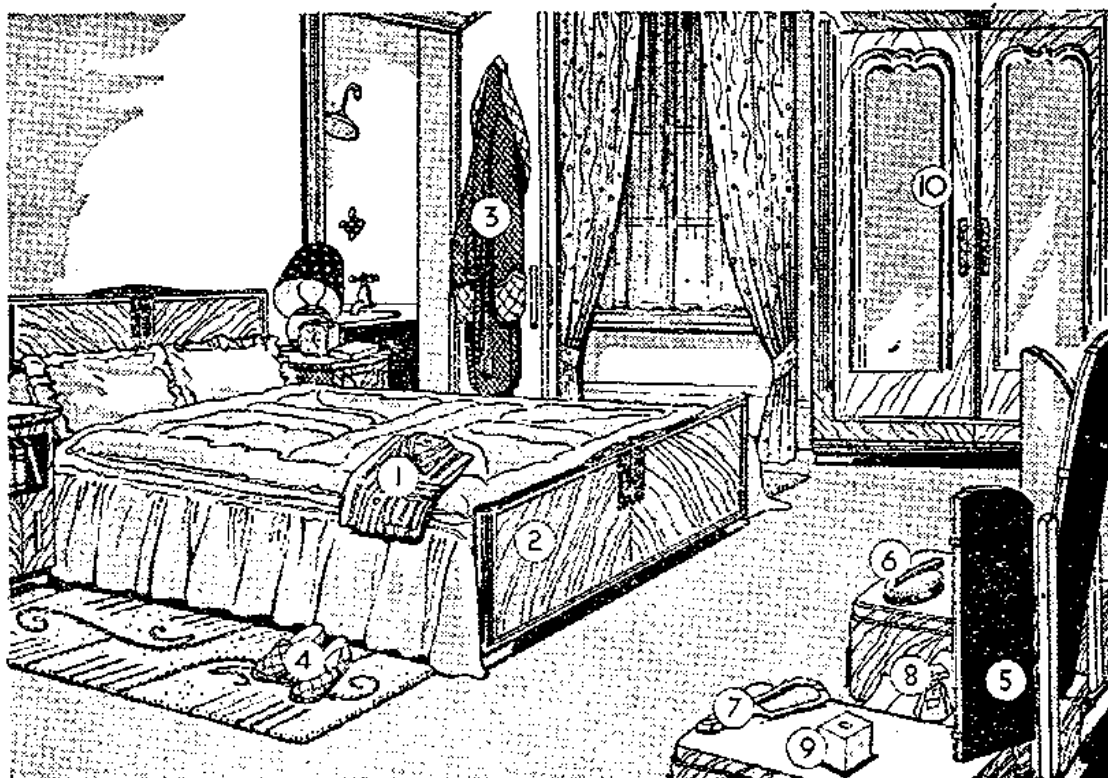
\* \* \*

palace,

کاخ

\* \* \*

## LESSON THIRTEEN (13)



1: Pyjamas  
2: The bed  
3: The dressing-gown

4: Slippers  
5: The dressing-table  
6: A hair-brush and comb  
7: A hand mirror

8: A bottle of scent  
9: A powder-box  
10: The wardrobe

### Lesson thirteen (13)

Thirteenth (13th) lesson

## MY BEDROOM

At night, when I feel tired<sup>a</sup> and sleepy, I go up to my bedroom and switch on the electric light. I take off my shoes<sup>b</sup>, undress and put on my pyjamas<sup>1</sup>. Then I get into bed<sup>2</sup> and switch off the light. After a few minutes I fall asleep. I sleep the whole night through.



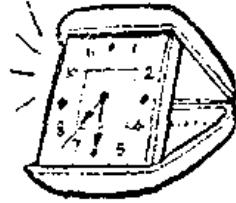
a: Tired

Punctually at seven-thirty<sup>c</sup> in the morning, the alarm clock<sup>c</sup> rings and wakes me up.

## LESSON THIRTEEN (13)



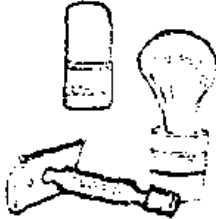
*b: Shoes*



*c: An alarm clock; seven-thirty*



*d: A tap*



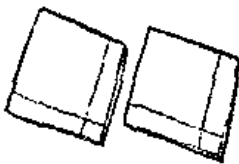
*e: Shaving things*



*f: A basin*



*g: A shirt  
h: A collar*



*i: Handkerchiefs*



*j: Socks*



*k: Ties*



*l: A coat-hanger*

I get out of bed, put on my dressing-gown<sup>3</sup> and slippers<sup>4</sup>, and go into the bathroom, where I turn on the hot and cold taps<sup>d</sup>. While the water's running into the bath, I wash my face and neck, clean my teeth, and shave. My shaving things<sup>e</sup> are on the shelf above the basin<sup>f</sup>. Then I turn off the taps and have my bath. Sometimes I have a shower. When I've dried myself with a towel, I get dressed.

On the dressing-table<sup>5</sup>, in front of the looking-glass, you'll see a hair-brush<sup>6</sup> and comb<sup>6</sup>, a hand-mirror<sup>7</sup>, a bottle of scent<sup>8</sup> and a powder-box<sup>9</sup>. These, of course, don't belong to me, but to my wife. In the chest of drawers I keep clean linen, such as shirts<sup>g</sup>, collars<sup>h</sup>, and handkerchiefs<sup>i</sup>, besides things like socks<sup>j</sup> and ties<sup>k</sup>. The dirty linen is put in a linen basket and sent to the laundry. In the wardrobe<sup>10</sup> I keep my suits and other clothes, which I hang on coat-hangers<sup>l</sup>.

LESSON THIRTEEN

درس سیزدهم

My Bedroom

اتاق خواب من

thirteen,	سیزده
thirteenth,	سیزدهم - سیزدهمین
tired,	خسته
sleepy, (to be),	خواب‌آلود (بودن)
I feel tired and sleepy,	خسته هستم خواب می‌آید
up,	بالا
go up (to),	برو بالا (بالا رفتن)
off,	دور
take off (to),	در آوردن
shoe(s),	کفش (ها)
undress (to),	لباس کردن
put on (to),	پوشیدن - تن کردن
pyjamas (pl.),	پیرجامه - لباس خواب
bed,	تخت خواب
I get into bed,	میروم توی رختخواب
switch off (to),	چراغ برق را خاموش کردن
fall (to),	افتادن
asleep,	خواب
I fall asleep,	خوابم میبرد - میخوابم

لغات درس سیزدهم

sleep (to), خواب رفتن  
 whole, تمام  
 the whole night through,  
 تمام شب - تا صبح

\* \* \*

punctually, درست - سرساعت - سر وقت  
 thirty, سی  
 at seven-thirty, ساعت هفت و نیم  
 alarm, شماطه ساعت - زنگ ساعت  
 alarm clock, ساعت شماطه دار  
 rings, زنگ میزند  
 (to ring, ( زنگ زدن  
 wake (to), بیدار کردن  
 wakes me up, مرا بیدار میکند  
 out, بیرون - خارج  
 I get out of bed, از تخت پائین میآیم  
 dressing-gown, رب دوشامبر  
 slipper(s), کفش سربائی - کفش دم پائی  
 turn on (to), باز کردن ( شیر آب )  
 cold, سرد  
 tap, شیر آب  
 the hot and cold taps, شیر آب گرم و سرد  
 while, در حینی که  
 the water's running,  
 آب جاری است - آب میریزد

لغات درس سیزدهم

(to run, جاری شدن - ریختن - دویدن)  
 wash (to), شستن  
 face, صورت  
 neck, گردن  
 I wash my face and neck,

صورت و گردنم را میشویم

clean (to), پاک کردن - مسواک کردن  
 teeth, دندانها  
 (tooth, دندان)  
 (I) clean my teeth

دندانهایم را میشویم (مسواک میزنم)

(I) shave, صورتم را میتراشم  
 my shaving things, اسباب اصلاح  
 shelf, طاقچه - قفسه

basin, دست شوری  
 turn off (to), (شیرهای آب را) بستن  
 bath, حمام

(I) have my bath, من حمام میکنم . شستشو میکنم  
 shower, دوش

I've (=I have), من دارم  
 dried, خشک کرده

(to dry, (خشک کردن - خشک شدن)  
 myself, خودم (را)

I've dried myself, خودم را خشک کردم  
 towel, حوله

dressed, لباس پوشیدن  
I get dressed, لباس را میپوشم

\* \* \*

dressing-table, میز توالت

looking-glass, آئینه

you'll see, شما خواهید دید

hairbrush, برس سر

comb, شانه

hand-mirror, آئینه دستی

bottle, شیشه - بطری

scent, عطر

powder-box, قوطی پودر - پودر دان

these, اینها

belong to (to), متعلق به

chest, صندوق

drawer(s), کشو (ها)

chest of drawers, جا لباسی یا گنجه (کشودار)

clean, پاک - تمیز

linen, لباس زیر

shirt(s), پیراهن (ها)

collar(s), یقه (ها)

handkerchief(s), دستمال (ها)

besides, علاوه بر

sock(s), جوراب (ها)

tie(s),	کراوات (ها)
dirty,	چرک - کتیف
is put,	گذارده میشود
(to put, گذاشتن)	
linen-basket,	سبد لباسهای چرک
sent,	فرستاده
(to send, فرستادن)	
laundry,	رخت شوری - لباسشوئی
wardrobe,	کمد
suits,	کت و شلوار و جلیقه
clothes,	لباس (ها)
hang (to),	آویزان کردن
coat-hanger(s),	جا رختی - جا لباسی

\* \* \*



## LESSON FOURTEEN (14)

Lesson fourteen (14)  
Fourteenth (14th) lesson

### MORNING AND EVENING



atre



b: The pictures

What time do you get up<sup>s</sup> as a rule?

Generally about half-past seven.

Why so early?

Because I usually catch an early train up to town.

When do you get to the office?

Normally, about nine o'clock<sup>c</sup>.

Do you stay in town all day?

Sometimes I do, and sometimes I don't.

What do you usually do in the evenings?

We generally stay at home. Once or twice a week we go to a theatre<sup>a</sup> or to the

LESSON FOURTEEN (14)

pictures<sup>b</sup>. We went to the pictures last night and saw a very interesting film.

Occasionally we go to a dance.

Do you like dancing?

Yes, very much. Do you dance?

I used to when I was younger<sup>d</sup>, but not very often now. I'm getting too old<sup>e</sup>.

Too old! Nonsense, you don't look more than fifty.

As a matter of fact, I'm nearly sixty.

Really! You certainly don't look it.

I'm glad to hear it. . . . Are you doing anything special tonight? If not, what about coming with me to my club? You'd get to know quite a lot of interesting people there.

I should love to, but today happens to be our wedding anniversary and we're going out tonight to celebrate.

Well, my heartiest congratulations.

Thank you very much. I could manage to come along tomorrow night, if that would suit you.

Yes, excellent. Let's make it round about eight o'clock<sup>f</sup>.

Very well. Thanks.



*c: Nine o'clock*



*d: When I was younger*



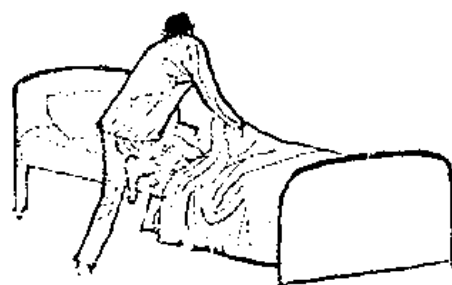
*e: I'm getting old*



*f: Eight o'clock*



*g: Getting up*



*Going to bed*

LESSON FOURTEEN درس چهاردهم

Morning and Evening صبح و شب

fourteen,	چهارده
fourteenth,	چهاردهم - چهاردهمین
what time?,	چه وقت؟
do you get up?,	بلند میشوید (از خواب) ؟
rule,	قاعده
as a rule,	معمولا - قاعدتا"
generally,	بطور کلی
half,	نصف - نیم
past,	گذشته
about half-past seven,	در حدود هفتونیم
early,	زود
why so early?,	چرا باین زودی ؟
train,	ترن - قطار
an early train,	ترن صبح زود - قطار اول وقت
town,	شهر
I usually catch an early train up to	
town,	من معمولا ترن اول وقت را برای
	رفتن شهر سوار میشوم
get to (to),	رسیدن
office,	دفتر - اداره
normally,	معمولا - عادة"

لغات درس چهاردهم

o'clock,	ساعت
nine o'clock,	ساعت نه
in town,	در شهر
all day,	تمام روز
sometimes I do, and sometimes I don't	
	بعضی وقت ها میمانم بعضی وقتها نمیمانم
home,	خانه - منزل
at home,	در خانه - در منزل
twice,	دو دفعه - دوبار
twice a week,	
	دوبار در هفته - هفته ای دوبار
theatre,	تماشاخانه
the pictures,	سینما
we went,	ما رفتیم
(to go, رفتن)	
last night,	دیشب - شب گذشته
(we) saw,	دیدیم
(to see, دیدن)	
film,	فیلم
occasionally,	گاهی - احيانا
dance,	رقص
do you like dancing?	شما رقص دوست دارید؟
(to dance, رقصیدن)	
I used to,	سابقاً "میرقصیدم"

لغات درس چهاردهم

I was,	بودم
(to be, بودن)	
often,	خیلی اوقات - زیاد
not very often now,	حالا نه زیاد
I'm getting too old,	خیلی پیر شده ام
nonsense,	سن من (برای رقصیدن) زیاد است
fifty,	حرف یوچ - حرف بیمعنی - مزخرف
you don't look more than fifty,	پنجاه
matter,	سن شما بیش از پنجاه بنظر نمیآید
as a matter of fact,	مطلب
nearly,	در واقع - راستش را بخواهید
sixty,	تقریبا
really,	شصت
you certainly don't look it,	راستی - واقعا
special,	تیافه شما قطعا شصت نشان نمیدهد
anything special,	مخصوص
tonight,	هیچ کار بخصوصی
if,	امشب
if not,	اگر
what about coming?,	اگر ندارند
(to come, آمدن)	چطور است که بیائید

club,	کلوپ - باشگاه
you'd (=you would) get to know,	شما باید شروع کنید به شناختن
I should love to,	خیلی مایل بودم
today,	امروز
happen (to),	اتفاق افتادن
today happens to be,	امروز مصادف است با
wedding,	عروسی
anniversary,	سالگردش
wedding anniversary,	سالگرد عروسی
go out (to),	بیرون رفتن
celebrate (to),	جشن گرفتن
heartiest,	صمیمانه ترین
congratulations,	تبریکات
thank you very much,	خیلی متشکرم
I could,	میتوانستم - میتوانم
manage (to),	ترتیب بدهم - ترتیب دادن
along,	همراه
I could manage to come along,	
	میتوانم طوری ترتیب کار را بدهم که با شما بیایم
tomorrow night,	فردا شب
suit (to),	مناسب بودن
if that would suit you,	
	اگر از لحاظ شما مانعی ندارد - اگر برای شما مناسب است
excellent,	بسیار خوب

لغات درس چهاردهم

make (to),	قرار دادن
round about,	در حدود
let's make it round about eight o'clock,	قرارش را حدود ساعت هشت بگذاریم
very well,	خیلی خوب
thanks,	متشکرم

\* \* \*

## LESSON FIFTEEN (15)



1: Visitors

2: A porter  
3: Luggage

4: Reception desk  
5: A page

Lesson fifteen (15)  
Fifteenth (15th) lesson

### THE HOTEL

There are plenty of good hotels in London and you're nearly always sure of finding room in one or other of them. Still, if you don't want to be disappointed, especially during the holiday season, it's better to engage a room beforehand. You'll find London hotels just the same as hotels in all large cities. As a rule, you go into a large entrance-hall or lounge, where visitors are constantly coming and going.



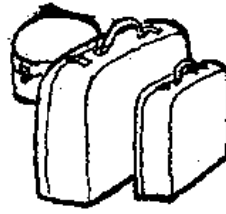
a: A porter



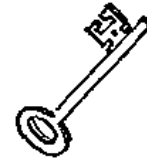
## LESSON FIFTEEN (15)



*d: A page*



*b: Luggage*



*c: A key*

The porter<sup>2,a</sup> takes your luggage<sup>3,b</sup>, and you go to the reception desk<sup>4</sup> to see about your room and get your key<sup>c</sup>. Then the page<sup>5,d</sup> takes you up to your room in a lift<sup>e</sup>. The people in the office will always help you if you don't know your way about the town. They'll tell you where to go and what to see. They'll book seats for you at the theatre and do all they can to make your stay a pleasant one.

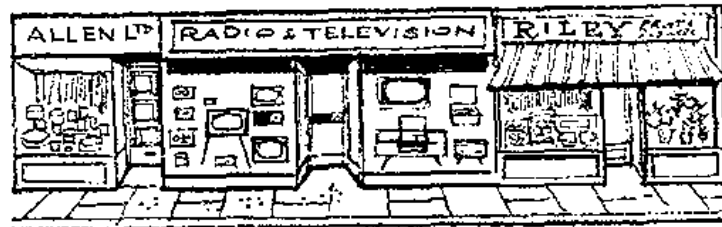


*e: A lift*



*f: A typewriter*

If you want a guide to show you round, or an interpreter for a business interview, they'll get you one. If you have to write business letters and can type, they'll provide you with a typewriter<sup>f</sup>. If, on the other hand, you prefer to dictate your letters, they'll get you a shorthand-typist. If your wife is going to be with you, she'll find plenty to amuse her. She'll be able to spend her time looking at the shops<sup>g</sup> while you're busy.



*g: Shops*

## لغات

### LESSON FIFTEEN

### درس پانزدهم

### The Hotel

### مهمانخانه

fifteen,	پانزده
fifteenth,	پانزدهم - پانزدهمین
plenty (of)	فراوان - زیاد
hotel(s),	مهمانخانه (ها)
there are plenty of...hotels,	مهمانخانه های . . . . زیاد هست
sure,	مطمئن
room,	اتاق
you're nearly always sure of finding	
room,	
شما تقریبا " همیشه مطمئنید که اتاق پیدا میکنید	
(to find, پیدا کردن - یافتن)	
in one or other of them,	در یکی از آنها
still,	معدالك
want (to),	میخواهید - (خواستن)
to be,	بودن
disappointed,	مأیوس
holiday,	تعطیل
holiday season,	

فصل تعطیل - تعطیلات تابستان

لغات درس پانزدهم

to engage,	سفارش دادن
beforehand,	قبلا
you'll find London hotels,	شما مهمانخانه های لندن خواهید دید
same,	همان
the same as,	درست مانند
cities,	شهرها
(city, شهر)	
entrance,	ورود
entrance-hall,	سرسرا
constantly,	دائما
visitors are constantly coming and going,	مسافرین دائما می آیند و می روند

\* \* \*

porter,	دربان
takes,	میگیرد
(to take, گرفتن)	
luggage,	اسباب
reception,	پذیرائی
desk,	میز - میز تحریر
reception desk,	دفتر پذیرائی در هتل
to see about your room,	تا درباره اطاق خودتان تحقیق کنید
get (to),	گرفتن
key,	کلید

## لغات درس پانزدهم

then, بعداً  
page, شاگرد مهمانخانه یادوهند  
takes you up, شما را میبرد  
lift, آسانسور  
will...help you (میکنند) بشما کمک میکند  
if you don't know your way about  
the town,

اگر شما به خیابانهای شهر آشنا نیستید  
they'll (=they will) tell you,  
آنها بشما میگویند

where to go and what to see,  
کجا بروید و چه چیز ببینید  
book (to), سفارش دادن  
seat(s), جا یا صندلی در تئاتر سینما وغیره  
they'll book seats, آنها جاها را رزرو میکنند -  
جا میگیرند

(they'll) do all they can,  
آنها هر چه بتوانند میکنند  
stay, اقامت

to make your stay a pleasant one,  
تا اقامت شما را در اینجا لذت بخش سازند

\* \* \*

guide, راهنما  
to show you round, شما را به تماشا ببرند  
interpreter, مترجم  
interview, مصاحبه

لغات درس پانزدهم

a business interview,	مذاکره درباره کسب و کار
they'll get you one,	برای شما حاضر میکنند
business letters,	مراسلات تجارتي
type (to),	ماشین کردن
provide (to),	تهیه کردن
typewriter,	ماشین تحریر
they'll provide you with a typewriter,	آنها برای شما ماشین تحریر تهیه میکنند
on the other hand,	از طرف دیگر
to dictate,	دیکته کردن
shorthand,	تند نویسی
typist,	ماشین نویس
shorthand-typist,	تند نویس و ماشین نویس
she'll (she will) find,	او پیدا میکند
to amuse,	مشغول کردن
her,	او را
she'll be able,	او (آن زن) خواهد توانست
to spend,	صرف کردن
looking at,	نگاه کردن به
shop(s),	دکان (ها)
busy,	مشغول کار

\* \* \*



Lesson sixteen (16)  
Sixteenth (16th) lesson

## BOOKING ROOMS

Here we are! This is our hotel, isn't it?  
Yes, there's the name: Prince's Court  
Hotel. Shall I look after the luggage or  
will you?

Well, if you'll see to the luggage and pay the  
driver<sup>a</sup>, I'll go in and see about rooms.

All right. Where shall I find you?

I'll wait for you in the hall. Don't be long.  
I'll come as soon as I can.



*a: Paying the driver*

Good morning. Can you let me have a  
double room<sup>b</sup> with a bathroom<sup>c</sup>? Or if

LESSON SIXTEEN (16)

you have two single rooms, so much the better.

We're practically full up, but I'll see. How long do you intend to stay?

I expect we shall be here for a week at least, perhaps a fortnight.

Yes, you can have two rooms with a bathroom on the first floor.

I hope they're quiet. I hate a noise at night. I think you'll find they are, sir. They face the courtyard.

How much are they?

Forty-five shillings (45/-) a night, including breakfast.

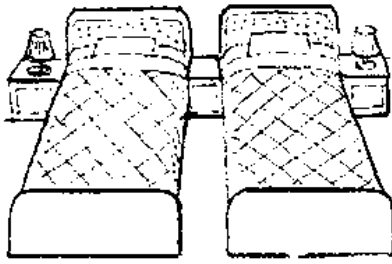
All right, we'll take those.

Will you fill up this form<sup>d</sup>, please.

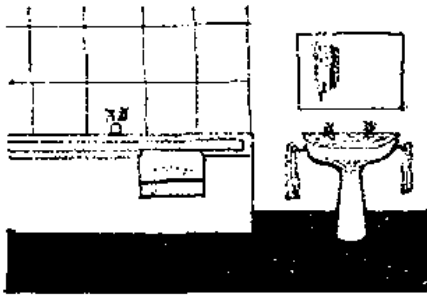
Surname. Christian name. Nationality.

Permanent address. Place and date of birth. Signature. Is that all right?

Yes, that's all, thank you. And here are your keys. The page will show you up to your rooms and your luggage will be brought up straight away.



b: A double room



c: A bathroom

Surname:	<i>Brown</i>
Christian name(s):	<i>George Henry</i>
Nationality:	<i>British</i>
Permanent address:	<i>17 Victoria Street, Liverpool</i>
Place and date of birth:	<i>York, 31<sup>st</sup> May, 1932</i>
Signature:	<i>Geo. H. Brown</i>

d: A form

## لغات

LESSON SIXTEEN درس شانزدهم

Booking Rooms اطاق گرفتن

sixteen, شانزده

sixteenth, شانزدهم - شانزدهمین

booking rooms, اطاق گرفتن - اطاق سفارش دادن

here we are, اکنون رسیدیم

isn't it?, اینطور نیست؟

there's (= there is)

این است

prince, شاهزاده

court, حیاط - دربار ( در اینجا اسم است )

look after (to)

مواظب بودن - مراقبت کردن

shall I look after...?,

آیا من باید مواظب باشم

will you?, میل دارید؟

if you'll (= you will) see to....,

اگر شما بکار (چمدان و اسباب ها) رسیدگی کنید

pay (to), پرداختن - (بپردازید)

driver, شوفسور - راننده

I'll (=I will) go in, من میروم - تسو

all right, بسیار خوب



لغات درس شانزدهم

I'll wait for you,	من منتظر شما میشوم
hall,	سر سرا
don't be long,	دیر نیائید
as soon as I can,	هر چه زود تر بتوانم
double,	دوگانه دوتائی
double room,	اتاق دوفری
single,	تك - تكی
single rooms,	اتاقهای یكفیری
so much the better,	چه بهتر
practically,	تقریباً
full up,	پسر
I'll see,	خواهم دید
intend (to),	قصد داشتن
expect (to),	انتظار داشتن
week,	هفته
fortnight,	دو هفته
two rooms with a bathroom,	دو اتاق با حمام
they're (=they are),	آنها هستند
quiet,	ساکت
hate (to),	متنفر بودن از
I hate a noise (متنفرم)	از سرو صدا بدم میآید
I think you'll find they are,	خیال میکنم اتاقها همانطور که میخواهید باشند
sir,	آقا

لغات درس شانزدهم

face (to),	رو کردن - مواجهه بودن
courtyard,	حیاط
they face the courtyard,	(اطاقها) رو به حیاط باز میشوند
how much (sing.),	چند
how much are they?,	کرایه آنها چقدر میشود ؟
forty-five,	چهل و پنج
shilling(s),	شیلینگ
a night,	یک شب - هر شب
including,	با - شامل
those,	آنها
we'll take those,	ما آنها را میگیریم
fill up (to),	پر کردن
form,	فرم - ورقه
surname,	نام خانوادگی
Christian name,	اسم شخصی - اسم کوچک
nationality,	ملیت - تابعیت
permanent,	دائمی
address,	آدرس - نشانی
date,	تاریخ
birth,	تولد
date of birth,	تاریخ تولد
signature,	امضاء
that,	آن
is that all right?,	درست است ؟ درست شد

لغات درس شانزدهم

yes, that's all,	بلی همین است
the page will show you up to your rooms,	
شاگرد مهمانخانه اطاقها را بشما نشان خواهد داد	
will be brought,	بسرده میشود
(to bring, آوردن - بردن)	
your luggage will be brought up,	
	اسبابهای شما را میآورند بالا
straight,	مستقیماً - یکسره
straight away,	راست - یکسره - فوراً

\* \* \*

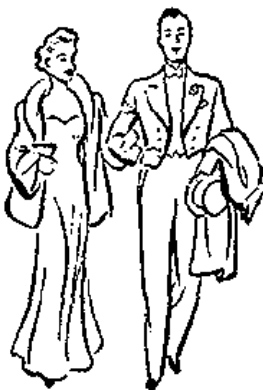


1: A waiter  
2: Cold dishes

3: A tray  
4: The ice-bucket

Lesson seventeen (17)  
Seventeenth (17th) lesson

AT THE RESTAURANT



*a: In evening dress*

In all large towns there are plenty of restaurants, cafés, tea-rooms, and inns or public-houses. All the large hotels have dining-rooms or restaurants, like the one in the picture. Each little party of guests have their own table, and every table, as you see, has its own lamp. Many of the guests are in evening dress<sup>a</sup>, which is usual at fashionable restaurants. At some it's compulsory.

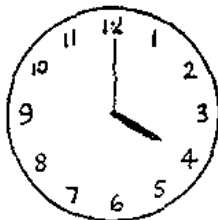
## LESSON SEVENTEEN (17)

In the picture you can see several couples dancing at the far end of the room, near the orchestra. One of the waiters<sup>1</sup> is standing near the buffet, where there are cold dishes<sup>2</sup> of various kinds; another's carrying a tray<sup>3</sup>, with a bottle of wine<sup>b</sup> and two wine-glasses<sup>c</sup> on it. He'll put the bottle of wine into the ice-bucket<sup>4</sup> to keep it cool.

Meals in England are much the same as in other countries, with the exception of breakfast. I expect you've heard all about the English breakfast, with its porridge or cereal, bacon and eggs<sup>d</sup>, toast, marmalade, and tea or coffee. Very few people like chocolate or cocoa for breakfast. In the afternoon, about four o'clock<sup>e</sup> or half-past<sup>f</sup>, nearly everybody has tea. The two main meals of the day, lunch and dinner, are both more or less alike. Most people have lunch about one o'clock<sup>g</sup>, and dinner at half-past seven, or later.



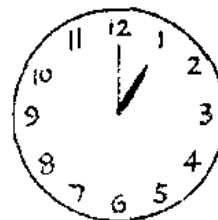
*d: Bacon and eggs*



*e: Four o'clock*



*f: Half-past four*



*g: One o'clock*

LESSON SEVENTEEN

درس هفدهم

At the Restaurant

در رستوران

seventeen,	هفده
seventeenth,	هفدهم - هفدهمین
restaurant,	رستوران
at the restaurant,	در رستوران
cafe(s),	کافه (ها)
tea-room(s)	محل صرف چای و غذاهای سبک
inn(s),	مهمانخانه (های) وسط راه
public,	عمومی
public-house(s),	جا های مشروبخوری
party,	دسته - مهمانی
guest(s),	مهمان (ها)
party of guests,	دسته مهمان
every,	همه
as,	بطوریکه
dress,	لباس (زنانه)
evening dress,	لباس شب
are in evening dress,	لباس شب پوشیده اند
fashionable,	مطابق رسم روز - مد - شیک
fashionable restaurant,	رستوران مد روز
at some,	در بعضی (رستورانها)

compulsory, اجباری

\* \* \*

couple(s), جفت - زن و مرد

you can see several couples dancing,

شما میتوانید چندین مرد و زن را ببینید که دود و میرقصند

far, دور - عقب

at the far end, در ته اطاق - آن سر اطاق

orchestra, ارکستر

waiter(s), پیشخدمت (ها)

buffet, میز غذا سرد

cold dishes, غذا های سرد

various, مختلف

's (=is) carrying, دارد میبرد

tray, سینی

bottle, بطری

wine, شراب

wine-glass (es), گلاس (های) شرابخوری

ice, یخ

bucket, سطل

ice-bucket, سطل یخ

cool, سرد - خنک

\* \* \*

much the same as, خیلی شبیه به

countries (country), کشور (ها)

exception, استثناء

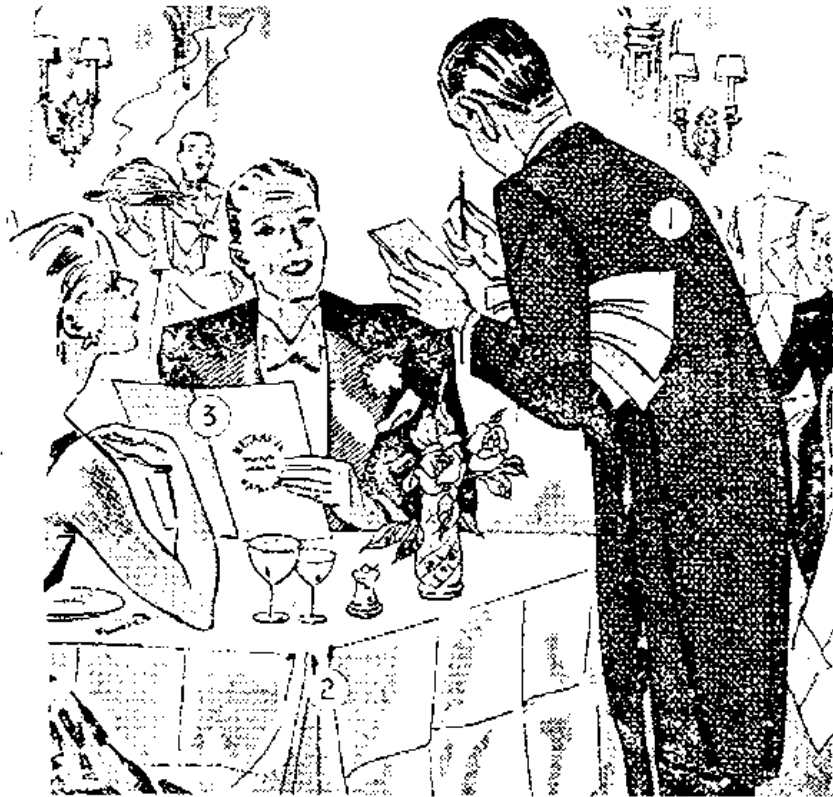
## لغات درس هفدهم

with the exception of,	با استثنای
you've (=you have)	شما دارید
heard,	شنیده
(to hear, شنیدن)	
you've heard all about,	شما بتفصیل در باب ... شنیده اید
porridge,	پاریج (یک نوع فرنی)
cereal,	حبوبات
bacon,	زامبون - گوشت خوک
egg(s),	تخم مرغ (ها)
toast,	تست نان سرخ شده
marmalade,	مارملاد - مربای نارنج - مربای به
coffee,	قهوه
cocoa,	کاکائو
for breakfast,	برای صبحانه یا ناشتایی
four o'clock or half-past,	ساعت چهار یا چهار و نیم
main,	عمده
less,	کم - کمتر
more or less,	کم یا بیش - کمابیش
alike,	مثل هم

\* \* \*



## LESSON EIGHTEEN (18)



1: The waiter  
2: The table

3: The menu  
4: The lamp

Lesson eighteen (18)  
Eighteenth (18th) lesson

### ORDERING A MEAL

Is this table<sup>2</sup> free, waiter<sup>1</sup>?

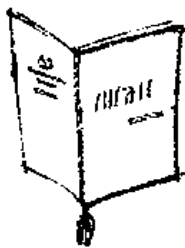
I'm sorry, sir, these two tables have just been reserved by telephone, but that one over there's free.

What a pity! We wanted to be near the dance-floor. Still, it doesn't matter, we'll take it. . . . The menu<sup>3, a</sup>, please.

Here you are, sir. Will you dine à la carte or take the table d'hôte?

Well, let's see. What do you think, darling?

Oh, I don't want much to eat, I'm not very



a: The menu

LESSON EIGHTEEN (18)



*b: Fried plaice with chips*



*c: Hors d'œuvre*



*d: Steak, potatoes and peas*



*e: A glass of beer*



*f: A cup of coffee*

hungry. . . . I think I'll have—er—some oxtail soup and fried plaice with chips<sup>b</sup>. Hm, I'm rather hungry. I'll start with some hors d'œuvre<sup>c</sup>.

And to follow?

A grilled steak with baked potatoes and peas<sup>d</sup>.

Will you have anything to drink, sir?

Well, I am rather thirsty. Bring me half a pint of bitter. What about you, darling?

Well, I don't care for beer<sup>e</sup>, but I will have a glass of sherry.

Very good. . . . What sweet would you like? I'll have a fruit salad.

So will I. And we'll have two coffees<sup>f</sup>, please.

Black or white?

White, please. Oh, and two liqueur brandies.

What a lovely waltz they're playing. Shall we dance?

Yes, I'd love to. . . .

Waiter! The bill, please.

Very good, sir.

Here you are.

Thank you very much, sir.



## لغات

LESSON EIGHTEEN      درس هیجدهم

Ordering a Meal      دستور غذا دادن

eighteen,      هیجده

eighteenth,      هیجدهم - هیجده همین

ordering a meal,      دستور غذا دادن

(to order,      (دستور و فرمان دادن

free,      آزاد (در مورد میز) نگرفته - سفارش نداده

sir      آقا

these,      اینها

reserved,      رزرو شده - نخیره شده

have just been reserved,      همین الان رزرو شده اند

telephone,      تلفن

that one over there,      آن یکی در آنطرف

pity,      حیف

what a pity,      حیف - افسوس

we wanted,      ما میخواستیم

dance-floor,      پیست رقص

matter (to),      مهم بودن

it doesn't matter,      مهم نیست - مطلبی نیست

menu,      صورت غذا - منو

here you are,      بفرمائید - حاضر است

لغات درس هیجدهم

dine (to), غذا خوردن - شام خوردن  
 a la carte, با انتخاب غذا از روی صورت  
 table d'hote, غذا معین رستوران  
 let's (=let us) see,

بینیم

what do you think?, عقیده تو چیست؟

darling, عزیزم

to eat, خوردن

hungry, گرسنه

I'm not very hungry, من زیاد گرسنه نیستم

oxtail, دم گاو

fried, سرخ کرده

(to fry, (سرخ کردن

plaice, ماهی پهن

chips, سیب زمینی سرخ کرده

I'm rather hungry, اما من گرسنه ام

start (to), شروع کردن

hors d'oeuvre, پیش غذائی - آوردن

to follow, بعد از آن - بدنبال آن - پشت آن

grilled, کباب

steak, استیک

baked, تنوری - سرخ شده

(to bake, (نان) پختن (در تنور پختن

pea(s), نخسود

will you have?, میل دارید؟

to drink,	آشامیدن
thirsty,	تشنه
I am...thirsty,	من تشنه هستم
bring (to),	بیاور - (آوردن)
half,	نصف
pint,	پیمانه ای تقریباً برابر نیم لیتر - لیوان بزرگ آبجوخوری
bitter,	آبجو تلخ
care for (to),	علاقه داشتن - توجه داشتن
I don't care for...	علاقه ای به ... ندارم
beer,	آبجو
I will have,	من خواهم خورد
sherry,	ششیری - نوعی شراب سفید
very good,	بسیار خوب
would you like?,	آیا شما میل دارید ؟
fruit salad,	سالاد میوه
so will I,	من هم همینطور
white (coffee),	قهوه با شیر
liqueur,	مشروب قوی
brandies (brandy),	کنیاک - برندی
liqueur brandies,	لیکور برندی
lovely,	دلکش - مطبوع
waltz,	والس - نوعی رقص کلاسیک
what a lovely waltz,	چه والس قشنگی
they're playing,	دارند میزنند
shall we dance?,	میل دارید برقصیم

لغات درس هیجدهم

I'd (=I should) love to,

خیلی میل دارم برقصم  
صورت حساب

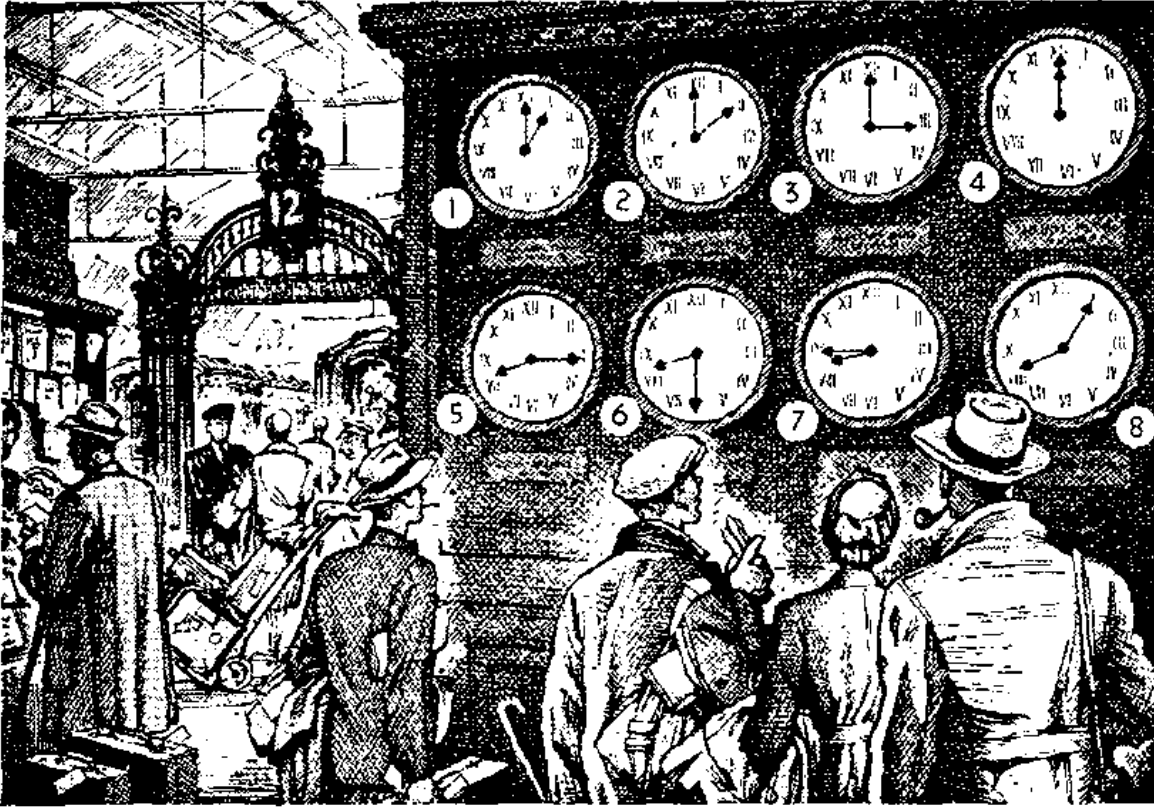
bill,

thank you very much,

بسیار متشکرم

\* \* \*

## LESSON NINETEEN (19)



1: *One o'clock*  
2: *Two o'clock*

3: *Three o'clock*  
4: *Twelve o'clock*  
5: *A quarter past eight*

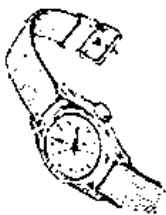
6: *Half-past eight*  
7: *A quarter to nine*  
8: *Five past eight*

Lesson nineteen (19)

Nineteenth (19th) lesson

### NUMERALS: TIMES AND DATES

If I want to know the time I look at my watch. I've got a gold wrist-watch<sup>a</sup> with a leather strap. It keeps fairly good time, but occasionally it goes wrong. When it does that, I take it to a watchmaker, and have it repaired, cleaned and regulated.



*a: A wrist-watch*

I don't think you'll find it very difficult to tell the time in English. First of all, let's deal with the hours: we say, it's one

## LESSON NINETEEN (19)



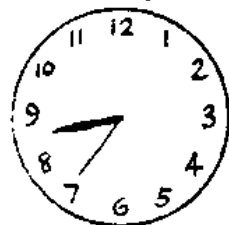
*b: Ten past eight*



*c: Twenty past eight*



*d: Twenty-five past eight*



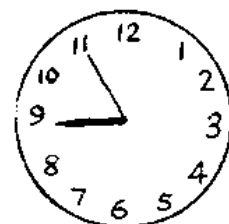
*e: Twenty-five to nine*



*f: Twenty to nine*



*g: Ten to nine*



*h: Five to nine*

o'clock<sup>1</sup>, two o'clock<sup>2</sup>, three o'clock<sup>3</sup>, and so on. Twelve o'clock<sup>4</sup> may refer to midnight, or to midday. Then for the quarters we say, for instance, it's a quarter past eight<sup>5</sup>, half-past eight<sup>6</sup>, a quarter to nine<sup>7</sup>. Sometimes people just say eight-fifteen instead of a quarter past eight, and eight-thirty instead of half-past eight. We say other times as follows: five minutes past eight, or simply, five past eight<sup>8</sup>. Similarly, ten past eight<sup>b</sup>, twenty past eight<sup>c</sup>, twenty-five past eight<sup>d</sup>, twenty-five to nine<sup>e</sup>, twenty to nine<sup>f</sup>, ten to nine<sup>g</sup>, five to nine<sup>h</sup>.

Referring to dates, we say, for instance: Henry VIII (the eighth) was born on the twenty-eighth of June, fourteen ninety-one, and died on the twenty-eighth of January, fifteen forty-seven. Be careful to pronounce distinctly thirteen, thirty; fourteen, forty; fifteen, fifty; sixteen, sixty; and so on. Then learn: a hundred, a hundred and one, two hundred and seventy-six, a thousand, three thousand three hundred and eighty-seven.

28th June 1491

28th January 1547

13-30	14-40	15-50	16-60
100	101	276	1,000
			3,387



## لغات

### LESSON NINETEEN

Numerals: Times and Dates

درس نوزدهم  
شماره وقت و تاریخ

nineteen,	نوزده
nineteenth,	نوزدهم - نوزدهمین
numerals,	اعداد - شماره
to know the time,	برای دانستن وقت یا ساعت
watch,	ساعت
gold,	طلا
wrist,	مچ
wrist-watch,	ساعت مچی
leather,	چرم
strap,	بند - تسمه
fairly,	نسبتاً
it keeps fairly good time,	نسبتاً وقت را خوب نشان میدهد
goes wrong,	بد کار میکند
watchmaker,	ساعت ساز
repaired,	تعمیر شده
cleaned,	پاک کرده - تمیز کرده
regulated,	میزان شده
(I) have it repaired, cleaned and	
regulated,	من آنها (ساعت را) میدهم تعمیر
	کنند و پاک کنند و میزان کنند (تنظیم کند)

\* \* \*

لغات درس نوزدهم

difficult,	مشکل
to tell the time,	که ساعت روز را بگوئید
in English,	به انگلیسی
first of all,	قبل از هر چیز
let's deal with,	از (ساعت) گفتگو کنیم
hour(s),	ساعت (ساعات)
may,	ممکن است
may refer to,	ممکن است نشان بدهد
midnight,	نصف شب
midday,	ظهر
quarter(s),	ربع ساعت
for instance,	مثلا
a quarter past eight,	یک ربع از هشت گذشته یا هشت و ربع
a quarter to nine,	یک ربع به نُه
people just say,	مردم فقط میگویند
eight-fifteen,	هشت و پانزده (هشت و ربع)
eight-thirty,	هشت و سی (هشت و نیم)
as follows,	از این قرار - بقرار زیر
five (minutes) past eight,	پنج دقیقه از هشت گذشته
simply,	فقط - بطور ساده تر
similarly,	به همین شکل
twenty-five to nine,	بیست و پنج (دقیقه) به نُه

referring to dates,	اما راجع به تاریخ
Henry,	هانسری
was born,	متولد شد
(to be born	(متولد شدن)
June,	ماه جون (ژوئن)
died,	مرد - از دنیا رفت
(to die),	مردن
January,	ماه جنیوری (ژانویه)
careful,	مواظب
be careful,	مواظب باشید
to pronounce,	تلفظ کردن
distinctly,	بطور واضح - شمردن
hundred,	صد
thousand,	هزار

\* \* \*



Lesson twenty (20)  
Twentieth (20th) lesson

DAYS AND MONTHS.

ASKING THE TIME

Do you know the days of the week?  
Yes, Sunday, Monday, Tuesday,  
Wednesday, Thursday, Friday, Saturday.  
Now, let's assume that today is  
Wednesday<sup>a</sup>. What day will tomorrow  
be?  
Thursday.  
And the day after tomorrow?  
Friday.  
What day was yesterday?  
Tuesday.

LESSON TWENTY (20)

JANUARY					
Sunday	1	8	15	22	29
Monday	2	9	16	23	30
Tuesday	3	10	17	24	31
Wednesday	4	11	18	25	-
Thursday	5	12	19	26	-
Friday	6	13	20	27	-
Saturday	7	14	21	28	-

*a: Today is Wednesday*



*b: My watch says five past two*

And the day before yesterday?

Monday.

As it happens, last Monday was my birthday.

Is that so? Well, many happy returns of the day<sup>c</sup>.

Thank you. And now, let's have the names of the months.

Certainly. January, February, March, April, May, June, July, August, September, October, November, December.

Good. . . . Oh! Can you tell me the right time, please?

Well, my watch says five past two<sup>b</sup>, but it's no use relying on it, because sometimes it's fast and sometimes it's slow.



*c: Many happy returns of the day!*

لغات

LESSON TWENTY      درس بیستیم

Days and months, Asking the Time,

روزها و ماهها پرسیدن ساعت یا وقت

twenty,	بیست
twentieth,	بیستم - بیستمین
month(s),	ماه (ها)
asking the time,	پرسیدن ساعت یا وقت
Sunday,	یکشنبه
Monday,	دوشنبه
Tuesday,	سه شنبه
Wednesday,	چهارشنبه
Thursday,	پنجشنبه
Friday,	جمعه
Saturday,	شنبه
assume (to),	فرض کنیم - (فرض کردن)
the day after tomorrow,	پس فردا
yesterday,	دیروز
the day before yesterday,	پریروز
as it happens,	اتفاقاً
(to happen,	اتفاق افتادن - واقع شدن
birthday,	روز تولد
so,	اینطور
is that so?,	راستی؟
happy,	شاد - خوشحال - خوشبخت

لغات در سر بیستم

return,	برگشت - تکرار
many happy returns of the day,	صد سال به این سالها
January,	ژانویه - جنیوری
February,	فوریه - فبروری
March,	مارس - مارچ
April,	آوریل - اپریل
May,	مه - می
June,	ژوئن - جون
July,	ژوئیه - جولای
August,	اوت - اگست
September,	سپتامبر - سپتمبر
October,	اکتبر - اکتوبر
November,	نوامبر - نومبر
December,	دسامبر - دسیمبر
can you tell me the right time, please?	لطفا وقت صحیح را به من بگوئید - ممکن است خواهش بکنم بفرمائید ساعت چند است؟
my watch says,	ساعت من نشان میدهد
use,	فایده - خاصیت
rely on (to),	اعتماد یا اطمینان کردن به
it's no use relying on it,	نمیتوان بآن مطمئن شد
it's fast,	تند است
it's slow,	کند است

\* \* \*

## LESSON TWENTY-ONE (21)



Lesson twenty-one (21)  
Twenty-first (21st) lesson

### ENGLISH MONEY

If you're going to England you'll naturally want to know something about English money. I expect you've been used to the decimal system, so English money will probably seem very strange to you at first, but you'll soon get used to it.



*a: A penny*

There are three copper coins, the penny<sup>a</sup>, the halfpenny<sup>b</sup>, and the farthing<sup>c</sup>. Then there's the threepenny bit<sup>d</sup>. The other coins are the sixpence<sup>e</sup>, the shilling<sup>f</sup>, the two-shilling piece<sup>g</sup>, and the half-crown<sup>h</sup>,



## LESSON TWENTY-ONE (21)



*b: A halfpenny*



*c: A farthing*



*d: A threepenny  
bit*



*e: A sixpence*



*f: A shilling*



*g: A two-shilling piece*



*h: A half-crown;  
half a crown*



*i: A pound note*



*j: A reel of cotton*



*k: A stamp*

which is worth two shillings and sixpence, or as we say, two and six. Then there's a ten-shilling note and a pound note<sup>i</sup> in common use, and for larger sums there are five-pound notes, ten-pound notes, and so on. There's no gold in circulation, so you hardly ever see a sovereign or half-sovereign. You may often hear the term "guinea", which stands for twenty-one shillings, although there's no actual coin of this value.

There are four farthings in a penny, twelve pence in a shilling and twenty shillings in a pound. If the price of a reel<sup>j</sup> of cotton is fourpence, you hand over four pennies for it. Similarly, you say twopence, threepence, and so on. If a stamp<sup>k</sup> costs three-halfpence, you hand the clerk a penny and a halfpenny or three halfpennies, and he gives you a three-halfpenny stamp.

# New British Money

پول جدید انگلستان :

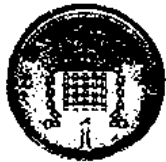
از پانزدهم فوریه ۱۹۷۱ انگلستان سیستم پولی خود را به سیستم ده دهمی  
تغییر داد . سکه های جدیدی بی بازار آمد و در حال حاضر یک پاوند برابر  
با ۱۰۰ پنس جدید میباشد .

سکه های جدید عبارتند از :

$\frac{1}{2}$  new penny



1 new penny



10 new pence

2 new pence



5 new pence



50 new pence

LESSON TWENTY-ONE درس بیست و یکم  
English Money پول انگلیسی

twenty-one, بیست و یک  
twenty-first, بیست و یکم - بیست و یکمین  
money, پول - سکه

England, انگلیس - انگلستان

If you're going to England,

اگر شما می‌خواهید با انگلستان بروید

naturally, "طبعاً"

to know something about...,

یک چیزی در باب ... بدانید

I expect,

تصور میکنم

you've been used to,

شما عادت به ... داشته اید

decimal,

اعشاری - ده دهی

system,

طریقه

probably,

یاحتمل

seem (to),

بنظر بیاید - ( بنظر آمدن )

strange,

غریب - عجیب

at first,

در وهله اول

you'll soon get used to it,

شما زود بآن عادت میکنید

\* \* \*

لغات درس بیست و یکم

copper,	مس - ( بطور صفت ) مسی
coin(s),	سکه ( ها )
penny,	پنی ( واحد پول )
halfpenny,	نیم پنسی
farthing,	( فارظینگ ) ربع پنی
bit,	خرده - پول خرد
threepenny bit,	سکه سه پنسی
sixpence,	شش پنسی
piece,	قطعه ... دانه - سکه
two-shilling piece,	سکه دو شیلینگی
half-crown,	سکه دو شیلینگ و نیم
worth (to be),	ارزش دارد ( ارزش داشتن )
as we say,	چنانکه ما میگوئیم
note,	اسکناس
ten-shilling note,	اسکناس ده شیلینگی
pound,	پوند - لیره انگلیسی
common,	معمولی - همه جایی
use,	مصرف - استعمال - استفاده
in common use,	مورد استفاده ( یا مصرف ) عموم
sum(s),	مبلغ ( مبالغ )
gold,	طلا - پول طلا
circulation,	جریان - انتشار
in circulation,	در جریان - رایج
hardly,	خیلی کم بندرت

ever,	هرگز
you hardly ever see,	شما بندرت میبینید
sovereign,	پول طلا - سکه طلا
you may often hear,	ممکن است مکرر بشنوید
term,	اصطلاح
guinea,	گینی
which stands for,	که معادل است با
although,	هر چند - اگر چه
actual,	واقعی
value,	ارزش

\* \* \*

pence,	پنس (جمع پنی)
price,	قیمت
reel,	قرقره نخ
cotton,	پنبه - نخ پنبه
hand over (to),	دادن بکس دیگر (مثلا بدکاندار)
pennies,	پنی هسا
for it,	برای آن
stamp,	تمبر پست
costs,	ارزش داشته باشد - قیمتش باشد
three-halfpence,	یک پنی و نیم
hand (to),	بدست او میدهی (بدست کسی دادن)
clerk,	کارمند (پست)
give, (to),	دادن
three-halfpenny stamp,	تمبر یک پنی و نیم



Lesson twenty-two (22)

Twenty-second (22nd) lesson

## AT THE BANK

Can you change me some money, please?

Certainly. What is it you wish to change?

Here it is: some French francs, Swiss francs, American dollars and a few Dutch guilders. You'd better count<sup>a</sup> them.

If you'll wait a moment I'll find out the rates of exchange. Here we are. Let me see—er—that'll make £41. 12. 6.

(forty-one pounds, twelve shillings and sixpence) altogether. How would you like it?

LESSON TWENTY-TWO (22)



*a: Counting the money*

Would you please give me seven five-pound notes, four pound notes and four ten-shilling notes, and the rest in small change.

Certainly. Here you are. Will that do?

Er—would you mind giving me the sixpence in coppers. I want to make a phone-call<sup>b</sup> and I haven't any change. . . .

Thank you. . . . By the way, can I open an account here?

You'll have to see the Manager about that. If you'll kindly go through that door marked "Private" he'll attend to you.



*b: Making a phone-call*

Good afternoon, sir. My name is Anderson. I should like to open an account with you.

A deposit or current account?

Well, I want to be able to pay for things by cheque.

Then you want a current account. How much money do you want placed to your credit?

Here's £200 (two hundred pounds). I think that ought to last me for some time.

I take it you can supply references?

Certainly.

Right. Here's a cheque book<sup>c</sup>. When you send a cheque by post be careful to cross it, but if you wish to cash a cheque yourself, you must leave it "open".



*c: A cheque book*

LESSON TWENTY-TWO

درس بیست و دوم

At the Bank

در بانک

twenty-two,	بیست و دو
twenty-second,	بیست و دوم - بیست و دومین
bank,	بانک
change (to),	(پول) مبادله کردن یا خرید کردن,
can you change me some money?,	
	ممکن است مبلغی پول برای من خرید کنید ؟
wish (to),	خواستن - میل داشتن
French,	فرانسوی
franc(s),	فرانک
French francs,	فرانک فرانسه
Swiss,	سوئیس
American,	آمریکائی
dollar(s),	دلار
Dutch,	هلندی
guilder(s),	گیلدر - سکه هلندی
you'd better count them,	
	بهتر است آنها را بشمارید
a moment,	یک لحظه - یکخرده
find out (to),	تحقیق کردن - معین کردن
rate(s), of exchange,	نرخهای مبادله
here we are,	بله حاضر است - بفرمائید



لغات درسی بیست و دوم

that'll make,	این میشود - این میکند . . .
altogether,	روپهم رفته - روپهم
how would you like it?,	چه جنور میل دارید ؟
the rest,	باقی مانده
change,	پول خرد
small change,	پول خرد
will that do?,	آیا کافی است
mind (to),	توجه کردن
would you mind giving me?,	زحمتی نیست اگر بدهید ؟
coppers,	پول مسی
phone (= telephone),	تلفسن
call,	مکالمه یا تافن - تلفن زدن
to make a phone-call,	تلفن بکسی زدن
I have'nt any change	من هیچ پول خرد ندارم
by the way,	راستی - ضمناً - تا یادم نرفته
account,	حساب
open an account (to),	حساب باز کردن
manager,	مدیر - رئیس
kindly,	بیزحمت - لطفاً
if you'll kindly go,	اگر شما لطفاً بروید
marked,	با علامت مشخص شده - مارک دار
private,	خصوصی - "ورود ممنوع"
attend to (to),	(کار کسی) رسیدگی کردن

deposit (account), ( حساب ) پس انداز

current account, حساب جاری

to pay for, قیمت ( چیزی را ) پرداختن

do you want placed?,

میل دارید بحساب بریزید؟

(to place, گذاشتن)

credit, اعتبار - حساب

that ought, آن بایستی

to last, طول بکشد - بماند - (کفاف دادن)

for some time, تا مدتی

I take it, یقین دارم

supply (to), نشان دادن - بدست دادن

reference(s), معرف

cheque, چک

cheque book, دفترچه چک

when you send, هر وقت میفرستید

by post, با پست

cross (to),

خط بکشید ( خط کشیده ن روی چک - بستن )

to cross it,

خط بکشید روی آن - آنرا ببندید

to cash a cheque,

نقد کردن - پول نقد گرفتن

yourself, خودتان

leave (to), گذاشتن

نقات درس بیست و دوم

you must leave it "open"

آنها باید باز بگذارید

\* \* \*

## LESSON TWENTY-THREE (23)



1: The counter  
2: A customer

3: A clerk; an assistant  
4: Scales

5: A telephone-box  
6: A clock

### Lesson twenty-three (23) Twenty-third (23rd) lesson

## POSTAL SERVICES



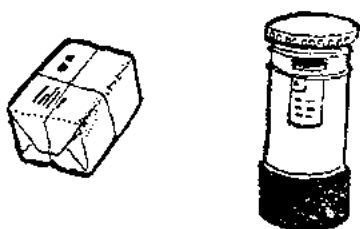
a: A letter



b: A postcard

There are Post Offices in every town and nearly every village in the country. If you want to post an ordinary letter<sup>a</sup>, a postcard<sup>b</sup> or a small parcel<sup>c</sup>, you needn't go to the Post Office, you can drop it into the nearest pillar-box<sup>d</sup>. You can recognize these easily in England, because they're painted red. If you want to send a telegram, you can either take it to the nearest Post Office or dictate it over the telephone<sup>e</sup>.

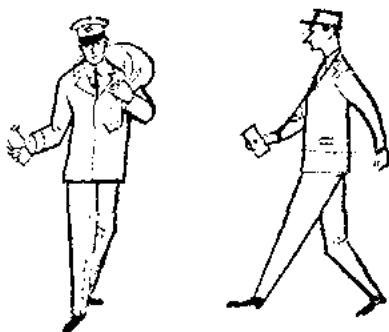
LESSON TWENTY-THREE (23)



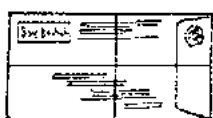
c: A parcel      d: A pillar-box



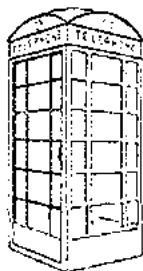
e: The telephone



f: A postman      g: A telegraph-boy



h: A registered letter



i: A telephone-box

Pillar-boxes are emptied several times a day. If you want your letter to arrive more quickly than by ordinary post, you can send it by Air Mail. Letters are delivered to your home or office by a postman<sup>f</sup>, and telegrams by a telegraph-boy<sup>g</sup>. Here you can see what the inside of a Post Office looks like. On one side of the counter<sup>1</sup> you see several customers<sup>2</sup>, on the other side, the clerks<sup>3</sup>.

One of the people in the picture is buying postage-stamps, another is registering<sup>h</sup> a letter, the third is writing out a cable. If you want to buy stamps, you must go to the right counter; if you go to the wrong one, you'll only waste your time. Ask for a halfpenny stamp, a penny stamp, a three-halfpenny stamp, a twopenny stamp, a twopenny-halfpenny stamp, a threepenny stamp and so on. If you want to send a parcel, you hand it to the assistant<sup>3</sup>, who weighs it on scales<sup>4</sup> and gives you the necessary stamps. The amount you have to pay depends on the weight of the parcel.

In most Post Offices and also in many streets, there are public telephone-boxes<sup>5, i</sup> from which you can telephone. All you have to do is lift the receiver, put into the slot the pennies due for the call, and dial the first three letters of the exchange you want, followed by the number.

LESSON TWENTY-THREE درس بیست و سوم

Postal Services خدمات ( امور ) پستی

twenty-three,	بیست و سه
twenty-third,	بیست و سوم - بیست و سومین
postal,	پستی
service(s),	امور - خدمات - کمکها
post office(s),	دفتر پست - پستخانه (ها)
village,	ده
to post,	به پست دادن - پست کردن
ordinary,	معمولی - عادی
postcard,	کارت پستال
parcel,	بسته
you needn't go,	احتیاج ندارید بروید
(to need, داشتن)	(احتیاج داشتن)
drop (to),	بیاندازید ( انداختن )
the nearest,	نزدیکترین
pillar,	ستون
box,	جعبه - قوطی - صندوق
pillar-box,	صندوق پست ( که به شکل ستون است )
recognize (to),	تشخیص دادن - شناختن
easily,	بآسانی
red,	قرمز

telegram,	تلگراف
either...or,	یا ... یا (یا اینجور یا آنجور)
are emptied,	خالی میشوند
(to empty,	(خالی کردن
a day,	در روز
to arrive,	رسیدن
if you want your letter to arrive,	اگر میخواهید کاغذ شما برسد
mail,	پست
by Air Mail,	با پست هوایی
delivered,	تحویل داده شده
are delivered to your home,	به منزل شما تحویل داده میشوند
postman,	نامه رسان
telegraph,	تلگراف
telegraph-boy,	فراش تلگراف
inside,	داخل - توی
what...looks like,	چه شکلی دارد
on one side,	در یک سمت
counter	پیشخوان - آنجا که مامورین
customer(s),	پست کار مردم را انجام میدهند مشتریان - مراجعین
clerk(s),	کارمندان - پستی ها

الفات دربر بیست و سوم

is buying,	مشغول خریدن است
(to buy, خریدن)	
postage,	پول پست
postage-stamp(s),	تمبر (های) پست
is registering	مشغول دادن نامه سفارشی است
is writing out,	مشغول نوشتن (تلگراف) است
(to write out, نوشتن)	
cable,	تلگراف
wrong,	غلط
the wrong one,	جای عوضی
waste (to),	تلف کردن
you'll only waste your time,	
	شما فقط وقت خودتانرا تلف میکنید
twopenny-halfpenny stamp,	
	تمبر دو پنس و نیمی
assistant,	کامل - معاون
weighs,	میکشد - وزن میکند
scales,	ترازو
necessary,	لازم
amount,	مقدار - مبلغ
depends on,	بسته است به
weight,	وزن
street(s),	کوچه (ها) - خیابان (ها)
telephone-box(es),	جایگاه (های) تلفن
from which	که از آنجا



لغات درس بیست و سوم

telephone (to),	(تلفن کنید) -	تلفن کردن
all you have to do,	تنها کاری که باید بکنید	
to lift,	(بلند کنید)	بلند کردن
receiver,	(را)	گوشی
slot,	سوراخ - جای انداختن پول	
pennies,	پنی - پنیس	
due,	(را)	لازم
the pennies due for the call,	چند پنی ای که برای مکالمه لازم است	
dial (to),	بگیرید - نمره بیندازید	
letter(s),	حرف (حروف)	
the first three letters,	سه حرف اول	
exchange,	شعبه محلی تلفنخانه	

\* \* \*

LESSON TWENTY-FOUR (24)



1: A telephone-box

2: A mail-van

4: The pavement

3: The door

5: The clock

Lesson twenty-four (24)  
Twenty-fourth (24th) lesson

AT THE POST OFFICE

Excuse me, can you tell me where the nearest Post Office is?

I'm sorry, I can't. I'm a stranger here myself. Perhaps that gentleman over there will be able to help you.

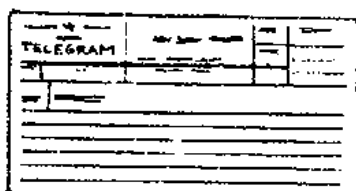
Thank you. . . I'm sorry to trouble you, but can you direct me to the nearest Post Office?

Yes, it's in the High Street. As a matter of fact, I'm going in the same direction

NAME *George Smith*  
ADDRESS *147 Baker Street*  
*Canterbury, Kent*

a: Name and address

LESSON TWENTY-FOUR (24)



b: A telegram form

myself, so if you come with me, I'll show you.

That's very kind of you.

There it is<sup>d</sup>, that building over there.

Thanks very much.

Don't mention it.

I want to send a telegram. Where can I get a form<sup>b</sup>?

You'll find some over there. . . . Will you put your name and address<sup>a</sup> on the back?

That will be 3/6 (three and six).

Do you mind telling me where I can get stamps and a registered envelope?

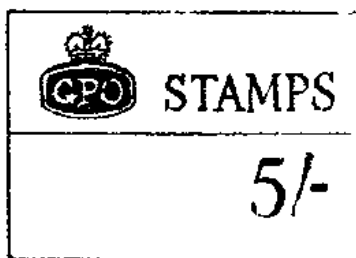
At the next counter.

A five-shilling book of stamps<sup>c</sup>, please, and a large registered envelope.

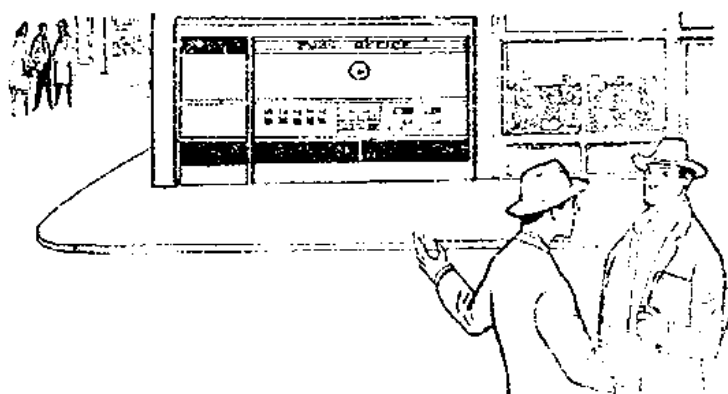
Will this size do?

Yes, thank you, that's just right. . . . Would you mind telling me what the postage on this letter will be?

Threepence by ordinary post, or sixpence, if you want to register it.



c: A five-shilling book of stamps



d: There it is

LESSON TWENTY-FOUR      درس بیست و چهارم  
At the Post Office      در پست خانه

twenty-four,      بیست و چهار  
twenty-fourth      بیست و چهارمین  
stranger,      غریب - غریبه - نا آشنا  
I'm a stranger here myself,  
من خودم در اینجا غریب هستم  
that gentleman,      آن آقا  
to trouble,      زحمت بدهم (زحمت دادن)  
I'm sorry to trouble you,  
متاسفم که شما را زحمت میدهم  
direct (to),      راهنمایی کنید (راهنمایی کردن)  
can you direct me to...?  
ممکن است مرا به ... راهنمایی کنید  
high,      بلند  
High Street,      خیابان بزرگ  
as a matter of fact,  
اتفاقا - واقع امر این است  
direction,      طرف - جهت  
kind,      مهربان  
that's very kind of you  
از محبت شما ممنونم - این نهایت لطف شماست  
building,      عمارت

## لغات درس بیست و چهارم

don't mention it, خواهش میکنم - قابلی ندارد  
on the back, در پشت  
three and six, سه شیلینگ و شش پنس  
do you mind telling me? اگر زحمت نیست بفرمائید؟  
registered, سفارشی  
envelope, پاکت  
book of stamps, یکدسته تمبر - یک سری تمبر  
size, اندازه  
will this size do? این اندازه باشد خوب است  
that's just right, درست اندازه است  
would you mind telling me?,

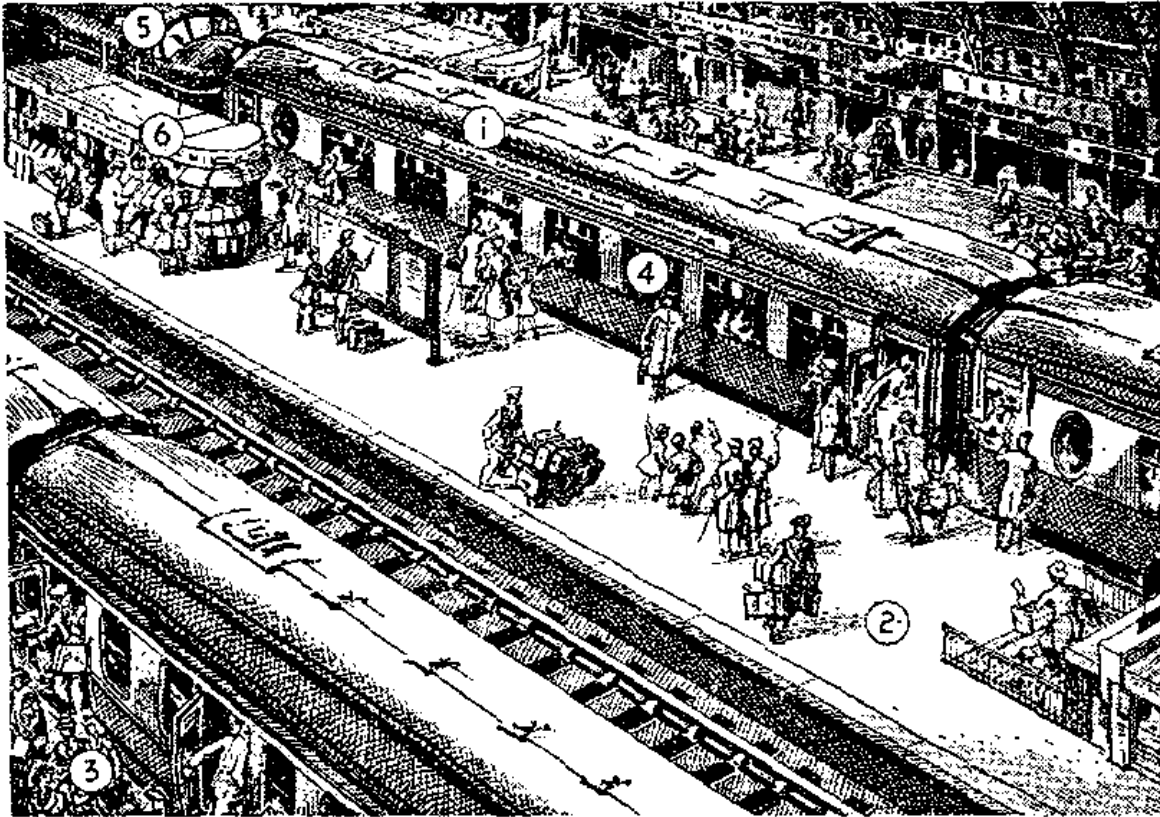
لطفاً " بفرمائید ( نوع بسیار مؤدبانه سؤال کردن )

the postage on this letter کاغذ پست این  
ordinary post

پست عادی یا معمولی ( در مقابل سفارشی )

\* \* \*

## LESSON TWENTY-FIVE (25)



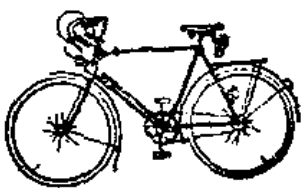
1: A train  
2: The platform

3: Passengers  
4: The window

5: The engine  
6: A bookstall

Lesson twenty-five (25)  
Twenty-fifth (25th) lesson

## TRAVELLING



a: A bicycle



b: A motor-cycle

Those who wish to travel, either for pleasure or on business, have at their disposal various means of transport. There is, for instance, the humble, inexpensive bicycle<sup>a</sup>. Then there's the motor-cycle<sup>b</sup>, with which you can travel quickly and cheaply, but for long journeys it's rather tiring. With a motor-car, one can travel comfortably for long distances without getting too tired.

## LESSON TWENTY-FIVE (25)



*c: A ship*



*d: An aeroplane*



*e: Getting out of the train*

Luxurious ships<sup>c</sup> cross seas and oceans from one continent to another.

Aeroplanes<sup>d</sup> carry passengers to various parts of the world in almost as many hours as it takes days to do the journey by other means. But most of us still have to use trains<sup>1</sup>. Look at this picture of a busy railway station. A train is standing at one of the platforms<sup>2</sup> ready to leave. Some of the passengers are looking out of the windows<sup>4</sup> watching the late-comers who are hurrying along looking for empty seats.



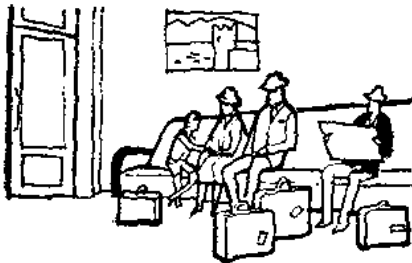
*f: Getting into the train*



*g: At the cloakroom*



*h: A refreshment room*



*i: A waiting room*

The engine<sup>5</sup> is ready to draw the train out of the station. On another platform a train has just come in; some passengers<sup>3</sup> are getting out<sup>e</sup>, others are getting in<sup>f</sup>. Those who've not taken the precaution of getting their tickets beforehand are waiting in queues at the booking-office.

At the bookstalls<sup>6</sup> people are choosing books, magazines or newspapers for the journey. At the cloakroom<sup>8</sup> others are depositing or withdrawing their luggage. Further along there are refreshment rooms<sup>h</sup> crowded with people snatching a hasty meal, while those with time to spare are sitting in the waiting rooms<sup>i</sup>.

LESSON TWENTY-FIVE

Travelling

درس بیست و پنجم  
مسافرت

twenty-five,	بیست و پنج
twenty-fifth,	بیست و پنجم - بیست و پنجمین
travelling,	مسافرت
those who wish,	آنهاییکه میخواهند
to travel	سفر بکنند - (سفر کردن)
either...or,	یا ... یا ...
pleasure,	تفریح - خوشی
for pleasure;	برای لذت و تفریح
disposal,	اختیار
have at their disposal,	در اختیار دارند
means,	وسائل
transport,	نقلیه - حمل و نقل
humble,	ساده - حقیر
inexpensive,	کم خرج - ارزان
bicycle,	دوچرخه
motor-cycle,	موتور سیکلت
cheaply,	ارزان
to travel cheaply,	با خرج کم مسافرت کردن
long,	طولانی - دراز
journey(s),	سفر (ها)
tiring,	خسته کننده
motor-car,	اتومبیل



comfortably, راحت - براحتی  
 distance(s), مسافت (ها)  
 without getting too tired,  
 بدون اینکه زیاد خسته بشوید

\* \* \*

luxurious, لوکس - تجملی  
 ship(s), کشتی (ها)  
 cross, عبور میکنند  
 sea(s), دریا (ها)  
 ocean(s), اوقیانوس (ها)  
 continent, قاره  
 aeroplane(s), طیاره (ها) هواپیما (ها)  
 carry, حمل میکنند  
 passenger(s), مسافر (مسافرن)  
 world, دنیا - جهان  
 almost, تقریباً  
 in as many hours as it takes days...,  
 به سرعتی که يك ساعتش برابر یکروز است  
 by other means, با وسائل دیگر  
 still, هنوز - بازهم  
 look at, نگاه کن به  
 busy, شلوغ - پرکار  
 railway, راه آهن  
 station, ایستگاه  
 railway station, ایستگاه راه آهن

is standing,	ایستاده است
(to stand, ایستادن)	
platform(s),	سکو (ها)
ready to leave,	آماده حرکت
are looking out of the windows,	
	از پنجره ها به بیرون نگاه میکنند
watching,	تماشا کردن - دیدن
late,	دیر
late-comer(s),	
(کسی (کسانی) که دیر آمده اند - عقب مانده (ها)	
are hurrying along,	بتمجیل می آیند
looking for,	بی (چیزی) گشتن
empty seats,	جا های خالی

\* \* \*

engine,	لوکوموتیو
to draw,	بکشد - (کشیدن)
out of,	بیرون از
has just come in,	تازه وارد شده است
are getting out,	
	دارند بیرون می آیند - دارند پیاده میشوند
(to get out, پائین آمدن, رفتن -)	
others,	دیگران
are getting in,	
	دارند داخل میشوند - دارند سوار میشوند
(to get in, سوار شدن)	

taken,	گرفته
(to take, گرفتن)	
precaution,	احتیاط
to take the precaution,	احتیاط کردن
of getting,	در گرفتن
ticket(s),	بلیط (ها)
are waiting,	منتظرند
queue(s),	صف - ردیف (ها)
to wait in queue,	توی صف ایستادن
booking-office,	گیشه بلیط فروشی
bookstall(s),	کتابفروشی (ها)
are choosing,	انتخاب میکنند.
(to choose, انتخاب کردن)	
magazine(s),	مجله (مجلات)
cloakroom,	جای سپردن اسباب
are depositing,	می سپارند
(are) withdrawing,	پس میگیرند
(to withdraw, بیرون آوردن - پس گرفتن)	
further,	بیشتر
further along,	جلوتر
refreshment,	بوفه - تغییر ذائقه (دادن)
refreshment room(s),	اتاق (های) بوفه
crowded,	پرجمعیت - شلوغ
snatching,	با سرعت گرفتن (قاییدن) - کارزدن

## لغات درس بیست و پنجم

hasty, با عجله - زود انجام یافته

people snatching a hasty meal,

مردم با سرعت غذاهای حاضری را میگیرند و گاز میزنند

with time to spare,

وقت اضافی - وقتی را نه باید منتظر بمانند

waiting-room(s), اطاق (های) انتظار

\* \* \*



1: A porter  
2: The booking-office

3: A suitcase, luggage  
4: Passengers

Lesson twenty-six (26)

Twenty-sixth (26th) lesson

## AT THE STATION

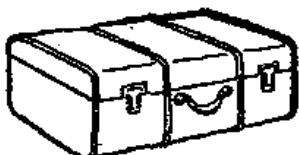
Porter<sup>1</sup>, will you see to my luggage, please?

Where for, sir?

I'm going by the 10 o'clock train to Glasgow. Will you have this trunk<sup>a</sup> labelled and put in the luggage-van. The suitcase<sup>3, b</sup> and bag<sup>c</sup> can go on the luggage-rack<sup>d</sup>.

Right, sir. What class?

First. Try and find me a corner seat<sup>e</sup> in a smoker, facing the engine, if you can.



a: A trunk



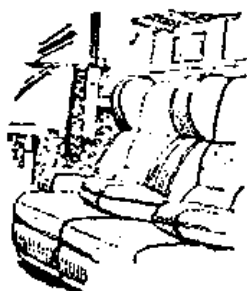
b: A suitcase



c: A bag



d: The luggage-rack



e: A corner seat



f: A ticket



g: The dining-car

Have you got your ticket yet, sir?  
Not yet. Where's the booking-office?  
Come along with me and I'll show you.

Here it is. I'll meet you on the platform.  
Which platform is it?  
No. 8, over there.

One first to Glasgow, please.  
Single or return?  
Single. . . . Do I have to change anywhere?  
No, no change, it's a through train.  
Thank you.

Here you are, sir. I've found you a corner  
seat next to the corridor. Your carriage is  
near the dining-car, and you can order  
lunch when the attendant comes along.

What time do we get to Glasgow?  
You're due to arrive at 6.15.

Thank you. Here you are.  
Thank you, sir. I hope you'll have a  
comfortable journey.

Well, I've still got a few minutes to spare, so  
I'll go and get myself a novel or a  
detective story to while away the time  
during the journey.

Mind you don't miss the train, sir.  
That's all right. The train doesn't leave for  
another ten minutes, and it won't take me  
more than five minutes to get a book.

لغات

LESSON TWENTY-SIX

درس بیست و ششم

At the Station

در ایستگاه

twenty-six, بیست و شش

twenty-sixth, بیست و ششمین

will you see to my luggage?,

ممکن است اسباب‌های من را جا بجا کنید ؟

where for?, کجا می‌روید ؟

I'm going by the....train,

من با ترن ... می‌روم

Glasgow,

گلاسگو

trunk,

صندوق سفری

(to label, (برچسب زدن به

have this trunk labelled and put,

این صندوق را برچسب بزنید و بگذارید

luggage-van,

واگون اثاثیه و اسباب

suitcase,

چمدان

bag

کیسه - خرجین

can go on the, .. میشود گذاشت توی ...

rack,

طاقچه

luggage-rack,

جای اسباب

right, sir,

چشم آقا

class,

درجه

try (to),

کوشش کردن

try and find me, سعی کن برای من پیدا کنی

corner seat,	سندلی کنار ( پنجره )
smoker,	سیگاری - کسیکه سیگار میکشد
facing the engine,	رو به لوکوموتیو
if you can,	اگر بتوانید
have you got?,	آیا دارید
yet,	هنوز - اکنون
not yet,	نه هنوز
come along with me,	با من بیائید
meet (to),	ملاقات کردن
which platform is it?	این کدام سکو (حرکت قطار) است?
No. (=number),	شماره - نمره
one first to....,	یک بلیط درجه اول برای
single,	یکسره - فقط رفت
return,	دو سره - رفت و برگشت
do I have to change?,	آیا باید ترن عوض کنم
anywhere,	جایی
no change,	هیچ عوض نمیشود
through train,	ترن مستقیم - قطار یکسره
here you are, sir,	بفرمائید آقا
found,	پیدا کردم
(to find,	(پیدا کردن)
corridor,	راهرو
carriage,	واگون
dining-car,	واگون ناهار خوری
attendant,	پیشخدمت



comes along, میآید - پیداش میشود  
 when do we get to?, چه وقت میرسیم به ۱۰۰۰؟  
 you're due to arrive, شما باید برسید  
 here you are (در موقع دادن انعام) بفرمائید بگیری  
 comfortable, راحت  
 I've still got, من هنوز دارم  
 I'll go and get myself, میروم برای خودم بگیرم  
 novel, رمان - داستان کوتاه - داستان عشقی کوتاه  
 detective, پلیس - جنائی

story, حکایت  
 to while away, برای وقت گذراندن  
 miss (to), از دست دادن  
 mind you don't miss the train,  
 مواظب باشید ترن را از دست ندهید  
 doesn't leave for another ten minutes,  
 ترن ده دقیقه دیگر هم حرکت نخواهد کرد  
 it won't take me more than five minutes,  
 برای من بیشتر از پنج دقیقه طول نمیکشد  
 to get a book, که يك کتاب بگیرم

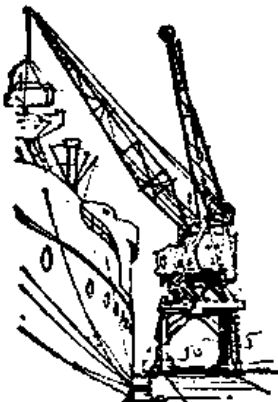
\* \* \*



Lesson twenty-seven (27)  
Twenty-seventh (27th) lesson

## TRAVELLING BY SEA AND AIR

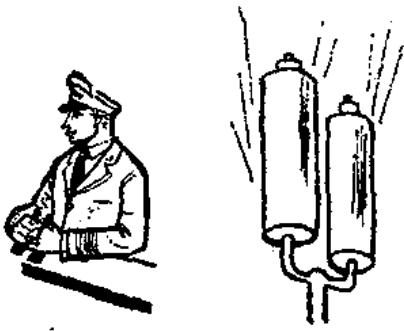
Last Wednesday week I went down to Southampton Docks to see my partner off to New York on one of our largest liners . What colossal ships these steamers are when you see them from the landing-stage alongside the quay. I had a pass, so I went on board and had a look round.



a: A crane

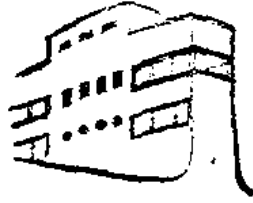
From the top deck I could see the huge cranes <sup>a</sup> lifting the cargo and depositing it in the holds. I saw members of the crew carrying out their duties in various

LESSON TWENTY-SEVEN (27)



b: The captain

c: The siren

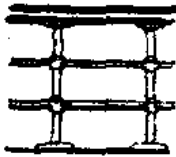


d: The bridge



e: The gangway

parts of the ship, while the captain<sup>b</sup> watched the operations and gave his orders from the bridge<sup>d</sup>. Then the siren<sup>c</sup> sounded and the visitors made for the gangways<sup>e</sup>. Finally the ship began to move off, and the passengers, leaning over the rails<sup>f</sup>, waved good-byes to their friends standing below amongst the crowd. Slowly she left the harbour, passing beyond the pier<sup>h</sup>, and gradually disappeared in the distance.



f: The rails



g: Waving good-bye



h: The pier

A few days later I myself had to go to Paris. The journey was urgent and I went by air. I went to the airport by a special bus<sup>i</sup> provided by the company. On the airfield we saw a large plane waiting for us. We climbed into it, and at exactly twelve o'clock it took off. Very soon our "magic carpet"<sup>j</sup> reached the sea, and shortly afterwards we saw the French coast. It wasn't long before we arrived at our destination. Our pilot made a perfect landing, and we got out of the plane.



i: A bus



j: A magic carpet

LESSON TWENTY-SEVEN درس بیست و هفتم  
 Travelling by Sea and Air سفر از راه دریا و هوا

twenty-seven, بیست و هفت

twenty-seventh,

بیست و هفتم - بیست و هفتمین

by sea, با کشتی - از راه دریا

(by) air, با طیاره - با هواپیما

last Wednesday week,

چهارشنبه گذشته یک هفته است

I went down, که من رفتم

dock(s), بندر - (بنادر)

partner, شریک

to see my partner off to New York,

شریکم را که به نیویورک مسافرت میکرد مشایعت کنم

largest, بزرگترین

liner(s), کشتی (های) مسافری

colossal, عظیم

what colossal ships these steamers,

این کشتیهای بخاری کشتیهای عظیم هستند

landing-stage, بندرگاه - پهلوگاه

alongside, پهلوی - کنار

quay, اسکله

I had, داشتم

(to have, داشتن)

pass, پروانه - جواز  
 on board, ( هواپیما - ترن و نظایر آنها )  
 (I) had a look round;

ویک گشتی زدم - نگاهی کردم

\* \* \*

top, بالا  
 deck, عرشه کشتی  
 huge, خیلی بزرگ - عظیم  
 crane(s), جرثقیل (ها)  
 lifting, در حالی که بلند می‌کردند  
 cargo, بار - محموله ( کشتی )  
 hold(s), انبار کشتی  
 member(s), عضو ( اعضاء - افراد )  
 crew, کارکنان یا خدمه ( کشتی - هواپیما و امثال آنها )  
 carrying out, در حالی که انجام می‌دادند  
 (to carry out, (انجام دادن)  
 duties, وظائف  
 (duty, وظیفه)  
 captain, ناخدا  
 watched, مراقبت می‌کرد - ناظر بود  
 operation(s), عملیات  
 gave, میداد  
 (to give, دادن)  
 order(s), امر ( اوامر ) - دستور (ها)  
 bridge, جایگاه ناخدا در کشتی

gave his orders from the bridge,	از جایگاه خود فرمان صادر میکرد
siren,	سوت خطر - زنگ خطر
sounded,	بصدا درآمد
made for,	روانه شدند به
(to make for,	(روانه جایی شدن)
gangway(s),	مدخل کشتی (مدخل های)
finally,	بالاخره - عاقبت
began,	شروع کرد
(to begin,	(شروع کردن)
to move off,	حرکت کردن
began to move,	شروع بحرکت کرد
leaning,	درحالیکه خم شده یا تکیه داده بودند
rail(s),	نرده (ها)
waved,	دست تکان دادند
good-bye,	خدا حافظ
waved good-bye,	با حرکت دست خدا حافظی نمودند
below,	پائین
amongst,	در میان
crowd,	جمعیت
left,	ترك کرد
(to leave,	(ترك نمودن)
harbour,	بندر - لنگرگاه
passing,	در حال عبور کردن

beyond,	خارج از - آنطرف
pier,	اسکله
gradually,	تدریجا
disappeared,	از نظر غایب شد
distance,	مسافت

\* \* \*

I myself had to,      من خودم لازم شد که  
(to have to,      (مجبور بودن

urgent,	فوری
airport,	فرودگاه
special,	مخصوص
bus,	اتوبوس
provided by,	متعلق به - تهیه شده بوسیله
company,	کمیانی - شرکت

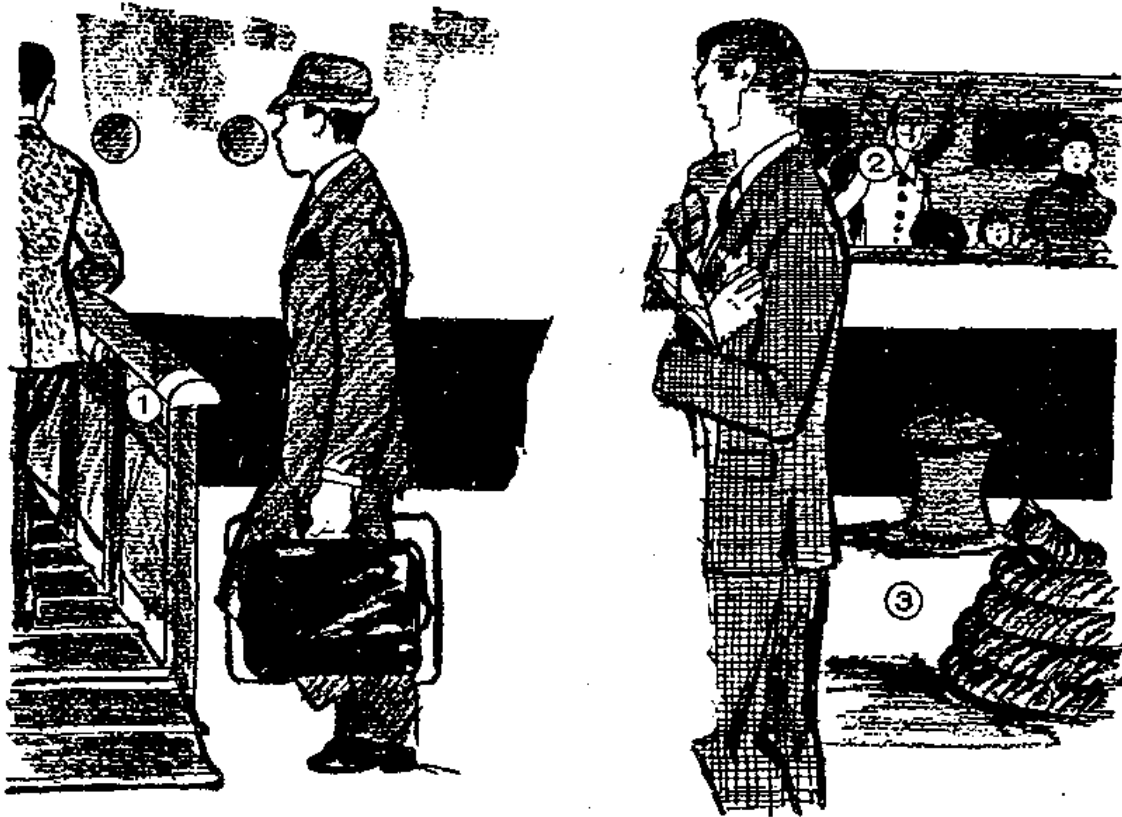
airfield,	میدان فرودگاه که هواپیماها در آن توقف میکنند
plane,	هواپیما - طیاره
waiting for us,	که منتظر ما بود
we climbed into it,	از بلکان رفتیم -
it took off,	بلند شد
(to take off,	( بلند شدن هواپیما از زمین )
very soon,	خیلی زود
magic,	سحرآمیز - جادویی
magic carpet,	قالیچه سحرآمیز ( پرنده )
reached,	رسید به
shortly,	زود - بزودی

لغات درس بیست و هفتم

shortly afterwards,	کمی بعد
coast,	ساحل
we arrived,	رسیدیم
destination,	مقصد
pilot,	خلبان
perfect,	کامل
landing	نشستن هواپیما روی زمین
made a perfect landing,	خیلی خوب نشست
we got out,	ما بیرون آمدیم

\* \* \*





1. The gangway
2. Passengers
3. The quay

Lesson twenty-eight (28)  
Twenty-eighth (28th) lesson

## ON THE BOAT

This way for the Dover boat! Have your passports ready, please. Pass up the gangway<sup>1</sup>! First class on the right, second class on the left.

Here we are! Would you like to stay up on deck, or go down below?

Oh, I don't know. I'm not much of a sailor.

Oh, you won't be sea-sick today; the sea's perfectly calm<sup>a</sup>; we're sure to have a good crossing. I'll get a couple of deck chairs<sup>b</sup>,



*a: A calm sea*

LESSON TWENTY-EIGHT (28)



b: Deck chairs



c: A bad sea-crossing

up here, in the sun.

Oh well, I'll risk it, but if the worst comes to the worst, don't blame me.

Do you travel much?

Not more than I can help by sea. I've crossed the Channel once before, but frankly I did *not* enjoy it.

Why don't you fly across?

I think I shall, one of these days. It couldn't possibly be worse than a really bad sea-crossing, and it's very much quicker anyhow.

I can see the English coast<sup>d</sup> already, can you?

Yes, just.

Well, I suppose we'd better get ready for landing. . . . I say, you haven't got anything dutiable, have you? If you have you'd better declare it. Whatever you do, don't try to bribe a customs officer, or you'll get into trouble.

I don't think I'm quite as foolish as that.

As a matter of fact, I don't think I have anything to declare. Still, thanks all the same.



d: The English coast

LESSON TWENTY-EIGHT

درس بیست و هشتم

On the Boat

در توی کشتی

twenty-eight,

بیست و هشت

twenty-eighth,

بیست و هشتم - بیست و هشتمین

boat,

کشتی

this way,

از اینطرف

Dover boat,

کشتی دور

passport(s),

گذرنامه (ها)

ready,

حاضر

have your passports ready,

گذرنامه های خودتان را حاضر داشته باشید

pass up,

بروید بطرف

to stay up on deck,

که بایستید روی عرشه

go down below,

بروید پائین

I don't know,

نمیدانم

sailor,

ملسوان

I'm not much of a sailor,

من ملوان خوبی نیستم

you won't (=will not) be seasick,

حال شما بهم نخواهد خورد (ونت بجای ویل نات)

perfectly,

کاملا

calm,

آرام

لغات درس بیست و هشتم

crossing,	عبور
I'll get,	من میآورم - خواهم آورد
a couple (of),	دو تا از . . . . .
deck chair(s),	صندلیهای استراحت در عرشه کشتی یا باغ
up here,	اینجا - همین بالا
sun,	آفتاب
in the sun,	توی آفتاب
risk (to),	امتحانی میکنم (با احتمال خطر امتحان کردن)
if the worst comes to the worst,	اگر کار بجای بد کشید
blame (to),	ملامت کردن - سرزنش کردن
don't blame me,	تقصیر را بگردن من نگذارید
not more than I can help,	هر چه کمتر ممکن باشد
I've crossed,	من عبور کرده ام از
the Channel,	تنگه - دریای مانس
once before,	یک دفعه پیش از این
frankly,	راستش را بخواهید - صادقانه
fly (to),	پرواز کردن
why don't you fly across?,	چرا شما با طیاره (از بالای تنگه) عبور نمیکنید
I think I shall,	خیال میکنم باید اینکار را بکنم

one of these days,	یکی از این روزها
possibly,	احیانا - شاید
it couldn't possibly be worse,	ممکن نیست بدتر باشد
really,	"واقعا"
sea-crossing,	عبور از آب
quicker,	سریعتر
anyhow,	در هر صورت - بالاخره
already,	هم اکنون
just,	"تقریبا"
I suppose,	تصور میکنم
we'd better get ready,	بهتر است آماده بشویم
for landing,	برای پیاده شدن
I say,	راستی - ببین چه میگویم
dutiabie,	گمرک دار - مشمول عوارض گمرکی
have you?,	دارد ؟
declare (to),	اظهار کنید - ( اظهار کردن )
you'd better declare it,	بهتر است اظهار کنید
whatever,	هر چه
whatever you do,	هر کاری میکنید بکنید اما
don't try,	اقدام نکنید
to bribe,	که رشوه بدین ( رشوه دادن )
customs (pl.),	گمرک - گمرکات

لغات درس بیست و هشتم

officer,	مأمور
customs officer,	مأمور گمرک
or,	وگرنه - والا
you'll get into trouble,	درد سر برای خودتان تولید خواهید کرد
foolish,	احمق
as foolish as that,	باین احمق
thanks,	متشکر
all the same,	باز هم - باوجود این

\* \* \*

## LESSON TWENTY-NINE (29)



1: A shop  
2: Entrance to subway

3: The roadway  
4: A car  
5: A taxi

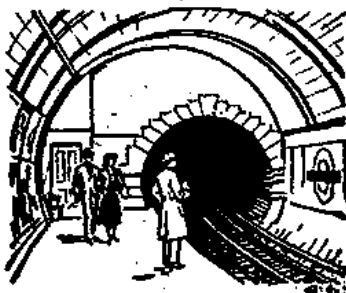
6: A bus  
7: The pavement  
8: Traffic lights

Lesson twenty-nine (29)

Twenty-ninth (29th) lesson

### A STREET IN LONDON

We're now in Oxford Circus, half-way along Oxford Street, one of the busiest streets in the West End of London, and that street over there is Regent Street, famous all over the world for its splendid shops<sup>1</sup>. Near one of the street-corners you can see an entrance<sup>2</sup> to the subway leading to the Underground Railway<sup>a</sup>, or "Tube"<sup>a</sup>, as we call it.



*a: The Underground Railway,  
the Tube*

On both sides of the street there are shops,

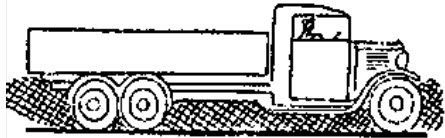
LESSON TWENTY-NINE (29)



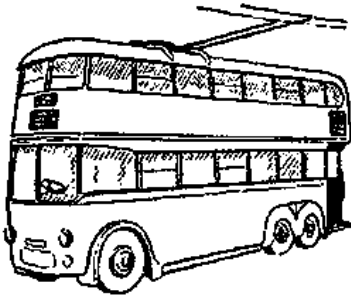
*b: A taxi*



*c: A bus*



*d: A lorry*



*e: A trolley-bus*



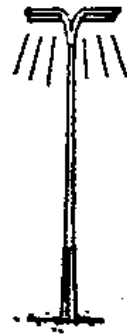
*f: A policeman*

banks and restaurants. In the roadway<sup>3</sup> there's a constant stream of cars<sup>4</sup>, taxis<sup>5, b</sup>, buses<sup>6, c</sup> and lorries<sup>d</sup>. In some parts of London there are trolley-buses<sup>e</sup> and trams as well. The noise is deafening, but one soon gets used to it. The pavements<sup>7</sup> are crowded with people, and it's dangerous to attempt to cross the road until the traffic is stopped, either by a policeman<sup>f</sup> on point duty or by the red traffic lights<sup>8</sup>. In any case, before crossing the road, take care to look to your right, and when you reach the middle of the road, look to your left.

At night, the streets are lit by electricity, or in some districts, by gas. You can see the lamp-posts<sup>g</sup> and standards<sup>h</sup> on the pavements, and on the "islands" in the middle of the road. The main streets are flooded with light from the brilliant shop-windows and the illuminated signs and advertisements, so that after dark everything looks as bright as in broad daylight.



*g: A lamp-post*



*h: A standard*



LESSON TWENTY-NINE درس بیست و نهم  
 A Street in London یکی از خیابانهای لندن

twenty-nine, بیست و نه

twenty-ninth,

بیست و نهم - بیست و نهمین

circus,

میدان

half-way,

نصفه راه

half-way along,

نصف راه

the busiest streets,

پر جمعیت ترین خیابانها - شلوغ ترین خیابانها  
 ( شلوغ - پرکار - مشغول - busy )

west,

مغرب - غرب

West End,

انتهای غربی

that street over there,

آن خیابان که آنجا می بینی

all over the world,

در تمام دنیا - در سرتاسر جهان

its,

مال آن ( خنثی )

splendid,

باشکوه - عالی

street-corner(s),

نیش خیابان - سرپیچ خیابان

entrance,

راه ورود - در ورودی

subway,

راه زیرزمینی

underground,

زیر زمین

"Tube",	قطار زیر زمینی - لوله
as we call it,	به اصطلاح ما
* * *	
on both sides,	در دو طرف
roadway,	وسط خیابان - سواره رو
constant,	دائمی - متصل
stream,	خط - جریان
taxi(s),	تاکسی (ها)
buses (pl.),	اتوبوس ها
(bus (sing.),	(اتوبوس
lorries,	کامیون ها
(lorry, کامیون)	
in some parts,	در بعضی قسمتها
trolley-bus(es),	اتوبوس (های) برقی
tram(s),	تراموا (ها)
as well,	نیز - همچنین
deafening,	گوش خراش - کر کننده
pavement(s),	پیاده رو (ها)
dangerous,	خطرناک
to attempt,	مبادرت کردن
until,	تا آنکه - تا وقتیکه
traffic,	وسائط نقلیه
is stopped,	به ایستند - متوقف شوند
(to stop, ایستادن - ایست دادن)	
policeman,	پاسبان - پلیس

لغات درس بیست و نهم

point,	نقطه - مکان - نکته - نشان
on point duty,	در حین راهنمایی
traffic light(s),	چراغ (های) راهنمایی
case,	حالت - حال - موضوع - مورد
in any case,	در هر حال
before crossing the road,	قبل از عبور از پیاده رو
take care to,	مواظب باشید که
(to) look to your right,	بطرف راست نگاه کنید
when you reach,	وقتی که میرسید

\* \* \*

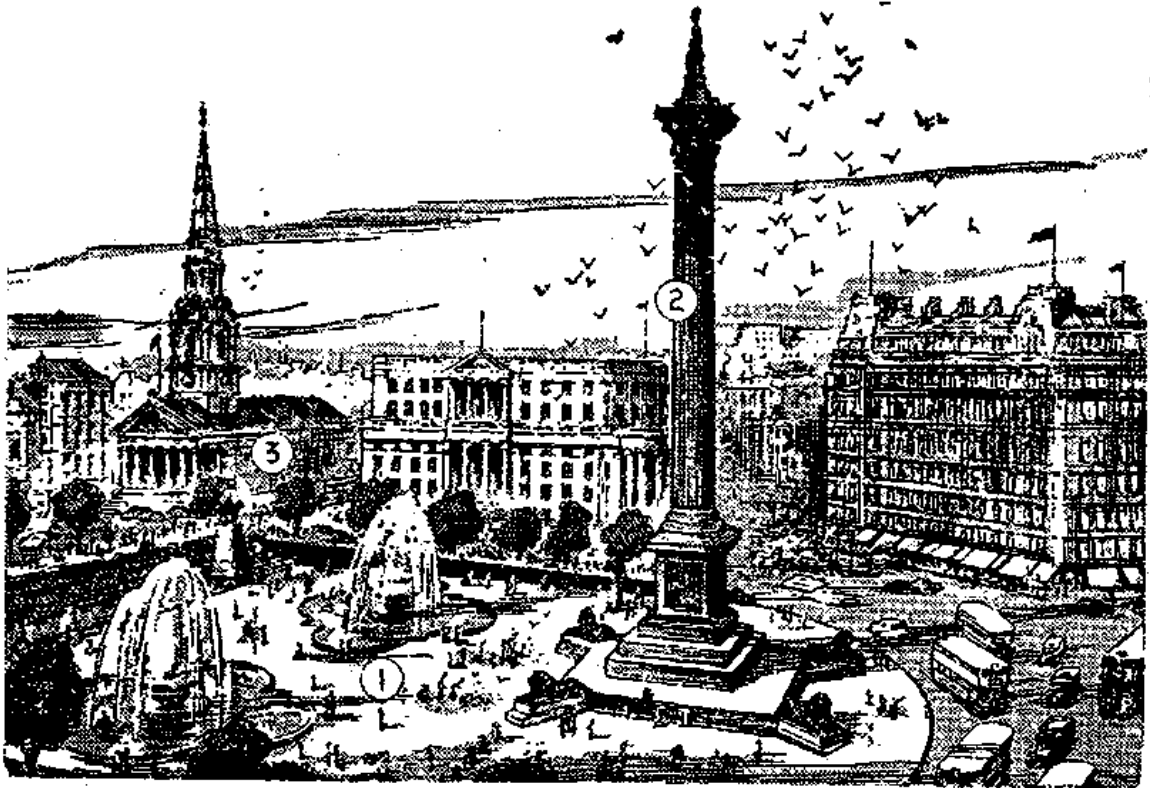
lit,	روشن میشوند
(to light, روشن کردن)	
electricity,	برق - الکتریسیته
gas,	گاز
post(s),	تیر (ها)
lamp-post(s),	تیر (های) چراغ
standard(s),	پایه (های) چراغ
island(s),	سکو (های) وسط خیابان
main street(s),	خیابان (های) اصلی
are flooded with light,	نورباران شده اند
brilliant,	روشن - درخشان

لغات درس بیست و نهم

shop-window(s),	ویترین (ها)
illuminated,	پرنور
sign(s),	تابلو (ها)
advertisement(s),	آگهی (ها)
so that,	بطوریکه
after dark,	بعد از غروب
everything,	همه چیز
bright,	روشن - براق
broad,	کامل - تمام
daylight,	(روشنی) روز
in broad daylight,	در روز روشن

\* \* \*

## LESSON THIRTY (30)



1: Trafalgar Square  
2: Nelson's Column

3: St. Martin's-in-the-Fields

Lesson thirty (30)  
Thirtieth (30th) lesson

### ASKING THE WAY

Excuse me, can you tell me the way to Trafalgar Square<sup>1</sup>?

Certainly. Go down Regent Street<sup>a</sup> to Piccadilly Circus<sup>b</sup>, and then go down the Haymarket. Turn to the left at the bottom and in less than a minute you'll be in Trafalgar Square.

Thank you very much. How far is it from here?

If you walk, it'll take you ten minutes or a quarter of an hour.

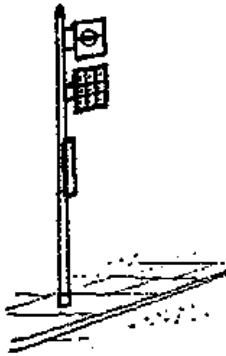


a: Regent Street

## LESSON THIRTY (30)



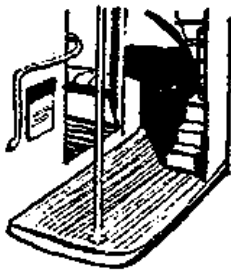
*b: Piccadilly Circus and Regent Street*



*c: A bus-stop*



*d: The conductor*



*e: The platform*

Is there a bus?

There's sure to be. But you'd better ask the policeman over there. He'll give you all the information you want.

Thank you.

Excuse me, officer, is there a bus from here to Trafalgar Square?

Yes, sir, any bus'll take you. There's a bus-stop<sup>c</sup> just over there. Ask the conductor<sup>d</sup> to put you down at Trafalgar Square.

Thank you.

Does this bus go to Trafalgar Square?

Yes, sir. Come along, hurry up. . . . No room on top, inside only . . . no standing on the platform<sup>e</sup> . . . pass down the bus, please.

. . . Sorry, full up. . . . Sorry, sir, you can't smoke inside, you'll have to wait until there's room upstairs. . . . Fares, please.

Trafalgar Square, please . . . and will you tell me when we get there? . . .

Trafalgar Square! This is where you get off, sir.

Thank you.

LESSON THIRTY درس سی ام

Asking the Way راه پرسیدن - نشانی خواستن

thirty, سی

thirtieth, سی ام - سی مین

asking, پرسیدن - پرسش

asking the way,

راه پرسیدن -- نشانی خواستن

can you tell me the way...? ,

ممکن است راه ... را بمن نشان بدهید

square, میدان

turn (to), پیچید - (پیچیدن)

bottom, ته - آخر

less, کمتر

in less than a minute,

کمتر از يك دقیقه

you'll be, خواهید بود یا خواهید رسید (به)

how far is it?, چقدر راه است تا اینجا

walk (to), پیاده بروید - (پیاده رفتن)

it'll take you ten minutes,

ده دقیقه طول میکشد

a quarter of an hour, يك ربع ساعت

there's sure to be, البته هست

you'd better ask, بهتر است پرسید

information, اطلاعات

لغات درس سی ام

officer,	آقای پاسبان - سرنار
any bus'll take you,	همه اتوبوسها آنجا میروند
bus-stop,	ایستگاه اتوبوس
conductor.	بلیط فروش
to put you down,	که شما را پیاده کند
come along,	بیا بالا
hurry up,	عجله کن
top (of bus),	طبقه بالای اتوبوس
no room on top,	بالا جا نیست
inside only,	فقط پائین
no standing on the platform,	روی رکاب ورودی نه ایستید
pass down the bus, please,	لطفاً "بفرمائید جلو"
sorry,	متاسفم
you can't smoke inside,	توی اتوبوس نمیتوانید سیگار بکشید
you'll have to wait,	باید منتظر بشوید
upstairs,	طبقه بالا
fare(s),	کرایه (ها)
get off (to),	پیاده شدن
this is where you get off,	اینجاست که باید پیاده شوید

\* \* \*





- 1: *The Houses of Parliament*    2: *Queen Victoria's Memorial*    4: *Tower Bridge*  
 3: *Hyde Park Corner*    5: *The Monument*

Lesson thirty-one (31)

Thirty-first (31st) lesson

## A VISIT TO LONDON

If you can stay only a few days in London, you won't have much time for your sightseeing; and how to spend your time to the best advantage is rather a problem. If I were you, I should make up my mind beforehand. It all depends on your tastes. You may, for instance, be interested in shops, or in art-galleries, or in museums, or you might prefer to start with the principal historical buildings and monuments.



a: *Westminster Abbey*



LESSON THIRTY-ONE درس سی و یکم

A Visit to London تماشای لندن

thirty-one, سی و یک

thirty-first, سی و یکم - سی و یکمین

sightseeing, دیدن مناظر - تماشا

(sight, منظر)

advantage, فایده - سود

to the best advantage, بهترین وجه

problem, مسئله - معما

rather a problem, معمائی است

if I were you, اگر من بجای شما بودم

mind, فکر

I should make up my mind,

تصمیم میگرفتم

it all depends on, تماماً بستگی دارد به

taste(s), ذوق - سلیقه

you may...be interested in,

شما ممکن است که علاقمند به ... باشید

(to be interested in, علاقمند یا

مایل به (چیزی) بودن

galleries, گالریها

(gallery, گالری)

art-galleries,

گالریهای نقاشی - نقاشخانه ها

museum(s),	موزه (ها)
you might prefer,	شما شاید ترجیح بدهید
principal,	عمده - اصلی
historical,	تاریخی
building(s),	عمارت (عمارات) - بنا (ابنیه)
monument(s),	بنا (های) یادگاری بنای یادبود

\* \* \*

in that case,	در اینصورت
(to) begin,	شروع کردن
Parliament,	پارلمان - مجلس
abbey,	(با اصطلاح قدیم) دیر یا صومعه (امروز) کلیسا
column,	ستون
you could go along,	میتوانید از ... بروید
palace,	قصر
Buckingham Palace,	قصر بوکینگهام
queen,	ملکه
Victoria,	ویکتوریا
memorial,	یادگاری
stroll (to),	یواش راه رفتن - گردش کردن
constitution,	قانون اساسی
hill,	تپه
stroll up Constitution Hill,	در امتداد خیابان کانستیتیوشن هیل بروید
park,	پارک
take a walk,	قدم بزنید
Albert,	آلبرت (شهر ملکه ویکتوریا)

faces...	روبروی . . . واقع است
hall,	سالن - تالار - جایگاه
enough,	کافی
but still,	اما باز
you might get on top of a bus,	

شما میتوانید بالای يك اتوبوس سوار شوید

going towards,	که میرود بطرف
the City,	شهر قدیم لندن - سیتی

\* \* \*

you might as well,	شما باز میتوانید
St. Paul's Cathedral,	

کلیسای بزرگ سن پول

after that,	بعد از آن
east,	مشرق - شرقی
heart,	وسط - قلب - مرکز
the Bank,	بانک
mansion,	خانه خیلی بزرگ

the Mansion House,

یکی از بناهای تاریخی - مقر شهردار لندن

royal,	پادشاهی
--------	---------

the Royal Exchange,

نام يك ساختمان معروف امور بانکداری در لندن

the East End,	انتهای شرقی
---------------	-------------

tower,	برج
--------	-----

over the Thames,	روی (رودخانه) تایمز
------------------	---------------------

لغات درس سی و یکم

the Mint,

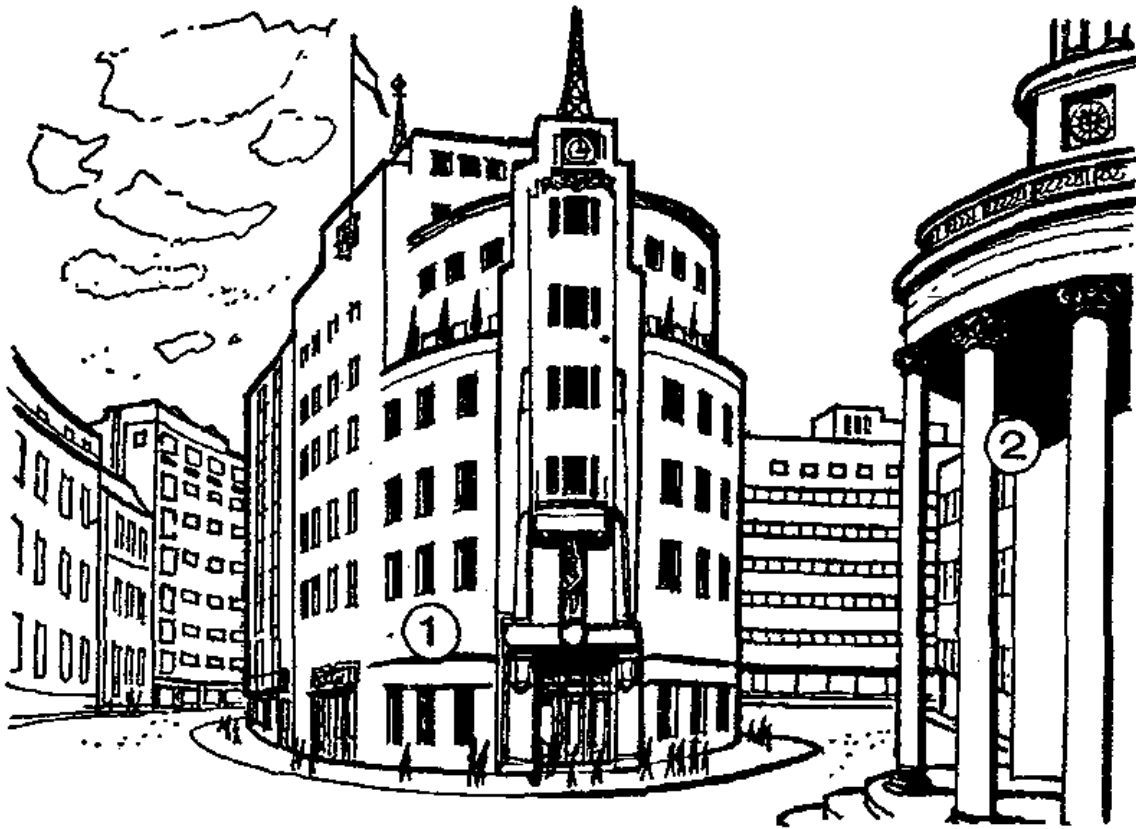
ضرب‌سکه

the Monument,

مقبوره — بنای یادبود — سنگ‌ستون یا لوحه تاریخی

\* \* \*

## LESSON THIRTY-TWO (32)



1: *The B.B.C. (Broadcasting House)*

2: *All Souls' Church, Langham Place*

Lesson thirty-two (32)

Thirty-second (32nd) lesson

### SIGHTSEEING

Is it possible to see anything of London in one or two days?

Well, yes, but, of course, not half enough. What do you think I ought to see first?

Well, if you're interested in churches and historical places you should go to Westminster Abbey, the Houses of Parliament, St. Paul's and the Tower. Do you like art-galleries?

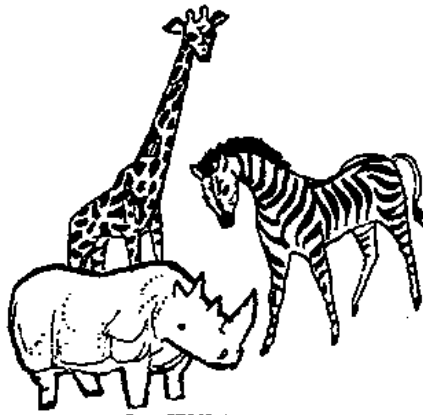
Rather!

Then why not go to the National Gallery<sup>a</sup> and the Tate?

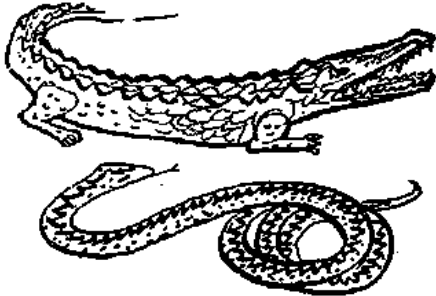


a: *The National Gallery*

LESSON THIRTY-TWO (32)



*b: Wild animals*



*c: Reptiles*

I'm told one ought to see the British Museum. Do you think I shall have time for that?

Well, you might, but if I were you, I should leave that for some other day. You could spend a whole day there. It's much too big to be seen in an hour or so.

I suppose it is. What about going to the Zoo<sup>d</sup>?

That's not a bad idea. You could spend a couple of hours there comfortably, or even a whole afternoon, watching the wild animals<sup>b</sup>, birds and reptiles<sup>c</sup>. You could have tea there too.

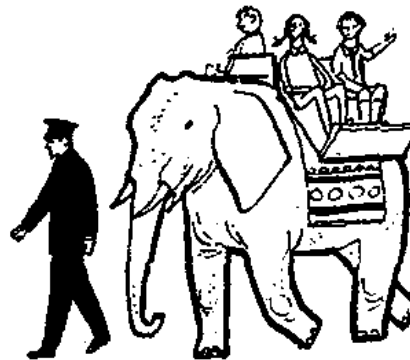
I'll do that, then. How do I get there?

Let me see. Where are we? Oh, there's the B.B.C.<sup>1</sup> I think your best way from here is to walk across Regent's Park.

Is it much of a walk?

Oh no, a quarter of an hour or so, but, if you're in a hurry, why not take a taxi?

I think I will. Ah, here's one coming. Taxi! The Zoo, please.



*d: At the Zoo*



LESSON THIRTY-TWO

درس سی و دوم

Sightseeing

تماشای مناظر

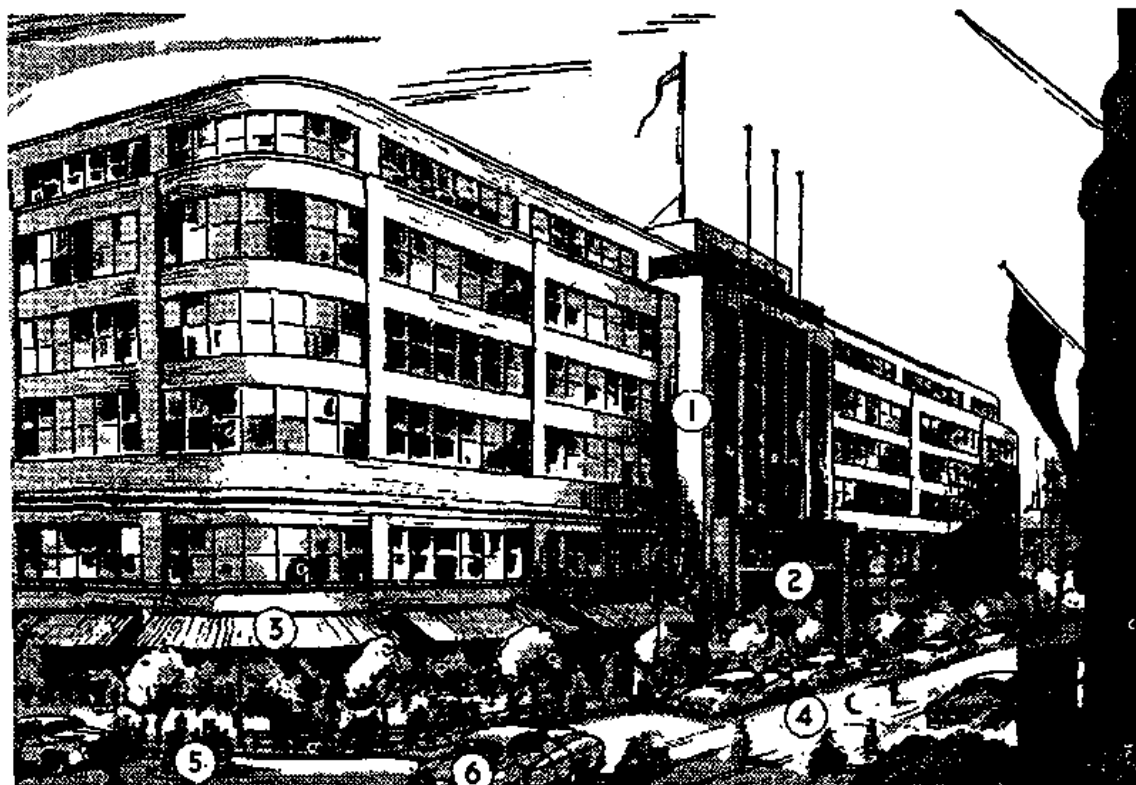
thirty-two,	سی و دو
thirty-second,	سی و دوم - سی و دومین
possible,	ممکن
enough,	کافی
not half enough,	تازه نصف آنرا هم نخواهید دید
I ought to see,	باید ببینم
church(es),	کلیسا (ها)
rather,	تا اندازه زیادی
national,	ملی
the National Gallery,	گالری ملی مخصوص نمایش نقاشی های کلاسیک
the Tate,	تیت ( گالری نقاشی های مدرن )
told,	گفته شده
(to tell,	(گفتن)
I'm told,	بمن میگویند
one,	یک - آدم - شخص
British,	انگلیسی
the British Museum	بزرگترین موزه انگلستان در لندن
you might,	شاید بتوانید
some other day,	یک روز دیگر

seen,	دیده
much too big to be seen,	آنقدر بزرگ است که بتوان (در ظرف ۰۰۰) دید
in an hour or so,	در یکی دو ساعت
soul,	روح - روان
I suppose it is,	نظرم من هم همین است
what about going to the Zoo,	رفتن به باغ وحش چگونه؟
idea,	فکر - نظر
that's not a bad idea,	این بد فکری نیست
comfortably,	بر راحتی
even,	حتی
wild,	وحشی
animal(s),	حیوان (حیوانات)
wild animals,	حیوانات وحشی
bird(s),	پرنده (پرندگان)
reptile(s),	خزنده (خزندگان)
I'll do that then,	پس این کار را میکنم
how do I get there?,	چطور باید رفت آنجا
B.B.C. (British Broadcasting Corporation),	
	بنگاه سخن پراکی انگلیسی ( بی.بی.سی. )
your best way,	بهترین راه برای شما
across,	از وسط
is it much of walk?,	آیا زیاد راه رفتن دارد

if you're in a hurry,      اگر عجله دارید  
why not take a taxi?,

چرا تاکسی نگیرید  
here's one coming,      یکی دارد میآید  
place,      مکان - جا

\* \* \*



1: A big store  
2: The entrance

3: A sun-blind  
4: The roadway

5: Pedestrians  
6: A car

Lesson thirty-three (33)  
Thirty-third (33rd) lesson

## THE BIG STORES

I went into one of the big London stores<sup>1</sup> today and enjoyed myself very much, just wandering from one department to another, looking at the various articles on the counters. I thought the assistants were very helpful. There must have been some hundreds of salesmen and saleswomen and dozens of different departments, including china, haberdashery, confectionery, hardware and even provisions.



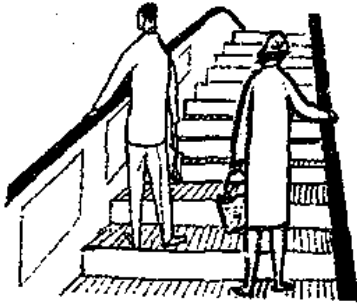
a: Gloves

LESSON THIRTY-THREE (33)

I went from one department to another—from umbrellas to gloves<sup>a</sup>, from fancy goods to lace<sup>b</sup>—up and down, in lifts and on escalators<sup>c</sup>. As I was going through the book department<sup>d</sup>, I was surprised to meet an old friend of mine, whom I hadn't seen for years. She's been living abroad and she's just come back to England for a short holiday. We went up to the restaurant and had lunch together<sup>e</sup>. Of course, we talked and talked. She told me that she was married and that she'd brought her eldest boy to England with her. He was going to school here and would live with his grandmother, who's a widow. His grandfather died quite recently.



*b: Lace*



*c: An escalator*



*d: The book department*

We didn't finish lunch until half-past two. Then we did some shopping together. I helped her to buy some presents for her children. I can't tell you how glad we were to see each other again. We used to be very great friends before she went to live abroad. I hadn't seen her for—let me see—ten or twelve years, at least.



*e: Having lunch together*

LESSON THIRTY-THREE درس سی و سوم

The Big Stores مغازه های بزرگ

thirty-three,	سی و سه
thirty-third,	سی و سوم - سی و سومین
store(s),	مغازه (ها)
I went,	من رفتم
(to go, رفتن)	
(I) enjoyed myself,	بمن خوش گذشت
wander (to),	بی اراده گردش کردن
just wandering,	
	فقط اینطرف و آنطرف میرفتم
department(s),	قسمت (های) مغازه
article(s),	جنس (اجناس)
were helpful,	کمک بودند
there must have been,	
	از قرار معلوم باید در آنجا . . . باشند
some hundreds,	صد ها
salesmen,	فروشندهگان مرد
(salesman,	(فروشنده مرد)
saleswomen,	فروشندهگان زن
(saleswoman,	(فروشنده زن)
dozen,	دوجین
dozens,	چندین دوجین
different,	مختلف

including,	از آنجمله - بانضمام
china,	چینی آلات
haberdashery,	خرازی
confectionery,	شیرینی فروشی
hardware,	ظروف فلزی
provisions,	خوراکیار - آذوقه

\* \* \*

glove(s),	دستکش (ها)
fancy,	هوس - فانتزی
fancy goods,	اجناس فانتزی یا غیر ضروری
lace,	( رومیزی ) توری - نوار - قیطان
up and down,	بالا و پایین
escalator(s),	پله (های) برقی
as I was going,	موقعی که میرفتم
book department,	قسمت کتابفروشی
surprised,	متعجب
an old friend of mine,	یکی از دوستان قدیمی من
whom,	کسیکه - شخصی که
whom I hadn't seen for years,	کسیکه سالها ندیده بودم
she's (=she has) been living,	چندی است (در خارج) زندگی میکند
she's just come back,	او تازه برگشته است
short,	کوتاه

together, با هم  
we talked, با هم حرف زدیم  
we talked and talked, مدتها حرف زدیم

she'd (=she had) brought, آورده است (شید بجای شی هد)  
(to bring, آوردن)

eldest, بزرگترین  
her eldest boy, پسر بزرگ خودش را  
school, مدرسه

would live, و منزل خواهد کرد - زندگی خواهد کرد  
grandmother, مادر بزرگ

who's (=who is), که هست (هوز بجای هو ایز)

widow, بیوه زن  
grandfather, پدر بزرگ - جد

\* \* \*

shopping (sing.), خرید  
we did some shopping,

بعضی چیزها خریدیم - قدری خرید کردیم  
I helped her, من باو کمک کردم - کمکش کردم  
present(s), هدیه (ها) - سوغات (ها)  
I can't tell you how glad we were,

نمیتوانم شرح بدهم چقدر ما خوشحال بودیم  
to see each other again,

از اینکه بار دیگر یکدیگر را دیدیم



لغات درس سی و سوم

great,

بزرگ - زیاد

we used to be very great friends,

ما با هم خیلی دوست بودیم

I hadn't (=had not) seen her for..

اورا ... ندیده بودم ( همدننت بجای همدنات )

\* \* \*



1: A counter

2: An assistant; a salesman

3: An assistant;  
a saleswoman

4: Customers

5: Material

Lesson thirty-four (34)

Thirty-fourth (34th) lesson

SHOPPING

Er—excuse me, how do I get to the glove department?

Over there on the left, madam, just past the ribbon<sup>a</sup> counter<sup>1</sup>.

Is this the right counter for gloves?

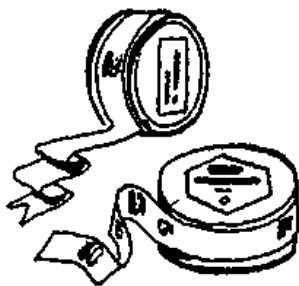
Yes, madam. What sort of gloves do you require? Kid, suède, chamois. . . ?

Well, let me see some of each.

Certainly, madam. What size do you take?

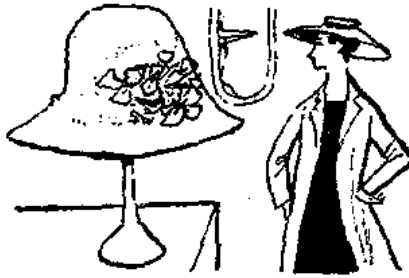
Six and a quarter, I believe, but you'd

better measure my hand to make sure.



*a: Ribbon*

LESSON THIRTY-FOUR (34)



b: *The millinery department*

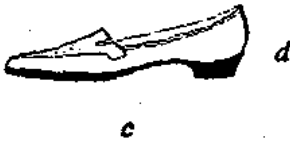
I think a six is your size. How do you like these? I can recommend them, they're very reliable.

How much are they?

Nineteen and eleven (19/11), madam.

Very well, I'll take them. And now, how do I get to the shoe department?

Come this way, please, and I'll show you. . . just over there beyond the millinery department<sup>b</sup>.



c: *A walking-shoe*  
d: *A low heel*

What kind of shoe did you want, madam?

Calf, glacé, suède. . . ?

I want a strong walking-shoe<sup>c</sup> with a low heel<sup>d</sup>. Perhaps calf would be best. I like court shoes<sup>e</sup>, but of course high heels<sup>f</sup> aren't suitable for country wear. . . . As you see, I have rather small feet<sup>g</sup>.



e: *A court shoe*  
f: *A high heel*

Here's a pair about your size. Try them on. . . . How do they feel?

They're fairly comfortable, but they're a bit tight across the toes; I suppose they'll give a little.

Yes, they'll stretch with wearing.

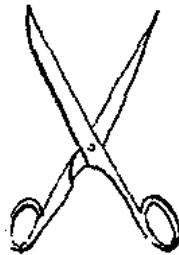
Very well, then. . . . Now, let's see, what else did I want?—Oh yes, some silk stockings<sup>h</sup>, shoe-polish, a pair of scissors<sup>i</sup>, and some safety-pins<sup>j</sup>.



g: *Feet*



h: *Stockings*



i: *Scissors*



j: *Safety-pins*

درس سی و چهارم LESSON THIRTY-FOUR

خرید Shopping

thirty-four, سی و چهار

thirty-fourth,

سی و چهارم - سی و چهارمین

glove department,

قسمت دستکش

madam,

خانم

just past,

درست بعد از

ribbon,

روبان

is this the right counter?,

آیا درست پیدا کردم ؟

require (to),

لازم داشتن - احتیاج داشتن

kid,

چرمی

suede,

جیر

chamois,

جیر زرد

some of each,

از هر کدام چند تا

what size do you take?,

چه اندازه لازم دارید

believe (to),

گمان میکنم - (گمان کردن)

measure (to),

اندازه بگیرید - (اندازه گرفتن)

to make sure,

برای اطمینان

a six is your size,

نمره شش اندازه شما است

recommend (to),	توصیه میکنم - (توصیه کردن)
reliable,	مطمئن
how much are they?,	قیمت آنها چیست؟
nineteen and eleven,	
	نوزده شیلینگ و یازده پنس
very well,	بسیار خوب
shoe department,	قسمت کفش
millinery,	کلاه فروشی (زنانه)
millinery department,	
	قسمت کلاه (زنانه)
calf,	چرمی
glace	برقی
strong walking-shoe,	
	کفش محکم برای راه رفتن
heel,	پاشنه
court shoes,	کفش معمولی
suitable,	مناسب
wear (to),	پوشیدن
for country wear,	برای پوشیدن بیرون شهر
feet,	پاها
(foot, پا)	
pair,	جفت
a pair about your size,	
	یک جفت کفش انداز پای شما

try them on,	بپوشید و امتحان کنید
how do they feel??	چطورند ؟ راحت هستند ؟؟
fairly,	نسبة"
a bit tight,	کمی تنگ
toe(s),	انگشتان پا
they'll give a little,	
	کمی باز میشوند - کمی جا باز میکنند
stretch (to),	کش آمدن - از هم باز شدن
they'll stretch with wearing,	
	در نتیجه پوشیدن از هم باز میشوند یا کش میآیند
(to wear, پوشیدن)	
what else?,	دیگر چه (چیز)
silk,	ابریشم - (بطور صفت) ابریشمی
stocking(s),	جوراب (زنانه)
polish,	واکس
shoe-polish,	واکس کفش
(a pair of) scissors,	یک قیچی
safety,	بیخطری - اطمینان
pin(s),	سنجاق (ها)
safety-pin,	سنجاق قفلی
material,	جنس

\* \* \*



1: The tailor  
2: A coat

3: An overcoat  
4: Material  
5: A customer

6: The counter  
7: A mirror

Lesson thirty-five (35)  
Thirty-fifth (35th) lesson

THE TAILOR AND THE DRESSMAKER

This morning I've been to my tailor's to order a new suit: coat<sup>2, a</sup>, waistcoat<sup>b</sup> and trousers<sup>c</sup>. I should have liked to order a new overcoat<sup>3</sup> as well, as my old one is nearly worn out, but just now I can't afford it. I shall have to wait till next year for that. But I might get a raincoat<sup>d</sup> later on.



a: A coat

My tailor always has an excellent stock of

## LESSON THIRTY-FIVE (35)



*b: A waistcoat*



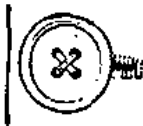
*c: Trousers*



*d: A raincoat*



*e: A pocket*



*f: A button and buttonhole*

materials<sup>4</sup> to choose from, and I think I've chosen what'll be the most suitable for my purpose. I've had my measurements taken and I'm going again in a fortnight's time for the first fitting. After I've tried the suit on, the tailor will probably find it necessary to make a few alterations, and he'll mark the places for pockets<sup>e</sup>, buttons and buttonholes<sup>f</sup>. Then he'll ask me to return later on for a final fitting, just to make sure that the suit fits really well. When the suit's ready, I shall pay for it and get a receipt.

My wife has also been buying some new clothes this week. She's bought herself a fur coat<sup>g</sup> and a ready-made suit<sup>h</sup>, that's to say, a coat and skirt<sup>h</sup>. She's been trying to find a silk blouse<sup>i</sup> to match, so far without success. But when she went to the milliner's, she did succeed in getting just the right hat, in the very latest fashion, or so she says. It would seem that the one she bought three weeks ago is already out of date.



*g: A fur coat*



*h: A suit; a coat and skirt*



*i: A blouse*



لغات

LESSON THIRTY-FIVE

درس سی و پنجم

The Tailor and the Dressmaker خیاط مردانه و خیاط زنانه

thirty-five, سی و پنج

thirty-fifth, سی و پنجم - سی و پنجمین

tailor, خیاط مردانه

dressmaker, خیاط زنانه

I've been to my tailor's,

پیش خیاطم رفتم

to order, که سفارش بدهم

new, نسو

suit, لباس

waistcoat, جلیتقه

trousers (pl.), شلوار

I should have liked to order,

میل داشتم که سفارش بدهم

overcoat, پالتو

as well, نیز

my old one, پالتو کهنه ام

worn out, سائیده شده است - رفته است

(to wear out, (پاره شدن - رفتن

just now, الان که

(to) afford, از عهده آمدن

I can't afford it,

بنیه مالی یا پولش را ندارم

لغات درس سی و پنجم

till, تا  
 raincoat, (پالتو) - بارانی  
 I might get a raincoat, شاید يك بارانی بگیرم  
 later on, بعد ها

\* \* \*

excellent, عالی  
 stock, ذخیره - موجودی  
 material(s), پارچه  
 has an excellent stock of materials, موجودی خوبی از پارچه دارد  
 to choose from, که آدم انتخاب بکند  
 I've chosen, من انتخاب کرده ام  
 purpose, منظور - مقصود  
 suitable for my purpose, که برای کار من مناسب باشد - که بدرد من بخورد  
 measurement(s), اندازه (ها)  
 I've had my measurements taken, اندازه من را گرفت  
 in a fortnight's time, ظرف مدت دو هفته  
 fitting, امتحان - پرو  
 after I've tried...on, بعد از آنکه برای امتحان (پرو) پوشیدم  
 (to try on, پرو کردن - برای امتحان پوشیدن)  
 probably, احتمالاً  
 necessary, لازم

## لغات درس سی و پنجم

alteration(s),	تغییر (ات)
mark (to),	علامت گذاشتن
place(s),	جا (ها)
pocket(s),	جیب (ها)
button(s),	دکمه (ها)
buttonhole(s),	جا دکمه
to return,	برگردم (برگشتن)
final,	قطعی - آخرین
fits,	به تن من میآید
receipt,	رسید

\* \* \*

has also been buying,	نیز خریده است
she's bought herself,	برای خودش خریده است
(to buy, خریدن)	
fur,	پوست - خز
ready-made,	لباس حاضری - لباس آماده
suit,	کت و دامن
skirt,	دامن زنانه
she's been trying to find,	جستجو کرده است
blouse,	بلوز
to match,	جور بودن - خوردن - مناسب بودن
a silk blouse to match,	یک بلوز ابریشمی که بآن بیاید یا بخورد
so far,	تاکنون
success,	موفقیت

لغات درس سی و پنجم

milliner, کلاه دوز (زنانه)  
to the milliner, به دکان کلاه دوزی  
she did succeed in getting, موفق شد که پیدا کند  
just the right hat درست همان کلاهی را که میل داشت  
fashion, مد  
in the very latest fashion, طبق آخرین مد  
so she says, از قراریکه او میگوید  
it would seem, همچو بنظر میآید  
three weeks ago, سه هفته پیش  
out of date, از مد افتاده - ردمده  
is already out of date, همین حالا هم از مد افتاده حساب میشود

\* \* \*

## LESSON THIRTY-SIX (36)



1: A model gown

2: The dressmaker

4: A curtain

3: The fitter

5: A settee

### Lesson thirty-six (36)

### Thirty-sixth (36th) lesson

## ORDERING NEW CLOTHES

Good morning, I should like to order a lounge-suit<sup>a</sup>. What have you got in the way of materials? I want something for the autumn, not too heavy and not too light.



<sup>a</sup>: A lounge-suit

How do you like this pattern, sir?

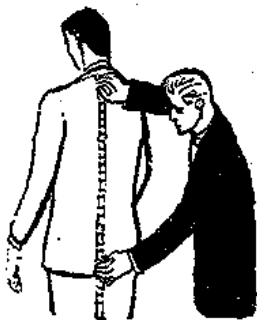
It's much too light in colour for the autumn.

I'd rather have something darker, and a bit heavier.

What about this then?

Yes, that's better. How much is it?

## LESSON THIRTY-SIX (36)



*b: Taking the measurements*

This is an exceptionally good quality cloth, very soft, and guaranteed pure wool. A suit of this will cost you twenty-five guineas.

I'm afraid that's really more than I wanted to pay. I should have liked something cheaper, but still, I expect it's worth it.

Very good, sir. If you'll take off your coat, I'll take your measurements<sup>b</sup>. . . . That's all, thank you. Can you call in tomorrow fortnight for a fitting?

That'll be a Wednesday, won't it? Yes, that'll suit me. I'll call in between two and three.

## AT THE DRESS-SHOP

I should like to try on one of these dresses<sup>c</sup>.

Please come with me to the fitting-room.

This is a model gown<sup>1</sup> and quite the latest style.

I like the style but I don't care for the colour, and it's a bit large too.

What about this one? We have this model in several sizes and colours, pale green, dark brown, black. . . .

Let me see the black one in my size. Yes, that's better, but isn't the skirt rather long?

Yes, we'll shorten that for you an inch or two, and the waist will have to be taken in a little as well, but you can leave all that to us.



*e: A dress*

LESSON THIRTY-SIX	درس سی و ششم
Ordering New Clothes	سفارش لباس نو
thirty-six,	سی و شش
thirty-sixth,	سی و ششم - سی و ششمین
ordering new clothes,	سفارش لباس نو
lounge-suit,	کت و شلوار معمولی
in the way of,	از نوع . . . . .
material(s),	پارچه
autumn,	پائیز
heavy,	ضخیم
light,	نازک
pattern,	نمونه - طرح
light,	روشن - باز
in colour,	از حیث رنگ
I'd rather have,	من ترجیح میدهم
darker,	سیرتر - تیره تر
heavier,	ضخیم تر
(heavy, ضخیم)	
what about this then?,	پس این یکی چطور؟
exceptionally,	استثنائاً - اتفاقاً - مخصوصاً
quality,	جنس
cloth,	پارچه
a good quality cloth,	پارچه خوب

soft,	نرم
guaranteed,	ضمانت شده
pure,	خالص
wool,	پشم
cost (to),	تمام میشود (تمام شدن)
I'm afraid,	متأسفانه
something cheaper,	یک چیز ارزانتر
it's worth it,	باین قیمت ارزش دارد - می‌ارزد
call (to),	تلفن زدن - تماس گرفتن
tomorrow fortnight,	پانزده روز دیگر
that'll be a Wednesday,	
	(آن روز) چهارشنبه خواهد بود
suit(to),	مناسب است (مناسب بودن)
I'll call in,	تلفن خواهم زد - تماس خواهم گرفت
dress-shop,	فروشگاه لباس (زنانه)
dress(es),	لباس (های) زنانه
fitting-room,	جای امتحان لباس - اطاق پرو
model,	نمونه - مدل
gown,	لباس بلند زنانه
model gown,	مدل لباس بلند
style,	فرم
what about this one?,	این یکی چگونه؟
pale,	کمرنگ
green,	سبز

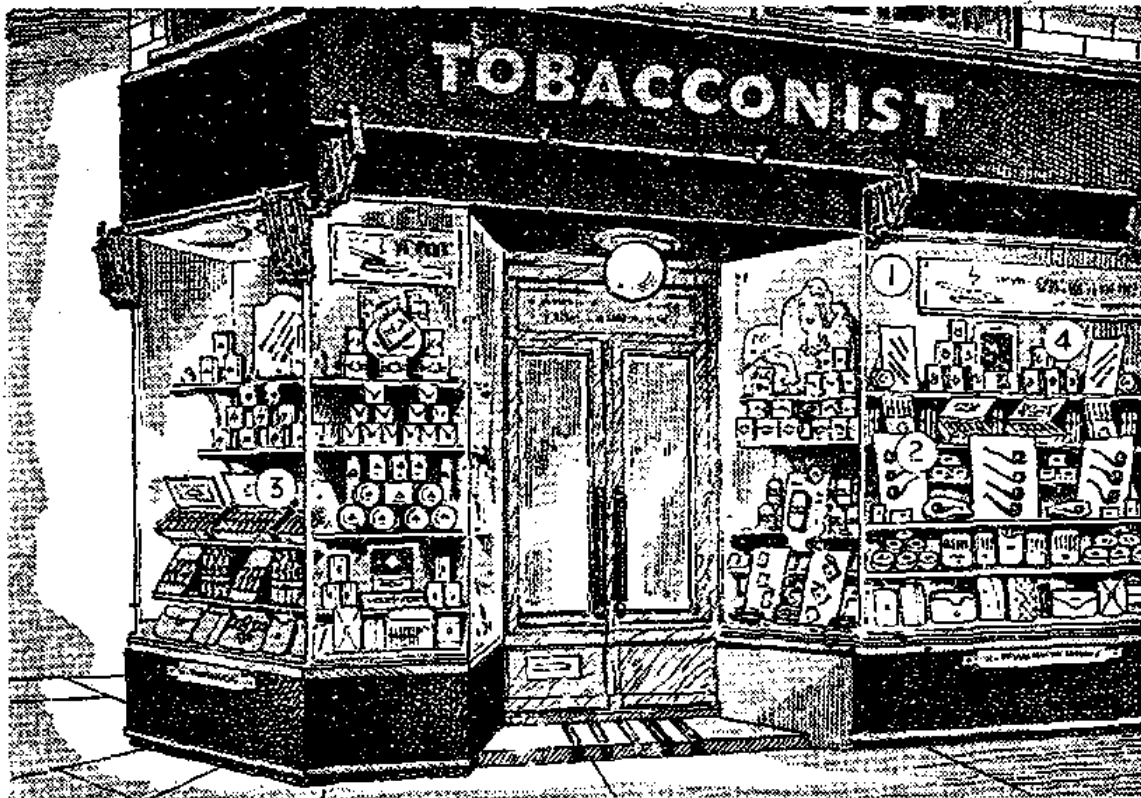


dark, سیر  
brown, قهوه ای  
let me see, بگذار ببینم - ببینم  
shorten (to), کوتاه بکنیم (کوتاه کردن)  
inch, اینچ  
waist, کمر  
will have to be taken in,  
باید تو گرفته بشود

(to take in)

تو گرفتن - تو گذاشتن - تنگ کردن  
you can leave all that to us,  
همه اینها را واگذار کنید بخود ما

\* \* \*



1: *The shop window*

2: *Pipes*

3: *A box of cigars*

4: *Cigarettes*

Lesson thirty-seven (37)

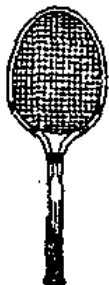
Thirty-seventh (37th) lesson

## AT THE TOBACCONIST'S

If anybody were to ask me which shop windows<sup>1</sup> I found the most interesting, I should find it very hard to answer. My wife, I know, would be all in favour of the draper's, the milliner's and the jeweller's. My eldest son would be all for the sports shops, with their golf clubs<sup>a</sup>, tennis rackets<sup>b</sup>, cricket bats<sup>c</sup> and footballs<sup>d</sup>. The children would vote for the toyshops, and as for me, well, I must confess to a weakness for the tobacconist's window.



a

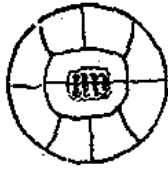


b



c

a: *A golf club*  
b: *A tennis racket*  
c: *A cricket bat*



d: A football



e: A box of cigars

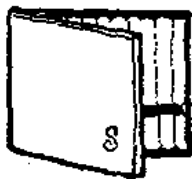


f: A cigarette

g: A cigarette holder



h: Tobacco-pouches



i: A cigarette-case



j: A writing-pad k: An envelope l: A fountain-pen  
m: A pencil

It's not that I smoke a lot, but there's something fascinating about the neat little piles of different coloured tobaccos, the beautifully polished briar pipes<sup>2</sup>, the attractive boxes of cigars<sup>3,e</sup> and cigarettes<sup>4,f</sup>. If you smoke a pipe, you have the choice of dozens of excellent brands of pipe-tobacco; if you like cigars, then you can get them at any price you care to pay; and if you prefer cigarettes, you can buy Virginia, Turkish, or Egyptian, whichever you like. Virginia cigarettes are, of course, those made of American tobacco.

Matches are good and cheap, but most people nowadays use a lighter. In the tobacconist's window you'll also find tobacco-pouches<sup>h</sup> and cigarette-cases<sup>i</sup>, holders<sup>g</sup> and all that sort of thing. Many tobacconists are at the same time newsagents, stationers, and booksellers, so that you can buy books, magazines, newspapers, picture postcards, and other stationery, such as writing-pads<sup>j</sup>, notepaper, blotting-paper, envelopes<sup>k</sup>, ink, fountain-pens<sup>l</sup>, pencils<sup>m</sup> and so on. Very often you can buy sweets and chocolates there as well.

LESSON THIRTY-SEVEN درس سی و هفتم

At the Tobacconist's در سیگار فروشی

thirty-seven, سی و هفت

thirty-seventh, سی و هفتم - سی و هفتمین

tobacconist, سیگار فروشی

at the tobacconist's, در سیگار فروشی

if anybody were to ask me,

اگر کسی از من بپرسد

hard, سخت - مشکل

favour, طرفدار - علاقمند

would be all in favour of,

او بکلی طرفدار ... خواهد بود

the draper's, دکان پارچه فروشی

the jeweller's, جواهر فروشی

would be all for,

بکلی طرفدار ... خواهد بود

sport(s), ورزش

golf club(s), چوگان (های) گلف

tennis racket(s), راکت (های) تنیس

cricket bat(s), چوب (چوگان) کریکت

football(s), توپ (های) فوتبال

would vote for, رأی به ... میدهند

toy, اسباب بازی

toyshop(s), دکان اسباب بازی



at any price you care to pay      بهر قیمت  
 که بتوانید بخرید - بهر مبلغیکه بخواهید بپردازید  
 Virginia,      ( نام ایالتی در امریکا )  
 Turkish,      ترکی  
 Egyptian,      مصری  
 whichever,      هر کدام

\* \* \*

match(es),      کبریت  
 cheap,      ارزان  
 nowadays,      امروزه  
 lighter,      فندک  
 pouch(es),      کیسه  
 tobacco-pouches,      کیسه توتون  
 case(s),      قوطی (ها)  
 cigarette-cases,      قوطی سیگار  
 holder(s),      چوب سیگار  
 that sort of thing,      اینطور چیزها  
 at the same time,      در عین حال - ضمناً  
 newsagent(s),      روزنامه فروش (ها)  
 stationer(s),      نوشت افزار فروش (ها)  
 bookseller(s),      کتابفروش (کتابفروشان)  
 picture postcard(s)      کارت پستالهای عکسدار  
 stationery,      نوشت افزار  
 writing-pads,      دسته (های) کاغذ تحریری  
 blotting-paper,      آب خشک کن  
 ink,      مرکب

لغات درس سی و هفتم

fountain,	چشمه
pen(s),	قلم (ها)
fountain-pens,	قلم خود نویس (ها)
pencil(s),	مداد (ها)
and so on,	و امثال آنها
sweet(s),	شیرینی آب نباتی
chocolate(s),	شوکلات (ها)

\* \* \*



*The tobacconist*

*2: The customer*

*4: Cigars*

*3: Pipes*

*5: Tobacco-pouches*

Lesson thirty-eight (38)

Thirty-eighth (38th) lesson

## BUYING CIGARETTES

Good afternoon. I should like some cigarettes, please.

What kind would you like? Virginia, Egyptian, or Turkish?

Well, I think I should like to try some of each, and then I can decide which I like best.

How many would you want?

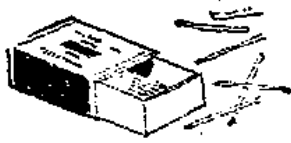
I really don't know. Say, a packet<sup>a</sup> of twenty Virginia, and a box of twenty-five of each of the others. Which brand do



*a: A packet of cigarettes*



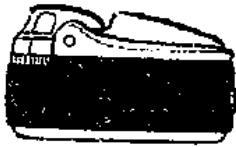
LESSON THIRTY-EIGHT (38)



*b: A box of matches*



*c: A cigar*



*d: A lighter*

you recommend?

If I were you, I should try these. They're not very expensive, and yet of quite good quality, rather mild, and they won't hurt your throat.

All right, I'll take those. And I'd like some matches<sup>b</sup> too.

How many boxes<sup>b</sup>?

Oh—half a dozen.

Certainly. What about some pipe tobacco?

You can have it by the ounce or in a tin.

No, thank you.

Well, may I suggest a good Havana cigar<sup>c</sup>?

Well, I do enjoy a good cigar now and again, but aren't they rather expensive?

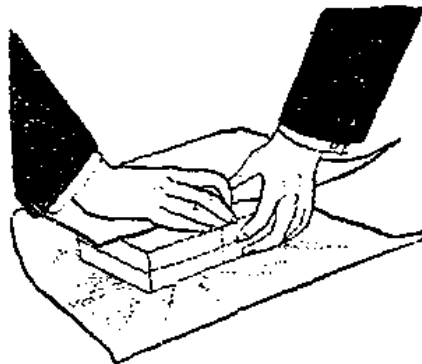
We've got them at various prices. This one, for instance, is quite good and costs only four and ninepence (4/9).

All right, I'll try it. Let me have five, please.

Oh, I nearly forgot. I should like a few flints for my lighter<sup>d</sup>. And now, add it all up and tell me how much I owe you.

Let me see, that'll be thirty-nine and six (39/6) altogether.

Here you are. Would you mind wrapping them up<sup>e</sup>? . . . Thank you.



*e: Wrapping them up*

LESSON THIRTY-EIGHT      درس سی و هشتم  
 Buying Cigarettes      خرید سیگار

thirty-eight,	سی و هشت
thirty-eighth,	سی و هشتم - سی و هشتمین
try ( to),	امتحان کردن
decide (to),	تصمیم گرفتن
which I like best,	
	کدام را بیشتر دوست دارم
I really don't know,	راستش نمیدانم
packet(s),	پسته (ها)
quite good,	کاملا خوب
quality,	جنس - کیفیت
mild,	ملایم
hurt (to),	صدمه زدن - سوزانیدن
throat,	گلو
half a dozen,	نیم دوجین ( شش تا )
ounce,	آونس ( وزنه های معادل تقریبا شش مثقال )
by the ounce,	مثقالی
tin,	قوطی حلبی
suggest (to),	پیشنهاد کردن - پیشنهاد کم
Havana,	هاوانا ( مرکز کوبا )
I do enjoy,	من خوشم میآید

now and again, گاه بگاه - هر چند یکبار  
 four and ninepence, چهار شیلینگ و نه پنس  
 let me have, بدهید بمن  
 I nearly forgot, داشتم فراموش میکردم  
 (to forget, (فراموش کردن  
 flint(s), سنگ فندک  
 add it all up (جمع بزنید) همرا حساب کنید  
 (to add up, (جمع زدن  
 owe (to), بدهکار بودن - بدهی بودن  
 tell me how much I owe you, بگوئید چقدر باید بشما بدهم  
 thirty-nine and six, سی و نه شیلینگ و شش پنس  
 (to wrap, (بسته کردن - در کاغذ پیچیدن  
 would you mind wrapping them up?, اگر زحمت نیست آنها را به پیچید

\* \* \*



Lesson thirty-nine (39)  
Thirty-ninth (39th) lesson

## THE BARBER AND THE HAIRDRESSER<sup>1</sup>

The hairdresser's a most important member of the community. Everybody, male and female, old and young, requires his attention regularly. Men must have their hair<sup>a</sup> cut. If they have beards<sup>b</sup> or moustaches<sup>c</sup>, they must have them trimmed. Those who don't shave themselves must be shaved by the barber. Women must have their hair cut or waved.



a: Hair

## LESSON THIRTY-NINE (39)

Here you see the inside of a hairdresser's shop. The proprietor's busy cutting somebody's hair; someone else is being shaved. There are several customers sitting on the settee, waiting their turn. One of them's reading a newspaper; another customer's just about to leave the shop. He's just had a haircut and a shampoo<sup>d</sup> as well. An assistant is brushing his overcoat. He will expect a tip, of course.



*b: A beard*



*c: A moustache*



*d: A shampoo*

I always shave myself, with a safety-razor<sup>e</sup>. My brother shaves with an electric razor<sup>f</sup>. Most people shave every day, but when we're lazy we only shave every other day. I suppose you shave yourself too, don't you? I always think a man ought to shave himself. Personally, I don't like having my cheeks and chin covered with lather<sup>g</sup> by somebody else—besides, it's much more convenient and, incidentally, cheaper, to shave oneself at home than to have to waste time going to the barber's.



*e: A safety-razor*



*f: An electric razor*



*g: Lather*

LESSON THIRTY-NINE درس سی و نهم

The Barber and the Hairdresser سلمانى

thirty-nine, سی و نه

thirty-ninth, سی و نهم - سی و نهمین

barber, سلمانى که ریش می تراشد

hairdresser, سلمانى که سر اصلاح میکند

important, مهم

community, جامعه

male, نر - مرد

female, ماده - زن

require , احتیاج پیدا کردن - لازم داشتن

attention, رسیدگی - مواظبت

regularly, منظمًا - بطور دائم

men must have their hair cut,

مرد ها باید سرشان را بدهند اصلاح نماید

(یا موی آنها را بزنند)

(to cut, زدن - قطع کردن - بریدن)

beard(s), ریش (ها)

moustache(s), سبیل (ها)

they must have them trimmed,

آنها باید بدهند آنها را بچینند و اصلاح کنند

(to trim, چیدن - آراستن)

themselves, خود شانرا

shave (to), تراشیدن

wave (to),                      فرزیدن (موی زنان)  
 must have their hair waved,  
 باید بدهند موشان را فر بزنند

\* \* \*

hairdresser's shop,              دکان سلمانی  
 proprietor,                      صاحب دکان

busy cutting somebody's hair,  
 مشغول زدن موی شخصی است

someone else,                      یکنفر دیگر

is being shaved,                  دارند ریشش را میتراشند  
 turn,                                  نوبت

waiting their turn,                منتظر نوبت هستند

just about to leave,              در شرف رفتن

haircut,                              اصلاح سر - اصلاح مو

he's just had a haircut,  
 او سرش را تازه اصلاح کرده است

shampoo,                            شامپو کردن - با شامپو شستن

is brushing,                      ماهوت پاک کن میزند - بوس میزند

he will expect,                      انتظار دارد که

tip,                                      انعام

\* \* \*

I shave myself,

من صورتم را خودم اصلاح میکنم

razor,

تیغ

safety-razor,

تیغ خود تراش

لغات درس سی و نهم

lazy,	تنبلی
every other day,	یک روز در میان
himself,	خودش
personally,	"شخصاً"
I don't like having...covered,	

cheek(s),	من دوست ندارم که . . . . پوشیده بشود گونه (ها)
chin,	چانه
lather,	کف صابون
besides,	بعلاوه - گذشته از این
convenient,	راحت
incidentally,	"ضمناً"
oneself,	خود - خود شخص
to shave oneself,	

شخص خودش صورت خود را بتراشد  
going to the barber's,

برود پیش سلمانی

\* \* \*





*a: A manicure*

Lesson forty (40)  
Fortieth (40th) lesson

## I GO TO THE BARBER'S

Good afternoon, sir, what can I do for you?

Haircut and shave, please. I should also like a manicure<sup>a</sup>.

Take a seat, please, you won't have to wait long. . . . You're next, sir. A manicurist will soon be free. In the meantime I'll cut your hair. Do you want it short or just trimmed?

Er—not too short.

Very good, sir. Ah, here's the manicurist. May I have your hand<sup>b</sup>, please. Thank you. . . . You've broken the nail<sup>c</sup> on this finger rather badly.

Yes, I have, haven't I? Be careful with my right thumb<sup>d</sup>, it's a bit painful.

Certainly. . . .

How's that, sir?



*b: A hand*



*c: Finger-nails*



*d: A thumb*



*e: Thin on top*

Just right, thank you.

Your hair's rather dry, sir, and it's getting a bit thin on top<sup>e</sup> too. A shampoo will do it a lot of good.

Er—very well.

And now for the shave.

Yes, but be careful, my skin's rather tender.

You needn't worry, sir! I've only once cut a customer. He suddenly jerked his head and I cut his chin. There was a little blood, but nothing to speak of. I soon stopped the bleeding. . . . There you are, sir, thank you.

Thank you. By the way, you have a ladies' department here, haven't you? My wife wants a perm. Could I fix an appointment for her tomorrow, at three o'clock, say?

Just a minute, I'll find out. . . . Yes, that'll be quite all right.

And now, how much do I owe you?

That'll be six and six (6/6) altogether.

Here's seven and six (7/6). You can keep the change.

Thank you, sir.



LESSON FORTY

درس چهل

I Go to the Barber's

من میروم بدکان سلمان

forty,

چهل

fortieth,

چهل - چهلمین

what can I do for you?

چه فرمایشی دارید .

shave,

اصلاح صورت - تراش صورت

haircut and shave,

اصلاح سر و صورت

manicure,

مانیکور - درست کردن ناخن

take a seat, please,

خواهش میکنم بفرمائید بنشینید .

you won't have to wait long,

شما خیلی محظلم نخواهید شد

you're next,

شما نفر بعدی هستید

manicurist,

ناخن درست کن - مانیکور یست

in the meantime,

در همین ضمن - ضمناً

I'll cut your hair,

من موی شما را میزنم

broken,

شکسته

(to break, شکستن)

nail,

ناخن

finger,

انگشت

badly,

بد جسوری

be careful with,

مواظب . . . . باشید

thumb,

شست

## لغات درس چہلم

painful,	دردناک
it is painful,	درد میکند
how's that?,	این جور چطور است ؟
just right,	درست است - خوب است
dry,	خشک
thin,	نازک - (در مورد مو) کم پشت
on top,	وسط سر
and now for the shave,	حالا میرویم سر اصلاح صورت
skin,	پوست
tender,	نازک - حساس
worry(to),	ناراحت بودن - نگران بودن
you needn't worry,	لازم نیست نگران باشید
suddenly,	غفلتا " ناگهان - بطور غیر منتظره
jerked,	تکان دادن
I cut his chin,	تیغ چانه اش را بریدم
blood,	خون
nothing to speak of,	چیز مهمی نبود
bleeding,	خون روی خونریزی
there you are,	درست شد . . . . .
ladies' department,	قسمت زنانه
perm. (=permanent wave),	فر ششماہه
fix (to),	تعیین کردن
appointment,	وقت - قرار
just a minute,	یکدقیقہ صبر کنید

لغات درس چهارم

that'll be quite all right,

بسیار خوب است

you can keep the change,

باقی پول (خرید) برای خودتان  
(to keep, نگاه داشتن)

\* \* \*

## LESSON FORTY-ONE (41)



1: *Spring*  
2: *Summer*

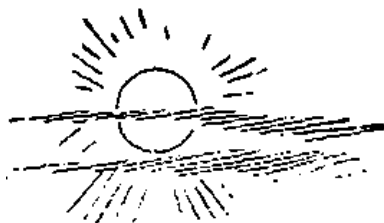
3: *Autumn*

4: *Winter*

Lesson forty-one (41)  
Forty-first (41st) lesson

### THE SEASONS

The year is divided into four seasons: spring<sup>1</sup>, summer<sup>2</sup>, autumn<sup>3</sup> and winter<sup>4</sup>. In spring, Nature awakens from her long winter sleep. The trees are filled with new life, the earth is warmed by the rays of the sun<sup>a</sup>, and the weather gets gradually milder. The fields and meadows are covered with fresh green grass<sup>b</sup>. The woods and forests are filled with the songs of the birds<sup>c</sup>. The sky is blue and cloudless. At night, millions of stars<sup>d</sup> shine in the darkness.



a: *The rays of the sun*

## LESSON FORTY-ONE (41)



*b: Grass*



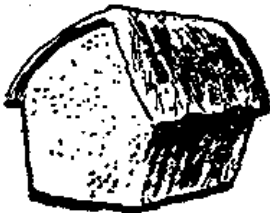
*c: Birds*



*d: Stars*



*e: The farmer*



*f: Hay*



*g: A cloud*

When summer comes, the weather gets warmer still and sometimes it's very hot. It's the farmer's busy season—he works in his fields from morning till night. The grass must be cut and the hay must be made, while the dry weather lasts. Sometimes the skies are overcast with heavy clouds. There are storms with thunder, lightning and hail.

Autumn brings with it the harvest-time, when the crops are gathered in and the fruit is picked in the orchards. The days get shorter and the nights longer. The woods turn yellow and brown, leaves begin to fall from the trees, and the ground is covered with them. The skies are grey, and very often it rains.

When winter comes, we're obliged to spend more time indoors because out of doors it's cold. We may get fog, sleet and frost. Ponds, lakes, rivers and streams are frozen, and the roads are sometimes covered with slippery ice or deep snow. The trees are bare. Bitter north winds have stripped them of all their leaves.



*h: Lightning*



*i: Rain*

LESSON FORTY-ONE

درس چهل و یکم

The Seasons

فصول سال

forty-one,	چهل و یک
forty-first,	
season(s),	چهل و یکم - چهل و یکمین
divided,	فصل ( فصول ) تقسیم شده
spring,	بهار
summer,	تابستان
autumn,	پائیز
winter,	زمستان
nature,	طبیعت
awakens,	بیدار شدن
sleep,	خواب
tree(s),	درخت ( ها )
are filled,	پر میشوند
life,	حیات
earth,	زمین
is warmed,	گرم میشود
ray(s),	شعاع ( اشعه )
milder,	ملايم تر - گرمتر
field(s),	صحرا ( ها )
meadow(s),	چمن ( ها ) - مرغزار ( ها )
fresh,	ترو تازه



لغات درس چهل و یکم

grass,	علف
wood(s),	پیشه (ها)
forest(s),	جنگل (ها)
song(s),	سرود - آواز
sky,	آسمان
blue,	آبی
cloudless,	بی ابر - صاف
(cloud, ابر)	
star(s),	ستاره (ها)
shine,	میدرخشند
darkness,	تاریکی

\* \* \*

warmer,	گرمتر
warmer still,	باز هم گرمتر
it's very hot,	خیلی گرم است
(to be hot, داغ بودن - گرم بودن)	
farmer,	دهقان
busy season,	موسم کار
works	کارها
from morning till night,	از صبح تا شام
hay,	علف خشک
made,	درست شده - ساخته شده - آماده شده
(to make, ساختن - درست کردن)	
the hay must be made,	

علف خشک باید درست بشود

lasts,

باقی است - دوام دارد

skies,	آسمانها
(sky, آسمان)	
are overcast,	تیره میشوند
heavy,	غلیظ - سنگین - ضخیم
heavy clouds,	ابوهای سنگین - ابوهای سیاه
storm(s),	طوفان (ها)
thunder,	رعد
lightning,	برق
hail,	تگرگ

\* \* \*

harvest,	درو - برداشت محصول - خرمن برداری
harvest-time,	وقت درو یا خرمن برداری
crop(s),	حاصل - محصول
are gathered in,	جمع میشود - به انبار میآید

is picked,	چیده میشود
orchard(s),	باغ (های) میوه
shorter,	کوتاه تر
get shorter,	کوتاه تر میشوند
turn,	بر میگردند - میشوند
yellow,	زرد
turn yellow,	زرد میشوند
leaves,	برگها
(leaf, برگ)	

لغات درس چهل و یکم

to fall,	افتادن - ریختن
ground,	زمین
grey,	خاکستری - تیره - کبود
it rains,	باران میبارد - هوا بارانی است
* * *	
obliged,	مجبور
indoors,	توی خانه
out of doors,	بیرون
fog,	مه
sleet,	برف ریزه
frost,	یخ بنسدادان
pond(s),	استخر (ها)
lake(s),	دریاچه (ها)
river(s),	رودخانه (ها)
stream(s),	نهر (ها)
frozen,	یخ بسته
(to freeze,	(یخ بستن)
slippery,	لیز
deep,	عمیق
snow,	برف
bare,	لخت
bitter,	تلخ - تند - سوزان
bitter wind,	باد شدید - باد تند
have stripped,	لخت کرده اند
(to strip,	(لخت کردن)



Lesson forty-two (42)  
Forty-second (42nd) lesson

## SPORTS AND GAMES



a: Cricket



b: Hockey



c: Golf

What would you say were the most popular games in England today? Well, I suppose football, that is, soccer or rugger, and cricket<sup>a</sup>.

What are the other outdoor games?

Oh, there's tennis, hockey<sup>b</sup>, golf<sup>c</sup>, and so on.

Tennis is played all the year round—on hard courts or grass courts in summer, and on hard or covered courts in winter.

What about horse-racing<sup>d</sup>?

I should say that that is one of the most popular sports in Great Britain. Then

LESSON FORTY-TWO (42)



*d: Horse-racing*



*e: Running f: Swimming*



*g: Skating*



*h: Tobogganing*



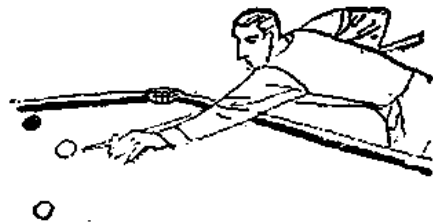
*i: Hunting*



*j: Cards*



*k: Chess*



*l: Billiards*

there are, of course, walking-races, running<sup>e</sup>, swimming<sup>f</sup> and boxing.

I've been told that there are no winter sports in England.

Well, you see, the English winter isn't very severe as a rule, and we don't often have the chance of ski-ing, skating<sup>g</sup> or tobogganing<sup>h</sup>, but winter is the great time for hunting<sup>i</sup>, provided the ground is not too hard.

Is there any golf to be had near London?

Oh, yes, any amount. There are dozens of good golf links within an hour or so of London. You ought to join a golf club if you're keen on the game.

I think I shall if I get the chance. What about indoor games?

Well, there's chess<sup>k</sup>, billiards<sup>l</sup>, cards<sup>j</sup>, table tennis. . . . By the way, do you play billiards?

Well, I do, but of course, I'm not a professional or a champion, just an ordinary amateur and not a very good one at that.

LESSON FORTY-TWO  
Sports and Games

درس چهل و دوم  
ورزشها و بازیها

forty - two	چهل و دو
forty-second, game(s),	چهل و دوم - چهل و دومین بازی (ها)
popular, football, soccer, rigger,	مردم پسند - متداول فوتبال فقط با پا بازی میکنند
outdoor, outdoor games, is played, all the year round, court(s), hard courts, grass courts, covered courts, horse, racing, horse-racing, great, Great Britain,	راکبی - نوعی بازی فوتبال که دست هم در بازی بکار میرود در صحرا - در هوای آزاد بازیهای هوای آزاد بازی میشود در تمام سال زمین (های) تنیس زمین های سفت زمین های چمن زمین های سرپوشیده اسب مسابقه اسب دوانی بزرگ - عظیم - کبیر بریتانیای کبیر

aces	مسابقه ها
walking-races,	مسابقه راه پیمائی
running,	دو
swimming,	شنا
boxing,	بوکس
I've been told,	شنیده ام - بمن گفته اند
(to tell,	(گفتن)
winter sports,	ورزشهای زمستانی
severe,	سخت
chance,	فرصت - مورد
ski-ing,	اسکی
skating,	یخ بازی
tobogganing,	سورته رانی
the great time for,....	وقت مناسب برای
hunting,	شکار
provided,	بشرطیکه
ground,	زمین
is there any golf to be had?	آیا میدان گلف هست؟
amount,	مقدار - قدر
any amount,	هر قدر
golf links,	میدانهای گلف
within,	در حدود
within an hour or so of London,	
	بفاصله یکساعت و یا چیزی در همین حدود راه تا لندن

to join, عضو شدن در  
 golf club, کلوب گلف  
 keen, مایل - مشتاق  
 if you're keen on the game,

اگر شما باین بازی علاقه دارید  
 if I get the chance (اگر فرصت کنم)

indoor, داخلی  
 indoor games بازیهای زیر سقف  
 chess (sing.), شطرنج  
 billiards (pl.), بیلیارد

cards, ورق  
 table tennis, پینگ پونگ

do you play billiards?

آیا بیلیارد بازی میکنید ؟  
 well, I do, but..., بله ... ولی

professional; متخصص - حرفه ای

champion, قهرمان  
 amateur, آماتور - تازه کار

not a very good one, خیلی ماهر نیستم

at that, آن هم - در آن

and not a very good one at that,

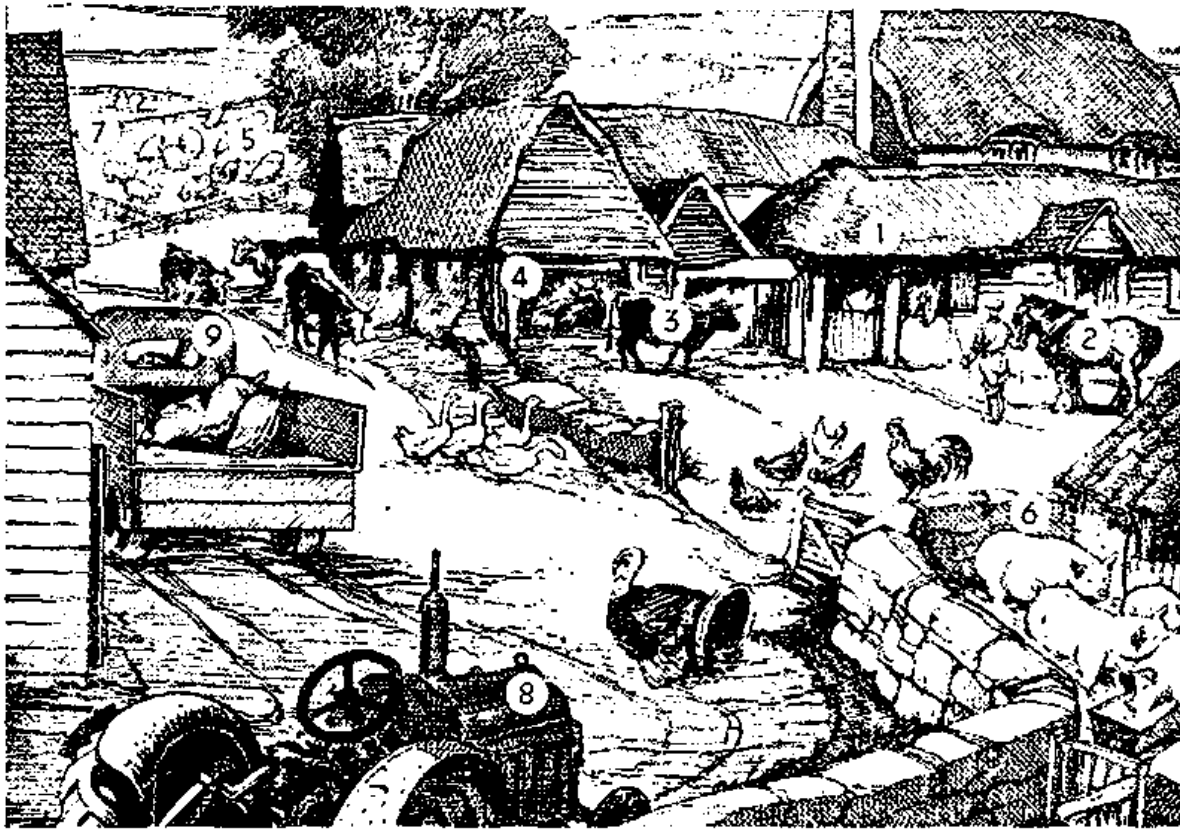
آنها هم ته یک بازیکن خیلی خوب

\* \* \*

sing. = singular مفرد

pl. = plural جمع





1: A stable  
2: A horse  
3: A cow

4: A cowshed  
5: Sheep  
6: The pig-sty

7: The sheep-pen  
8: A tractor  
9: A motor van

Lesson forty-three (43)

Forty-third (43rd) lesson: *Part one*

## A HOLIDAY IN THE COUNTRY

If you want to have a really quiet and healthy holiday, you must go and stay on a farm. Last year we went to my brother-in-law's farm in Devonshire, and enjoyed ourselves immensely. But the farmer's life, though healthy, is by no means an easy one; there's always plenty to do. He must look after his stables<sup>1</sup> and his horses<sup>2</sup>; he must milk the cows<sup>3</sup> and clean the cowsheds<sup>4</sup>.



a: A lamb

## LESSON FORTY-THREE (43) 1



*b: A calf*



*c: A goat*



*d: A pig*



*e: A cock and a hen*



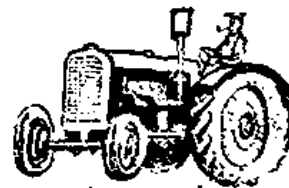
*f: A duck and a drake*



*g: A turkey*



*h: A goose*



*i: A tractor*

Then, he has to take great care of the young animals, the lambs<sup>a</sup> and the calves<sup>b</sup>.

Goats<sup>c</sup> and sheep<sup>d</sup> must be fed and pigs<sup>e</sup> fattened. You can see the pigs in their sty<sup>f</sup>, and the ewes with their lambs in the sheep-pen<sup>g</sup>. Then somebody has to go round the fowlhouses to collect the eggs. Cocks and hens<sup>e</sup>, ducks and drakes<sup>f</sup>, turkeys<sup>g</sup>, and geese<sup>h</sup>, must all be fed and fattened for the market. We all like to have a roast turkey or at least a goose<sup>h</sup> for Christmas, don't we?

When we stay at my brother-in-law's, we have to work very hard, but we don't mind; we really enjoy it, particularly if the weather's nice.

In the old days most of the work on a farm was done by hand, and with the aid of horses, but now things are altogether different. Ploughing is done with a tractor<sup>8, i</sup> and eggs are taken to market in motor vans<sup>9</sup>; cows are milked by electricity and chickens are bred in incubators, so you see, a farmer's life is not what it used to be.

LESSON FORTY-THREE

درس چهل و سوم

Part 1

قسمت اول

A Holiday in the Country شهر در خان شهر

forty-three, چهل و سه

forty-third, چهل و سوم - چهل و سومین

healthy, سالم

a healthy holiday,

تعطیلی که موجب صحت و تندرستی باشد

you must go and stay,

شما باید بروید و بمانید ( اقامت کنید ) .

farm, مزرعه

brother-in-law,

برادر زن - برادر شوهر - شوهر خواهر - باجنایغ

Devonshire, اسم محلی است

(we) enjoyed ourselves, بما خوش گذشت

immensely, خیلی زیاد

by no means, بهیچوجه

an easy one (=an easy life),

زندگی ساده و آسان

stable(s), طویله (ها)

milk (to), دوشیدن - ( بدوشد )

cow(s), گاو (ها)

clean (to), پاک کردن - ( پاک کند )

cowshed(s), گاودان (ها) - گاودانی (ها)

لغات درس چهل و سوم ( ۱ )

care, مراقبت - مواظبت  
has to take great care of,

باید خیلی مواظبت بکند از

lamb(s), بره (ها)  
calves, گوساله ها

(calf, گوساله)

goat(s), بز (ها)  
sheep گوسفند - گوسفندان

fed, علوفه داده  
to feed, غذا دادن - خوراک دادن

pig(s), خوک (ها)  
fattened, پرواری - پروار بندی  
to fatten, پروار کردن - چاق کردن  
sty, جای خوک

ewe(s), میش (ها)  
sheep-pen, آغل گوسفند

somebody has to go round,

یک نفر باید دور بزند یا بگردد

fowlhouse(s), مرغدان (ها)  
to collect, جمع کردن - (که جمع کند)

cock(s), خروس (ها)

hen(s), مرغ (ها)

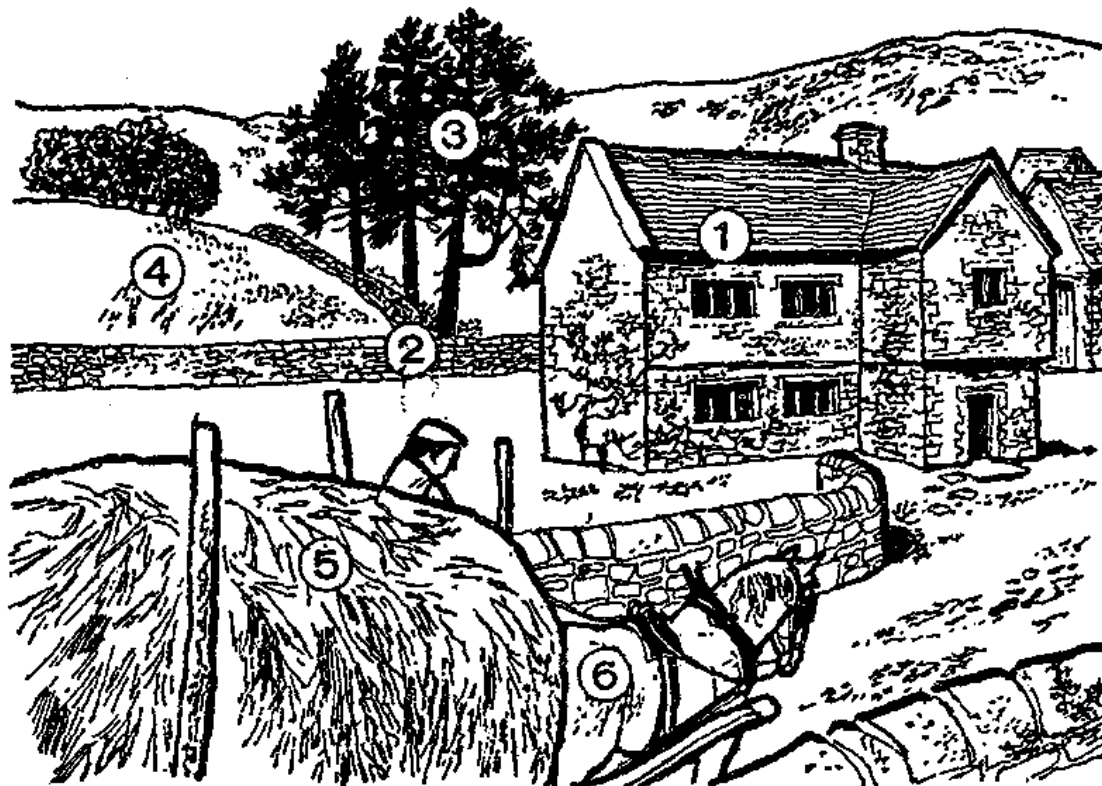
duck(s), اردک (ها) - اردک (های) ماده

darke(s), اردک (های) نر

turkey(s),	بوقلمون ( ها )
geese,	غازها
" goose",	غاز
market,	بازار
roast	سرخ شده - کباب
Christmas,	عید میلاد - کریستمس
at my brother-in-law's,	در خانه برادر زن من
work (to),	کار ( کردن )
we have to work very hard,	ما باید خیلی کار بکنیم
we don't mind,	هیچ اهمیت نمیدهیم
particularly,	مخصوصاً
nice,	خوب
if the weather's nice,	اگر هوا خوب باشد
in the old days,	در ایام قدیم
most of the work,	بیشتر کار
done,	کرده
was done,	کرده میشد
(to do, کردن)	
by hand,	با دست
aid,	کمک
with the aid of,	با کمک
are altogether different,	بکلی جور دیگر است

ploughing,	شخم
tractor,	تراکتور
eggs are taken,	تخم مرغها را میبرند
(to take,	( بردن - گرفتن
motor van(s),	وانت (ها)
bred,	پرورانده
(to breed,	( پروردن - پروراندن
incubator(s),	ماشین جوجه کشی
so you see,	پس شما می بینید
is not what it used to be,	آنطور که سابق بود حالا نیست

\* \* \*



1: A house  
2: A wall

3: Trees  
4: A field

5: A load of hay  
6: A horse

*Part two*

WORK ON THE FARM

What time do you have to get up when you're staying at the farm?

About six o'clock.

Why must you get up so early?

Well, there's such a lot to be done.

Are you going to the country next summer?

I expect so.

It must be a delightful change for you, after living all the year in town.

Yes, it is. Life in the country's so peaceful.

It's so nice to feel that you don't have to rush<sup>a</sup> for a train every morning.



*a: Rushing for a train*



*b: Working hard*

Don't you have to work<sup>b</sup> very hard on a farm?

We can if we want to, but, of course, we're not obliged to. We just do as we please.

There's always work that mustn't be neglected, so we do what we can to help.

Well, I've never spent a holiday on a farm, so I don't know what it's like.

Haven't you really? Oh, you ought to.

Come with us next year. You needn't be afraid that you'll have to work too hard. I'd love to, but are you sure I shan't be in the way?

Of course you won't. And I'm sure you'd enjoy a week or two in the open air.

Personally, I've always wanted to be a farmer.

Have you really? But it's not a very profitable way of earning one's living, is it?

Oh, I don't know. I think you can find rich<sup>c</sup> men *and* poor<sup>d</sup> just as much in farming as in any other occupation.



*c: A rich man*



*d: A poor man*



LESSON FORTY-THREE

درس چهل و سوم

PART 2

قسمت ۲

Work on the Farm

کسار در مزرعه

there's such a lot to be done,  
کارهای زیادی هست که باید انجام شود

I expect so,  
امیدوارم - اینطور انتظار دارم

delightful,  
لذت بخش - مطبوع

change,  
تغییر

after living,  
بعد از زندگی کردن

peaceful,  
آرام

nice,  
خوب - خوش

to feel,  
احساس کردن

to rush,  
به عجله رفتن

to rush for a train,  
برای ترن دویدن

please (to),  
میل داشتن - خوشنود ساختن

we just do as we please,  
فقط بمیل خودمان کار میکنیم

neglected,  
غفلت شده - ول شده

spent,  
صرف شده

(to spend - خرج کردن - صرف کردن)

what it's like,  
چه جور است

haven't you really?,  
واقعا، نبودید؟

you ought to,	شما باید
you needn't be afraid,	لازم نیست بترسید
I shan't be in the way	مانع کارهای شما نمیشوم
of course you won't,	البته که نمیشود
a week or two,	یکی دو هفته
in the open air,	در هوای آزاد
profitable,	پر منفعت
earn((to),	تحصیل کردن - در آوردن
to earn one's living,	تامین معاش کردن - خرج خود را در آوردن
rich,	دولتمند
poor,	فقیر
farming,	رعیتی - کشاورزی
just as much in farming as in....,	هم در کشاورزی و هم در .....
other,	دیگر
any other occupation,	هر شغل دیگر
load,	بار

\* \* \*



1: A bather  
2: A tent

3: The beach  
4: The water; the sea

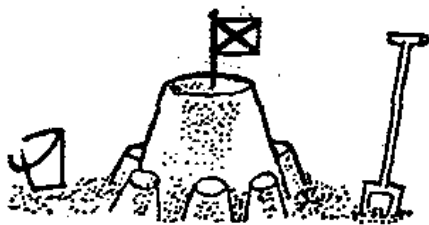
5: The pier  
6: Huts

Lesson forty-four (44)

Forty-fourth (44th) lesson: *Part one*

AT THE SEASIDE

If you're going to stay in England for some time, you ought to spend at least a week at the seaside. If you can stay longer, so much the better. You ought to have no difficulty in finding a suitable hotel or boarding-house. The picture shows you what an English seaside-place is like. You should examine it carefully, and you oughtn't to be satisfied until you know all about it. You can see several people in bathing-suits. One of the



a: A sand-castle



*b: Paddling*



*c: Waves*

bathers<sup>1</sup> is just running in from the sea to his tent<sup>2</sup>. He ought to be very healthy and strong if he bathes every day, oughtn't he?



*d: The band*

When we were children, we used to enjoy playing on the beach<sup>3</sup>, making castles<sup>a</sup> and forts and channels in the sand. I expect you did the same when you were young, because it's really one of the most delightful holidays for children. We used to love playing about on the sand and paddling<sup>b</sup> in the water<sup>4</sup> and getting splashed by the waves<sup>c</sup>. Sometimes we'd get our clothes wet, and Nurse would get very cross and tell us we oughtn't to have gone so far into the water.



*e: The pier*

When you're tired of London, go down to the sea for a week or a fortnight. You can walk up and down the front, listen to the band<sup>d</sup> on the pier<sup>5, e</sup> and do more or less anything you please. If you wish to bathe, you can hire a hut<sup>6, f</sup> or a tent. A swim now and then, or better still, every day, will do you a lot of good. Take your car with you, if you've got one, choose a good hotel, and you're sure to spend a thoroughly enjoyable time.



*f: A hut*

LESSON FORTY-FOUR درس چهل و چهارم

PART 1 قسمت اول

At the Seaside در کنار دریا

forty-four, چهل و چهار

forty-fourth, چهل و چهارمین - چهارم

seaside, کنار دریا

at the seaside, در کنار دریا

difficulty, اشکال

you ought to have no difficulty,

نباید هیچ اشکالی داشته باشید

in finding, در پیدا کردن

boarding-house, پانسیون

seaside-place, جائیکه لب دریا دارد

examine (to), ( امتحان کنید ) امتحان کردن

carefully. بدقت

satisfied, قانع - راضی

(to satisfy, راضی کردن - قانع کردن)

to be satisfied, قانع شدن - راضی شدن

until you know all about it,

تا آنکه همه چیز آنرا بدانید

bathing-suit(s), لباس شنا - مایو

bather(s), ( شنا کن ها ) - آبتنی کننده (ها)

is just running in, الان دارد میدود

(to run, دویدن)

لغات درس چهل و چهارم ( ۱ )

tent, چادر - رخت کن  
bathes, آبتنی میکند - شنا میکند  
every day, هر روز - همه روزه  
oughtn't he?, اینطور نیست؟

\* \* \*

we used to enjoy playing,  
از بازی کردن ... خوشمان می آمد  
beach, ماسه لب دریا  
making, در حال ساختن  
(to make, (ساختن  
castle(s), قلعه (ها)  
fort(s), برج (ها)  
channel(s), نهر (ها)  
sand, ماسه

we used to love playing about,  
ما خیلی دوست داشتیم بازی کنیم

paddling, توی آب راه برویم  
(to paddle, (توی آب تاتی کردن بچه ها  
to splash, آب پاشیدن - ترشح کردن  
getting splashed, از ترشح خیس شدن  
wave(s), موج (ها)  
wet, تر

we'd get our clothes wet,  
لباسهایمان تر میشود  
nurse, دایه - پرستار

لغات درس چهل و چهارم ( ۱ )

would get,	میشد
cross,	اوقات تلخ
would get very cross,	خیلی اوقاتش تلخ میشد
gone,	رفته
(to go, رفتن)	
we oughtn't to have gone so far into the water,	
ما نباید آنقدر در آب (دریا) دور (از ساحل) برویم	
* * *	
go down to the sea,	بروید بطرف دریا
front,	جلو
you can walk up and down the front,	
شما میتوانید در جلو دریا بالا و پائین بروید	
band,	دسته موزیک
anything you please,	هرچه که دلتان بخواهد
hire (to),	کرایه کنید - (کرایه کردن)
hut,	اطاقک - کابین
to swim,	شنا کردن
now and then,	گاه بگاه
better still,	یا بهتر
choose (to),	انتخاب کردن - (انتخاب کنید)
thoroughly,	کاملاً
enjoyable,	خوش



1: *The sea*  
 2: *The beach*  
 3: *A spade*

4: *A bucket*  
 5: *A fishing-rod*  
 6: *A fishing-net*

7: *A yacht*  
 8: *A sand-castle*  
 9: *A flag*

*Part two*

PLANNING A HOLIDAY

I say, what are you and your sister going to do for your holiday this year?

Well, I don't know. I should like to take my sister for a tour abroad, but then she can't very well leave her children. What are you doing?

We shall go to the sea<sup>1</sup>, I expect—for part of the time, anyhow. Then my wife and I may go off alone<sup>b</sup> for a week or so in the car.





*a: On the sands*

Leaving the rest of the family behind, I suppose!

Oh yes. They'll be quite safe with their nurse—and, besides, they're ever so much happier playing about on the sands<sup>a</sup> than spending long days in the car.

Where do you go, as a rule?

We've tried many seaside-places on the east and south coasts; on the whole, I think we prefer the south. However, it really doesn't seem to matter very much, as long as the youngsters get a good sandy beach<sup>2</sup>.

What do you do? Take rooms, or stay at a hotel, or what?

We've done both, and this year we're taking a furnished house. Why don't you make up your mind to join us—find a house near by, and make a large party. It'll be great fun.

For my own part, I should love it. I'll talk it over with my sister, and see what she thinks about it.

Do, and let me know as soon as you can.

Right, I will.



*b: Going off alone in the car*

LESSON FORTY-FOUR درس چهل و چهارم

PART 2 قسمت دوم

Planning a Holiday طرحی برای برگزاری تعطیلات

planning, قرار ( برای کار ) دادن  
( to plan, ( طرح ریختن - نقشه کشیدن )

I say, راستی  
tour, گردش

she can't very well leave her  
children,

اما او نمیتواند بچه هارا با خیال راحت بگذارد .  
(we) may go off, ما احتمال دارد برویم

alone, تنها

leaving...behind, جا بگذاریم

the rest, باقی را

safe, محفوظ از خطر

ever so much, بی اندازه

happier, خوشتر - خوشحالتر

(happy, (خوشحال - خوشبخت - خوش

sands, ماسه

tried, امتحان کردیم

(to try, ( امتحان کردن )

south, جنوب

to matter, اهمیت داشتن - تفاوت کردن

it really doesn't seem to matter,  
واقعاً بنظر نمی آید تفاوتی نکند

as long as,  
youngster(s),  
sandy,  
take rooms (to),  
or what,  
we're taking a furnished house,  
ما يك خانه مبله ميگيريم

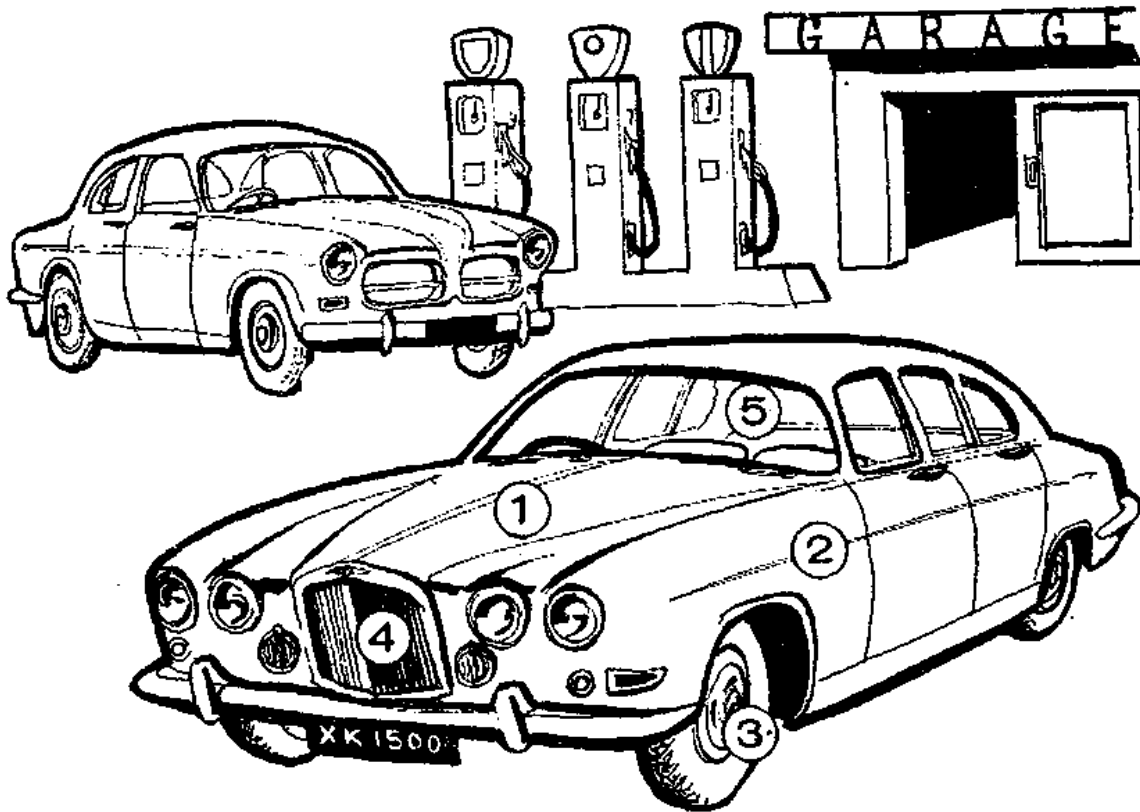
to join us,  
make a large party,  
fun,  
it'll be great fun,  
do,  
for my own part,  
I'll talk it over,  
(I'll) see what she thinks about it,  
بيبينم او در اين باب چه عقیده دارد

let me know,  
right, I will,  
make up your mind  
به من خبر بد هيستد  
بسيار خوب - چشم

تصميم ( قطعی ) خود را بگيريد

\* \* \*

## LESSON FORTY-FIVE (45) 1



1: The bonnet

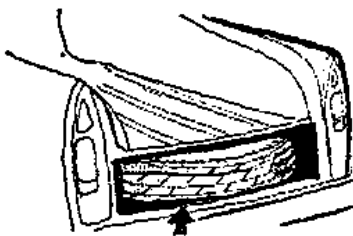
2: The body  
3: A wheel

4: The radiator  
5: The windscreen

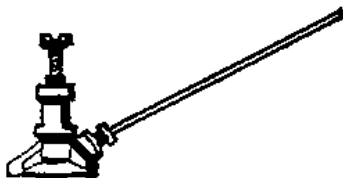
Lesson forty-five (45)

Forty-fifth (45th) lesson: *Part one*

## MOTORING



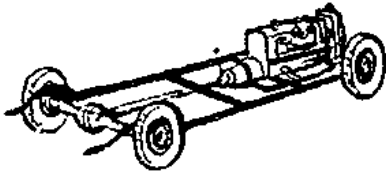
a: A spare wheel



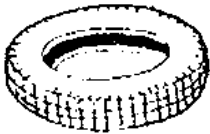
b: A jack

If you're thinking of taking your car to England, you should be familiar with the vocabulary of motoring and you should know something about motoring regulations in England. For instance, when driving, we keep to the left-hand side of the road, and we overtake on the right. We have a speed limit of thirty miles an hour in towns and built-up areas, so be careful not to exceed it, and remember to keep an eye on the traffic

## LESSON FORTY-FIVE (45) I



c. The chassis



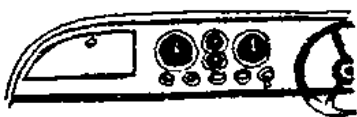
d. A tyre



e. The steering-wheel



f. Windscreen wipers



g. The dash-board

*h: The clutch*  
*i: The foot-brake*  
*j: The accelerator*

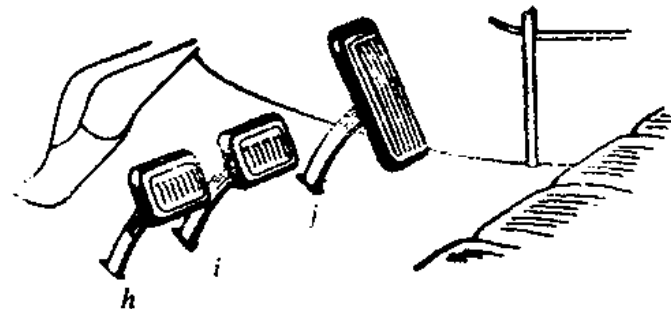
lights. If the green light's showing, it means you can go on, but when the red light appears you must stop at once.

Let's have a look at the car in the picture.

It's a six-cylinder 20 h.p. (horse-power) saloon. There's a compartment at the back for luggage, the spare wheel<sup>a</sup>, the tools, and the jack<sup>b</sup>. The petrol tank holds fourteen gallons and the car does about eighteen miles to the gallon.

Now learn the names of the various parts: chassis<sup>c</sup>, bonnet<sup>1</sup>, body<sup>2</sup>, wheels<sup>3</sup>, tyres<sup>d</sup>, radiator<sup>4</sup>, engine, steering-wheel<sup>e</sup>. The windscreen's<sup>5</sup> fitted with windscreen wipers<sup>f</sup>. On the dash-board<sup>g</sup> are the speedometer, a clock, the petrol gauge, starter and so on. The clutch<sup>h</sup>, the foot-brake<sup>i</sup> and the accelerator<sup>j</sup> are at the driver's feet. The gear-lever and the hand-brake are within reach of his hand.

The driver has just drawn up at a garage. He's been having trouble with the engine—it's been misfiring and pulling badly.



LESSON FORTY-FIVE درس چهل و پنجم

PART 1 قسمت اول

Motoring اتومبیل رانی - اتومبیل سواری

forty-five, چهل و پنج

forty-fifth, چهل و پنجم - چهل و پنجمین

motoring, اتومبیل رانی - اتومبیل سواری

if you're thinking of taking your

car,

اگر شما در نظر دارید که اتومبیل خودتان را ببرید

familiar,

آشنا

vocabulary,

اصطلاحات

you should know something about,

شما باید اطلاعاتی درباره ... داشته باشید

regulation(s),

مقررات

motoring regulations, مقررات اتومبیل رانی

when driving,

وقت راندن

(to drive; راندن اتومبیل)

left-hand,

دست چپ

we keep to the left-hand side,

ما از دست چپ میرویم

overtake (to),

سبقت گرفتن - (سبقت میگیرم)

speed,

سرعت

limit,

حد

لغات درس چهل و پنجم ( ۱ )

speed limit,	حد اکثر سرعت
mile ,	مایل ( ۱ / ۶ کیلومتر )
built-up,	آباد - دارای خانه های مسکونی
( to build,	( ساختن )
area(s),	محوطه ( ها ) - ناحیه ( ها )
built-up areas,	جاهائى که از میان خانه ها میگذرد
to exceed,	تجاوز کردن از
to exceed the speed-limit,	از سرعت مجاز تجاوز کردن
remember (to),	یادتان باشد
eye,	چشم
to keep an eye on,	نگاهی به . . . . داشتن
if the green light's showing,	اگر چراغ سبز نشان بدهد
it means,	معنیش این است
( to mean,	( معنی دادن )
go on (to),	ادامه دادن ( راه )
appears,	نمودار شود
at once,	فورا
* * *	
six-cylinder,	شش سیلندر
power,	قوه
HP. (=horse-power),	قوه است
saloon,	اتومبیل بسته کالسکه ای ( چهار درب )

لغات درس چهل و پنجم ( ۱ )

compartment,	صندوق
spare,	یدکس
wheel,	چرخ
tool(s),	اسباب و آچار
jack,	جک
petrol,	بنزین
tank,	مخزن
petrol tank,	بناک بنزین
holds,	جا میگیرد - ظرفیت دارد
( to hold,	( جا گرفتن - نگاه داشتن
gallon(s),	گالون
the car does about eighteen miles to	
the gallon,	
اتومبیل تقریباً " در هر هیجده میل یک گالن میسوزاند	
learn (to),	بیاموز ( آموختن )
chassis,	شاسی
bonnet,	کاپوت - صفحه جلو اتومبیل
body,	بدنه - اطاق
tyre(s),	لاستیک اتومبیل
radiator,	رادیاتور
engine,	موتور
steering-wheel,	رل
windscreen,	شیشه جلو
's fitted with,	چفت شدن - خوردن به
( to fit with,	( مناسب بودن - خوردن به



الفات درس چهل و پنجم ( ۱ )

windscreen wiper,	برف پاک کن شیشه جلو
( to wipe, (پاک کردن)	
dash-board,	صفحه جلو - داشبور
speedometer,	درجه سرعت
gauge,	درجه
petrol gauge,	درجه بنزین
starter,	سوئیچ - از آنجا که استارت زده میشود
clutch,	کلاج
foot-brake,	پدال ترمز
accelerator,	پدال گاز
driver,	شوفر - راننده
at the driver's feet,	جلو پای شوفر
gear,	دنده
lever,	دسته
gear-lever,	دسته دنده
brake,	ترمز
hand-brake,	ترمز دستی
reach,	رسیدن
within reach of his hand,	

در دسترس او است - دم دست او است  
 has just drawn up, الساعه اتومبیل را گذاشت  
 ( to draw up, (رسانیدن یا گذاشتن در جایی)  
 trouble, خرابی - گرفتاری  
 he's been having trouble,

او گرفتاری داشت

لغات درس چهل و پنجم ( ۱ )

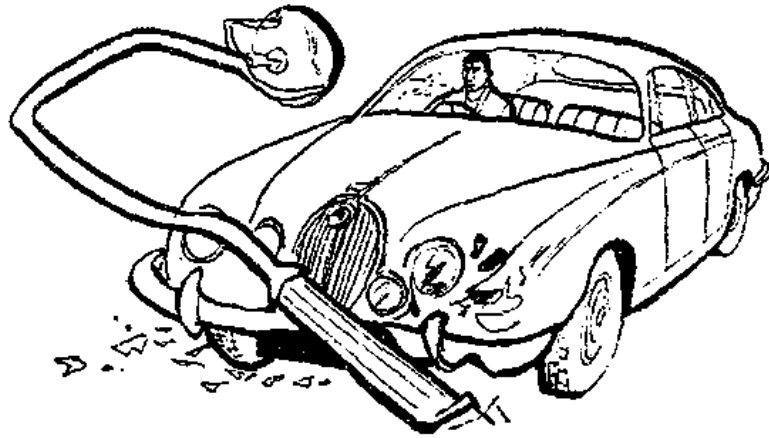
misfiring, نگرفتن موتور — روشن نشدن  
( to misfire, آتش نگرفتن — روشن نشدن موتور

pulling, کشیدن

badly, بد — به زحمت

it's been misfiring and pulling badly,  
اتومبیل بد روشن میشد و بد میکشید

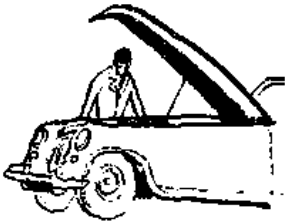
\* \* \*



*a: The car hit a lamp-post*

*Part two*

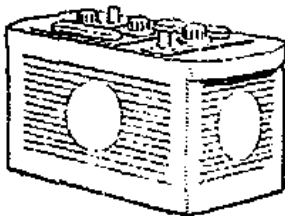
**TROUBLE WITH THE CAR**



*b: Trouble with the car*

I'd like you to have a look at my car, I can't tell you exactly what's the matter with it, but it's been giving me quite a lot of trouble<sup>b</sup>. I've nearly run the battery<sup>c</sup> down trying to start the engine with the self-starter<sup>d</sup>, and in the end I had to use the starting-handle<sup>e</sup>. I've cleaned and tested the plugs<sup>f</sup>, and the carburettor<sup>g</sup> seems to be in order. Would you try and find out what's wrong?

Certainly. Just park the car over there and I'll get the mechanic to look over it. If you'll come back in about an hour, we'll let you know the result.



*c: The battery*

Well, have you traced the fault?

Yes, it's nothing serious. The pipe leading from the pump's leaking, but we can soon fix a new one.

## LESSON FORTY-FIVE (45) 2



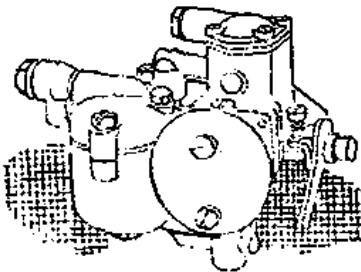
*d: The self-starter*



*e: Using the starting-handle*



*f: A plug*



*g: The carburettor*

Good, and at the same time will you please have the battery charged and the oil changed, and have the car greased and oiled. Also have the puncture in the tyre on the spare wheel mended, and you might check the tyre-pressures while you're about it. Then, the brakes are rather slack, so you'd better test and adjust them. The near front wing and the bumper need straightening too. They got damaged when the car skidded on a wet road and hit a lamp-post<sup>a</sup>. Oh, and the rear light wants a new bulb<sup>h</sup>. In fact, give the car a thorough overhaul, and let me know when it's ready.



*h: A bulb*

LESSON FORTY-FIVE

درس چهل و پنجم

PART 2

قسمت دوم

Trouble with the Car

خرابی اتومبیل

what's the matter with it,

عیبش چیست

it's been giving me quite a lot of

trouble, خیلی اسباب درد سر و زحمت شده است

battery,

باطری

I've nearly run the battery down,

تقریباً قوه باطری را تمام کردم

to start,

راه انداختن (که راه بیندازم)

self-starter,

استارت اتوماتیک

in the end,

عاقبت - بالاخره

handle,

دسته

starting-handle,

هنگدل

to test,

امتحان کردن

I have tested,

امتحان کردم

plug(s),

شمع (ها)

carburettor,

کاربوراتور

in order,

درست - مرتب

what's wrong,

عیب در کجا است

park (to),

گذاشتن یا نگه داشتن (ماشین)

mechanic,

مکانیک - کارگر فنی ماشین آلات

I'll get the mechanic to look over it  
مکانیسین را میفرستم که نگاه کند

result, نتیجه

traced, پیدا کردید

(to trace, پیدا کردن)

fault, عیب

serious, مهم - جدی

pipe, لوله

leading from, متصل به

's (-is) leaking, چکه میکند - نشد میکند

(to leak, چکه کردن - نشد کردن)

fix (to), نصب کردن (نصب کنیم)

a new one, يك (لوله) نو

charge (to), شارژ - پر کردن باطری

change (to), عوض کنید - (عوض کردن)

grease (to), گریس کاری کنید

oil (to), روغن بزنید

puncture, سوراخ - پنچر

mend (to), وصله کردن - تعمیر کردن

check (to), امتحان کردن - بازدید کردن

tyre-pressure(s), باد چرخها

while you're about it,

حالا که مشغول آن هستید

slack, کند - سست

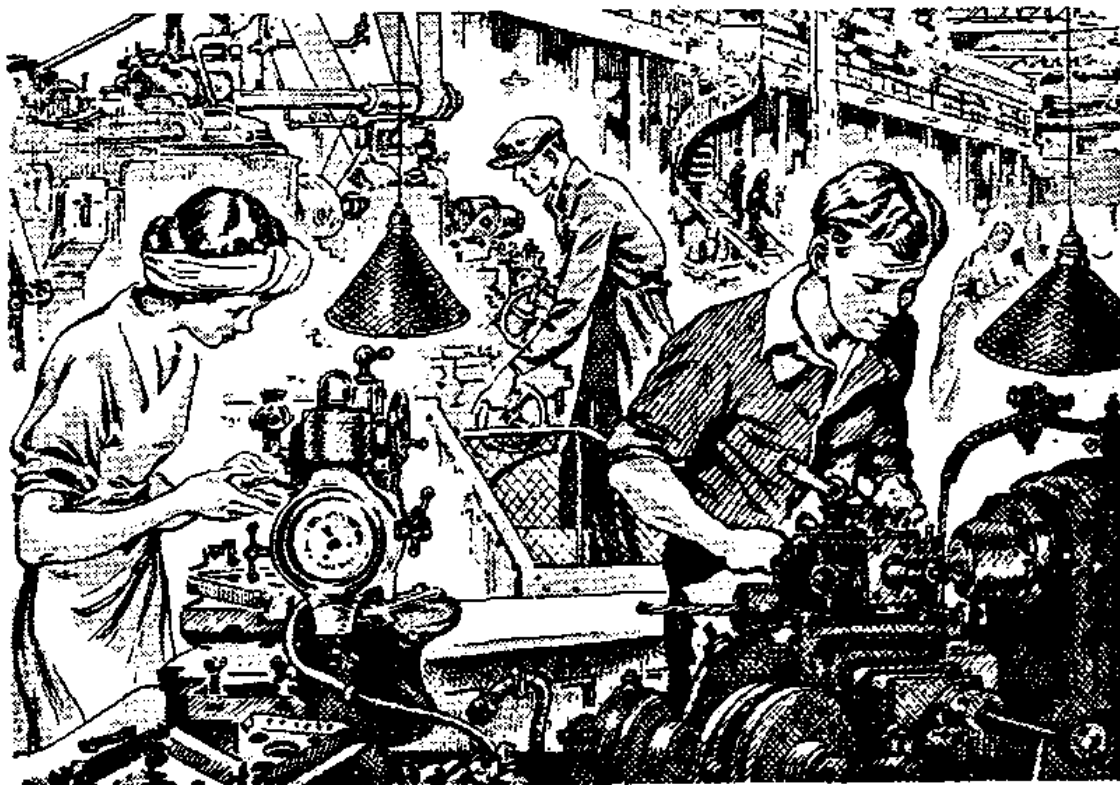
the brakes are rather slack,

ترمزها خوب نمی گیرند

لغات درس چهل و پنجم ( ۳ )

lest (to),	امتحان کنید ( امتحان کردن )
adjust (to),	میزان کنید ( میزان کردن )
wing,	بال
the near front wing,	کلگیر جلو
bumper,	کمک فنر
need straightening,	باید راست بشوند
(to straighten,	( راست کردن )
got damaged,	صدمه دیدند - کج شدند
(to damage,	( خرابی و خسارت زدن )
skidded,	سرید
(to skid,	( سرسیدن )
a wet road,	جاده تر - جاده خیس
hit a lamp-post,	خورد به تیر چراغ
(to hit,	( خوردن به )
rear,	عقب
rear light,	چراغ عقب
bulb,	لامپ
thorough,	کامل - حسابی
overhaul,	تعمیر
give the car a thorough overhaul,	اتومبیل را حسابی تعمیر کنید
let me know,	به من خبر بد دهید

\* \* \*



Lesson forty-six (46)

Forty-sixth (46th) lesson: *Part one*

## COMMERCE AND INDUSTRY

Great Britain is one of the most important commercial and trading centres in the world. Britain buys more goods than she sells; her imports exceed her exports. Not being a great agricultural country, England has to obtain her food supplies largely from abroad. She also has to import many raw materials, such as wool from Australia<sup>a</sup>; timber from Sweden and Finland; cotton, petroleum and tobacco from the United States<sup>b</sup>. Wine and fruit are



<sup>a</sup>



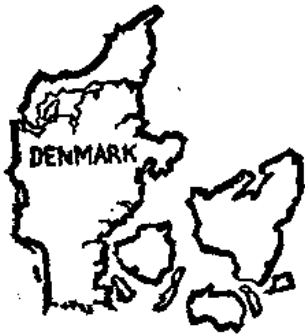
LESSON FORTY-SIX (46) 1



imported from France<sup>c</sup>, Italy<sup>d</sup>, Spain<sup>e</sup>, and the Dominions; dairy produce from Denmark<sup>f</sup> and Holland<sup>g</sup>, and so on.



One of the most extensive industries in England is the textile industry; immense quantities of cotton and woollen goods and artificial silk are produced and exported. English leather goods are also in great demand in other countries.



Great Britain is noted for its coal mines and for iron and steel goods, and it supplies many countries with certain classes of machinery. Another leading industry in this country is shipbuilding. The motor industry is also very flourishing.



forty-six,

چهل و شش

forty-sixth,

چهل و ششم - چهل و ششمین

commerce,

بازرگانی - تجارت

industry,

صنعت

commercial,

تجارتی

trading,

داد و ستد

buy ( to),

خریدن

sell (to),

فروختن

import(s),

واردات

export(s),

صادرات

agricultural,

زراعتی - کشاورزی

not being a great agricultural

country, چون که يك کشور زراعتی مهمی نیست

to obtain, بدست آوردن ( بدست بیاورد )

food,

غذا

supplies,

تدارکات

( supply, تدارک )

food supplies, خواربار - تدارکات غذایی

largely,

بیشتر

to import, (از خارج وارد کند) وارد کردن

لغات درس چهل و ششم ( ۱ )

raw,	خام - اولیه
raw material(s),	مواد خام مواد اولیه
Australia,	استرالیا
timber,	الوار - چوب
Sweden,	سوئد
Finland,	فنلاند
cotton,	پنبه
petroleum,	نفت
United States,	ایالات متحده ( امریکا )
wine,	شراب
France,	فرانسه
Italy,	ایتالیا
Spain,	اسپانیا
Dominion(s),	( کشورهای ) قلمرو ( انگلستان )
dairy,	( کارخانه ) لبنیات
produce,	محصول - فرآورده
dairy produce,	محصولات شیری و لبنیات
Denmark,	دانمارک
Holland,	هلند
* * *	
extensive,	وسیع
industries,	صنایع
( industry,	( صنعت - صنعت )
textile,	منسوجات - قماش

textile industry,

صنعت بافندگی - صنعت نساجی

immense,

زیاد

quantities,

مقادیر

( quantity,

مقدار )

woollen,

پشمی

artificial,

مصنوعی

silk,

ابریشم

are produced,

تولید میشود - ساخته میشود

and exported,

و صادر میشود

demand,

تقاضا

be in great demand,

مورد تقاضای زیاد بودن - طالب زیاد داشتن

leather goods

اجناس یا محصولات چرمی

noted,

معروف

mine(s),

معدن (معادن)

iron,

آهن

steel,

فولاد

iron and steel goods, کالای آهنی و فولادی

supplies... with,

به ... میرساند

( to supply,

رسانیدن به )

certain,

بعضی

class(es),

نوع (انواع)

machinery (sing.),

ماشین آلات

leading,

پیشرفته - جلورفته

shipbuilding,

کشتی سازی

flourishing,

در حال رشد و ترقی



1: A business man  
2: The client

3: The desk  
4: A filing-tray  
5: A brief-case

6: The telephone  
7: A filing-cabinet  
8: A filing-drawer

*Part two*

**A BUSINESS INTERVIEW**

I should like to speak to Mr. Grey, if he's not engaged.

Have you an appointment?

No, but here's my card<sup>a</sup>. If you'll be kind enough to take it in, I'm sure he'll see me. He's on the phone<sup>b</sup> just now. Would you mind waiting a few minutes. . . . Come this way, please.



*a: Here's my card*

Good morning, Mr. Brown. Take a seat, please. What can I do for you?



*b: On the phone*

Well, as a matter of fact, I have a proposition to put before you. I think you know my firm, Messrs. Macmillan and Co., Ltd. (Company, Limited), of Adelaide, South Australia.

Oh yes, I know the name very well, but I've never had the pleasure of doing any business with you.

No. Well, my company has a big distributing business, with branches all over Australia and New Zealand. We want to get into touch with a good shipping firm in London, such as yours, the idea being that you should act as our agents and handle all our business on this side.

And what about terms of payment and the other essential conditions?

Well, we propose to allow you a  $2\frac{1}{2}\%$  (two and a half per cent) commission on all business transacted; no doubt we shall come to an understanding on that point. You would have to attend to the shipment of all goods and arrange for the prices to include c.i.f. or, in some cases, f.o.b. We're accustomed to paying by bills at three months. What do you think about it?

Well, I think some such arrangement would suit us very well, but I can't enter into an agreement or make a definite decision without discussing the matter with my partner. I'll just give him a ring. . . . Will you get me Central double-five-one-o (5510), please? Hullo, is that you, Knight? I say, I've just had a promising proposition put before me and I should like to have a chat with you about it. . . . Can you come round to the office straight away? . . . What's that? I can't hear you very well. . . . You'll be round in about five minutes? . . . Good!

LESSON FORTY-SIX

درس چهل و ششم

PART 2

قسمت دوم

A Business Interview

يك مذاکره تجارتي

engaged,

مشغول

card,

کارت

if you'll be kind enough to take it

in

اگر لطفاً ببرید تو

I'm sure,

مطمئنم

he's on the phone

مشغول تلفن کردن است

proposition,

پیشنهاد

to put before you,

به شما بدهم

firm,

تجارتخانه

Messrs,

آقایان . . . . .

& Co. (and company),

و کمپانی - و شرکا

Ltd. (Limited),

محدرد

of doing any business with you,

که يك داد و ستدی با شما بکنیم

distributing,

پخش (کردن)

distributing business,

شغل توزیع کننده ( کالا )

branch(es),

شعبه ( شعبه )

New Zealand,

نیوزیلند - زلاند جدید

touch,

تماس

to get into touch with,

تماس پیدا کردن با

shipping, کشتی رانی - حمل و نقل دریائی  
 firm تجارتخانه - اداره تجارتی - بنگاه - شرکت  
 such as yours, مثل شما  
 the idea being, منظور این است  
 you should act as, شما باشید  
 to act, عمل کردن  
 agent(s) عامل (عاملین) - نماینده (نمایندگان)  
 handle (to), دست بگیرد - اداره کنید  
 on this side, در این طرف  
 terms, قرار - شرایط  
 what about terms?,

قرار یا شرایط اینکار چیست؟

payment, پرداخت  
 essential اساسی  
 conditions, شرایط  
 propose (to),

پیشنهاد میکنیم (پیشنهاد کردن)

to allow, قرار بدیم - منظور کنیم  
 2½% (= two and a half per cent),  
 دو و نیم درصد

commission, کمسیون - حق العمل  
 transacted, معامله شده  
 doubt, شک

no doubt, بی شک - شکی نیست  
 understanding, تفاهم - سازش



we shall come to an understanding,

با هم کنار می‌آئیم

on that point,

در این باب

shipment,

حمل - بارگیری کشتی

arrange (to), ( ترتیب بد هید ( ترتیب دادن )

price(s), قیمت (ها)

to include,

شامل شدن - در بر گرفتن

arrange for the prices to include,

قیمت ها را طوری قرار بد هید ( ترتیب بد هید ) که

شامل ۰۰۰ بشود

c.i.f. ( cost, insurance and freight ),

سیف ( تحویل بندر و مقصد با بیمه و کرایه )

f.o.b. ( free on board ),

فوب ( تحویل کشتی در بندر مبدأ )

we're accustomed to paying,

معمول ما این است که بپردازیم

bill(s), صورت حساب (ها) - فاکتور (ها)

bills at three months,

صورت حساب ها را سه ماهه

arrangement,

ترتیب - قرار

some such arrangement, يك همچو قراردادى

would suit us,

برای ما مناسب است

agreement,

قرارداد

I can't enter into an agreement,

من نمیتوانم قرارداد منعقد کنم

definite,

قطعی

لغات درس چهل و ششم ( ۲ )

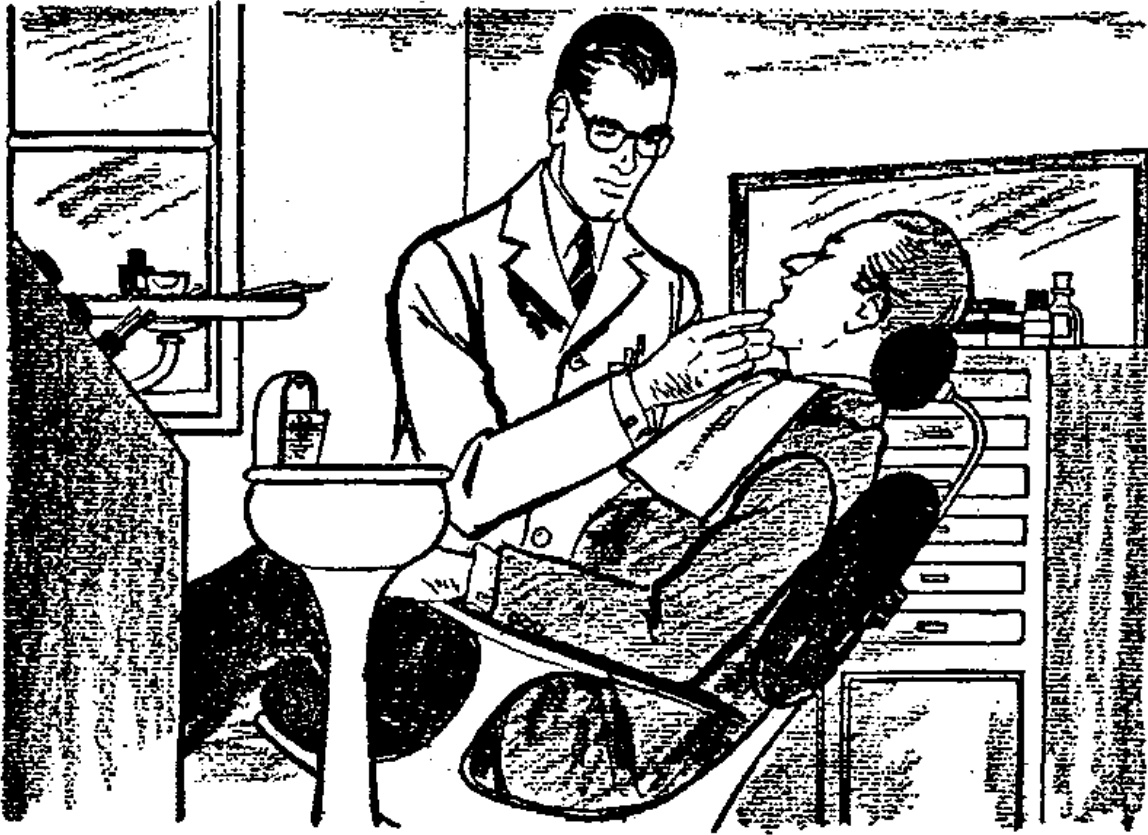
decision, تصمیم  
make a definite decision, تصمیم قطعی بگیرم,  
without discussing, بدون اینکه مذاکره کنم  
I'll just give him a ring,  
همین الان با او تلفن میکنم

central, سانترال  
hullo, آلو  
is that you?, شما تئید  
I've just had...put before me,  
همین الان يك پیشنهادی بمن شد  
promising, آتیه دار - اطمینان بخش  
chat, گفتگو - گپ زدن  
to have a chat with you about it,  
که در باب آن با شما گفتگو کنیم  
can you come round? میتوانید بیایید اینجا  
you'll be round, شما خواهید آمد ؟

\* \* \*

client, مشتری - موکل  
desk, میز تحریر  
brief-case, کیف دستی

\* \* \*



Lesson forty-seven (47)

Forty-seventh (47th) lesson: *Part one*

## DOCTOR, DENTIST AND CHEMIST

If you have toothache<sup>a</sup>, you should go to your dentist. He'll examine your teeth, and if the aching tooth is not too far gone, he'll stop it. If it's too bad, he'll take it out.



*a: Toothache*

If you don't feel well, you should consult a doctor. If you feel too ill to go to the doctor's, you'll have to send for him. He'll ask you to describe to him the symptoms of your illness. Then he'll feel your pulse<sup>b</sup>, look at your tongue<sup>c</sup> and

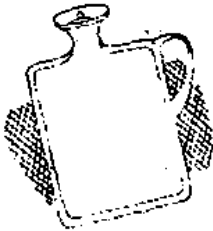


b: Feeling the pulse



c: The tongue d: A razor-blade e: A vacuum-flask

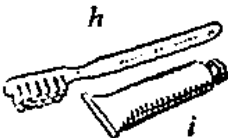
examine you thoroughly. Finally he'll prescribe the treatment and write out a prescription.



f: A hot-water bottle



g. A sponge



h: A tooth-brush  
i: Tooth-paste



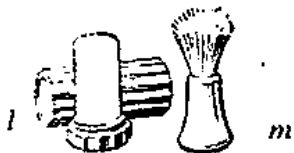
j: A powder-puff



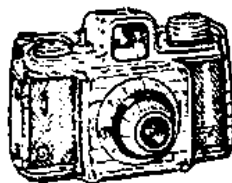
k: Lipstick

Doctors' prescriptions are made up by a chemist. At chemists' shops you can also get patent medicines of all kinds, lotions, tonics, cough-mixtures, baby-foods, aspirin, pills, ointment, bandages, adhesive plaster and so on. You can buy razors and razor-blades<sup>d</sup>, vacuum-flasks<sup>e</sup>, hot-water bottles<sup>f</sup>, sponges<sup>g</sup>, tooth-brushes<sup>h</sup> and tooth-pastes<sup>i</sup>, powder-puffs<sup>j</sup>, lipsticks<sup>k</sup>, shaving-soap<sup>l</sup> and shaving-brushes<sup>m</sup> and a hundred and one other things.

If you're interested in photography, you can also get cameras<sup>n</sup> and films at most chemists'. They'll develop and print your films for you too. Some chemists are also qualified opticians, and if your eyesight's faulty they'll test your eyes and prescribe glasses<sup>o</sup> for you.



l: Shaving-soap  
m: A shaving-brush



n: A camera



o: Glasses

لغات

LESSON FORTY-SEVEN

درس چهل و هفتم

Part 1

قسمت ۱

Doctor, Dentist and Chemist پزشك و دندان ساز و دارو ساز

forty-seven,

چهل و هفت

forty-seventh,

چهل و هفتم - چهل و هفتمین

doctor,

پزشك - طبيب - دكتور

dentist,

دندان ساز

chemist,

دارو ساز

toothache,

دندان درد

aching,

دردناك

(to ache, درد کردن)

the aching tooth,

دندان دردناك

is not too far gone,

زیاد خراب نشده باشد

stop (to),

پر میکند - معالجه میکند

he'll take it out,

آنها میکشند

\* \* \*

if you don't feel well,

اگر حالتان خوش نیست

consult(to),

مشورت بکنید یا مراجعه کنید به . . . .

ill,

ناخوش - مریض

to the doctor's,

پیش دكتور ( رفتن )

لغات درس چهل و هفتم ( ۱ )

to send for him,	که بفرستید عقبش
to describe,	شرح بد هیسد
symptom(s),	آثار و علائم
illness,	ناخوشی - بیماری
pulse,	نبض

he'll feel your pulse,	نبض شمارا میگیرد
tongue,	زبان
examine (to),	معاینه میکند
prescribe, (to),	دستور دادن - تجویز کردن
treatment,	معالجه
to prescribe the treatment,	دستور معالجه دادن
prescription,	نسخه

\* \* \*

are made up,	تهیه میشود - درست میشود
at chemists' shops,	در داروخانه ها
patent,	(دواهای) ساخته
medicine(s),	دارو (ها) - دوا (ها)
patent medicines,	داروهای ساخته
lotion(s),	لوسیون ها
tonic(s),	تونیک (ها) - دوا (های مقوی)
cough,	سرفه
mixture(s),	شریت (ها)
cough-mixture,	شریت سینه
baby,	بچه

لغات درس چهل و هفتم ( ۱ )

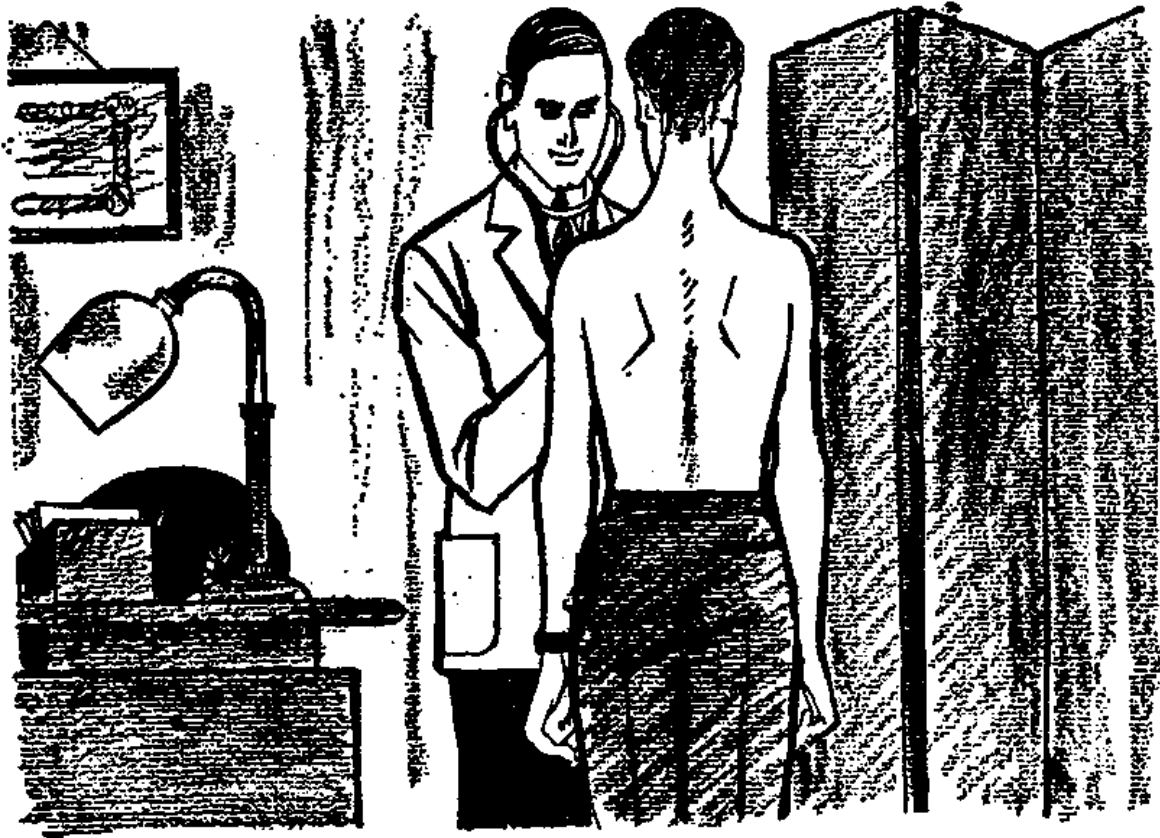
baby-food,	غذای بچه
aspirin,	آسپرین
pill(s),	حب (ها) - قرص
ointment,	روغن مالیدنی
bandage(s),	نوار زخم بندی
adhesive	چسب دار
plaster,	شمع
adhesive plaster,	شمع چسب دار
blade(s),	تیغه (ها) - تیغ (ها)
razor-blades,	تیغ (های) خود تراش
vacuum,	خالی از هوا
flask(s),	تنگ (ها)
vacuum-flasks,	ترمس‌ها
hot-water bottle(s)	کیسه (های) آب گرم
sponge(s),	ابر - اسفنج (ها)
brush(es),	بوس (ها)
tooth-brushes,	مسواک‌ها
tooth-paste	خمیر دندان
powder-puff(s),	پرف (های) پودر زنی
lipstick(s),	ماتیک - رژ لب (ها)
soap,	صابون
shaving-soap	صابون اصلاح
shaving-brush(es),	فرچه (های) اصلاح
a hundred and one other things,	و هزار چیز دیگر

لغات درس چهل و هفتم ( ۱ )

photography,	عکاسی
camera(s),	دوربین (ها) عکاسی
film(s),	فیلم (ها)
develop (to),	ظاهر کردن - (ظاهر میکنند)
print (to),	چاپ کردن - (چاپ میکنند)
qualified,	واجد شرایط
optician(s),	عینک ساز - عینک فروش (ها)
eyesight,	دید چشم
faulty,	ناقص - معیوب
glasses,	عینک

\* \* \*





*Part two*

A VISIT TO THE DOCTOR

Well, what's the matter with you, Mr. Walker?

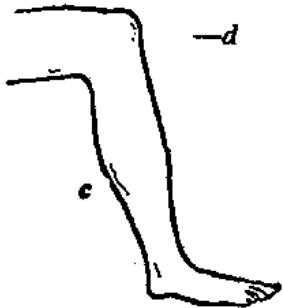
You'd better ask me what is *not* the matter with me, doctor. I seem to be suffering from all the illnesses imaginable: insomnia, headaches<sup>a</sup>, backache, indigestion, constipation and pains in the stomach. To make things still worse, I've caught a cold, I've got a sore throat, and I'm constantly sneezing<sup>b</sup> and coughing.



*a: A headache*



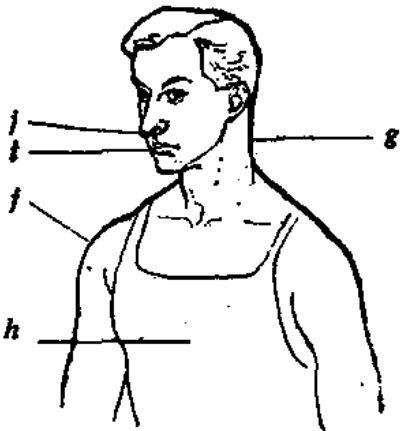
b: Sneezing



c: The leg  
d: The knee



e: The heart



f: The right shoulder  
g: The neck  
h: The chest  
i: The mouth  
j: The nose

To crown it all, I had an accident the other day, hurt my right shoulder<sup>f</sup>, leg<sup>d</sup> and knee<sup>d</sup>, and nearly broke my neck<sup>g</sup>. If I take a long walk, I get short of breath. In fact, I feel more dead than alive.

I'm sorry to hear that. Anyhow, I hope things aren't as bad as you imagine. Let me examine you. Your heart<sup>e</sup>, chest<sup>h</sup> and lungs seem to be all right. Now open your mouth<sup>i</sup> and show me your tongue. Now breathe in deeply through the nose<sup>j</sup> . . . . There doesn't seem to be anything radically wrong with you, but it's quite clear that you're run down, and if you don't take care of yourself, you may have a nervous breakdown and have to go to hospital. I advise you, first of all, to stop worrying. Take a long rest, have regular meals, keep to a diet of salads and fruit, and very little meat. Keep off alcohol. If possible, give up smoking, at least for a time. Have this tonic made up and take two tablespoonfuls three times a day before meals. If you do this, I can promise you full recovery within two or three months.

And if I don't, doctor?

Then you'd better make your will, if you haven't yet done so!

I see. Well, thank you, doctor. I shall have to think it over and decide which is the lesser evil—to follow your advice or prepare for a better world!

LESSON FORTY-SEVEN درس چهل و هفتم

PART 2 قسمت ۲

A Visit to the Doctor رفتن پیش دکتر  
 what's the matter with you?,

چه کسالتی دارید ؟

you'd better ask me,

بہتر بود از من پرسید

suffering,

در رنج - در عذاب

I seem to be suffering from,

مثل اینستکه من رنج میبرم از

illness(es),

مرض (امراض)

imaginable,

که بشود تصور کرد - قابل تصور

all the illnesses imaginable,

تمام امراضی که بشود تصور کرد

insomnia,

بی خوابی

headache(s),

سردرد (ها)

backache,

پشت درد

indigestion,

سوء هضم - سوء هاضمه

constipation,

یبوست

pain(s),

درد (ها)

stomach,

معدہ

to make things still worse,

از همه بدتر

caught,

گرفته

(to catch, گرفتن)

cold,

سرما

I've caught a cold,

سرما خورده ام

sore,

دردناک - مجروح

I've got a sore throat,

گلو ( گلویم ) درد میکند

I'm ... sneezing,

عطسه میکنم

(to sneeze,

عطسه کردن)

(I'm) coughing,

سرفه میکنم

(to cough, (سرفه کردن)

to crown it all,

يك چیز دیگر هم قوز بالا قوز شده

accident,

حادثه - تصادف

the other day,

چند روز پیش

I had an accident,

تصادف کردم

to hurt,

اذیت کردن - صدمه زدن

I hurt my leg,

پایم صدمه دید

shoulder,

شانه

leg,

ساق پا

knee,

زانو

I broke,

شکستم

(to break, (شکستن)

(I) nearly broke my neck,

چیزی نمانده بود که گردنم بشکند

breath,

نفس

I get short of breath,

نفسم قطع میشود - نفسم بالا نمیآید

dead,	مرده
alive,	زنده
more dead than alive,	بیشتر مرده ام تا زنده
I'm sorry to hear that,	متأسفم
imagine (to),	تصور کردن ( تصور میکنید )
heart,	قلب
chest,	سینه
lung(s),	ریه (ها)
mouth,	دهان
tongue,	زبان
breathe in,	نفس بکشید تو
deeply,	عمیق
nose,	بینسی
radically,	اساساً - بطور اساسی
there doesn't seem to be anything	
radically wrong with you,	
	بنظر نمیآید که ناراحتی ( یا ناخوشی ) اساسی داشته باشید .
clear,	واضح
run down,	ضعیف
if you don't take care of yourself	
	اگر مراقبت خودتان نباشید
nervous,	عصبی
breakdown,	اختلال
you may have a nervous breakdown.	

ممکن است اختلال عصبی بشما عارض بشود

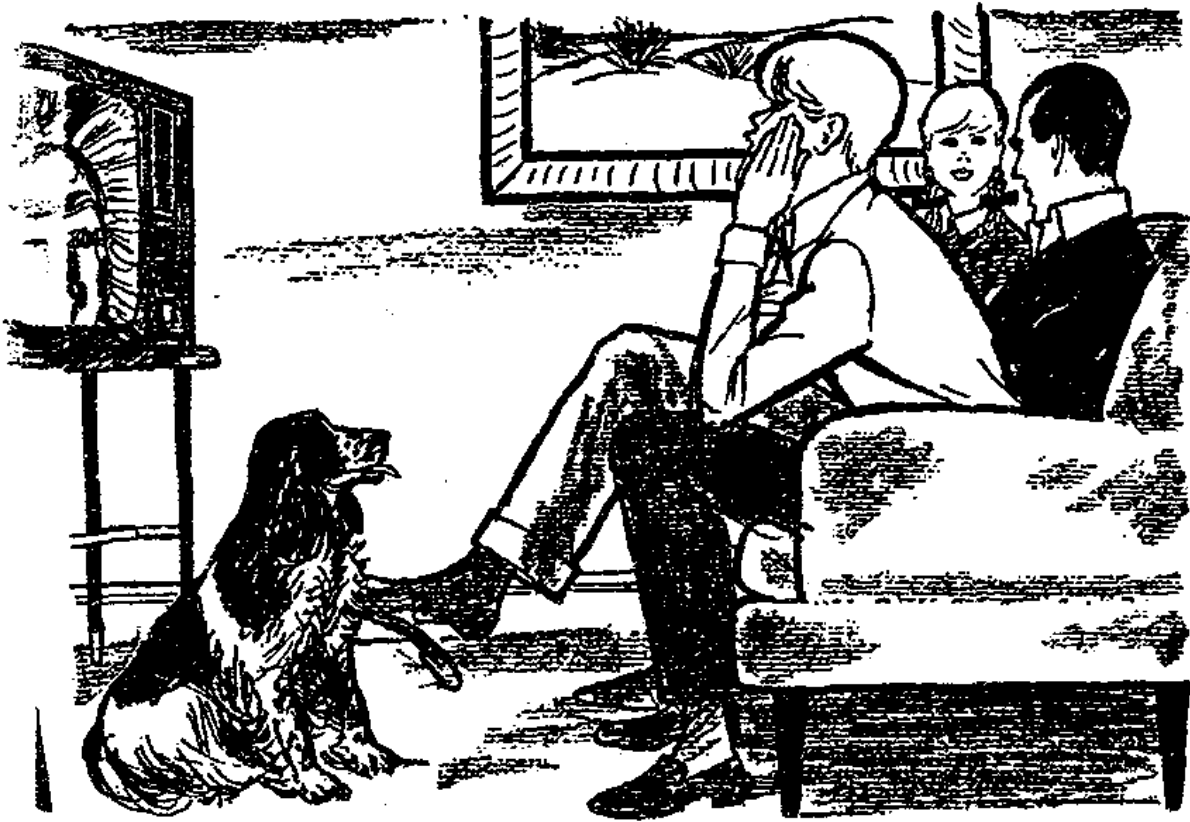
hospital,	بیمارستان
advise (to),	سفارش میکنم
to stop worrying,	فکر و غصه را بگذارید کنار
rest,	استراحت
regular,	منظم
have regular meals,	بطور منظم غذا بخورید
diet,	رژیم غذایی
keep to a diet,	رژیم ..... بگیرید
salad(s),	سالاد
keep off (to),	پرهیز کنید از
alcohol,	الکل - مشرب الکی
give up (to),	ول کنید - ترك کنید (ول کردن - ترك کردن)
for a time,	تا مدتی - بطور موقت
tablespoonful(s),	قاشق سوخوری
three times a day,	سه دفعه در روز
promise (to),	قول بدهم - (قول دادن)
full,	کامل
recovery,	بهبود
and if I don't,	و اگر نکم
will,	وصیت
you'd better make your will,	بهتر است وصیت خودتان را بکنید
to think it over,	خوب فکرهایم را بکنم

لغات درس چهل و هفتم ( ۲ )

lesser,	کمتر
evil,	بدی - ضرر - زیان
which is the lesser evil	کدام کمتر ضرر دارد
advice,	نصیحت
prepare (to),	مہیا شدن
better world	

دنیای بہتر ( بہ گناہ یعنی دنیای آخرت )

\* \* \*



Lesson forty-eight (48)

Forty-eighth (48th) lesson: *Part one*

## RADIO AND TELEVISION

Of all the discoveries ever made by man, radio, or wireless, is one of the most wonderful. By means of wireless, you can speak to a man on the other side of the world<sup>a</sup>. Seated comfortably in your own home, you can hear music or talks, broadcast thousands of miles away from you—talks on national and international affairs, on science, history and other educational subjects. I listen to the wireless almost every evening. Mine is an eight-valve<sup>b</sup> set with an outdoor aerial<sup>c</sup>.



*a: The world*





*b: A valve*



*c: Outdoor aeriats*



*d: Turning a knob*



*e: Pushing a button*



*f: England and Wales*

which gives splendid results. It has medium, long and short wave-lengths, and it's quite simple to manipulate. All I have to do is to turn a knob<sup>d</sup> or push a button<sup>e</sup> to tune in to the station I require.

I use my set a good deal for keeping up my foreign languages. I find it a very useful addition to my Linguaphone Course. For English I tune to England<sup>f</sup>, for French to France, for Dutch to Holland, for German to Germany or Austria, for Russian to Russia, for Spanish to Spain, and for Italian to Italy.

More marvellous even than radio is television, which enables us not only to *listen* to talks, plays and concerts, but also to *see* what's going on. Who knows what the future may bring? It's possible that some clever scientist will invent an apparatus which will enable us to read other people's thoughts. Should that happen, some people might feel quite uncomfortable.

LESSON FORTY-EIGHT	درس چهل و هشتم
PART 1	قسمت اول
Radio and Television	رادیو و تلویزیون
forty-eight,	چهل و هشت
forty-eighth,	چهل و هشتم - چهل و هشتمین
radio,	رادیو
television,	تلویزیون
discoveries,	اکتشافات
(discovery,	(اکتشاف)
wonderful,	عجیب
seated,	نشسته
in your own home,	در خانه خودتان
talk(s),	نطق (ها)
broadcast (to),	پخش کردن (صدا)
thousand(s),	هزار (ان)
thousands of miles away,	هزاران میل دور از شما
national,	ملی
international,	بین المللی
affairs,	امور
science,	علم - علوم
history,	تاریخ

لغات درس چهل و هشتم ( ۱ )

educational,	تربیتی
subject(s)	مسئله - موضوع (مسائل - موضوعها)
almost,	تقریبا
valve,	لامپ
an eight-valve set,	دستگاه هشت لامپی
aerial,	آنتن
result(s),	نتیجه (نتایج)
medium,	متوسط
wave-length(s),	طول موج
simple,	ساده
to manipulate,	میزان کردن (چیزی) کار کردن
all I have to do,	تنها کاری که باید بکنم
knob,	پیچ دکمه
push (to),	فشار بدهم - (فشار دادن)
button,	دکمه
to tune in to,	تا میزان کنم بیا
station,	ایستگاه (رادیو)
* * *	
use (to),	استفاده میکنم از - استعمال میکنم
a good deal,	خیلی
for keeping up,	که ادامه بدهم
foreign,	خارجی
language(s),	زبان (ها)

useful,	مفید
addition,	کمک
I tune to England,	(راديو) انگلستان را ميگيرم
French,	فرانسه
Dutch,	هلندی
Germany,	آلمان
German,	آلمانی
Austria,	اتریش
Russian,	روسی
Russia,	روسیه
Spanish,	اسپانیولی
Italian,	ایتالیائی

\* \* \*

marvellous, عجیب - حیرت آور - شگفت انگیز  
more marvellous even than,

	عجیب تر حتی از
enable (to),	که بوسیله آن ما میتوانیم
play(s),	نمایش (ها)
concert(s),	کنسرت (ها)
what's going on,	عین واقعه را
future,	آینده
bring (to),	آوردن (بیاورد)
clever,	بسی استعداد
scientist,	دانشمند - عالم
invent (to),	اختراع کردن (اختراع بکند)
apparatus,	اسباب - دستگاه

thought,	خیال - فکر - ضمیر
other people's thoughts,	افکار مردم دیگر - افکار دیگران
happen (to),	واقع بشود - ( واقع شدن )
should that happen,	اگر چنین کاری بشود
uncomfortable,	ناراحت

\* \* \*



*Part two*

## BROADCAST PROGRAMMES

Well, how's your set going?

Oh, not too badly, though I've had some difficulty lately in getting good reception from the more distant stations.

Yes, I've noticed quite a lot of interference<sup>a</sup> on my own set too. I suppose it's the weather.

Of course, mine's rather an old-fashioned model compared to yours. By the way, did you hear "Carmen"<sup>b</sup> the other night?

Yes, I did. Personally, I'm not very keen on opera, but my wife is, and "Carmen"



*a: A lot of interference*

b: *Carmen*

happens to be one of her favourites, so I didn't like to suggest switching to another station. Fortunately for me, it was a translated version. I'm not good at languages, you know.

What kind of programme do you like best then?

Oh, I like a straight play. . . . I find some of the talks very interesting too, and I never miss the sporting events. I got most excited over the international ruggers match last Saturday. . . . You listen to the English stations a good deal, don't you?

Yes, I like their programmes very much and I understand nearly everything. With all the practice in ear-training I've had, English pronunciation and intonation hold no terrors for me now, and if a speaker uses a word I'm not familiar with, the context usually gives the clue to the meaning.

You're lucky, you know English. I wish I had your gift for languages.

Well, I don't think I should call it a gift.

Anyone who's prepared to take a little trouble can do the same. Where there's a will there's a way, you know!

c: *Rugger*

LESSON FORTY-EIGHT	درس چهل و هشتم
PART 2	قسمت دوم
Broadcast Programmes	برنامه های رادیو
programme(s),	برنامه (های)
how's your set going?,	رادیوی شما چطور کار میکند
not too badly,	بد نیست
lately,	اخیراً
in getting,	در گرفتن
reception,	صدای رادیو
distant,	دور - مسافت
interference,	پارازیت - تداخل امواج مختلف
old-fashioned,	قدیمی - از مد افتاده
model,	سیستم - مدل
compared to,	نسبت به
Carmen,	م یکی از آثار موسیقی کلاسیک که همراه رقص اجرا میشود
favourite(s),	مورد علاقه
(to) switch to another station,	
fortunately,	ایستگاه دیگر را گرفتن
translated,	خوشبختانه
version,	ترجمه شده
a translated version,	شرح - ترجمه
	ترجمه - شرح ترجمه شده



لغات درس چهل و هشتم ( ۲ )

I'm not good at languages,	من استعداد یادگیری زبان را ندارم
a straight play,	نمایش ساده
never,	هرگز
sporting,	ورزشی
I never miss the sporting events,	
excited	مطالب ورزشی را هیچوقت از دست نمیدهم
I got most excited over....,	تحريك شده - به هیجان آمدن
deal,	فوق العاده تحريك شدم با اندازه - مقدار
a good deal,	خیلی زیاد
practice,	ممارست - تمرین
training,	تعلیم
ear-training,	آشنا ساختن گوش
pronunciation,	تلفظ
intonation,	تکیه صدا
terror(s),	ترس - رعب
hold no terrors for me,	
speaker,	هیچ مرا نمی ترساند گوینده - سخنگو - ناطق
word,	کلمه
context,	قرائن مطالب
clue,	راهنما - کلید
give the clue to,	نشان میدهد - میفهماند
the meaning,	معنی را

لغات درس چهل و هشتم ( ۲ )

lucky, خوشبخت

you,are lucky, شما خوشبختید

wish (to), میل داشتن - آرزو داشتن

gift, موهبت - بخشش

I wish I had your gift for,

کاش مثل شما استعداد زبان داشتم

call (to), نامیدن - خواندن

I don't think I should call it a gift,

گمان نمیکنم بتوان اسم آنرا موهبت گذاشت

anyone, هر کسی

prepared, آماده

anyone who's prepared to take a little

trouble, هر کسی که آماده کمی زحمت باشد

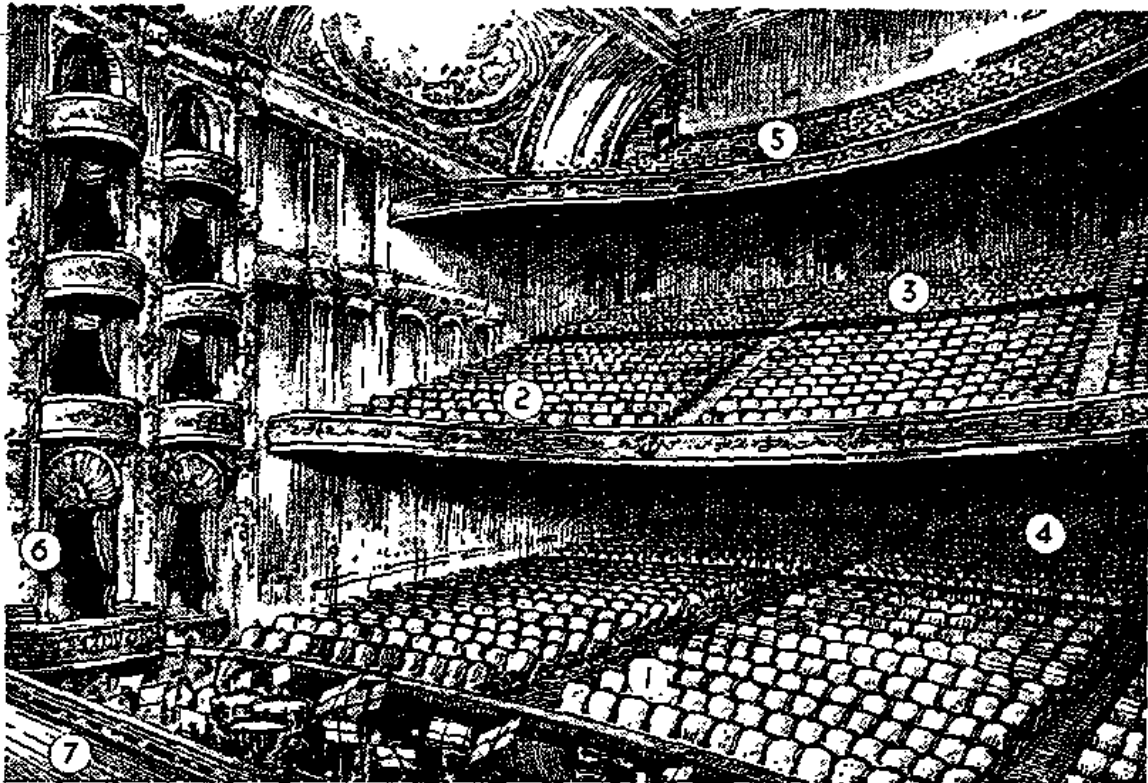
will, اراده

where there's a will there's a way,

اگر اراده باشد راهش پیدا میشود (خواستن

توانستن است)

\* \* \*



1: *Stalls*

2: *The (dress-)circle*

3: *The upper circle*

4: *The pit*

5: *The gallery*

6: *A box*

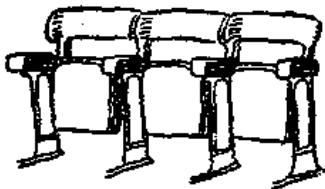
7: *The stage*

Lesson forty-nine (49)

Forty-ninth (49th) lesson: *Part one*

## THEATRES, MUSIC-HALLS & CINEMAS

Theatres are very much the same in London as anywhere else; the chief theatres, music-halls and cinemas are in the West End. If you're staying in London for a few days, you'll have no difficulty whatever in finding somewhere to spend an enjoyable evening. You'll find opera, ballet, comedy, drama, revue, musical comedy and variety. Films are shown in the cinemas during the greater part of the day.



a: *Seats*



*b: The gallery*  
*c: The pit*



*d: An orchestra*



*e: The conductor*



*f: The curtain*



*g: The box-office*

The best seats<sup>a</sup> at theatres are those in the stalls<sup>1</sup>, the circle<sup>2</sup>, and the upper circle<sup>3</sup>. Then comes the pit<sup>4,c</sup>, and last of all the gallery<sup>5,b</sup> where the seats are cheapest. Boxes<sup>6</sup>, of course, are the most expensive. Most theatres and music-halls have good orchestras<sup>d</sup> with popular conductors<sup>e</sup>.

You ought to make a point of going to the opera at least once during the season, if you can. There you can get the best of everything—an excellent orchestra, famous conductors, celebrated singers and a well-dressed audience. But, of course, if you're not fond of music and singing, opera won't interest you.

At the West End theatres you can see most of the famous English actors and actresses. As a rule, the plays are magnificently staged—costumes, dresses, scenery, everything being done on the most lavish scale. Choose a good play, and you'll enjoy yourself thoroughly from the moment the curtain<sup>f</sup> goes up to the end of the last act. Get your seat beforehand, either at the box-offices<sup>g</sup> of the theatre itself or at one of the agencies. When you go to a theatre, you'll probably want to sit as near to the stage<sup>7</sup> as possible. But if you're at a cinema, you may prefer to sit some distance from the screen. In fact, I would say, the further away the better.

LESSON FORTY-NINE درس چهل و نهم

Part 1 قسمت اول

Theatres, Music-Halls and Cinemas

تاترها - تماشاخانه ها و سینماها

forty-nine,	چهل و نه
forty-ninth,	چهل و نهم - چهل و نهمین
theatre,	تماشاخانه
music-hall (s),	تالار موسیقی
anywhere else,	هر جای دیگر
chief,	عمده - مهم
whatever,	بہیچوجہ
you'll have no difficulty whatever,	بہیچوجہ اشکالی نخواہید داشت
somewhere,	یک جائسی
ballet,	بالت
comedy,	کمدی
drama,	درام - نمایش
revue,	نمایش انتقادی
musical,	موزیکال - موزیکی
musical comedy,	کمدی موزیکال
variety,	وارتہ
are shown,	نشان میدہند
greater,	بیشتر
the greater part,	قسمت اعظم

لغات درس چهل و نهم ( ۱ )

stall(s),	سالن ( های ) تاتر
circle,	بالکن
upper,	بالا - بالائی
upper circle,	بالکن بالا یا بالائی
pit,	قسمت عقب سالن
last of all,	آخر از همه
gallery,	گالری
cheapest,	ارزانترین
box(es),	لژ ( ها )
conductor(s),	رهبر ارکستر
you ought,	شما باید
to make a point of going,	بر خودتان واجب بدانید که بروید
celebrated,	مشهور
singer(s),	آوازه خوان ( ها )
well-dressed,	با لباس زیبا - با لباس فاخر
audience,	جمعیت تماشاخانه
singing	آواز خواندن
interest (to),	مورد پسند - جالب توجه

actor,	آکتور - ( مرد ) هنرپیشه
actress(es),	آکتريس - ( زن ) هنرپیشه
play(s),	پيس ( ها ) - نمایشنامه ( ها )
magnificently,	بطور باشکوه
are staged,	روی صحنه آورده میشوند -

لغات درس چهل و نهم ( ۱ )

	بمعرض نمایش گذاشته میشوند
costume(s),	لباس ( های ) تماشاخانه
scenery,	آرایش صحنه
being done,	درست میشود - انجام میشود
lavish,	بی مضایقه
scale,	اندازه - مقیاس
on the most lavish scale,	
	بدون کمترین مضایقه - خیلی فراوان
you'll enjoy yourself,	بشما خوش خواهد گذشت
curtain,	پرده
goes up,	بالا میرود
act,	پرده
box-office,	گیشه - محل فروش بلیط
itself,	خودش
agencies,	عاملین - نمایندگان
(agency, عامل)	
as near...as possible, ..	هرچه نزدیکتر به ..
stage,	صحنه - سن
screen,	پرده سینما
further,	دورتر
the further away the better,	
	هر چه دورتر بهتر

\* \* \*



1: Theatre-goers

2: The foyer

4: The staircase

3: The box-office

*Part two*

**AT THE THEATRE**

Have you got any seats for tomorrow?

Matinée or evening performance?

Matinée, please. I want two stalls, if you've got them.

Yes, you can have—er—two in the middle of Row F.

They'll do very well, thank you. How much is that?

They're thirteen and six (13/6) each—that makes twenty-seven shillings (27/-).

Stalls, sir? Stalls on the right. . . .





*a: The attendant*

Gentlemen's cloakroom this way; ladies' cloakroom on the first landing. . . . Show your tickets to the attendant<sup>a</sup> inside the theatre; she'll show you to your seats and let you have a programme<sup>b</sup>.

May I see your tickets, please? Row F, 12 and 13. . . . This way, please. Would you like a programme?

Yes, please.

Shall I bring you some tea, sir? The play isn't over till half-past five.

When do you serve tea?

After the second act; there's an interval of fifteen minutes.

Then I think we might as well have some.

Well, what did you think of the play?

I enjoyed every minute of it. What did you think of it?

I thought it was splendid. I haven't laughed so much for a long time.

Neither have I. It was extremely good.

Yes, wasn't it? I thought the acting was excellent.

So did I. The whole thing was first-rate from beginning to end.



*b: A programme*

LESSON FORTY-NINE درس چهل و نهم

PART 2 قسمت دوم

At the Theatre در تماشاخانه

matinee, نمایش تاتر در بعد از ظهر

if you've got them, اگر داشته باشید

row, ردیف

they'll do very well, بسیار خوب است

gentlemen, آقایان

(gentleman, آقا)

gentlemen's cloakroom, رخت کن و توالت مردانه

ladies' cloakroom, رخت کن و توالت زنانه

attendant, خدمتکار - پیشخدمت

inside, در داخل

she'll show you to your seats, او جای شما را بشما نشان خواهد داد

(she'll) let you have, به شما میدهد

may I see?, بدهید ببینم

ticket(s), بلیط (ها)

shall I bring you some tea?

isn't over till, میل دارید - چای برای شما بیآورم تا ۰۰۰ تمام نمیشود

( to be over, (تمام شدن)

interval, فاصله بین دو پرده تاتر - انترآکت

لفات درس چهل و نهم ( ۲ )

we might as well have some, ( خیال می‌کنم )

ممکن است در اینصورت يك چای بخوریم

I enjoyed every minute of it,

در تمام مدت بمن خوش گذشت - از هر لحظه آن لذت بردم

laughed,

خندید

neither have I,

من هم همینطور

extremely,

فوق الحاده

yes, wasn't it?,

بلی - اینطور نبود

acting,

بازی - اجرای نمایش

so did I,

من هم همینطور

whole,

سر تا سر - تمام

rate,

درجه

first-rate,

درجه اول

the whole thing was first-rate,

تمامش درجه يك بسسود

beginning,

شروع - ابتدا

from beginning to end,

از ابتدا تا انتها - از اول تا آخر

\* \* \*



Lesson fifty (50)  
Fiftieth (50th) lesson

## A FEW WORDS ABOUT ENGLISH LITERATURE

The great wealth of English literature makes it impossible to deal with the subject in any detail within the scope of one short lesson. We must therefore confine ourselves to only a few of the outstanding writers. Who has not heard, for instance, of William Shakespeare<sup>a</sup>, one of the greatest dramatists of all time. He is famous for his comedies, such as *Twelfth Night*, *As You Like It* and *The Taming of the Shrew*, and equally famous



<sup>a</sup>: Shakespeare

## LESSON FIFTY (50)



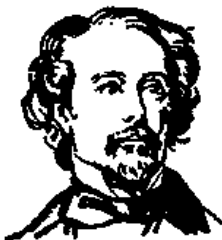
b: Queen Elizabeth



c: Bernard Shaw



d: Scott



e: Dickens

for his magnificent tragedies, such as *Macbeth*, *Hamlet*, and *Othello*.

Shakespeare lived in the reign of Queen Elizabeth<sup>b</sup>, which was a great age for English literature.

Of later plays, there's *She Stoops to Conquer* by Oliver Goldsmith, and *The School for Scandal* by Richard Sheridan. Then coming to the present day, we have the brilliant dramas of the Irish author, Bernard Shaw<sup>c</sup>. Possibly his best-known plays are *Caesar and Cleopatra*, *Man and Superman*, *Back to Methuselah* and *Saint Joan*.

The works of English novelists have been translated into so many languages that millions of people who know no English are nevertheless familiar with English writings. Yet it's only those who are able to read these novels in the original who can really appreciate such masterpieces as *Waverley* and *Ivanhoe* by Walter Scott<sup>d</sup>, or *Oliver Twist*, *David Copperfield* and *The Old Curiosity Shop* by Charles Dickens<sup>e</sup>.

English poetry covers such a wide field that we can do little more than enumerate a few names. Chaucer is well known for his *Canterbury Tales*, Milton for his two famous epics, *Paradise Lost* and *Paradise Regained*, Pope for his mastery of the classical style, while the romantic school recalls such famous names as Wordsworth, Byron, Shelley, Keats,

## LESSON 50

Tennyson and Browning.

You are now to hear a poem by Wordsworth that'll not only inspire you with its beauty, but also encourage you to delve more deeply into the rich heritage of our literature, whether it be prose or verse.

### UPON WESTMINSTER BRIDGE

Earth has not anything to show more fair:  
Dull would he be of soul who could pass by  
A sight so touching in its majesty:  
This City now doth like a garment wear

The beauty of the morning: silent, bare,  
Ships, towers, domes, theatres, and temples lie  
Open unto the fields, and to the sky,—  
All bright and glittering in the smokeless air.

Never did sun more beautifully steep  
In his first splendour valley, rock or hill;  
Ne'er saw I, never felt, a calm so deep!

The river glideth at his own sweet will:  
Dear God! the very houses seem asleep;  
And all that mighty heart is lying still!

درس پنجاهم LESSON FIFTY

A Few Words about English Literature

کلمه ای چند در خصوص ادبیات انگلیسی

fifty,	پنجاه
fiftieth,	پنجاهم - پنجاهمین
literature,	ادبیات
wealth,	ثروت - دارائی - خزانه
impossible,	محال - غیر ممکن
makes it impossible,	محال میسازد
detail,	تفصیل - جزئیات
in any detail,	با تمام تفصیل - با تمام جزئیات
scope,	حدود - چهار دیواری
within the scope of,	در حدود
therefore,	بنا بر این
confine ourselves to,	اکتفا میکنیم
( to confine oneself to,	اکتفا کردن
	( قانع بودن )
outstanding,	برجسته
writer(s),	نویسنده ( نویسندگان )
who has not heard... of?,	

• کی است که وصف ..... را نشنیده باشد

greatest,	بزرگترین
dramatist(s),	درام نویس ( درام نویسان )
of all time,	در تمام دنیا - در تمام قرون و اعصار
( comedy,	( کمدی - نمایش خنده آور

Twelfth Night,	شب دوازدهم (عنوان یکی از
	کمدیهای شکسپیر)
As You Like It,	بسته بمیل شما
taming,	رام کردن
( to tame,	( رام کردن
shrew,	زن بهانه جو - زن سرکش
The Taming of the Shrew,	(عنوان یکی دیگر
	از کمدیها) رام کردن زن سرکش
equally,	بهمان اندازه
magnificent,	با شکوه
tragedies,	تراژدیها
( tragedy,	( تراژدی - نمایش غم انگیز
lived,	زندگی کرد - میزیست
reign,	سلطنت
Elizabeth,	الیزابت
age,	عصر - زمان
later,	بعدی - عقب تر - بعد از آن
stoop (to),	خم شدن
to conquer,	برای تسخیر کردن
She Stoops to Conquer,	
	(عنوان يك پيس تاتر) تمکین میکند که مسلط بشود
by,	اتر - نگارش - از
Oliver,	اولیو گلد سمیت نویسنده معروف انگلیسی
scandal,	رسوائی
School for Scandal,	
	(عنوان يك پيس تاتر) مکتب رسوائی



to,	به
present,	حاضر - کنونی
the present day,	دوره کنونی
Irish,	ایرلندی
author,	نویسنده
Bernard,	برنارد (اسم اول برنارد شاو)
Caesar and Cleopatra,	(عنوان یکی از پیس‌ها) قیصر و کلئوپاترا
superman,	فوق بشر
Man and Superman,	(عنوان یک پیس تاتر) بشر و فوق بشر
back to,	برگشت به
Back to Methuselah,	(عنوان یک درام) برگشت به عهد نوح
saint,	مقدس
Saint Joan,	(عنوان یک تاتر) سن ژان
* * *	
work(s),	اثر (آثار)
novelist(s),	
	رمان نویس (ها) - افسانه نویس (ها)
nevertheless,	با وجود این
writing(s),	نوشتجات - آثار ادبی
original,	اصلی
in the original,	

بزبان اصلی - در زبان اصلی

لغات درس پنجاه

appreciate (to), (تقدیر کردن (بکنند)  
 such, این قبیل  
 masterpiece(s), شاهکار (ها)  
 curiosity, حس کنجکاوی - چیز کمیاب - تحفه  
 The Old Curiosity Shop,  
 (اسم کتابی است) مغازه نالاهای کمیاب قدیمی

\* \* \*

covers such a wide field,

بقدری توسعه دارد

we can do little more than,

همینقدر میتوانیم

enumerate (to),

شمردن (بشماریم)

Canterbury Tales,

افسانه های کانتربوری

epic(s),

حماسه (ها)

paradise,

بهشت

lost,

مفقود - از دست رفته

(to lose, گم کردن)

Paradise Lost,

بهشت گمشده

regained,

باز یافته

Paradise Regained,

بهشت باز یافته

mastery,

تسلط

classical,

کلاسیک

style,

سبک - روش

while,

در حالیکه

romantic,

خیالی - رویائی

romantic school,	بکتب خیال‌بافی یا رویائی
recalls,	بیاک می آورد
you are now to hear,	شما اکنون خواهید شنید
poem	قطعه شعر
inspire (to),	تحت تاثیر قرار میدهد
beauty,	زیبائی
encourage (to	تشویق مینماید - (تشویق کردن
to delve...into,	غور کردن
rich,	پریمایه
heritage,	میراث
whether it be...or...	

...	... باشد چه ... یا ...
prose,	نثر
verse,	نظم - شعر

\* \* \*

upon,	در روی
bridge,	پل
earth,	زمین
fair,	زیبا
dull,	خموده
soul,	روح

dull would he be of soul,	روح خموده ای دارد آنکه
pass by (to),	بگذرد یا عبور کند از
sight,	منظر
touching,	مؤثر

majesty,	عظمت
doth (=does),	میکند
(to do, کردن)	
doth...wear,	میپوشد
garment,	لباس
silent,	ساکت
dome(s),	کند (ها)
temple,	معبد (معابد)
lie,	فنوده اند
(to lie,	(غنودن - دراز کشیدن)
unto,	بر طرف
bright,	روشن
glittering.	درخشان
smokeless,	بی دود
steep (to),	فراگرفتن - تابیدن
never did sun more beautifully	
steep,	
	هیچوقت آفتاب باین قشنگی نتابیده بود
splendour,	درخشندگی
valley,	دره
rock,	صخره
ne'er (=never),	هرگز
ne'er saw I,	هرگز ندیدم
felt,	(هرگز) حس نکردم
(to feel,	(حس کردن - احساس کردن)

لفات درس پنجاه

glideth (=glides), آهسته میرود  
to glide, سریدن - آهسته رفتن  
at his own sweet will

dear, محبوب  
God , خدا  
very, خیلی - همان - حتی  
the very houses, حتی - خانه ها  
mighty, مقتدر  
still, بی حرکت

\* \* \*

## قسمت صداها

بعد از درس پنجاهم قسمت تلفظ صحیح کلمات قرار دارد  
ابتدا یکبار بدقت گوش کنید سپس به توضیحات صفحات بعد توجه و عمل نمائید

## TEXT OF SOUNDS

### THE VOWELS

- 1 tea; sees; feet
- 2 this; think; pretty
- 3 then; get; yes
- 4 hand; thank; cat
- 5 car; hard; part
- 6 dog; John; got
- 7 saw; short; small
- 8 good; look; put
- 9 two; few; fruit
- 10 son; done; cut
- 11 fur; word; shirt
- 12 above; a man; the man  
letter; pleasure; sofa

### THE DIPHTHONGS

- 13 day; maid; late
- 14 no; road; hope  
whole; told
- 15 my; time; light
- 16 now; town; house
- 17 boy; noise; voice
- 18 here; fears; fierce
- 19 there; cares; scarce
- 20 four; more; yours
- 21 sure; tour; pure

### SOME VOWEL COMBINATIONS

player—lower—fire, higher—power,  
our—employer

قسمت صداها ( چگونگی تلفظ صحیح کلمات )

TEXT OF SOUNDS

VOWELS IN PAIRS FOR COMPARISON

1 & 2	leave; live; seat; sit; feel; fill
2 & 3	rid; red; lift; left; fill; fell
3 & 4	men; man; set; sat; lend; land
4 & 5	cat; cart; pack; park
5 & 6	large; lodge; heart; hot
6 & 7	cod; cord; shot; short
8 & 9	good; food; foot; boot; full; fool
10 & 11	bud; bird; hut; hurt; such; search
4 & 10	ran; run; match; much; hang; hung
5 & 10	calm; come; march; much
6 & 10	lock; luck; hot; hut
6 & 8	lock; look; pot; put
3 & 11	ten; turn; bed; bird
5 & 11	barn; burn; dart; dirt
3 & 13	edge; age; men; main; fell; fail
7 & 14	law; low; saw; so; caught; coat hall; whole; called; cold
3 & 19	very; vary
11 & 19	fur; fair
4 & 19	marry; Mary
18 & 19	here; hair

الفبای زبان انگلیسی ونحوه تلفظ آنها

THE ALPHABET

ABCDEFGHIJKLMN OPQRSTU V  
W X Y Z

## قسمت صداها

### تلفظ حروف و کلمات

طریقه تلفظ حروف و کلمات که در این درسها اتخاذ شده است سهلترین طریقه ایست که میتوان تصور نمود بدین معنی که علاماتی چند در نظر گرفته شده است تا بوسیله حرف جداگانه بتوان هنگام ضرورت کلمات مختلف انگلیسی را تشخیص داد. این طریقه از جهت دیگر نیز بر سایر طریقه ها مزیت دارد و آن، این است که حداقل حروف مختلف برای این منظور بکار رفته است. طریقه تلفظ حروف و کلمات که در نوار نشان داده شده برای زبان انگلیسی بیشتر متداول بوده و اگر در این کتاب ذکری از آن میشود فقط برای مقایسه است. هر دو طریقه علامت اضافی ( : ) را برای تشخیص صداها کشیده و علامت ( ، ) را برای نشان دادن ابتدای هر سیلابی که تکیه شدید دارد بکار میبرند. باید متذکر بود که از هر دو طریقه یک نتیجه یعنی یک نوع تلفظ بدست میآید.

### آخر نوار کاست ۲ برای نشان دادن صداها

این قسمت روی نوار بطور منظمی حالی میکند که صداها در زبان انگلیسی چه کیفیتی دارند یعنی محصل را آماده میکند که اول گوش به صداها بدهد و بعد اختلافهای عمده ای را که در خصوصیت صداها موجود است با هم مقایسه نماید. بر محصل واجب است مدت زیادی با گوش دادن به این قسمت ممارست نماید چه ممارست مدید بهترین وسیله ایست که محصل بر اشکالات صدائی زبان انگلیسی فایق آید و در این نکته هر قدر تاکید شود جا دارد و نباید آنرا گزاف - گوئی دانست و همچنین محصل باید با تمرین زیاد متوجه به کشش صداها بشود و مقدار کشش آنها را درک کند. حروف صداها شماره ۱ - ۵ - ۷ - ۹ - ۱۱ و تمام صداها ترکیبی عموماً "کشدارتر از صداها دیگر نشان داده شده اند. اما خود این صداها کشیده و ترکیبی بعضی اوقات کمتر کشیده میشوند بخصوص وقتی که از



## قسمت صداها

حروف بیصدا به دنبال آنها بیاید، مثال حروف بیصدا از اینقرار است، s, f, v, z, 3, و حرفهای صدادار مقابل آنها از این قرار است، k, t, p, b, d, g. معیذا حروف صدادار کشدار هر قدر کوتاه بشوند باز هم از حروف بی کشدارتر خواهند بود ولو اینکه حرفهای بیصدا بدنبال آنها بیاید در مواردیکه امکان داشته است برای هر یک از حروف صدادار یک کلمه بعنوان مثال در نوار گنجانیده شده است بطوریکه حروف صدادار وقتی که حروف بیصدا بدنبال آنها واقع میشوند بخوبی نمودار هستند. معدودی از حروف صدادار بی کش در آخر کلمه میتوانند واقع بشوند و آنها عبارتند از i و e و بندرت u تمام حروف صدادار و ترکیبی ممکن است در سیلاب های خیلی تکیه دار واقع بشوند باستثنای e. آموزنده باید متوجه باشد که در قسمت مربوط به صداها و در جریان درسها کلماتی را خواهد شنید که املاي آنها با هم متفاوت ولی تلفظ آنها مشابه است و برای کلماتی که با املاي مشابه نوشته میشوند غالبا "حروف صدادار آنها صداهای متفاوت دارند مخصوصا" این نکته باید در نظر باشد که یک حرف بخصوصی وجود ندارد تا نشان دهند که صدای e در کجا باید تلفظ بشود.

تذکر \* حروف صدائی = حروف صدادار

حرف صدادار شماره ۲۰ oe تنها حرفی است که در تلفظ صحیح انگلیسی دخالت و ضرورت تامی ندارد و چند نفر از اشخاصی که صدای آنها در صفحه پر شده است آن حرف را استعمال نکرده اند. از طرفی حرف صدائی شماره ۲۰: 0 همیشه ممکن است قائم مقام حرف شماره ۲۰ واقع شود.

## نکاتی درباره بعضی صداهای حروف ساکن

دو حرف TH وقتیکه با هم باشند معمولا " دو جور صدا از ترکیب آنها بوجود میآید این دو جور صدا را با علامتهای 0 و 0 نشان میدهند. این صداها هر دو به این ترتیب بوجود میآید که نوک زبان را وسط دندانهای جلو یا نزدیک لبه دندان

## قسمت صداها

گذارده نفس را بیرون می‌دهیم ، صدای 0 ( مانند صدای v که بجای f واقع میشود ) بجای صدای 0 بوجود می‌آید . از نوار که می‌شنوید بدون اشکال تفاوت دو جور صدای TH را درک خواهید نمود .

( و قتیکه دو حرف TH در یک کلمه ای واقع شود به صرف دیدن و هجسی نمودن مشکل است صدا و تلفظ صحیح آنرا تشخیص داد ) بطور کلی TH در حال بیصدائی 0 جلو تمام فعلها و اسمها و صفت های مستقیم گذارده میشوند و در حال صدادار 0 جلو صفت اشاره و ضمیر و معدودی از کلمات یک سیلابی گذارده میشود . در آخر کلمه TH همیشه بیصدا است اما اگر 0 گنگ عقب آن بیاید صدادار میشود چنانکه در clothe, cloth, bathe, bath از طرف دیگر با آنکه صدای 0 و f خیلی با هم تفاوت دارند ممکن است آموزنده مبتدی تفاوت آنها را بسزودی درک نکند زیرا صدای آنها بگوش او تقریبا " یکسان است . البته با مراجعه به متن درس در کتاب معلوم خواهد شد کدام صدا تلفظ شده است بدلیل آنکه f هیچوقت TH نوشته نمیشود و همچنین 0 هیچگاه F یا PH نوشته نمیشود .

دو حرف NG بعضی اوقات یک صدا را نشان میدهند و آن صدای n است چنانکه در کلمه singer (sine) و بعضی اوقات دو صدای ng را میرساند چنانکه در کلمه finger (finge) صدای n همان قرابت را g دارد که n با d دارد . در زبان انگلیسی چنانکه بعدا " هم خواهیم دید n نه فقط جلو k و g واقع میشود بلکه مانند یک حرف ساکن قبل از یک حرف صدائی قرار میگیرد چنانکه در کلمه singer (sine) و یا در آخر یک کلمه ظاهر میشود چنانکه در کلمه sing (sin) . صدای I ( با L ) بر حسب موقعیت آن در سیلابها حالات مختلف پیدا میکند و قاعده ایکه برای آن وضع شده از اینقرار است . اولاً " هرگاه I جلو حرف صدائی واقع شود کاملاً " تلفظ میشود ثانیاً " وقتی جلو یک حرف ساکن قرار میگیرد یا در آخرین صداهای مسلسل واقع شده باشد بطور له شده تلفظ می - شود . در آخر کلمات I صدای کامل خودش را حفظ میکند بشرطیکه کلمه بعدی با حرف صدائی شروع شود آنهم بدین ترتیب که بین دو کلمه وقفه ای نباشد .

## قسمت صداها

حالات مختلفی که برای تلفظ حرف  $r$  در گفتارهای انگلیسی که در نوار ضبط شده است بخوبی از دهان گویندگان شنیده میشود .

صدای  $r$  ( با  $R$  ) از صداهائی است که همیشه در کلمات ظاهر نمیشود . بطوریکه در نواربگوش میرسد صدای  $r$  وقتی ظاهر میگردد که جلو حرف صدادار واقع شده باشد . طبق این قاعده هیچوقت  $r$  جلو یک حرف ساکن صدا ندارد و همچنین است وقتی که در آخر صداهای مسلسل واقع شده باشد . ( ناگفته نماند که این حالت صدای  $r$  طرز تلفظ و مدار لهجه جنوب انگلستان است ) .

هرگاه کلمه ای که با حرف  $r$  ختم شده در جلو کلمه ای واقع شود که با حرف صدادار شروع شده صدای  $r$  ظاهر میشود بشرط آنکه دو کلمه در موقع تلفظ بهم متصل باشند و وقفه ای بین آنها نباشد حاصلین خارجی که زبان انگلیسی میآموزند باید باین نکته توجه نمایند که آهنگ صدای  $r$  در انگلیسی با آهنگ آن در بسیاری از زبانهای فوق قرار دارد و مخصوص لهجه انگلیسی است پس باید کوشش بکنند که لهجه و آهنگ صحیح را که از نوار میشوند تقلید و تمرین نمایند .

برای بعضی از حاصلین زبان انگلیسی حرف نیم صدائی  $w$  تولید اشکال میکند صدای  $w$  در عقب دهان بوجود میآید بدین ترتیب که حرف صدادار شماره ۹ (  $u$  ) را بصدا در آورده بیدرنگ آنرا از عقب دهان به حرف صدائی بعدی و بطور مالیده متصل میکنیم ، باید بدقت گوش داده و تقلید نمود .

## تکیه صدا

در زبان انگلیسی تکیه صدا ثابت نیست و حتی نمیشود برای تکیه صدادار کلمات انگلیسی قواعدی وضع نمود . اما هر کلمه ای که از یک سیلاب بیشتر باشد سیلابهای آن در معرض یک یا دو تکیه قرار میگیرد پس اگر تکیه کلمات را بجای خود ادا نکنیم تلفظ ما صحیح نخواهد بود و در نتیجه بعید نیست که در حین گفتگو یک کلمه یا یک جمله از گفتار ما نا مفهوم بماند .

## قسمت صداها

محصلین باید در تکیه دادن به کلمات انگلیسی دقت مخصوص بعمل آورند و نیز به زیر و بم صدا در موقع حرف زدن که آن هم تابع تکیه های محکم و سست میباشد اهمیت بدهند .

هنگام صحبت مسلسل ممکن است تکیه ای که ملازم یک کلمه باشد مشهود نگردد و این ناشی از اهمیت زیادتری است که کلمات مجاور به آن کلمه از حیث معنی و مفهوم میبخشند .

## وجه های ضعیف در کلمات

یکی از خصوصیات بسیار مهم در محاوره انگلیسی مربوط به این نکته است که بسیاری از کلمات یک سیلابی در این زبان برحسب موقعیت در جمله و مقنن دار تکیه ای که به آنها وارد میشود تلفظ شان فرق میکند . بعداً " خواهیم دید که این کلمات در گفتگوی مسلسل تلفظ دیگری دارند . و هنگامیکه تک واقع شوند جور دیگری تلفظ میشوند . بطور کلی وقتی یکی از این کلمات را با تکیه محکم ادا کنیم با آنکه تک و جدا گانه بزبان بیاوریم میگوئیم آن کلمه در " وجه قوی " استعمال شده است و هر وقت همان کلمه را طی گفتگو بتلفظ بیاوریم میگوئیم که کلمه در " وجه ضعیف " استعمال شده است و این وجه بیشتر معمول است . عموماً " در املائی معمولی علامتی برای نشان دادن وجه ضعیف بکار برده نمیشود و از این جهت آموزنده زبان انگلیسی باید مخصوصاً " ملتفت باشد که آرتیکل ها و ضمیرها و حرفهای ربط و فعلهای معین چگونه در نوار تلفظ شده اند و درک نماید که تعداد خیلی زیادی از کلمات مسزبور در گفتگوی مسلسل یا حرف صدائی تلفظ شده اند .

توضیحا " گفته میشود که در درسهای اول بعضی گوینده ها وجه های ضعیف را کمتر از معمول خودشان در گفتگو استعمال کرده اند و این بملاحظه آنستکه آن چند درس را خواسته اند آهسته تر و شمرده تر از گفتگوی عادی در صفحه ها پر کنند تا بفهم مبتدی نزدیک باشد .

## SOUND RECORD

قسمت صداها - آخر نواری ۲

The Vowels خروف صدا دار

### علامات فنتیک

نماینده                      نماینده  
++ باریک                      + گشاد

+ بر حسب طریقه ای که مستر هفر مگارتی در کمبریج در کتاب تلفظ کلمات انگلیسی بکار برده است.

++ بر حسب طریقه ای که مستر دانیل جونز در لندن در دیکشنری تلفظات انگلیسی بکار برده است.

1.	i:	i:	ti:	si:z	fi:t
			tea	sees	feet
			جای	می بیند	پاهای
2.	i	i	ois	eink	priti
			this	think	pretty
			این	فکر کردن	قشنگ
3.	e	e	ben	get	jes
			then	get	yes
			سپس	گرفتن	بله

قسمت صداها

4.	a	æ	hand	oank	kat
			hand	thank	cat
			دست	تشکر کردن	گرسه
5.	a:	ɔ:	ka:	ha:d	pa:t
			car	hard	part
			اتومبیل	سخت	قسمت
6.	o	ɔ	dog	dʒon	got
			dog	John	got
			سگ	جان	گرفت
7.	o:	ɔ:	so:	ʃo:t	smo:l
			saw	short	small
			دید	کوتاه	کوچک
8.	u	u	gud	luk	put
			good	look	put
			خوب	نگاه کردن	گذاشتن
9.	u:	u:	tu:	fju:	fruit
			two	few	fruit
			دو	کم	میوه
10.	ʌ	ʌ	ʌn	dʌn	ka:t
			son	done	out
			پسر	کرده	قطع کردن

11.	e:	e:	fe: fur	we:d word	ʃe:t shirt
			پوست	کلمه	پیراهن
12.	e	e	e baʋ above	e man a man	'o: man the man
			بالا	یک مرد	مرد
			/le:ə letter	/ple:ə pleasure	/soʋfə sofa
			نامه	خوشی	نیمکت

THE DIPHTHONGS

صداهای ترکیبی

13.	ei	ei	dei day	meid maid	lait late
			روز	خدمتکار	دیر
14.	ou	ou	nou no	roud road	houp hope
			نه	راه	امید
			houl whole	tould told	
			تمام	گفت	
15.	ai	ai	mai my	taim time	lait light
			مال من	وقت	روشنایی

قسمت صداها

16.	au	au	nau now	taun town	haus house
			حالا	شهر	خانه
17.	oi	oi	boi boy	noiz noise	vois voice
			پسر بچه	سر و صدا	آواز
18.	ie	ie	hie here	fiəz fears	fies fierce
			اینجا	میترسد	خشمگین
19.	ee	e	'bee there	keəz cares	skeəs scarce
			آنجا	مراقبت ها	نادر
20.	oe	oe	foe four	moə more	joez yours
			چهار	بیشتر	مال شما
21.	ue	ue	ʃue sure	tue tour	pjue pure
			مطمئن	سیاحت	خالص



بعضی از ترکیبات حروف صدا دار

Some Vowel Combinations

eie	eie	/pleie	
		player	
		بازی گن	
oue	oue	/loue	
		lower	
		پائینی	
aie	aie	/faie	/haie
		fire	higher
		آتش	بالا تر
auē	auē	/paue	/aue
		power	our
		قوه	مال ما
oie	eie	im ploie	
		employer	
		کار فرما	

قسمت صداها

Vowels in Pairs for Comparison

حروف صدا دارد و تادوتا برای مقایسه صداها

1,	2	li:v leave	liv live	si:t seat	sit sit	fi:l feel	حسن کردن
			زندگی کردن	نشستن	نشستن		
			ترك نمودن				
2,	3	ri:d rid	red red	li:ft lift	left left	fi:l fill	پر کردن
			قرمز	بلند کردن	چپ		
			خالص کردن				
3,	4	men men	man man	se:t set	sa:t sat	le:nd lend	قرض دادن
			مرد	غروب کردن	نشست		
			مردها				
4,	5	ka:t cat	ka:t cart	pa:k pack	pa:k park		
			چهار چرخه	بسته	پارک		
			گربه				
5,	6	la:dʒ large	lɒdʒ lodge	ha:t heart	hot hot		
			منزل	قلب	داغ		
			وسیع				
6,	7	ko:d cod	ko:d cord	ʃot shot	ʃo:t short		
			ریسمان	گلوله	کوتاه		
			روغن ماهی				
8,	9	gu:d good	fu:d food	fu:t foot	bu:t boot	fu:l full	
			غذا	پا	چکمه	پر	
			خوب				

قسمت صداها

10, 11	bad bud	bə:d bird	hæt hut	hɔ:t hurt	sæt such
4, 10	فنجیه ran ran	پرند ه ran run	کلبه mat match	ازدیت کردن mat much	چنین han hang
	د وید	د وید ن	کبریت	زیاد	آویختن
5, 10	ka:m calm	kam come	ma:t march	mat much	
	آرام	آمدن	راه پیمائی	زیاد	
6, 10	lok lock	lak luck	hot hot	hæt hut	
6, 8	قفل lok lock	بخت luk look	داغ pot pot	کلبه put put	
	قفل	نگاه کردن	کوزه	گداشتن	
3, 11	ten ten	tə:n turn	bed bed	bɛ:d bird	
	ده	چرخاندن	تختخواب	پرند ه	
5, 11	ba:n barn	bɛ:n burn	da:t dart	dɛ:t dirt	
	انبارگاه	سوختن	تیر	کثافت	
3, 13	edʒ edge	eidʒ age	men men	mein main	
	لبه	سن	مرد ها	اصلی	
7, 14	lo: law	lou low	so: saw	sou so	

قسمت صداها

	قانون	یست	اره	چنین
	ho:l	houl	ko:ld	kould
	hall	whole	called	cold
	تالار	تمامی	دیدن کرد	سرد
3, 19	/veri	/veəri		
	very	vary		
	خیلی	تغییر یافتن		
11, 19	fə:	feə		
	fur	fair		
	پوست	زیبا		
4, 19	/mari	/meəri		
	marry	Mary		
	ازدواج کردن	مری		
18, 19	hiə	heə		
	here	hair		
	اینجا	مو		

The Alphabet

الفبا

A	B	C	D	E	F	G	H	I	J
a	b	c	d	e	f	g	h	i	j
ای	بی	سی	دی	ای	اف	جی	ایچ	آی	جی
K	L	M	N	O	P	Q	R	S	T
k	l	m	n	o	p	q	r	s	t
کی	ال	ام	ان	او	پی	کیو	آر	اس	تی

### قسمت صداها

U	V	W	X	Y	Z
u	v	w	x	y	z
یو	وی	دبلیو	وای، اکس	زد	

\* توضیح - برای آشنائی بیشتر با علامات فونتیک بین المللی که برای تلفظ صحیح کلمات انگلیسی بکار می‌رود می‌توانید به ابتدای دیکشنری‌ها مراجعه نمایید .

## قسمت تمرینات

پس از قسمت تلفظ صحیح در طرف دوم نوار ۲ می‌رسیم به قسمت تمرینات در این قسمت که تا آخر نوار ۳ ادامه دارد و بسیار مهم است شما باید کم کم یاد بگیرید که شروع به صحبت به زبان انگلیسی کنید .

همانطور که میدانید در سهای زوج کتاب بیشتر مکالمه‌های هستند در قسمت تمرینات نیز در سهای زوج و قسمت دوم بعضی از در سهای آخر کتاب که مکالمه‌های هستند با جملات و ترکیبات تازه ( در کادر و چهار چوب لغات درس ) یکبار توسط گوینده انگلیسی سؤال میشود سپس یک گوینده دیگر جواب آن سؤال را میدهد پس از آن مجدداً " همان سؤال توسط گوینده انگلیسی تکرار میشود و مکث کوتاهی در نوار میشود که شما بتوانید با صدای بلند جواب سؤال را با انگلیسی بدهید سپس گوینده انگلیسی جواب صحیح سؤال را میدهد .

این قسمت بسیار مهم بوده و کمک مؤثری در برآوردن زبان شما مینماید . متن این سؤال و جوابها به هیچوجه در کتاب ذکر نگردیده ( از نظر اصول آموزش نیز قاعدتاً " نبایستی ذکر میگردید زیرا از تاء ثیر یا دگیری آن کاسته میشد ) و تنها از نوار پخش میگردد .

\* \* \*

## SUPPLEMENTARY READING

خواندن اضافی و مکمل درسها ( بیشتر درسهای زوج )

مختصری در مورد این قسمت در مقدمه کتاب ذکر گردیده است که اصولاً این قسمت برای تمرین و خواندن اضافی درسها در چهارچوب همان لغات دروس میباشد . نکتهای را که باید در اینجا اضافه کنیم اینست که همانطور که شاید تاکنون متوجه شده باشید از این ۵۰ درس کتاب یک درمیان یعنی تقریباً "بیشتر درسهای زوج معمولاً محاوره‌ای و مکالمه‌ای میباشد و درسهای فرد بیشتر وصفی و توصیفی میباشد ، بنابراین این قسمت بیشتر شامل ساختن جملات دیگری با استفاده از لغات درسهای زوج میباشد . لذا هر وقت یک درس زوج کتاب را خواندید بلافاصله قسمت تکمیلی آنرا که در صفحات بعد آمده بخوانید .

لازم بتذکر است که این قسمت صرفاً " جنبه تمرینی داشته و هیچکدام از قسمت های آن بروی نوار ضبط نگردیده است .

\* \* \*



## INTRODUCTION

Good morning! How are you?

Quite well, thank you.

Let's listen to the record. You are learning to speak English.

This is an English voice. Do you speak English?

A little, but I'm not an Englishman.

What is this?

It's my English book.

Do you understand English?

I understand when you speak slowly, but I don't understand when you speak quickly.

Am I speaking quickly now?

No, you are speaking quite slowly.

Listen to this question on the record: "What are you learning?" Do you understand it?

Yes, I do.

What is the answer?

The answer is: "I'm learning English".

## LESSONS 1-2

Whose pipe is this?

It's my pipe.

And whose book is this?

\* See Preface.



## SUPPLEMENTARY READING

It's John's.

Who is John?

He's my son.

Is he your only child?

No, I have two boys and a girl.

What are their names?

Peter, John and Mary.

How old are they?

Peter is nine, John is five, and Mary is two.

Isn't *your* name Peter?

Yes, it's a family name. My father's name is Peter, my name is Peter, and my son's name is Peter. . . . Have *you* got any children?

Only one, a girl.

Is your wife English?

No, she isn't.

Does she speak English?

Only a little, but she understands it quite well.

Is she younger than you?

Yes, she's five years younger than I am.

## LESSONS 3-4

Where do you live?

I have a small flat in London.

How many rooms have you got?

There's the sitting-room, two bedrooms and a bathroom.

Is it a ground-floor flat?

No, it's at the top of the house, on the third floor.

Are you married?

Yes, I got married five years ago, and I have one child, a boy of four.

Have you a garden?

Yes, there's quite a large garden at the back of the flats. John is there now. He's playing with our dog.

Is there also a vegetable garden?

No, there are only apple-trees and flowers in the garden.

## SUPPLEMENTARY READING

Where do you keep your car?  
In the garage at the side of the flats.

### LESSONS 5-6

When you enter our sitting-room, the first thing you notice is the large window opposite the door. On the left is an armchair with a small table by it. On the table are some books and an electric table-lamp. There are two other armchairs in the room and a settee.

Aren't there any small chairs?

Only one, which is next to the radiogram, opposite the window. I also have a small gramophone, which I keep in my bedroom.

Have you many records?

Quite a lot. There are some in the bookcase, which is on the right of the window, next to the mantelpiece.

Do you read a lot?

Yes, everybody in our family likes reading. There are books in every room.

What else is there in the room?

Nothing else. We don't like a lot of things in our rooms.

### LESSONS 7-8

Many English people prefer a coal fire in the sitting-room but they sometimes have electric fires in their bedrooms. Some London flats have radiators in all the rooms, but you don't see them in small houses. On the whole I prefer coal fires. I like to sit in an armchair by the fire and read a book or listen to the wireless. Sometimes my daughter plays to me. She's a very good pianist, but not as good as her mother. My wife plays the violin too. She and I are very fond of music, but we don't like some of the modern music that many young people play now.

Is it a grand piano that you've got?

Yes, and it's quite a fine instrument too. I bought it for my wife about ten years ago.

LESSONS 9-10

Hallo, John, I'm so glad you've come. How are you?  
Quite well, thank you. How are you?  
Very well indeed, thank you. Have you met Mr. and Mrs.  
Black? They are staying with us for the week-end.  
Oh yes, we know each other quite well.  
That's good. . . . And now this is Mary with the tea, I think.  
Yes, it is. Thank you, Mary. John, you can pass the tea  
round. Do you have sugar in your tea, Mrs. Black?  
Just a little, please, but no milk.  
And sugar for you, Mr. Black?  
Yes, please, I like a lot of sugar.  
Most men do, I think. My husband likes his tea *very* sweet.  
And what will you have with it—a sandwich, or one of  
these cakes?  
A sandwich, please.  
How is your mother, Mrs. Black? I hear she's not been very  
well.  
No, she hasn't, but she's much better now. She's staying with  
my brother for a few days and then she's coming to stay  
with us.  
I'm glad to hear she's getting better.

LESSONS 11-12

As Mary will be at home to-morrow, after staying a long  
time with her uncle, a few of her friends will be coming to  
dinner. Her mother is going to have a wonderful meal  
ready for them.

First there'll be a delicious vegetable soup. After this  
there'll be fish and then chicken, which has just arrived  
from the country. The sweet will probably be trifle and  
cream, and as the Whites grow quite a lot of fruit in their  
garden, the visitors will be able to have some apples and  
pears to finish with.

After dinner, Mary's friends will go into the  
sitting-room and there they can sit by the fire and talk.

One of her friends plays the piano very well, so they can also enjoy some good music.

LESSONS 13-14

Trrrrr . . . . !

*Mrs. A.:* Oh, there goes the alarm! I do feel tired this morning. I should love to stay in bed.

*Mr. A.:* Yes, it was twelve o'clock when we got to bed. Did you like the picture we saw last night?

*Mrs. A.:* Oh yes. I always like a film about London. I thought the niece was very sweet, and I couldn't help admiring her uncle's house. What a beautiful garden he had! A little larger than the one we used to have when we were living in the country.

*Mr. A.:* I preferred the young maid to the niece, she played her part better.

*Mrs. A.:* Well, on the whole, I don't think there was much to choose between the two, but I really thought Richard White was the best of all. . . . —Now let's get up. You go into the bathroom first and I'll get the breakfast ready while you're having your bath. Are you going to catch the early train this morning?

*Mr. A.:* Yes, I have to see Jones at nine o'clock, as he's going abroad tomorrow.

LESSONS 15-16

Mr. and Mrs. Richards are going to London this year. Mr. Richards has to go there on business, and when he's finished it, they'll stay for their holiday.

They've engaged a room at one of the best hotels and will stay for about four weeks. They will not take much luggage with them, as they intend to visit a lot of shops. While they're there, they'll be able to celebrate their wedding anniversary, as they'll have been married just six years on the Wednesday after they arrive.

Mr. Richards used to live in London when he was younger, so he knows his way about, and he'll enjoy

## SUPPLEMENTARY READING

showing his wife the places he used to visit. Mrs. Richards is an artist and hopes to be able to paint some of the interesting things she sees. Some of her pictures are very fine indeed and I think she'll be quite famous one day.

### LESSONS 17-18

Good evening, George! It's fine to see you again.

Good evening, Henry. It's wonderful to be back in England at last.

Let me see, it's over twenty years now since we saw each other. . . . —Where shall we dine? At a quiet restaurant?

Oh yes, I hate a lot of noise, and I want to talk, don't you?

I haven't brought my evening suit with me either, so I can't go to a fashionable place.

All right, we'll go to a quiet little place I know, where there'll be no orchestra and no dancing.

\* \* \*

What shall we have to eat?

I'd like a steak and chips, and some fruit salad.

I think I'll have the same.

What about those wonderful meals we used to have in the good old days?

Yes, they really were delicious, but I'm older now and I don't get so hungry. All the same, I think we ought to have a drink to celebrate your home-coming. What do you say?

Fine! We'll ask the waiter to bring us a bottle of wine.

### LESSONS 19-20

Johnnie was six years old. He could read and write quite well, but he couldn't tell the time. So instead of saying eight o'clock, twelve o'clock, and so on, if somebody asked him the time, he would answer "breakfast-time", "dinner-time" or "tea-time".

His Aunt Mary thought she would teach him.

—Can you count, Johnnie?

—Oh yes: one, two, three, four, five, six, seven, eight, nine, ten, eleven, twelve . . . .

## SUPPLEMENTARY READING

—That'll do. That's fine. Now, I put the large hand on twelve and the small one on the one—that's one o'clock. If I put the small hand on the two, what's that?

—Two o'clock.

—Good. And on the three?

—Three o'clock.

It was then four o'clock in the afternoon, and Johnnie's aunt looked at him.

—What time is it now, Johnnie?

—Tea-time, Auntie, and I'm very hungry!

## LESSONS 21-22

I find English money very difficult to understand, don't you?

Not at all, it's very easy once you've got used to it. Come with me when we pay the bill, and you'll see what it's like. This bill comes to twelve and six (12s. 6d.). What does that mean?

Well, you have here a ten-shilling note, and a two-shilling piece. That makes the twelve shillings. Now you want a sixpence, or you can give me those two threepenny bits you have, and then you have the twelve and six you need. What about the waiter? Shall I give him these two large coins?

Oh no! They are only pennies. You must give him at least a shilling. Or if you like to pay him with that pound note you must see that you get seven and six (7s. 6d.) change. You can then give the waiter something out of that, if you like.

## LESSONS 23-24

I'm just going to the Post Office. Have you any letters you would like me to post?

Yes, thank you. I have quite a number here. These are stamped, so you can just drop them in the pillar-box.

All right. And what about the rest? Do they all need threepenny stamps?

## SUPPLEMENTARY READING

Oh no! These must have sixpenny stamps, and this one I should like registered.

What about this parcel?

Yes, take that too, please. Get them to weigh it at the Post Office, and tell you how much it costs.

Oh, look. Here's a telegraph-boy coming. He must have a telegram for us. . . . No, he hasn't, he's going next door, after all. I needn't wait any longer then.

You'd better bring some stamps back with you. We're sure to need them.

### LESSONS 25-26

I hear that you're quite a traveller. Is that a fact?

Oh yes, I'm very fond of travelling, and I spend much of my time visiting various parts of the world, sometimes on business, and sometimes for pleasure.

Have you always travelled by aeroplane?

No. I have usually gone by air on my business journeys, but when I travel for pleasure, I prefer to go by train and ship. It's interesting getting to know the other passengers, and there's nothing I enjoy more than being on the sea in any kind of weather.

Most of *my* journeys have been made by train. I find it quite enjoyable, except in the holiday season, when there are such crowds that you can hardly get a seat. I certainly don't enjoy standing for the whole of a journey.

*Then*, of course, it's better to go by car.

### LESSONS 27-28

Good morning. I thought you were in London.

I *have* been there for a few days. In fact, I've only just arrived home from a very interesting visit.

Really! You came by air, I suppose.

Oh yes, and a very good journey we had too. It's certainly a wonderful way of travelling, and so comfortable. I don't feel in the least tired.

I've been told that flying is rather uninteresting.

## SUPPLEMENTARY READING

I've never found it so. I always enjoy looking at the houses, motor-cars and villages down below. They look just like children's playthings.

Yes. I must certainly go by air one day. All the same, I generally enjoy the journey by train and boat. You get more change that way, looking out at the countryside from the train, and then there's the noise of the docks. And I love being on the sea, even for a short journey, like the Channel-crossing. I don't get sea-sick, you know, even in the worst weather.

### LESSONS 29-30

What a busy street! Where are we now?

This is Oxford Street. Let's go along and look in the shop-windows.

Oh look, there's a book-shop across the road. Shall we go over and see if they've got any interesting books?

Be careful. Wait until the traffic stops. . . . Now it's all right. Have you been here before?

Yes, very often. My wife always likes to visit the shops here. She likes Regent Street too. We could turn down here and go as far as Piccadilly Circus.

Yes, let's do that. I've always wanted to see Piccadilly. Then perhaps we could get on a bus or take the Tube. I'm beginning to feel tired.

It is rather tiring walking around in a city. There are so many people in the streets, the traffic is so noisy, and the shops are so large that you really walk a long way without knowing it.

Perhaps it would be as well to go into a restaurant for a cup of coffee.

Why yes, certainly. All the large shops have a café where you can sit in comfort and have a meal, or just a cup of tea or coffee, if you prefer.

Well then, we'll just have a look at a few more shop-windows and then stop for rest and refreshment.



## SUPPLEMENTARY READING

### LESSONS 31-32

The last time I went to London I didn't have time to visit all the places I wanted to see. This time I hope to do better. I was able to find my way, of course, and I soon got to know where the main streets were and the most famous buildings. But I had no time to go inside and have a good look at them. I think I shall spend a whole day at Westminster. If I can, I shall go to the Houses of Parliament. Then, of course, I can spend quite a long time in Westminster Abbey and learn about all the interesting things there.

The parks are worth a longer visit too. I think the one I like best is Kensington Gardens, but they're all beautiful in their own way.

I understand you can go by steamer down the Thames from Westminster to Tower Bridge. That's a very pleasant way to travel, and you can see the London bridges and quite a number of interesting buildings on the way.

That's a good idea. What about the Zoo? Did you get there on your last visit?

Yes, but I hadn't time to see all the animals, so I should like to go again. I think they've had quite a number of new animals since I was there last.

### LESSONS 33-34

Do let's go into this store. I've got quite a number of things to buy, and I believe I can get them all in this one shop.

What shall we look at first?

Gloves, I think. They will probably be on the ground-floor.

Yes, here we are, and I can see just the kind I want. . . .

Well, that didn't take long. Now let's go up by the escalator to the third floor.

We'll just take a quick look round to see if there's anything we could take back as presents for the family.

I like these books, don't you? Shall we ask how much they are? . . . .

—I want to get a comb and some safety-pins. Where do you

## SUPPLEMENTARY READING

think I shall find them?

Oh, you must go to the haberdashery department. That's on a lower floor, I believe. We'll get them on our way out.

How do you like those suède shoes just over there, on the right?

I like them very much indeed.

Do you think they're my size?

They look just about right. We'll ask the assistant. . . .

—Good. That's all right then.

Is there a restaurant in this store?

Yes, on the top floor.

Then let's go up and have lunch. It's getting rather late, and I'm very hungry.

## LESSONS 35-36

Do you like my new suit? This is the first time I've worn it.

I thought it must be new. It looks splendid. Did you have it made for you?

Yes, I did. It took me a long time to find a good tailor. At last, a friend gave me the address of *his* tailor, so I went along to see him, but he had a very small stock of materials to choose from, so I had to wait until his new stock arrived.

Did you have to wait long?

A couple of weeks. At the first fitting I wasn't at all pleased and they had to make a number of alterations, but I think the suit looks all right now.

It certainly does. My wife had the same trouble with some dresses she wanted. Of course, she's rather difficult to please, and she spends a lot of time choosing the material and the style, and even the buttons. By the time the dresses are ready, they're almost out of date!

I shan't need another new suit for a long time yet. I've bought all I can afford for some time. I should have liked a new raincoat, but this one is still quite good, so I think I shall be able to wear it for another year, at least.

## SUPPLEMENTARY READING

My wife tells me she needs a new fur coat before the cold weather starts. So probably I'll have to wait a year or two before I have anything made for myself!

### LESSONS 37-38

I used to work at a tobacconist's, and I found it quite interesting. I don't smoke myself, but I learned a great deal about the different brands of tobacco and cigarettes. When men came in to buy a pipe or a cigar, they'd spend a long time looking at all the different kinds before they finally made their choice. On the other hand, they'd come in for a packet of cigarettes and be out of the shop again in less than a minute.

Sometimes a woman would come in to buy a lighter for her husband, or it might be the husband who was buying one as a present for his wife. I'd enjoy showing them all the different kinds we had and helping them to choose the one they thought would give the most pleasure.

Very few children came into the shop, because we didn't keep stationery or sweets. I should prefer to serve in a larger shop where people would come in for papers and magazines as well. If we had sweets and chocolates too, I should probably eat too many for the first week or two, but after that I should get so used to them that I should probably not want any more.

### LESSONS 39-40

I'm going to spend tomorrow morning at the hairdresser's. I need a new perm, so I shall be there for several hours. I always go to the same place, so they know just how I like them to do my hair. They always take great care with the shampoo.

I suppose everybody has to go to the hairdresser's at some time or other. I ought to go this week, too, but I've no time to spare. I really must make an appointment for next week.

But you don't need a new perm yet, surely?

## SUPPLEMENTARY READING

Oh no, but my hair needs cutting, so I shall have it shampooed at the same time.

How easy it is for the men! They can have their hair cut at any time without having to make an appointment beforehand, and they don't have to give up a whole afternoon sitting at the hairdresser's having a perm.

No, but then they have to shave every day.

Yes, I shouldn't care for that, because I hate getting up early. I like to lie in bed until the last moment.

Even if they have a beard, it has to be trimmed.

Oh, I don't like beards at all. My husband thought he would grow one, but I gave him an electric razor as a birthday present, and he soon gave up the idea.

## LESSONS 41-42

How do you like to spend your time in the summer?

Oh, I'm always very busy. But I'm very fond of most outdoor games, and in the summer I always spend some time on the tennis courts.

I suppose you play golf too, as there are links so near?

Yes, but not if the weather's too hot. I like to go riding too, when I can get to the country.

I think walking is one of the pleasantest ways of passing the time. I love to set off for a long day in the country, at any time of the year. Each season has its own beauty. Even in winter, a long walk in the country is enjoyable. And how pleasant it is to sit by a warm fire after a day in the open air!

Did you ever take up boxing?

No, I'm not really interested in that, though I do enjoy watching it occasionally.

I should like to try the winter sports. I'm sure it wouldn't take me long to learn to ski, but of course in England we don't usually get enough snow for that.

LESSON 43

John was a little boy from the town who went to spend a holiday at a farm. He hadn't been to a farm before, and this was the first time in his life that he had seen such animals as goats and sheep, pigs and cows.

He wanted to see everything. The first morning he got up almost before daylight to watch the farmer milk the cows. Then he wanted to help feed the other animals. The farmer gave him a lamb and told John he must take great care of it, as its mother had died. Soon the lamb would follow John all over the farm.

John also learnt to feed the chickens and collect the eggs. He liked the pigs too, and spent many an hour at their sty just watching them.

At last the day came when John had to go back to his home in London. That was a very unhappy day for him. He went with the farmer to see all the animals, and said good-bye to every one of them. He felt sure they understood him, though they could say nothing to him.

Finally, he had to leave his lamb. This made him more unhappy still, but the farmer offered to look after the little animal himself until John could come back on another visit, which they all hoped would be quite soon.

LESSON 44

We had a grand holiday last year. My husband and I took the children to the seaside for a month.

We have five children. John, the eldest, is thirteen years old, and little Mary, the baby, is only two and a half.

John has been to the seaside several times before, but this was the first time the other children had been. Naturally, it was a great event for them. For weeks before we were to go, they talked of nothing else, and they were very busy getting their things ready.

Finally, the day came when our holiday was to begin. John was a great help in looking after the other children, and so was Betty, who is nearly eleven.

## SUPPLEMENTARY READING

It was a fine morning. We were all up very early as we wanted to leave home soon after breakfast.

We made the journey by car, and we took some refreshments with us, so that we could stop for lunch when we found a pleasant place in the country.

We reached the seaside town, where we intended to stay, in the early afternoon, and as soon as we arrived the children were asking if they could go down to the beach and see the sea.

After that, we spent many hours of each day on the beach. The children made sand-castles and bathed. John and Betty, who are quite good swimmers, had a swim every morning with their father, while I sat with the others.

Several times my husband and I went to the theatre in the evening, and once or twice we went dancing.

### LESSON 45

Mary Day was very fond of motoring, but she didn't really know much about a car. She had learnt to drive, and was quite satisfied to be able to do that. She always supposed that if ever her car broke down, she would be sure to find somebody near at hand who would help her.

Once she went off to spend the day with friends in the country. She had a fine time, and was returning along a quiet country road, when she noticed that the engine of her car was making a strange noise. She stopped the car while she tried to think what might be the trouble. When she tried to start it again, nothing happened. She sat back and waited for a while, smoking a cigarette or two and expecting that somebody would shortly pass by who could help her. But there was nothing to be heard except the birds in the trees.

Now it was beginning to get dark. Mary wanted to be back in London before dinner-time, as she had some friends coming to dinner. After a time, she opened the bonnet of the car and looked inside. So many things met

## SUPPLEMENTARY READING

her eyes that she had no idea which one was at fault. She felt one or two of the parts in case something had broken. Then she got back into the driver's seat and tried to start up again. Still nothing happened.

At that moment, a schoolboy came walking along the road. He stopped and looked at the car and Mary sitting in it, very red in the face.

"Can I help you?" he said.

"I don't know", answered Mary, "—I'd certainly be glad if you could".

The boy took off his coat and started to work. In five minutes he had found out what was wrong. Mary says she must learn how to look after her car herself, so that another time she won't have to wait an hour for someone to pass.

### LESSON 46

Mr. Smith is dictating to his typist:

—Miss Jones, will you please take down a letter for Messrs Blaney Bros. (*Brothers*). You can get the address from their letter.

—Yes, sir.

Dear Sirs,

We thank you for your letter of March 2nd and are pleased to advise you that we can let you have an excellent selection of the very latest summer dress-materials in all colours and at various prices, as you will see from the patterns enclosed. We have had to mark pattern No. 387 "Not in stock" but are hoping to be supplied with it again this month.

If you will let us know what patterns and quantities you require, we shall be pleased to attend to your order at once.

Yours faithfully,

.....

## SUPPLEMENTARY READING

—Now, this one must go off today:

Messrs. Harris and Co.

Barton Street,

Leeds.

Dear Sirs,

*Our Order 7612*

We are surprised to find that we have had no answer to our letter of the 12th of last month.

We have to arrange for the shipment of our goods by the end of June and shall be glad if you will see that the matter is attended to at once.

Yours faithfully,

.....

### LESSON 47

Mrs. Green had to visit the doctor the other day and she took her small son with her.

“Well”, said the doctor, “and what is wrong with this young man?”

“Nothing”, said little Peter. But his mother said that his tongue was a very bad colour and she was rather worried about him.

“Let’s have a look”, said Dr. Wild. He felt the child’s pulse and looked at his tongue. Then he said, “Have you any sweets in your pocket?”

“Yes”, said Peter, and pulled out a handful of brightly coloured sweets.

The doctor and Mrs. Green looked at each other in amusement, and the doctor said, “He’s quite all right, you see, Mrs. Green. And now, how’s that bad leg of yours? Let me look at it. . . . Oh, it’s much better. I think you can leave the bandage off now”.

Mrs. Green and Peter said good morning to the doctor and went out. On the way home, they called at the chemist’s to buy a few things. Mrs. Green got some ointment, a couple of bandages and some adhesive plaster, as her children are always falling and cutting themselves. Then



she had to buy a lipstick and some face-powder for herself, as well as some shaving-soap for her husband. While she was doing this, Peter walked round the shop looking at all the fascinating things for sale.

#### LESSON 48

On a cold winter's night, I love to be able to spend an evening watching the television or listening to the wireless. Sometimes the whole family are able to listen together. My wife and I make ourselves comfortable in easy chairs, while the children lie in front of the fire with the cat and dog.

The children like music, especially any kind of dance-music. After they have gone to bed, my wife and I listen to concerts and also to serious talks and plays. We're very fond of opera, too, so when there's an opera being broadcast, we always arrange to spend the evening at home. I, of course, get very enthusiastic about the sporting events, and I sometimes stay up quite late to listen to a boxing match.

Lately there have been so many good programmes to listen to that I've not had much time for foreign stations. I do like to listen to them from time to time, however, as I find it so helpful for keeping up my languages. I can get many foreign stations on my set, and sometimes I get so interested that I sit up far later than I ought.

#### LESSON 49

My brother and his wife have just gone back to their home in the country after spending a week with us. As we live in London, they were glad of the chance to visit as many theatres as they could. They have a good cinema in the little town where they live, so they didn't want to see any films while they were here, but they were very keen to see as many plays as possible.

During the day, my wife and sister-in-law used to visit the shops, and one afternoon they went to a

picture-gallery. Then in the evenings, we would all meet for dinner and go on to a play.

We saw several plays, including two new ones, with two very promising young actresses. When I was younger, I used to go to the theatre a lot. I used to queue up for a seat in the gallery in those days. I must say I enjoy being able to have a good seat in the stalls now, and I like to book the seats beforehand to save trouble.

We saw a very good revue too. The music and costumes were most attractive. The last evening before John and Betty had to go home, we saw a musical comedy. I am not very fond of these myself, as a rule, but I quite enjoyed this one. We were all rather tired, I think, and it made a change from the serious drama that we'd seen the night before.

### LESSON 50

My son is just discovering the beauties of English literature. Last year at his school they acted some scenes from Shakespeare, and he had quite an important part to play. He soon became very enthusiastic and was to be heard at all hours of the day practising his part until his throat must have ached. He even gave up cricket for it, so that he might spend his time learning until he succeeded in making himself word perfect.

This year he is reading novels by Scott and Dickens. He always goes to see films made from famous writings, and tries to read the books beforehand, so that he can appreciate the films more. I'm not sure that this is always a good thing. Sometimes I think it's better to read the book afterwards. I shall be very pleased when he knows some other languages well enough to read foreign literature in the original.

He's also getting fond of poetry now, so I suppose we shall soon be hearing his voice speaking the beautiful, familiar words of Keats, Tennyson and Browning. I must say he reads very well, and I shouldn't be surprised if he

## SUPPLEMENTARY READING

takes up acting for a living one day. If he does, we shall certainly encourage him, for we think he really has a gift for it.

### FROM THE BIBLE

A good name is rather to be chosen than great riches.

*(Proverbs 22, 1)*

Man shall not live by bread alone. *(Matthew 4, 4)*

Many are called, but few are chosen. *(Matthew 22, 14)*

A stranger in a strange land. *(Exodus 2, 22)*

There is no new thing under the sun. *(Ecclesiastes 1, 9)*

A man after his own heart. *(1 Samuel 13, 14)*

The very hairs of your head are all numbered. *(Matthew 10, 30)*

The light of the world. *(Matthew 5, 14)*

The salt of the earth. *(Matthew 5, 13)*

Of making many books there is no end. *(Ecclesiastes 12, 12)*

### FAMILIAR

### ENGLISH QUOTATIONS

What's mine is yours, and what is yours is mine.

*(Shakespeare: Measure for Measure)*

I never knew so young a body with so old a head.

*(Shakespeare: The Merchant of Venice)*

All the world's a stage,  
And all the men and women merely players.

*(Shakespeare: As you Like It)*

Can one desire too much of a good thing?

*(Shakespeare: As you Like It)*

Men of few words are the best men.

*(Shakespeare: King Henry V)*

When a man is tired of London he is tired of life.

*(Samuel Johnson)*

Dictionaries are like watches; the worst is better than none, and the best cannot be expected to go quite true. *(Samuel Johnson)*

I love everything that's old: old friends, old times, old manners, old books, old wine. *(Oliver Goldsmith)*

The child is father of the man. *(Wordsworth)*

O to be in England

Now that April's there. *(Robert Browning)*

\* \* \*

## آیا برآستی ۱۷۰ ساعت وقت را در راه یاد گرفتن این دوره صرف نموده اید؟

چنانچه دستورات را یک بیک و بدقت تعقیب نموده و وقت لازم را برای فرا گرفتن هر درس صرف کرده باشید اکنون تصدیق خواهید فرمود که این دوره با مقایسه با طریق دیگر در یاد دادن زبان اعجاز مینماید .

شاهد بودید که ما با شما همیشه همراه بوده و تسهیلات کامل و بیسابقه ئسی برای آموختن زبان فراهم نمودیم . و چنانچه روش ما را کاملاً "تعقیب نموده باشید اکنون بدون شک به نتیجه مطلوب حتی بالاتر و بهتر از تصور قبلی خود رسیده اید و ای اگر بواسطه عوامل و اشکالاتی از دروس عقب مانده اید ما باز جاضریم بشما کمک نمائیم بشرط اینکه دروس را آنطور که باید و شاید کاملاً "مرور نموده و تمرینات مربوط را انجام دهید و ما نیز بنوبه خود قول میدهیم که در پیشرفت شما راهنمای خوبی باشیم .

چنانچه برآستی ۱۷۰ ساعت را روی روش پیشنهادی صرف نموده و نتیجتاً " از این دوره آموزش زبان انگلیسی راضی شده اید اکنون میتوانید از هر یک از دوره های دیگر ما مانند آلمانی و فرانسه و روسی و ایتالیائی نیز استفاده نمائید .

\* ۱۷۰ ساعت مساوی است با تقریباً سه ماه ( روزی ۲ ساعت ) .

\* \* \*

۹ - دروس کتاب مصور بوده و شکل‌های زیبایی کتاب  
کار هنرمندان نقاش معروف میباشد. این نقاشیها  
سهیم بسیار مهمی در یاد دادن هرچه بهتر و  
سریعتر لغات دروس کتاب دارند.

۱۰ - در آخر نوارها قسمت تمرینات قرار دارد که  
در این قسمت شما باید کم کم یاد بگیرید که  
شروع به صحبت بزبان انگلیسی نمائید.

۱۱ - در قسمت مطالعه تکمیلی درسا در آخر  
کتاب یاد میگیرید که چگونه با لغاتی که آموخته‌اید  
جملات تازه دیگری بسازید و انگلیسی خود  
را گسترش داده و بآن تسلط پیدا نمائید.

۱۲ - چون دروس کتابهای انگلیس و فرانسه  
از لحاظ متن دروس یکسان میباشند لذا پس از  
یادگیری یک زبان یاد گرفتن زبان دیگر برای  
شما خیلی آسانتر خواهد بود.

۱۳ - با داشتن این کتاب و نوارهای آن در  
حقیقت چند معلم را با تلفظ کامل " صحیح  
برای تمام مدت بخدمت گرفته‌اید به نحوی  
که هرگاه اراده کنید میتوانید از آنها استفاده  
نمائید حتی در اتومبیل، مدرسه، محل کار و  
غیره.

۱۴ - سه نوار کاست این دوره هر کدام یکساعته  
بوده و با استفاده از بهترین نوع نوار و تکنیک  
شناخته شده برای هرچه بهتر و صاف تر بودن  
صدای گویندگان تهیه گردیده است. زمان هر  
طرف نوارها بین ۲۸ تا ۳۰ دقیقه بسته به طول  
آخرین درس میباشد.

قیمت این دوره همراه بانوارهای کاست آن

قیمت ۳۸۰۰ ریال

## عنوان دروس روی نوارهای کاست

کاست اول :

**A** : درس مقدمه ( قسمت اول ) - درس مقدمه ( قسمت دوم )

درس اول تا آخر درس ۱۶

**B** : از اول درس ۱۷ تا آخر درس ۳۳

1

کاست دوم :

**A** : از ابتدای درس ۳۴ تا آخر قسمت اول درس ۴۶

**B** : از ابتدای قسمت دوم درس ۴۶ تا آخر درس ۵۰ و قسمت

اول و دوم صداها و تمرینات درس مقدمه ( قسمت دوم )

2

کاست سوم

**A** : تمرینات درس ۲ و ۴ و ۶ و ۸ و ۱۰ و ۱۲ و ۱۴ و ۱۶ و ۱۸

۲۰ و ۲۲

**B** : تمرینات درس ۲۴ و ۲۶ و ۲۸ و ۳۰ و ۳۲ و ۳۴ و ۳۶ و ۳۸

و ۴۰ و ۴۲ و ۴۳ ( قسمت دوم ) و ۴۴ ( قسمت دوم ) و ۴۵ ( قسمت

دوم ) و ۴۶ ( قسمت دوم ) و ۴۷ ( قسمت دوم ) و ۴۸ ( قسمت دوم )

و ۴۹ ( قسمت دوم ) .

3